



قرآن و عترت

هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا):

دکتر حمید پارسانیا: دانشیار گروه جامعه شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
دکتر فریبا حاج علی: دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه الزهراء
دکتر محسن رفیعی: استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان استان قم
دکتر احمد رهنمایی: دانشیار گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
دکتر معصومه شریفی: استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان استان قم
دکتر محمد مهدی صفورایی: دانشیار گروه روانشناسی تربیتی جامعه المصطفی العالمیه
دکتر زینب طیبی: استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان استان قم
دکتر فایزه عظیم زاده اردبیلی: دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق
دکتر محمد فاکر مبدی: استاد تمام گروه علوم قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه
دکتر عبدالله معتمدی: دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی
دکتر زهرا (شادی) نفیسی: دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

داوران این شماره (به ترتیب الفبا):

دکتر عبدالمحمود جهانگیری، دکتر محسن رفیعی، دکتر معصومه شریفی، دکتر زهره شریعت ناصری، دکتر زینب طیبی، دکتر محمد حسن طیبی، دکتر فاطمه علی پور، دکتر نفیسه فقیهی مقدس، دکتر حسن محمدپور، دکتر فاطمه سادات هاشمیان.

همکار این شماره: زینب سوری.

نشانی: قم، بلوار شهید کرمی، روبروی بوستان نقشه، پردیس حضرت معصومه
بسج اساتید خواران دانشگاه فرهنگیان استان قم.

تلفن: ۰۲۵۳۲۷۰۴۶۷۳

آدرس سایت: <http://qej.cfu.ac.ir/journal/contact.us>

آدرس پست الکترونیکی: qej@cfu.ac.ir

quran.etrat.journal@gmail.com

نقل مطالب دو فصلنامه با ذکر مأخذ بلامانع است.

دو فصلنامه علمی- تخصصی قرآن و عترت دارای مجوز نشر به شماره ۸۰۷۱۷ مورخ ۹۶/۱۰/۰۴ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

ساحب امتیاز و مدیرمسئول: دکتر معصومه شریفی مسئول بسج

اساتید خواران دانشگاه فرهنگیان استان قم

سرمدبیر: دکتر زینب طیبی

مدیر اجرایی: هادی برهانی

ویراستار ادبی: دکتر زینب طیبی، زینب ربیعی

مترجم انگلیسی: غلامعلی جوادی

صفحه آرا: حمیده صراف

زبان انتشار: فارسی

قالب انتشار مجله: چاپی - الکترونیکی

تناوب انتشار: دو فصلنامه

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

ISSN: ۲۷۱۷-۱۸۳۳



دستورالعمل نگارش و ارسال مقالات دوفصلنامه علمی- تخصصی قرآن و عترت

الف) راهنمای نگارش مقالات

۱. زبان انتشار دوفصلنامه فارسی است، از این رو مقاله به زبان فارسی باشد.
۲. مقاله تحقیقی، مستند، دارای نوآوری و بر اساس معیارهای پژوهشی و حاصل پژوهش علمی در یکی از موضوعات مرتبط با مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و سنت باشد.
۳. عنوان: دقیق، علمی، رسا، مختصر و متناسب با متن و مسأله پژوهش باشد.
۴. مشخصات نویسنده: شامل نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، تحصیلات، رشته، دانشگاه یا سازمان وابسته، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی باشد.
۵. چکیده: آینه تمام‌نما و فشرده بحث است که باید در بردارنده عنوان و موضوع مقاله، قلمرو بحث، اشاره به مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج، روش تحقیق و رویکرد خاص و فهرستی از واژه‌های کلیدی، حداقل سه واژه و حداکثر هفت واژه باشد و به طور جداگانه به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی و حداکثر ۱۵۰ کلمه ضمیمه شود.
۶. مقدمه: شامل خلاصه‌ای از بیان مسأله، اهمیت و ابعاد موضوع، اهداف پژوهش، سؤال‌های پژوهش و پیشینه‌ی پژوهش باشد.
۷. بدنه اصلی مقاله: در ساماندهی بدنه اصلی مقاله لازم است به توصیف و تحلیل ماهیت ابعاد و زوایای مسأله، نقد و ارزیابی نظریات رقیب به طور مستدل، تبیین نظریه پذیرفته شده، تقسیم‌بندی مطالب در قالب محورهای مشخص پرداخته شود. متن مقاله باید پاراگراف بندی شده و دارای نثری روان و یکدست باشد و مقالات دارای نثر نارسا و اشکالات ویرایشی متعدد، در فرایند داوری قرار نمی‌گیرند.
۸. نتیجه‌گیری: شامل مهم‌ترین نتایج مبتنی بر یافته‌های پژوهش به شیوه‌های دقیق و روشن، تبیین میزان ارتباط یافته‌های پژوهشی با اهداف پژوهش و ارائه‌ی راهکارها و پیشنهادها.
۹. ارجاعات: ارجاع منابع و مآخذ در متن مقاله و به شیوه‌ی استناددهی (APA)، در پایان نقل قول یا موضوع استفاده شده به شکل ذیل آورده شود:
 - ۹/۱. آیات قرآن: (نام سوره: شماره آیه)؛
 - ۹/۲. منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، جلد، صفحه)؛
 - ۹/۳. منابع لاتین: (صفحه، جلد، سال نشر، نام خانوادگی مؤلف)؛
 - ۹/۴. چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.
 - ۹/۵. در صورتی که به دو اثر مختلف با مؤلفان متفاوت ارجاع داده شود، به صورت (نام خانوادگی، سال نشر، جلد، صفحه/ نام خانوادگی، سال نشر، جلد، صفحه)؛



- ۹/۶. اگر مؤلفان یک اثر بیش از سه نفر باشند، فقط نام خانوادگی یک نفر آورده می‌شود و با ذکر کلمه «دیگران» به سایر مؤلفان اشاره می‌شود.
- ۹/۷. یادداشت‌ها: تمام توضیحات ضروری، در انتهای متن مقاله آورده شود (ارجاع و اسناد در یادداشت‌ها مانند متن مقاله، به روش درون متنی (بند ۹) خواهد بود).
۱۰. فهرست منابع: در پایان مقاله، فهرست منابع الفبایی به ترتیب منابع فارسی، عربی و لاتین به صورت ذیل ارائه شود.
- ۱۰/۱. کتاب: نام خانوادگی، نام. نام کتاب، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: نام ناشر، تاریخ چاپ (ق/م).
- ۱۰/۲. مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی، نام. «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه، سال نشر، صفحه شروع و پایان مقاله.
- ۱۰/۳. مقاله مندرج در مجموعه مقالات یا دایره المعارف‌ها: نام خانوادگی، نام. «عنوان مقاله»، نام کتاب، نام ویراستار، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: نام ناشر، سال نشر.
- ۱۰/۴. پایان‌نامه: نام خانوادگی. نام نویسنده. «عنوان پایان‌نامه»، مقطع تحصیلی و رشته، نام دانشکده، دانشگاه، سال دفاع.
- ۱۰/۵. در صورت نامشخص بودن محل نشر از لفظ «بی‌جا»، نام ناشر «بی‌تا» و تاریخ نشر از لفظ «بی‌تا» استفاده شود.
۱۱. نقل قول‌های مستقیم به صورت جدا از متن، با تورفتگی (یک‌ونیم سانتی متر) از سمت راست درج شود و ابتدا و انتهای مطلب در گیومه («») قرار گیرد.
۱۲. عنوان کتاب در متن مقاله ایتالیکی و عنوان مقاله در گیومه («») قرار گیرد.
۱۳. درج معادل لاتین اسامی و اصطلاحات مهجور، مقابل عبارت و در پرانتز ضروری است.
۱۴. مقاله در الگوی A۴ با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها (چپ و راست ۴ و بالا و پایین ۵ سانتی متر) و میان سطرها (۱ سانتی‌متر)، در محیط ۲۰۰۷ word، متن مقاله با قلم ۱۴ B Mitra (لاتین ۱۰ TimesNewRoman) و یادداشت‌ها و کتاب‌نامه ۱۲ B Mitra (لاتین ۱۰ TimesNewRoman) حروف چینی شود و حجم مقاله حداقل ۴۰۰۰ و از ۸۰۰۰ کلمه تجاوز ننماید.
۱۵. عناوین تیتراها: عناوین با روش شماره‌گذاری عددی و ترتیب اعداد در عناوین فرعی از چپ به راست تنظیم شود و در صورت طولانی شدن تیتراهای فرعی، اعداد فارسی بکار رود.
۱۶. شکل‌ها، نمودارها و جداول: اصل عکس‌ها، نمودارها و جداول باید همراه با متن مقاله در محل مناسب علامت‌گذاری و دارای زیرنویس باشد.
۱۷. رعایت دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی (www.persianacademy.com) در نگارش مقالات الزامی است.





(ب) راهنمای ارسال مقالات و فرایند داوری

۱. مقاله دستاورد پژوهش علمی نگارنده باشد و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.
 ۲. مقاله ارسالی در هیچ مجله داخلی یا خارجی چاپ نشده باشد. (تکمیل فرم تعهدنامه، فرم تعارض منافع و فرم مجوز کپی رایت از سوی نویسنده مسئول و ارسال به مجله الزامی است).
 ۳. فایل مقاله به نشانی سایت دو فصلنامه (<http://qej.cfu.ac.ir/journal/contact.us>) با ذکر نام و نام خانوادگی کامل نویسنده، رتبه دانشگاهی یا عنوان علمی و نام متبوع وی، نشانی پستی، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی ارسال شود.
 ۴. مقالاتی که بر اساس مندرجات راهنمای نگارش مقالات مجله تهیه نشود، در فرایند ارزیابی قرار نخواهد گرفت.
- 



۵. «دوفصلنامه قرآن و عترت»، در رد، قبول، چاپ، اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است و مقالات ارسالی بازگردانده نمی‌شود. مقالات رسیده توسط هیأت تحریریه و با همکاری هیأت داوران ارزیابی شده و در صورت تصویب، طبق ضوابط مجله در نوبت چاپ قرار خواهند گرفت.
۶. گواهی پذیرش مقاله پس از اتمام مراحل داوری، ویراستاری و تصویب نهایی هیأت تحریریه، توسط سردبیر مجله صادر و به اطلاع نویسنده مسئول خواهد رسید.
۷. مسئولیت‌های ناشی از صحت علمی و یا دیدگاه‌های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله، برعهده نویسنده مسئول است.
۸. تعداد و ردیف نویسندگان مقاله به همان صورتی که در نسخه اولیه و زمان ارائه به دفتر مجله مشخص شده، مورد قبول است و تقاضای حذف یا تغییر در ترتیب اسامی نویسندگان تنها قبل از داوری نهایی و با درخواست کتبی نویسندگان و اعلام علت امر قابل بررسی است.
۹. تقدّم و تأخر چاپ مقالات با بررسی و نظر هیأت تحریریه مشخص می‌شود.
۱۰. قالب انتشار دوفصلنامه چاپی - الکترونیکی است. در صورت چاپ مقاله، نسخه چاپی دوفصلنامه، به نویسنده مسئول اهدا خواهد شد.



فهرست مطالب

۹

مقاله اول: آثار و برکات فردی خلافت انسان در قرآن کریم از منظر تفاسیر شیعه و اهل سنت

عبدالمحمود جهانگیری

۳۶

مقاله دوم: نقش سلامت معنوی در ایجاد تعادل بین نقش‌های اجتماعی و خانوادگی زنان

فائزه سادات عظیم زاده اردبیلی / فاطمه رضوی راد

۵۵

مقاله سوم: شاخصه‌های اجتماعی معلّم انقلابی از دیدگاه آیات و روایات

معصومه شریفی / محسن رفیعی / صدیقه حجتی نجف‌آبادی

۷۷

مقاله چهارم: طراحی و تبیین رابطه انسان در تمدن‌سازی نوین اسلامی از منظر قرآن کریم

یاسین توکلی / روح‌الله توکلی / عبدالله توکلی

۱۰۳

مقاله پنجم: کارکرد مهدویت و انتظار در تحکیم روابط اعضای خانواده در دوران کرونا

محمود ملکی راد

۱۱۷

مقاله ششم: خوانشی بر سیره‌ی رضوی در الگوی خانواده‌ی تراز اسلامی

بر اساس مدل تحلیل محتوای کیفی - استقرایی

محسن قمرزاده / خدیجه احمدی بیغش

۱۳۱

مقاله هفتم: شاخص‌های اخلاق و حقوق خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام

محمد مهدی صفورائی پاریزی

۱۵۱

مقاله هشتم: بررسی تطبیقی انسان دارای شخصیت سالم از منظر روانشناسی غرب و اسلام با تمرکز بر

دیدگاه‌های امام سجاد علیه السلام و آلپورت

مهناز کبودی / زهرا بهمنی



آثار و برکات فردی خلافت انسان در قرآن کریم از منظر تفاسیر شیعه و اهل سنت

عبدالمحمود جهانگیری^۲

چکیده

پژوهش حاضر عهده‌دار تبیین چستی خلیفه‌اللهی انسان و آثار و برکات آن در نزد مفسران شیعه و اهل سنت است. گسترده‌ترین آیه‌ای که این بحث را مطرح کرده، آیه سی‌ام سوره مبارکه بقره است که خدای متعال در این سوره، قبل از اشاره به خلقت انسان، به مقامات و درجات معنوی وی که همان مقام خلافت است، اشاره کرده است. این حاکی از اهمیت و ضرورت این مسئله در سرنوشت انسان است که بشر را از سایر موجودات متمایز ساخته و جایگاه او را در نظام هستی مشخص نموده و در پرتو این مقام، سایر موجودات، مسخر او شده‌اند. بر اساس ظاهر برخی آیات وحی، این مقام اختصاص به گروه خاصی از انسان‌ها - حضرت آدم^{علیه السلام} و ذریه معصوم او ندارد و از طرفی شامل افرادی که از مرتبه انسانیت تنزل کرده نخواهد بود، از این‌رو، افراد غیر معصوم بستگی به ظرفیت خود، با تحقق شرایط، کسب معیارها و رفع موانع، در حد خود خلیفه‌الله هستند؛ گرچه بالاترین مرتبه خلافت، مربوط به انسان کامل است که در صدر آن، معصوم^{علیه السلام} است. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که مظهر خدا شدن، مسجود فرشته‌ها شدن، معلم فرشته‌ها شدن، حیات متعالی، آرامش، داشتن نور برای حرکت در ظلمات، رستگاری، خروج از ظلمات، سعادت، بهشت و فوز عظیم از آثار فردی خلافت انسان از دیدگاه مفسران شیعه است. از آن‌جا که دانشمندان و مفسران اهل سنت، آثار و برکات خلیفه و حاکم را به مدیریت جامعه دینی منحصر کرده‌اند؛ از نظر آن‌ها،

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۳۱

۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، معاون آموزش دانشکده علوم قرآنی بندر عباس، مدیر حوزه علمیه خواهران استان هرمزگان (در زمان انتشار مقاله، نویسنده ارجمند آن به دلیل ابتلا به کرونا در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۱ دار فانی را وداع گفتند). hamraz32@gmail.com

عمده‌ترین نقشی که خلافت در جامعه دارد، تأمین عدالت اجتماعی با اجرای قوانین اسلامی در جامعه دینی، تأمین امنیت عمومی برای ایجاد آسایش و آرامش در جامعه دینی، پاسداری از مرزهای جامعه اسلامی و توسعه و گسترش اسلام است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای بوده که با شیوه توصیفی-تحلیلی از اسناد نوشتاری، سامانه‌های رایانه‌ای و نرم‌افزارهای علمی سامان یافته است. **واژه‌های کلیدی:** آثار فردی، خلافت، استخلاف، انسان کامل، تفاسیر فریقین.

مقدمه

از زمانی که حیات بشری در این کره خاکی شکل گرفته، همیشه این اندیشه و سؤال ذهن او را مشغول ساخته که هدف از آفرینش انسان چیست؟ آیا زندگی همین جلوه ظاهری آن یعنی خوردن و خوابیدن و شهوت رانی است؟ یا در ورای این حرکات، غایت و هدفی نهفته است؟ خدای متعال در پاسخ ملائکه که گفتند: خدایا در زمین، مردمی می آفرینی که کارشان فساد، کفر، گناه خونریزی نابه جا است، فرمود: من چیزی میدانم که شما نمی دانید؛ یعنی این خلافت با ابعاد گسترده اش دارای آثار و برکاتی است که حتی ملائکه از آن بی خبر هستند. بنابراین، انسان کامل با تعلیم اسماء، دارای آثاری و برکاتی است که سایر خلائق - حتی ملائکه - می توانند از او منتفع باشند. البته همه انسان ها نمی توانند به چنین مرتبه ای دست یابند؛ بلکه این مقام برای کسانی است که خود را به مراتب کمال رسانده اند و سرآمد آنان، انبیا و ائمه معصومین علیهم السلام هستند که خلیفه کامل الهی بر روی زمین هستند. پس مراد از آثار خلافت در اینجا، آثار و برکات وجود چنین خلیفه ای در روی زمین است که با حاکمیت او، آثار و برکات فردی آن بررسی شده است.

نکته دیگر این که از آن جا که حقیقت خلافت الهی از مسئله حکومت جدا نیست؛ یعنی روح خلافت، همان حاکمیت و ولایت بر نفوس و ابدان و هدایت آن ها به صراط مستقیم و حرکت به سوی کمال و سعادت است؛ قرآن کریم در مورد خلیفه خود، حضرت داود علیه السلام که به خلافت او در زمین تصریح دارد: «یا داؤد اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِی الْاَرْضِ» (ص: ۲۶)، حکومت و ملک را برایش یک ضرورت می داند تا بتواند برای تحقق عینی آن خلافت و همچنین تحقق نظام أحسن و تجلی و تحقق حق مطلق در جهان موفق شود: «وَاتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ» (بقره: ۲۵۱) و این حکومت باید چنان مستحکم باشد تا بتواند به اهداف کامل خود در روی زمین برسد: «وَسَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ» (ص، ۲۰). در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم قرآن، به زعامت سیاسی و اجتماعی وی به عنوان خلیفه الله اشاره کرده است: و در آیه «اطاعت» می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹). علامه طباطبایی ضمن این‌که هدف و غایت از اطاعت خدا را تحقق احکام تشریحی دانسته، در مورد رهبری سیاسی پیامبر خدا ﷺ دو جنبه را در نظر گرفته است؛ اول، جنبه تشریح که مربوط به جزئیات و تفصیل احکام است که در قرآن نیامده است: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل: ۴۴) و دوم، جنبه حکومت و قضاوت که آن حضرت به مقتضای ولایتی که بر مردم داشتند، زمام حکومت و قضا را در دست گرفتند و احکام را صادر می‌کردند که خدای تعالی در این باره فرموده است: «لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ» (نساء: ۱۰۵). این همان رأیی است که رسول خدا ﷺ با آن بر ظواهر قوانین قضا در بین مردم حکم می‌کرد و خدای تعالی دستورش داده بود که وقتی می‌خواهد آن را به کار ببرد، از قبل مشورت کند: «وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ، فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (آل عمران: ۱۵۹). بنابراین اطاعت از رسول، مطلق بوده و تمام شئون از جمله رهبری سیاسی، اداره امور مالی و ... را شامل می‌شود. همان طوری که آیه شریفه: «فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُونَكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (نساء: ۶۵)، صراحت در قضاوت و امر حکومت پیامبر خدا ﷺ دارد و معلوم می‌شود که رهبری سیاسی از شئون پیامبر ﷺ است و آیه شریفه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا» (توبه: ۱۰۳) صراحت در اداره امور مالی وی دارد. (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۴، ص ۳۸۸ و ۴۰۵)

همچنین قرآن کریم به مؤمنان دستور می‌دهد که برای رفع منازعات خود به خلیفه او رجوع کنند (نساء: ۵۹) که به ضرورت عقلی، این رجوع زمانی متصور و معنادار خواهد بود که حاکمیت دینی برای خلیفه‌ی الهی فراهم باشد؛ به همین دلیل بحث از آثار و برکات خلافت الهی، زمانی مطرح است - بلکه زمانی به اوج خود می‌رسد - که حاکمیت خلیفه‌ی الهی در جامعه متحقق باشد. اگر زمینه حاکمیت خلیفه‌ی الهی - انسان کامل - در جامعه، فراهم باشد، علاوه بر آثار تکوینی وجود خلیفه‌الله - که مایه قوام زمین است - آثار فردی و اجتماعی آن را نیز شاهد خواهیم بود؛ بدین روی، مراد از بحث در آثار و برکات خلافت، زمانی است که حاکمیت جامعه به صورت یکپارچه بر عهده خلیفه‌ی الهی باشد، مگر در مورد حضرت مهدی عج به عنوان خلیفه کامل الهی، مهم‌ترین ویژگی او را همان اقامه «حکومت واحد عدل جهانی» نمی‌شماریم؟ یعنی همان چیزی که سایر خلفای الهی - انبیا و اوصیا - درصدد آن بودند و شرایط خاص زمان و مکان اجازه وصول به آن را نداد؛ هرچند پایه‌گذاری‌های لازم برای این کار انجام گرفت. همه خلفای الهی به دنبال تشکیل حکومت عدل الهی بودند که با تشکیل آن، آثار و برکات خلیفه‌ی الهی را بیش‌تر می‌توان لمس کرد، به امید روزی که حکومت واحد عدل جهانی برپا شود و شاهد تحقق بیش‌تر اهداف الهی بر روی زمین باشیم. علامه طباطبایی در ضرورت تشکیل حکومت برای خلیفه‌ی الهی می‌نویسد:

«اعتبار اصل ملکیت از اعتبارات ضروریه‌ای است که بشر در هیچ حالی از آن بی‌نیاز نیست، چه

در حال فردی و چه در حال جمعی، و مُلک که به معنای سلطنت بر افرادی از انسان‌ها است، آن نیز از اعتبارات ضروری است که انسان از آن بی‌نیاز نیست و برای حاکم و زمامدار آن دو سرمایه لازم است؛ یکی علم به تمام مصالح و حیات جامعه و مفاسد آن و دیگری قدرت جسمی بر اجرای آن‌چه که صلاح جامعه است و این دو در طالوت - به عنوان خلیفه الهی - هست» (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۳، ص ۱۴۵).

بنابراین، با فرض حاکمیت خلفای الهی، دو نوع آثار بر آن مترتب است: یکی آثار فردی و دیگری آثار اجتماعی؛ آن‌چه در این نوشتار با بهره‌گیری از روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی از اسناد نوشتاری، سامان یافته است، آثار و برکات فردی خلافت انسان در تفاسیر شیعه و اهل سنت است.

پیشینه موضوع این تحقیق قدمت طولانی دارد و از مفسران قرون اولیه گرفته تا مفسران معاصر، در ذیل آیه سی‌ام سوره مبارکه بقره به این بحث بهره‌گیری؛ لکن این بحث‌ها بسیار مختصر ارائه شده است و به جمع‌آوری، تبویب، ترجمه و تحلیل نیاز دارد و نگارش مستقل پیرامون این موضوع کمتر صورت گرفته است. از مهم‌ترین کتاب‌هایی که به موضوع بحث مربوط است، کتاب استخلاف الانسان فی الارض، نوشته دکتر فاروق دسوقی است که مؤلف به هدف استخلاف و هدف از حیات و زندگی انسان پرداخته است و مسئله خلافت را با تمدن سنجیده و معتقد است که اساس تمدن در فرهنگ دینی و خلافت جای دارد، نه پیشرفت تکنولوژی. وظیفه استخلاف فی القرآن، اثر محمد زرمان از دیگر نوشته‌های مرتبط با موضوع خلافت انسان است. در این کتاب، به مباحثی همچون اهمیت، طبیعت، غایت و مصدر استخلاف و در نهایت به رابطه بین ایمان و آبادانی اشاره شده است. علامه طباطبایی، فخر رازی، آیت الله جوادی آملی و دیگر مفسران شیعه و اهل سنت نیز در ذیل آیه سیام سوره بقره مباحثی طولانی و محققانه در این موضوع نگاشته‌اند. برخی از مقالاتی که در این خصوص به نگارش در آمده است، دارای رویکرد پیشنهادی و ارائه راه حل‌اند؛ مانند مقالاتی که از آیت الله جوادی آملی و شاگردان وی منتشر شده است و برخی رویکرد انتقادی داشته که مسئله خلافت انسان را به چالش کشیده‌اند؛ مانند مجموعه مقالات مهدی نصیری و همفکران او در مجله‌ی سمات. با این همه، پژوهش حاضر، علاوه بر رویکرد قرآنی، از نوآوری‌هایی مانند ساختار، انسجام منظم و چینش منطقی در سیر مطالب که در هیچ یک از منابع مذکور یافت نشد، برخوردار است و مباحث را به صورت تطبیقی تحلیل و بررسی کرده است.

۱. مفهوم‌شناسی خلافت

در ابتدای بحث به بررسی لغوی و اصطلاحی خلافت می‌پردازیم.

۱-۱. معنای لغوی

خلافت در لغت، به معنای جانشینی کسی یا چیزی از دیگری است (فراهیدی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۶۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۹۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۸۳). واژه‌پژوهان در معنای این اصطلاح، به طور گوناگون و پراکنده سخن گفته‌اند و تنها کسی که در این مسئله به جوانب مختلف پرداخته و به تفصیل سخن گفته، صاحب مقایس اللغه است که ماده «خلف» را دارای سه اصل دانسته است: آمدن چیزی به جای چیز دیگر؛ نقیض جلو (پشت سر) (فراهیدی، ۱۳۶۸ق، ج ۴، ص ۲۶۶؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۵۳ و ۱۵۴)، تغییر؛ ماده «خلف» در این صورت «خَلَفَ» خوانده می‌شود. (فیروزآبادی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۰۷۷-۱۰۷۸)

راغب اصفهانی با توجه به کاربردهای قرآنی «خلافت» می‌نویسد: «خلافت نیابت از دیگری است که گاه به دلیل غیبت یا مرگ یا ناتوانی او و گاه از باب تشریف و تکریم شخص خلیفه از سوی او صورت می‌گیرد؛ چنان‌که خلافت اولیای الهی به نیابت از خدای متعال از این باب اخیر است». (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۹۴)

واژه «خلیفه» به شکل صفت و یا اسم دوبار در قرآن آمده است که مرتبه نخست در انتخاب آدم علیه السلام به عنوان خلیفه روی زمین از سوی خداوند است که فرمود: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) و مرتبه دوم درباره حضرت داود علیه السلام است که می‌فرماید: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ» (ص: ۲۶). اما جمع این واژه، سه مرتبه «خلفاء» و چهار مرتبه «خلائف» آمده؛ ولی واژه «خلافت» در قرآن استعمال نشده است.

۲-۱. معنای اصطلاحی

معنای اصطلاحی خلافت از دیدگاه شیعه و اهل سنت به شرح ذیل است.

۱-۲-۱. دیدگاه شیعه

مراد از خلافت در اصطلاح قرآنی - با توجه به آیه سی‌ام سوره بقره - خلافت الهی انسان است که برخی از انسان‌ها به جهت تکریم و تشریف، جانشین و نماینده‌ی خدای متعال بوده و هستند. (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱، ص ۱۷۸؛ طیب، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۹۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۷۴) معنای خلافت در آیه شریفه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»، به امر خاصی مقید نشده و همه‌ی انسان‌ها را در برمی‌گیرد؛ چراکه خداوند متعال، استعداد خلیفه شدن خود را با دمیدن روح خود در انسان به ودیعت نهاد؛ به عبارت دیگر از دیدگاه برخی مفسران، آیه شریفه هم جعل تکوینی خلافت را که ایجاد خلیفه باشد، در

برمی‌گیرد و هم جعل تشریحی که اعطای منصب خلافت باشد؛ یعنی خلق کنم کسی را که لیاقت اعطای منصب خلافت را داشته باشد و این منصب را به او عطا کنم و مراد از خلافت، خلافه‌الله است نه خلافت به معنای جایگزینی که بنی‌آدم جایگزین جن باشند، یا تولید و تناسل که بعضی جای بعض دیگر باشند. (طیب، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۹۷) بنابراین برای خلافت به معنای نمایندگی از خداوند، درجات و مراتب مختلفی تصور می‌شود که طبعاً معنای کامل و بالفعل آن؛ جز درباره‌ی انسان‌های کامل و برگزیده‌ی خدا که در همه‌ی مراتب شایسته‌ی وجودی به کمال رسیده و ولی‌الله و معصوم هستند، قابل اطلاق نیست. (اسعدی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۹) خلیفه‌ی خدا به این معنا در همه اوصاف و افعالش نماینده‌ی اوست و صفات فعل او را می‌نمایاند و شئون و اختیارات و تصرف‌های ولایی او را در زمین و آسمان به عهده می‌گیرد؛ از این رو تصرفات او تجلی اراده‌ی فعلی خداوند است، گویا که اراده فعلی او در زمین به جای اراده‌ی فعلی خدا نشسته است. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۷۸) مرتبه‌ی دیگر خلافت الهی مربوط به انسان‌های دیگر است که هرکسی بر اساس ظرفیت وجودی خویش و به مقداری که اسمای الهی را در خود به فعلیت برساند - به صورت حال یا بالقوه - خلیفه‌الله است. (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۹۹)

آن‌چه از معنای خلافت در این رساله مقصود است و بدان پرداخته شده، هر دو قسم خلافت است؛ یعنی هم خلافت انسان کامل (معصوم)، به عنوان بالاترین درجه‌ی خلافه‌اللهی که بالفعل است و هم خلافت انسان‌های دیگر که بالقوه است و این بدان جهت است که تاکنون، پژوهشی بدین عنوان (خلافت انسان در قرآن) به ویژه به صورت تطبیقی در قالب رساله‌ی علمی ارائه نشده است؛ از این رو سعی بر آن بوده که به هر دو قسم خلافت (بالفعل و بالقوه) اشاره تحلیلی مختصری شود و به سایر پژوهشگران در این عرصه پیشنهاد می‌شود برای تحقیقات بعدی - با توجه به جرقه‌ای که این رساله در ذهن آن‌ها ایجاد کرده - هر کدام از این اقسام را جداگانه تحلیل و بررسی کنند.

۱-۲-۲. دیدگاه اهل سنت

خلافت در نزد مفسران و علمای اهل سنت، معانی متفاوتی دارد، برخی مانند ماوردی با توجه به ریشه‌ی قرآن آن، در معنایی عام استعمال کرده‌اند که مرادف حکومت و فرمانروایی است. (ماوردی، ۱۴۱۲ق، جزء ۳، باب ۲۶، ص ۴۹۰) وی در ذیل آیه «یا داؤد اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ» (ص: ۲۶)، معتقد است اطلاق خلیفه به داود علیه السلام در این آیه به دو معناست: نخست: بیان خلافت برای داود علیه السلام که همان نبوت است و دوم: داود علیه السلام خلیفه برای خلیفه پیش از خودش است و این خلافت، همان پادشاهی است (ماوردی، ۱۴۱۲ق، جزء ۳، باب ۲۶، ص ۴۹۰). برخی مانند ابوحنیفه اندلسی، مدعی شده‌اند که «خلیفه» عنوانی است برای تمام زمامداران؛ یعنی خلیفه نامی است برای تمام کسانی که تدبیر امور مردم روی زمین و نظر به مصالح ایشان به وی محول شده است، چنان‌که هرکس را که بر روم حکومت دارد، قیصر و آن‌که را در ایران

فرمانرواست کسری و کسانی را که در یمن حکومت می‌کردند، تبع می‌خواندند. (اندلسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۲۷) برخی دیگر، آن را محدود به جانشینی پیامبر ﷺ دانسته‌اند؛ به همین دلیل، شمار زیادی از مفسران و فقهای اهل سنت، اطلاق عنوان خلیفه‌الله را بر خلفای پیامبر ﷺ نادرست و ناروا دانسته‌اند. (سیوطی، ۱۴۱۱ق، ص ۶۹؛ قرطبی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۳۵۵؛ ابن حنبل، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۳)

به‌رغم معانی خاصی که مفسران در بحث از آیات مربوط به خلافت حضرت آدم ﷺ و حضرت داود ﷺ در قرآن از واژه خلیفه ارائه کرده‌اند؛ یعنی «نبوت، مقام سلطنت الهی در زمین، مطلق فرمانروایی و زعامت سیاسی»، واقعیت این است که اصطلاح خلیفه و خلافت در فرهنگ سیاسی مسلمانان پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ به تدریج برای توصیف منصب جانشینی پیامبر ﷺ متداول شد و گسترش یافت، به طوری که معنای عام لغوی و اصطلاح خاص قرآنی آن را تحت الشعاع کامل خود قرار داد؛ از این‌رو برخی اهل سنت، لفظ خلیفه را برای تمامی خلفای راشدین، امویان و عباسیان به کار برده و تمامی آنان را خلیفه‌ی رسول‌الله و جانشین مشروع آن حضرت دانسته‌اند. (غزالی، ۱۴۲۲ق، ص ۸۹) برخی دیگر، آن را منحصر به خلفای راشدین دانسته و فرمانروایان اموی و عباسی را از آن جدا کرده‌اند. (جوینی، ۱۴۳۲ق، ص ۱۳۹) دسته سوم که راه میانه‌ای را برگزیده‌اند، تمامی حاکمان اموی و عباسی را مورد تأیید قرار نداده، بلکه خلیفه را به کسی اطلاق کرده‌اند که دارای سلامت سیاسی و اعتقادی بوده است. (ابن خلدون، ۱۳۵۹ق، ج ۱، ص ۴۰۵) ولی به هرحال همگی در اطلاق خلافت بر جانشینی از پیامبر، متفق‌القول هستند. تفتازانی در تعریف خلافت، آن را همان ریاست عامه در امور دینی و دنیوی دانسته، اما افزوده است که این منصب، خلافت از پیامبر ﷺ است و احکام آن از فروع دین است. (تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۳۲) فخر رازی نیز در تعریف خلافت به کارکرد خلافت توجه کرده و بدون قید جانشینی رسول خدا ﷺ در تعریف خلافت، با گسترش حوزه عمل خلیفه به دین و دنیا به صورت توأمان و مشترک در تعریف خلافت نوشته است که خلافت عبارت است از ریاست در امر دین و دنیا برای شخص واحد از میان اشخاص. ابن تیمیه سلفی نیز گرچه در تعریف لغوی و اصطلاحی خلیفه و خلافت به تکرار سخنان متقدمان پرداخته، اما در انتهای سخن، متعرض تعریف ابن عربی از اصطلاح خلیفه شده و نوشته، مراد از خلیفه کسی است که جانشین یکی از مردمان قبل از خود می‌گردد، چنان‌که ابوبکر صدیق خلیفه‌ی رسول خدا ﷺ بود؛ زیرا او وی را پس از درگذشت خویش، بر امت خود خلیفه قرار داد و همچنین هرگاه پیامبر ﷺ سفر می‌کرد یا به حج و عمره یا به غزوه‌ای می‌رفت، کسی را برای مدت معینی در مدینه خلیفه خود قرار میداد؛ گاه ابن مکتوم را خلیفه خویش در مدینه تعیین می‌کرد و گاهی هم دیگری را، در هنگام عزیمت به غزوه تبوک، علی بن ابی طالب ﷺ را خلیفه خود معین می‌کرد. (ابن تیمیه، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۱۲۲) ابن تیمیه پس از نقل این روایت، آورده است که سخن پیامبر ﷺ مبنی بر اینکه تعداد خلفا زیاد خواهند شد، خلفایی غیر از خلفای راشدین است؛ زیرا تعداد راشدین زیاد نبود. (همان،

ص ۱۲۳) ابن خلدون نیز که از جمله علمای مالکی است، ضمن بیان انواع سه‌گانه حکومت. (ابن خلدون، ۱۳۵۹، ص ۳۶۵-۳۶۶) خلافت را بهترین نوع حکومت دانسته و همراه با تعریف آن، به تفکیک خلافت از سلطنت توجه کرده است.

۲. آثار فردی خلافت انسان

تأثیر اصلی و اساسی پذیرش ولایت خلیفه الهی، مربوط به عالم آخرت است، اما تأثیر دنیوی - که مربوط به فرد است - نیز مهم و مقدمه برای آخرت است؛ تأثیر دنیوی آن - علاوه بر داشتن حیات متعالی و طیب، ترفیع درجه، داشتن بهداشت جسمی بر اثر استفاده از مأكولات طیب و پرهیز از مصرف خبائث، داشتن بهداشت روانی به دلیل داشتن آرامش روحی و آینده‌ای امیدبخش و داشتن تکیه‌گاهی مطمئن تجلی توحید در عالم هستی، مظهر و آئینه خدا شدن، مسجود و معلم فرشته‌ها شدن، دوری از خرافات و عوامل مخرب روحی، امثال، تندخویی، حرص، طمع، حسادت، کینه و سوءظن و دیگر صفات رذیله اخلاقی و در نهایت، سعادت، بهشت و فوز عظیم را می‌توان نام برد که موارد مهم آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. دیدگاه مفسران شیعه

دیدگاه مفسران شیعه درباره‌ی آثار فردی خلافت انسان به شرح زیر است.

۲-۱-۱. مظهر خدا شدن

این‌که خداوند درباره آفرینش هیچ موجود دیگری از قبل، به فرشتگان اعلامی نداشت و با آنان در میان نگذاشت و مثلاً فرمود: من عرش یا آسمان یا زمین می‌آفرینم؛ بلکه تنها درباره آفرینش انسان که حضرت آدم علیه السلام مصداق کامل آن است، فرمود: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» دلیل بر آن است که این موجود از ویژگی خاصی برخوردار است که دیگر موجودات امکانی از آن برخوردار نیستند و آن صفت مظهریت خلیفه است که خلیفه‌الله، مظهر همه اسمایی بوده که ظهور کرده و از مخزن غیب و محض و غیب مطلق بیرون آمده است؛ زیرا او خلیفه خداوندی است که «محیط مطلق»، «علیم بکل شیء»، «قدیر علی کل شیء» و «حی لایموت» است و باید دارای این اوصاف باشد، وگرنه در محدوده جهل و ضعف و غیبت، به همان نسبت از خلافت الهی خبری نیست. (همان) از این‌رو، فرشتگان، شایسته خلافت خدا نیستند؛ زیرا آنان مظهر بعضی از اسمای الهی هستند، نه همه آن‌ها و حساب انسان جدای از سایر مخلوقات است، چنانکه تعبیر به «جاعل» به جای «خالق» خالی از لطف نیست؛ زیرا ماده جعل (در صورتی که به معنای تصبیر نباشد) بیش‌تر در امور ابداعی به کار رفته. (صدر المتألهین شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۳۰۰) لطیف‌تر از ماده خلق است و نشان آن است که بداعت و صنعتی که «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (بقره: ۱۱۷) در این موجود به کار برده، با آفرینش سایر موجودات تفاوت دارد. تعبیر به «خلیفه» به جای «انسان» نیز ممکن است اشاره به این باشد که انسان، تنها موجودی زمینی و مرکب از روح و بدن نیست و آن‌چه در خلافت وی

مطرح است نه تنها از محدوده نظر متفکران مادی که هر موجودی را مادی می‌دانند، خارج است، بلکه از محدوده نظر متفکران الهی که انسان را مرکب از بدن و روح مجرد می‌دانند نیز فراتر است؛ زیرا همان‌طور که انسان در بدن خلاصه نمی‌شود و بالاتر از بدن، مرحله‌ای به نام روح مجرد دارد، در این دو مرحله نیز خلاصه نمی‌شود، بلکه مرتبه‌ای بالاتر از روح مجرد دارد که در مخزن الهی و در لوح و کرسی و عرش است و در مقام عنداللهی و لقاءاللهی حضور دارد و در حقیقت، فراتر من به معنای روح که بر بدن مسلط است، من دیگری در ولی‌الله و خلیفه‌الله هست که بر روح او مسلط است (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۲۲).

ولی‌الله در همه عوالم بین عالم ماده تا جنة‌اللقاء حاضر است؛ از يك سو می‌گوید: منم که در زمین حرکت می‌کنم و غذا می‌خورم و می‌خوابم و از سوی دیگر می‌گوید: منم که می‌فهمم و می‌اندیشم و از سوی سوم می‌گوید: «ما کنت اعبد رباً لم اره» (صدوق، بی‌تا، ح ۶، ص ۱۰۹)؛ خدایی را که نینم عبادت نمی‌کنم و می‌گوید: «... فَلَا نَأْتِي بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّي بِطُرُقِ الْأَرْضِ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۹) «من» در «لم اره» و در «لأننا»، آن من عالی و فوق من مجردی است که در حکمت و فلسفه مطرح است. همان حقیقتی است که می‌گوید: «مالله آیه اکبر منی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳، ص ۲۰۶) و يك سوی آن به خاک و سوی دیگر آن به «فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی» (فجر: ۲۹ و ۳۰) متصل است؛ از يك سو «يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ» (فرقان: ۷) و از سوی دیگر «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» (نجم: ۸ و ۹) از يك سو بشری است ساخته شده از طین «إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ» (ص: ۷۱) و به خاک منسوب است و از سوی دیگر از روح خداست و به خداوند نسبت داده می‌شود: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (ص: ۷۲)، هم از جنة‌اللقاء برخوردار است و هم در عالم مجرد عقلی و مثالی حضور دارد و هم در نشئه ناسوت و طبیعت حاضر است؛ او با تعلیم الهی و در پرتو علم به اسماء‌الله، بكل شیء علیم است و از طریق او و مظهریت او می‌توان به خدای علیم مطلق پی برد (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۲۲)؛ او نه تنها از آسمان‌ها، بلکه از هر موجود امکانی، حتی از فرشته، لوح و قلم نیز بزرگتر است. او هم اهل تسبیح و تقدیس است، هم اهل تحمید و تکبیر؛ یعنی هم دارای صفات تشبیهی است، هم دارای صفات تنزیهی. او در دنیا و در آخرت میزان اعمال است «هم الموازين القسط» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۲۲۶)؛ هر عملی که مطابق عمل او بود، حق و هر کاری که مخالف کار او بود باطل است. او چون اولین صادر و نخستین فیض خداست، واسطه نزول برکات الهی به عالم طبیعت است؛ حتی در فیض ظاهری که به وجود عنصری خودش می‌رسد، حقیقت و باطن خود او واسطه است؛ یعنی باطن خود اوست که برای ظاهرش جلوه می‌کند و فیض الهی از باطن او به ملانکه رسیده، از راه ملانک به افراد عادی و از جمله به وجود عنصری خود او می‌رسد و بالاخره چنین نیست که فرشتگان، نسبت به مقام شامخ وی و تعیین اول است، سمت تعلیمی داشته باشند، بلکه آنان نسبت به این مرحله برین و والا از خدمتگزاران

انسان کامل به حساب می‌آیند و تنها مراحل نازل انسان کامل است که فرشتگان از مجاری و وسایط فیض آن محسوب می‌شوند. خلیفه‌الله، مدیر مسئول سلسله منظم هستی امکانی است و بر این اساس اولاً، به جزئیات و ویژگی‌های اشیا مادی احاطه دارد و منافع و آثار آن‌ها را از قوه به فعل می‌رساند و از این طریق، صنایع را استنباط و ابزاری را اختراع می‌کند؛ از این‌رو ممکن است بسیاری از فنون و صنایع همانند علوم و سنن به دست پیامبران، یا با هدایت آنان به وجود آمده باشد، ثانیاً، هدایت تکوینی همه هستی امکانی (اعم از مادی و مجرد) را بر عهده می‌گیرد و همه موجودات را به اذن خدا رهبری می‌کند؛ زیرا او مظهر همه اسما حسنا و صفات جمال و جلال خداست؛ او «یدالله، عین‌الله، اذن‌الله» است و فتح و ختم امور و فتح و رتق آن به اذن خدا و بدون تفویض به دست اوست، با هدایت او باران می‌بارد و با امساک او آسمان و اجرام آسمانی به زمین اصابت نمی‌کند، غم و اندوه با عنایت او برطرف می‌شود و مشکلات و بلاها با لطف و نگاه او مرتفع می‌شود. در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «بکم فتح الله و بکم یختم و بکم ینزل الغیث و بکم یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه و بکم ینفس الهم و یکشف الضر»، به واسطه او گیاهان زمین می‌روید و درختان میوه می‌دهد، چنانچه در زیارت اول از هفت زیارت مطلق امام حسین علیه السلام آمده است: «و بکم تثبت الارض اشجارها و بکم تخرج الارض ثمارها»؛ از طریق او خداوند، آنچه را بخواهد محو یا اثبات می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۸، ص ۱۵۳) و در یک جمله، اراده خداوند در همه امور و همه مقدرات، نزد او بار می‌یابد و هبوط پیدا می‌کند و از بیت او صادر می‌شود: «ارادة الرب فی مقادیر اموره تهبط الیکم و تصدر من بیوتکم» (همان، ثالثاً، هدایت تشریحی انسان‌ها، ارشاد و موعظه، تفصیل و تبیین حلال و حرام، اجرای حدود الهی، پاسداری از حصون دینی و در یک کلام، تشکیل حکومت عدل آسمانی نیز، بر عهده اوست (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۲۸)؛ به همین جهت سلمان که درباره او «منا اهل البیت» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۱۷۰) گفته شده و از مانده و مأدبه نبوت و امامت ارتزاق کرده، در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و در جمع عمر و کعب الاحبار و طلحه و زبیر، در پاسخ عمر که از تفاوت خلیفه و پادشاه پرسید، مقام شامخ خلافت را در شاخه هدایت تشریحی آن تشریح می‌کند و می‌گوید: «خلیفه کسی است که بین رعیت به عدالت رفتار کند و ثروت بیت‌المال را به طور مساوی تقسیم کند و بر رعایا چنان مهربان و مشفق باشد که بر خانواده خویش است و بر اساس کتاب الهی حکم براند و اوامر و نواهی خدا را بر زیاده و کاست به خلق خدا برساند و پادشاه، اعم از این است»؛ کعب سخن سلمان را تحسین کرد و گفت: سلمان از علم و حکمت پر شده است؛ عمر گفت: ای سلمان من خلیفه‌ام یا پادشاه؟ جواب داد اگر در همه عمر خود یک درهم یا کمتر از آن را در غیر جایگاهش مصرف کرده باشی پادشاهی، نه خلیفه، عمر شرمسار شد و گریست. (کاشانی، ۱۳۵۱، ج ۱، ص ۲۲۰)

این حکایت گرچه ظاهراً به خلافت از پیامبر صلی الله علیه و آله مربوط است؛ لیکن از آن‌جا که خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله، خلیفه

خدا نیز هست، کاملاً مناسب بحث ماست؛ به همین دلیل است که در دیدگاه حضرت خضر علیه السلام، خلفای اربعه، مفهوم و همچنین مصادیق خاصی دارد؛ آن‌جا که به امیر مومنان علیه السلام خطاب می‌کند: «السلام عليك يا رابع الخلفاء و رحمه الله و برکاته» و در توضیح آن، حضرت آدم علیه السلام، حضرت هارون علیه السلام، حضرت داود علیه السلام و حضرت علی علیه السلام و به ترتیب چهار خلیفه در کتاب الله شمرده می‌شوند و آیه مربوط به هر کدام تلاوت می‌شود» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۹).

پس جا دارد گفته شود که خلیفه کامل خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باید مظهر العجائب و مظهر الغرائب باشد و کسی که جامع این صفات نباشد لیاقت خلافت خدا و رسول را ندارد و از این رو نصب خلیفه و پیامبر به اعلام خداوند است؛ چنان که درباره خلافت انسان فرمود: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) و درباره داود علیه السلام فرمود: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ» (ص: ۲۶) و درباره امیر مومنان علیه السلام فرمود: «أَنْتُمْ وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا» (مائده: ۵۵) و «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (مائده: ۶۷) و درباره آخرین خلیفه کامل، یعنی صاحب الزمان علیه السلام فرمود: «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (نور: ۵۵) و همچنین هریک از ائمه معصوم علیهم السلام به اعلام حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم یکدیگر را به خلافت تعیین کرده‌اند.

۲-۱-۲. مسجود فرشته‌ها شدن

از امتیازات و برکات مهم خلافت، این بود که آدم به عنوان یک انسان کامل، مسجود فرشتگان شد که این سجده فرشتگان در برابر آدم، تحیت و احترام و تکریمی برای ایشان و خضوع و عبادتی برای خداوند بود؛ زیرا به امثال امر خداوند چنین تکریمی را برای انسان کامل روا داشتند: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۳۴)، نظیر آن چه از پدر و مادر و برادران یوسف، در برابر حضرت یوسف علیه السلام سرزد: «وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَ خَرُّوا لَهُ سُجَّدًا» (یوسف: ۱۰۰).

بسیاری از مفسران از جمله طباطبایی (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱، ص ۱۲۲) در پاسخ این پرسش که اگر سجده، ذاتا عبادت است و عبادت هم، اختصاص به خداوند دارد، پس چگونه غیر خداوند رواست، گفته‌اند: سجده، ذاتا عبادت نیست، بلکه عبادت بودن آن در صورتی است که به انگیزه عبادت و پرستش آورده شود؛ از این رو در بعضی موارد، عنوان سخریه و استهزاء بر آن صادق است، نه عبادت. بر همین اساس، ممکن است گفته شود، سجده برای غیر خدا، منع ذاتی ندارد، بلکه ممنوعیت آن بر اثر منع شرعی است که با دلیل نقلی یا عقلی ثابت می‌شود و پس از بررسی معلوم است که مانع عقلی یا نقلی در صورتی ثابت است که سجده کننده بخواهد با سجده برای غیر، ربوبیت و معبودیت را ارائه کند؛ اما اگر صرفاً به نیت تحیت و تکریم او باشد، دلیلی بر ممنوعیت آن نیست. البته ذوق دینی و مذاق طایفه متشرعه که بر اثر انس با ظواهر دینی به دست آمده، اقتضای اختصاص سجده به خدای سبحان دارد، حتی اگر صرفاً به قصد تحیت و تکریم باشد؛ چنان‌که ممنوع بودن سجده برای غیر خدا به نیت تعظیم و تکریم، در شریعت

مقدس اسلام، بر اساس مذاق دینی مزبور، ملازمه‌ای با ممنوع بودن آن در شرایع سابق ندارد. (بلاغی، بی تا، ص ۸۵) از قتاده در ذیل آیه «وَحَرُّوا لَهُ سُجَّدًا» (یوسف: ۱۰۰) نقل شده که تحیت و سلام مردم در زمان یوسف علیه السلام، سجده برای یکدیگر بود و اختلاف رسوم و عادات به اختلاف ازمه و اوقات نیز، امری ممکن است. (نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۴۱)

بدون تردید اولاً، آدم علیه السلام در این جریان، مسجودله بود، نه قبله و مسجوداًلیه، چنان‌که بعضی گفته‌اند و «لآدم» را به معنای «الی آدم» گرفته‌اند (قرطبی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۷۷)؛ زیرا مقصود از قصه سجده، تعظیم آدم و اظهار برتری او بر فرشتگان است و شکی نیست که مجرد قبله قرار گرفتن چیزی یا کسی به برتری او از ساجدان دلالت ندارد. (نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۴۰) البته ممکن است گفته شود مقام آدمیت، یعنی انسان کامل، مسجود له و صورت آدمیت قبله و مسجود الیه قرار گرفت؛ یعنی به دستور خداوند بدن خاکی آدم، قبله و مقام خلیفه‌اللهی او مورد سجده واقع شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۲۷۲) ثانیاً، سجده برای آدم تحیت بود، نه عبادت و اطاعت؛ چنانکه روایت تحف العقول از امام علی علیه السلام و روایت احتجاج از موسی بن جعفر علیه السلام به آن تصریح کرده است. (ر.ک. حرانی، بی تا) به بیان دیگر، معبود حقیقی فرشتگان در این سجده، فقط خداوند بود و آن‌ها از باب اطاعت امر الهی برای آدم سجده کردند؛ یعنی چون آدم را مظهر خدا یافتند، نه معبود خود، برای او سجده کردند. ثالثاً با توجه به مذاق شرعی مزبور و با توجه به احتمال اختصاص جواز آن به شرایع پیشین نمی‌شود از مواردی چون سجده بر آدم و یوسف علیه السلام، جواز سجده برای غیر خدا را به عنوان تکریم در شریعت اسلام استنتاج کرد؛ بلکه جواز آن مبتنی بر اذن شارع است. (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۲۷۳) رابعاً، همه این بحث‌ها در صورتی است که سجده فرشتگان امری تشریعی باشد وگرنه، در صورت تکوینی بودن آن، جایی برای بحث از حرمت یا جواز شرعی آن نیست و این‌که این سجده تشریعی بوده یا تکوینی، یا نه تکوینی بوده و نه تشریعی، حضرت آیت الله جوادی آملی معتقد است امر به سجده نمی‌تواند امری حقیقی باشد؛ چون در این صورت از دو حال خارج نیست: یا امر مولوی و تشریعی است، نظیر «وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» (بقره: ۴۳) یا امر تکوینی است، همانند: «فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (فصلت: ۱۱) و هر دو قسم، محذور دارد؛ محذور امر تکوینی این است که قابل عصیان نیست و پیوسته با اطاعت همراه است؛ چون چیزی را که خدای سبحان تکویناً اراده کند ایجادش حتمی است «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس: ۸۲)، زیرا «كُنْ» لفظ و صورت نیست، بلکه ایجاد است و به بیان امیرمؤمنان علی علیه السلام سخن خدا، صوت یا ندایی که با گوش شنیده سود نیست، بلکه فعل و ایجاد است: «لَا بَصَوْتٍ يَقْرَعُ وَلَا نِدَاءٍ يُسْمَعُ وَإِنَّمَا كَلَامُهُ سُبْحَانَهُ فِعْلٌ مِنْهُ أَنْشَأَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۴، ص ۳۰) از آیاتی نظیر «قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» نیز استفاده می‌شود که امر تکوینی خدا، نه تنها عصیان بردار نیست؛ بلکه کراهت بردار نیز نیست.

۲-۱-۳. حیات متعالی

طبیعت زندگی جهان مادی، فنا و نابودی است. محکم‌ترین بناها، بادوام‌ترین حکومت‌ها، قوی‌ترین انسان‌ها، سرانجام کهنه و فرسوده و سپس نابود می‌شود و همه بدون استثناء خلیل‌پذیرند؛ اما اگر بتوان این موجودات را به نحوی با ذات پاک خداوند پیوند داد و برای او و در راه او به کار انداخت، رنگ جاودانگی به خود می‌گیرند؛ چراکه ذات پاکش ابدی است و هر چیز نسبتی با او دارد رنگ ابدیت می‌یابد. خلیفه الهی و پذیرش خلافت و ولایت او، تنها گزینه‌ای است که این رابطه را می‌سازد و به انسان رنگ الهی می‌دهد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۳۹۰)؛ چراکه از منظر قرآن، زندگی انسان‌ها دو نوع خبیث و طیب است و نشانه افراد خبیث، عدم پذیرش ولایت حق است که زیر بار تعالیم خلفای الهی نمی‌روند و این معنا از آیه شریفه «وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ بَابَهُ يَأْذَنُ رَبِّهِ وَ الَّذِي حَبَّتْ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا» (اعراف: ۵۸) به دست می‌آید که قلب آدم‌های طیب و خبیث را به زمین حاصل‌خیز و شوره‌زار تشبیه کرده است، با این‌که هر دو زمین از یک آب مصرف می‌کنند؛ ولی میوه‌ی متفاوتی ارائه می‌دهند (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۱، ص ۱۸۵). انسان‌ها نیز چنین‌اند؛ یعنی با این‌که از یک رهبر و خلیفه‌ی الهی برخوردارند، اما یک عده به دلیل عدم پذیرش تعالیم خلفای الهی در همان خباثت خود باقی می‌مانند، نه نمو و رشد دارند و نه ترقی و تکامل و حتی هیچ ریشه‌ی محکمی نیز ندارند: «وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ» (ابراهیم: ۲۶). از این‌رو خدای متعال، پیامبرش را به خاطر سرپیچی این دسته از افراد، دل‌داری داده و سطح تکلیف ایشان را به ابلاغ رسالت محدود کرده و می‌فرماید: «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (نحل: ۸۲)، اما عده‌ی دیگری که زیر بار تعالیم خلفای الهی رفته، تبدیل به سرزمین حاصل‌خیزی می‌گردند که یکی از ثمرات آن، بهره‌مندی از حیات طیب است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل، ۹۷)؛ هرکس از مرد یا زن، عمل نیک انجام دهد، در حالی که ایمان داشته باشد، پس او را بی‌تردید در دنیا به زندگی پاکیزه‌ای زنده خواهیم داشت و (در آخرت) البته اجر و ثوابی که به او می‌دهیم، بهتر از عملی است که انجام داده است. شیخ حر عاملی، ذیل آیه شریفه فوق، روایاتی را ذکر کرده که آن‌چه مایه بهره‌مندی از حیات طیب است، پذیرش ولایت خلیفه‌ی الهی حضرت علی علیه السلام است. (حر عاملی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۲)

علامه طباطبایی، یکی دیگر از آثار و نتایج خلافت خلیفه‌ی الهی را زنده شدن دل می‌داند؛ ایشان در ذیل آیه شریفه با استناد به آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال: ۲۴)، معتقد است آیه شریفه، ناظر به زندگی حقیقی انسان است که اشرف و اکمل از حیات دنیوی است و با علم و عمل درک می‌شود، و وقتی به آن زندگی می‌رسد که استعدادش کامل و رسیده شده باشد و این تمامیت استعداد به وسیله دخول در زمره اولیای صالحین (خلفای الهی) دست می‌دهد. (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۹، ص ۴۳)

آرامش روحی وسیله کارآمد برای رسیدن به آمال و آرزوهای مادی و معنوی است و کسی که از آن بی‌بهره باشد، از رسیدن به مقاصد خود، محروم خواهد ماند و در این میان آنچه باید به عنوان یک مقصد اصلی و اساسی برای یک فرد دوراندیش مطرح باشد، مقصدی ماندگار و ابدی است و آن قرب و رضوان الهی که با ایمان و اصلاح خویشتن حاصل می‌شود و ایمانی صحیح و حقیقی است که کامل باشد و هیچ نقص و تبعیضی در آن نباشد و آن، ایمان به حقانیت خلفای الهی و تبعیت و پیروی از دستورات الهی گونه‌ی آنان است که در این صورت موجب آرامش حقیقی روحی می‌شود و شخص در لواء ولایت حق، دیگر نه ترسی و نه اندوهی نخواهد داشت و با عنایت ولیّ حق به سوی ترقی و تکامل پیش می‌رود تا به مقصد اصلی که اعلیٰ مراتب قرب الهی است، برسد و در این بین، اگر اجل مهلت نداد، همچون مجاهد فی سبیل‌الله، دارای اجر شهید بوده و با شفاعت اولیای حق در عالم آخرت به آن مقصدش نائل خواهد آمد؛ همانطور که خود خلفای الهی هیچ خوف و حزنی ندارند: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس: ۱۰)؛ آگاه باشید (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند. کسانی که از دستورات و هدایت‌های آنان بهره‌مند شوند نیز هیچ خوف و حزنی نخواهند داشت: «فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۳۸). علامه نیز معتقد است که اولیا و خلفای الهی نه از چیزی می‌ترسند و نه برای چیزی اندوه می‌خورند - نه در دنیا و نه در آخرت - مگر آن‌که خدای تعالی اراده کند که آنان از چیزی بترسند و یا درباره آن اندوه خورند (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۰، ص ۸۹). در تفسیر نورالثقلین ذیل آیه شریفه چهل و هشت سوره مبارکه انعام از حضرت علیؑ در منا شده و سوگند دادنی که با مخالفان خود در روز شوری داشتند، نقل کرده است که پیامبرؐ در مورد ایشان فرمود:

«دوستان تو روز قیامت از قبرهایشان خارج می‌شوند که بر شترهای سفید سوارند و از بند نعلین‌هایشان نور می‌درخشد به هر جا به آسانی وارد شوند و سختی‌ها از آنان برداشته شده و امان به آنان داده شده و اندوه‌ها از آنان بریده شده تا آن‌که به سایه عرش خدای رحمان درآیند ... مردم در آن روز می‌ترسند؛ ولی آنان نمی‌ترسند، مردم اندوهگین هستند؛ ولی آن‌ها اندوهی ندارند» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۵۹).

بنابراین شخص مؤمن حقیقی و در لواء ولایت حق از هیچ یک از عوامل اضطراب اخروی، ترس و اضطرابی ندارد؛ اما در برابر مسئولیت‌های خویش تا مادامی که در دنیا است، در حالت بین ترس و امید است، ترس از این‌که مبدا در انجام وظایف کوتاهی کند یا در برابر وسوسه‌های درونی و شیطانی پایش بلغزد و منحرف شود یا این‌که اعمالی عبادی که انجام می‌دهد، دارای نقص و عیب باشند، البته آن نگرانی‌ها، سازنده هستند و موجب مراقبت بیش‌تر و اظهار عجز و ناتوانی در پیشگاه الهی می‌شوند.

۲-۱-۵. داشتن نور برای حرکت در ظلمات

یکی از آثار و برکات ولایت خلفای الهی، بیرون آوردن افراد از ظلمات، گمراهی‌ها و خرافاتی که در اعتقادات و آداب و رسوم جاهلانه آنان نمود دارد به سوی صراط مستقیم، حق و شناخت صحیح از خود و خدای خود است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (حدید: ۲۸). نور در این آیه شریفه بدون قید بوده و شامل امور دنیوی و اخروی خواهد بود و آن را نباید مختص به عالم دنیا یا مختص به عالم آخرت لحاظ کرد؛ همچنان که بعضی از مفسران مراد از آن را، نور در روز قیامت تفسیر و ترجمه نموده‌اند. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۴۷۵) آیه شریفه، دارا بودن نور برای پیمودن راه را مشروط به داشتن تقوای الهی و ایمان و ولایت‌پذیری عملی از خلفای الهی می‌نماید که ثمره داشتن آن دو شرط منور شدن به نور علم و درک باطنی است که با آن نور می‌تواند به راحتی حق را از باطل، نورانیت و حقانیت امری را از ظلمت و بطلان آن، تشخیص بدهد و از موارد ظلمانی مؤثر در ایجاد ظلمت معنوی و روحی دوری کند و در برخورد با مسائل زندگی، بتواند به آنچه که جذابیت حقیقی دارد، عمل کند و از موارد جذابیت کاذب و گمراه کننده پرهیز کند.

علامه طباطبائی معتقد است با این‌که این اشخاص دعوت دینی را پذیرفته‌اند، اما دوباره امر شده‌اند که پیروی کامل و اطاعت تام از خلیفه‌الله در همه امور داشته باشند؛ چه این‌که امر و نهی خلیفه‌اللهی مربوط به حکمی از احکام شرع باشد و چه اعمال ولایتی باشد که آن جناب بر امور امت دارد؛ همچنانکه در جای دیگر فرمود: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (نساء: ۶۵). پس ایمانی که در آیه شریفه بدان امر شده ایمانی است بعد از ایمان و مرتبه‌ای است از ایمان، بالاتر از مرتبه‌ای که قبلاً داشتند و تخلف از آثارش ممکن بود، مرتبه‌ای است که به خاطر این‌که قوی است، اثرش از آن تخلف نمی‌کند، و به همین مناسبت فرمود: «يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ» و کفل به معنای حظ و نصیب است پس کسی که دارای این مرتبه بالا از ایمان باشد ثوابی روی ثواب دارد، هم‌چنان که ایمانی روی ایمان دارد. (طباطبائی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۹، ص ۱۷۴)

۲-۱-۶. رستگاری

در قرآن کریم برای رستگاری، دو کلمه «فلاح» و «فوز» استعمال شده است: «لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِيَّكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأَوْلِيَّكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (توبه، ۸۸). کلمه «فلاح» با مشتقات آن، چهل مرتبه در قرآن مجید استعمال شده و به معنای رستگاری و پیروزی است. صاحب التحقیق، «فلاح» را نجات از شرور و ادراک خیر و صلاح دانسته که در فارسی با کلمه پیروزی از آن تعبیر می‌شود و «فوز» را بعد از فلاح دانسته است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹، ص ۱۳۳)، اما لسان‌العرب، بین معنای «فَلَحَ وَفَلَحَ»، فرق گذاشته شده و دومی را به شکافتن و جداکردن معنا کرده است (ابن‌منظور،

۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۵۴۷)، طبق این معنا، به کشاورز «فلاح» می‌گویند؛ چون که زمین را می‌شکافد و دانه در آن قرار می‌دهد و مراقبت و آبیاری می‌کند تا به ثمر برسد و بدان وسیله خود و دیگری از آن بهره‌مند شوند، سپس آن به هر نوع پیروزی، رسیدن به مطلوب و خوشبختی اطلاق شده است و در حقیقت افراد پیروزمند و خوشبخت، موانع را از سر راه بر می‌دارند و راه خود را به سوی مقصد می‌شکافند تا به آن برسند؛ از این رو کسی که صفات رذیله را از درون و بیرون خود بیرون کند و گوهر نفس انسانی را با صفات نیک بروز دهد، مشمول آیه شریفه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس: ۹) می‌شود. پس مستفاد از آیه شریفه مذکور در ذیل عنوان، این است که کسانی که مؤمن به حقانیت ولیّ حق و خلیفه الهی بوده و در حال مجاهده نفسانی و مالی باشند، آنان به فلاح و رستگاری رسیده‌اند.

کلمه «فوز» در آیهی «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» (احزاب: ۷۱)، طبق نوشته اهل لغت، به معنای پیروزی و نجات پیدا کردن است: «فاز یفوز فازا ای ظفر و نجا» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹، ص ۱۵۵). واژه «فوز» با مشتقاتش ۲۷ مرتبه در قرآن مجید استعمال شده و با بررسی آیاتی که در آنان کلمه فوز یا مشتقات آن، مطرح شده، متوجه می‌شویم که فوز مختص ورود به بهشت نبوده: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» (آل عمران، ۱۸۵). گرچه در بیش تر آیات، کلمه فوز به معنای بهشت و دخول در آن مطرح شده، ولی در معانی دیگری نیز مطرح شده که شامل رضایت و خشنودی خدا از بنده‌اش (مانده: ۱۱۹)، تقرّب به او (توبه: ۱۱۱)، داشتن مقام و مرتبت بزرگ در پیشگاه الهی (توبه: ۲۰)، مشمول رحمت ویژه خدا شدن (غافر: ۹) و داشتن ایمان و تقوای الهی و به تبع آن بشارت دنیوی و اخروی (یونس: ۶۴) می‌شود.

البته کلمه فلاح با فوز با بررسی آیات متضمن آن دو، از جهت معنا در بعضی موارد مترادف هستند؛ از این رو بعضی گفته‌اند: «فلاح» یعنی فوز (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۵۴۷) و در موارد دیگر «فلاح» قبل از «فوز» قرار دارد که پیمودن راه حق و صراط مستقیم موجب فلاح و رسیدن به مقصد و نتیجه پیمودن صراط مستقیم که بهشت بوده، فوز است (آل عمران: ۱۸۵)؛ به عبارت دیگر، «فلاح» پیروزی است و «فوز» بهره‌مندی از ثمرات آن پیروزی است.

۲-۱-۷. خروج از ظلمات

یکی از نقش‌های مهم نظریه خلافت دینی و اهداف خلفای الهی، بیرون بردن مردم از ظلمت و جهل به سوی نور و هدایت است: «الرَّكِبَاتُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهیم: ۱). خداوند در رابطه با داستان موسی علیه السلام می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكَّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (ابراهیم: ۵). از مجموع آیات به خوبی استفاده می‌شود که یک از اهداف خلفای الهی، هدایت و

راهنمایی انسان از ضلالت به سوی حق و حقیقت است.

۸-۱-۲. سعادت، بهشت و فوز عظیم

هرچند برکات پذیرش حاکمیت خلیفه الهی، بسیار فراوان است؛ اما یکی از آثار مهم اخروی آن، بهشت و فوز عظیم است که در آیات و روایات متعددی، بهشت و برخورداری از سعادت و فوز عظیم، مأوی و منتهای کسی معرفی شده است که حاکمیت و ولایت خلیفه کامل الهی - معصوم - را بپذیرد: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (نساء: ۱۳).

در ذیل آیه شریفه از پیامبر خدا ﷺ نقل شده که در مورد شخصیت حضرت علی ﷺ از او پرسیدند، رسول خدا ﷺ ناراحت شد و فرمود: چرا گروهی از من درباره کسی سؤال می‌کنند که منزلت او در نزد خداوند مانند منزلت من می‌باشد، متوجه باشید هرکس علی ﷺ را دوست بدارد مرا دوست داشته است و هرکس مرا دوست بدارد خداوند را دوست داشته است؛ خداوند از هرکس راضی باشد بهشت را به او عطا می‌کند. بدانید هرکس علی را دوست بدارد، پروردگار نمازهای او را قبول می‌کند و روزه‌اش را می‌پذیرد و دعایش را مستجاب می‌گرداند و بدانید هرکس علی را دوست بدارد، فرشتگان برای او استغفار می‌کنند و درهای هشت‌گانه بهشت برای او باز می‌شوند و او از هر دری بخواهد وارد می‌گردد (قمی مشهدی، ۱۳۹۴، ج ۱۴، ص ۵۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۵، ص ۲۴).

۲-۲. دیدگاه مفسران اهل سنت

چنان‌که در بخش‌های گذشته بیان شد، مراد اهل سنت از خلافت، خلیفه‌الرسول است که همان حاکم و امام جامعه مقصود است؛ بنابراین، دانشمندان و مفسران اهل سنت، آثار و برکات خلیفه و حاکم را به مدیریت جامعه دینی منحصر کرده‌اند. از نظر آن‌ها، عمده‌ترین نقشی که خلافت در جامعه دارد، چنین است:

الف) تأمین عدالت اجتماعی با اجرای قوانین اسلامی در جامعه دینی که با تأسیس دادگستری و گسترش آن و نصب عده‌ای واجد شرایط برای انجام دادرسی، قابل حصول است.

ب) تأمین امنیت عمومی برای ایجاد آسایش و آرامش در جامعه دینی که با اقامه حدود شرعی و با قوه قهریه ضابطان به دست می‌آید.

ج) پاسداری از مرزهای جامعه اسلامی که با اعزام سربازان و مجاهدان به مرزها، اعلان جنگ و صلح و فرماندهی نیروها قابل دستیابی است.

د) توسعه و گسترش اسلام در جهان با ترویج، تبلیغ و جهاد در راه خدا (قاضی معتزلی، ۱۴۲۲ق، ص ۷۵).

علاوه بر این چهار اثر عمده، آثار دیگری نیز مترتب دانسته‌اند؛ مانند تأمین ارزاق عمومی، گسترش

بهداشت و درمان، توسعه آموزش‌های همگانی، نظارت بر داد و ستد و به طور کلی، ارتباط‌های عمومی جامعه. همان (فخر رازی نیز اگرچه خلافت الهی در ذیل آیه ۳۰ سوره بقره قبول ندارد، اما در ذیل آیه شریفه «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ» با این‌که بحث تعلیم اسماء را برای حضرت آدم مطرح کرده؛ ولی معتقد است این آیه دلالتی بر فضیلت انسان ندارد؛ بلکه آیه دلالت بر فضیلت علم می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۴۰۰).

۳. ارزیابی دیدگاه‌ها

برابر دیدگاه اهل سنت، نقش و رسالت خلافت، به تدبیر امور معیشتی امت محدود می‌شود و امام و خلیفه در بسیاری از شئون و مسائل دیگر، فاقد نقش می‌شود؛ برای مثال، از نظر اهل سنت، امت مسلمان در آموزش و کسب معارف و احکام اسلامی نیازی به امام ندارد، قاضی عبدالجبار معتزلی همدانی به چنین دیدگاهی تصریح دارد. (قاضی معتزلی، ۱۴۲۲ق، ص ۷۶۱) این درحالی است که آموزش صحیح یا نادرست معارف و احکام اسلامی، می‌تواند امت را در بینش مبتنی بر اصالت وحی، حفظ کند و یا آن را از آموزه‌های واقعی دین، دور سازد. همچنین، نقش تربیتی و الگویی خلیفه که بر مبنای نظریه اهل سنت در نقش و منزلت امامت، انکار می‌شود، قابل توجه است؛ رابطه امت با امام، در این نظریه، چنین نیست که امت برای تهذیب نفس و کسب فضایل اخلاقی، امام را به عنوان اسوه و نمونه عینی تخلق قرار دهند که عاری از هرگونه خطا و گناه است؛ این دیدگاه در تفسیر منزلت و نقش امامت در جامعه دینی را می‌توان دیدگاه دنیاگرایانه نامید که رسالت امام و خلیفه را به امور تنها این جهانی، محدود و محصور می‌کند. (یزدی مطلق، ۱۳۸۷، ص ۶۷)

عجیب‌تر از همه، سخن فخر رازی است که ذی‌المقدمه (اسماء) را فدای مقدمه (علم) کرده است و به خاطر تعصب، انسان کامل و آن ذوات مقدسه را در این آیات که محوریت اصلی و ذی‌المقدمه دارد و حتی روی سخن خداوند متعال با اوست و علت برتری انسان به خاطر آن‌هاست، نادیده گرفته و به مقدمه پرداخته است و بیان می‌کند که این آیه در فضیلت علم است و آیه قبل از آن در مورد آفرینش آدم است نه خلافت الهی او (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۹۰)، درحالی‌که آیه شریفه هیچ اشاره‌ای به بحث علم و آفرینش ندارد، بلکه ظاهر آیه فریاد می‌زند که در مورد خلافت الهی انسان و ملاک آن خلافت است که همان «تعلیم اسماء» است؛ یعنی آنچه ملاک برتری انسان‌ها شده، وجود آن «اسماء و ذوات حقیقیه» است که به آدم تعلیم داده شد که اگر آن‌ها نبودند، نفس علم ارزشی نداشت و این علم به سایر اشیا را ملائکه هم داشتند.

نتیجه‌گیری

مراد از آثار خلافت، بررسی آثار و برکات خلافت انسان کامل؛ یعنی وجود انبیا و ائمه معصومین علیهم‌السلام در زمین از دیدگاه فریقین است که با پذیرش حاکمیت آنان، حاصل می‌شود و دو نوع آثار بر آن مترتب است: یکی آثار فردی و دیگری آثار اجتماعی است. از دیدگاه شیعه، مراد از آثار فردی، -علاوه بر داشتن حیات متعالی و طیب، ترفیع درجه، داشتن بهداشت جسمی بر اثر استفاده نمودن از مأكولات طیب و پرهیز از مصرف خبائث و داشتن بهداشت روانی به خاطر داشتن آرامش روحی و آینده‌ای امیدوار و داشتن تکیه‌گاهی مطمئن تجلی توحید در عالم هستی، مظهر و آئینه خدا شدن، مسجود و معلم فرشته‌ها شدن، دوری از خرافات و عوامل مخرب روحی، امثال، تندخویی، حرص، طمع، حسادت، کینه و سوءظن و دیگر صفات رذیله اخلاقی و در نهایت، سعادت، بهشت و فوز عظیم است؛ اما اهل سنت، با تعریف و مبنایی که از خلافت دارند، آثار و برکات خلیفه و حاکم را به مدیریت جامعه دینی منحصر کرده‌اند؛ از نظر آن‌ها، عمده‌ترین نقشی که خلافت در جامعه دارد در تأمین عدالت اجتماعی، امنیت عمومی، پاسداری از مرزهای جامعه و توسعه و گسترش اسلام، خلاصه می‌شود.

اشکالی که بر این دیدگاه وارد است این است که نقش و رسالت خلافت به تدبیر امور معیشتی امت محدود می‌شود و امام و خلیفه در بسیاری از شئون و مسائل دیگر، فاقد نقش می‌شود؛ این درحالی است که آموزش صحیح یا محرف معارف و احکام اسلامی، می‌تواند امت را در بینش مبتنی بر اصالت وحی، حفظ کند و یا آن را از آموزه‌های واقعی دین، دور کند. همچنین، نقش تربیتی و الگویی خلیفه که بر مبنای نظریه اهل سنت در نقش و منزلت امامت، انکار می‌شود، قابل توجه است؛ رابطه امت با امام، در این نظریه، چنین نیست که امت برای تهذیب نفس و کسب فضایل اخلاقی، امام را به عنوان اسوه و نمونه عینی تخلق قرار دهند که عاری از هرگونه خطا و گناه است؛ این دیدگاه در تفسیر منزلت و نقش امامت در جامعه دینی را می‌توان دیدگاه دنیاگرایانه نامید که رسالت امام و خلیفه را به امور، صرفاً این جهانی، محدود و محصور می‌کند. علاوه بر این چهار اثر عمده، آثار دیگری نیز مترتب دانسته‌اند مانند: تأمین ارزاق عمومی، گسترش بهداشت و درمان، توسعه آموزش‌های همگانی، نظارت بر داد و ستد و به طور کلی، ارتباط‌های عمومی جامعه.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، چاپ سیزدهم، قم: مشهور، ۱۳۸۰ ش.
- ابن تیمیه حرانی، احمد بن عبدالحلیم بن عبدالسلام. الفتاوی الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.
- ابن حنبل شیبانی، ابو عبدالله احمد بن محمد. مسند أحمد، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۴ ق.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد بن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب، چاپ سوم، قم: نشر ادب حوزه، ۱۴۰۸ ق.
- اسعدی، محمد، ولایت و امامت، پژوهشی از منظر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
- اندلسی، ابوحیان، بحر المحيط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر العربی، ۱۴۱۵ ق.
- تفتازانی، سعد الدین. شرح المقاصد، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۰۹ ق.
- جوادی آملی، عبدالله. تفسیر تسنیم، چاپ دوم، اسراء، قم، ۱۳۸۳.
- جوهری، اسماعیل به حماد. صحاح اللغة، بیروت: دار العلم، ۱۴۰۷ ق.
- جوینی، ابو المعالی، غیاث الامم فی التیات الظلم، جده: دارالمنهاج، ۱۴۳۲ ق.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة، با مقدمه آیت الله مرعشی نجفی، بیروت: موسسه اعلمی، ۱۴۲۲ ق.
- حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
- حویزی، عبدعلی جمعه، تفسیر نور الثقلین، تصحیح رسولی، هاشم، چاپ چهارم، قم.
- حویزی، عبدعلی جمعه، تفسیر نور الثقلین، تصحیح رسولی، هاشم، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- راغب اصفهانی، ابو القاسم حسین بن محمد. المفردات فی غریب القرآن، قم: دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
- سیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، تحقیق محمد محی الدین عبد الحمید، قم: منشورات الرضی، ۱۴۱۱ ق.
- صادقی تهرانی، محمد، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: مکتبه محمد الصادقی

- لطهرانی، ۱۴۱۹ق.
- صدرالمتهین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر صدرالمتهین، تصحیح محمد خواجوی، چاپ سوم، قم: نشر بیدار، ۱۳۶۱.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه. توحید، بی تا، بی جا.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، کتاب الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
- طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان در تفسیر قرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۶۶.
- غزالی، محمد، فضائح الباطنیه، بیروت: المكتبة العصریه، ۱۴۲۲ق.
- فراهیدی، ابو عبد الرحمن خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: دار الهجره، ۱۴۱۵ق.
- فیروز آبادی، مجد الدین محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت: مکتب تحقیق التراث فی مؤسسه الرساله، ۱۴۰۷ ق.
- قاضی، عبد الجبار. شرح الاصول الخمسه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- قرطبی، محمد بن احمد انصاری، الجامع لاحکام القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
- قمی مشهدی، محمد، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، قم: شمس الضحی، ۱۳۹۴.
- کاشانی، ملافتح الله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۳۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، تحقیق محمد جعفر شمس الدین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.
- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب البصری، النکت و العیون (تفسیر الماوردی)، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- مکارم شیرازی ناصر و همکاران. تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ش.
- نیشابوری، حسن بن محمد قمی (نظام الاعرج). تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان،
- محقق عمیرات، زکریا، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۶ق.
- یزدی مطلق، محمود، امامت پژوهی، بررسی دیدگاه امامیه، معتزله، اشاعره، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۷.



نقش سلامت معنوی در ایجاد تعادل بین نقش‌های اجتماعی و خانوادگی زنان^۱

فائزه سادات عظیم زاده اردبیلی^۲

فاطمه رضوی راد^۳

چکیده

در جامعه کنونی، زنان زیادی به صورت همزمان، نقش‌های درون‌خانوادگی (مادری، همسری و مهرورزی) و برون‌خانوادگی (فعالیت در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی) را به عهده دارند. مقاله حاضر با شیوه تحلیلی-اسنادی، با هدف تحلیل نقش‌های درون‌خانوادگی و اجتماعی زنان از دو منظر اسلام و غرب و همچنین بررسی انواع رویکردهای نظری، تقابل بین نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زنان و ایجاد تعادل بین این نقش‌ها، درصدد پاسخگویی به این پرسش است که آیا سلامت معنوی مبتنی بر مبنای توحیدی می‌تواند به کامل‌ترین صورت باعث ایجاد تعادل بین نقش‌های خانوادگی و اجتماعی در زنان شود؟ در تقابل نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی زنان چهار رویکرد وجود دارد؛ در رویکرد اول، نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی زنان، در اساس با یکدیگر در تعارض هستند. نقش‌های درون‌خانوادگی تحت تأثیر کلیشه‌های جنسی به زنان سپرده می‌شوند و اصالت با نقش‌های درون‌خانوادگی است. در رویکرد دوم نیز، دو نقش در تعارض هستند، ولی چون جنسیت یک برساخته اجتماعی-فرهنگی است و تأکید بر نقش‌های برون‌خانوادگی است، این دیدگاه، اصالت را با نقش‌های برون‌خانوادگی می‌داند. در رویکرد چهارم که مبتنی بر نظریه تعادل است، هر دو نقش به صورت همزمان و در یک سطح اولویت قرار

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۸.

۲. دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خواهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

azimzadeh@isu.ac.ir.

۳. کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه خوارزمی، پژوهشگر موسسه آموزشی پژوهشی انقلاب اسلامی.

دارند. این نظریه به دلیل عدم توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سنی - نسلی زنان، مورد انتقاد است. در رویکرد چهارم از نظام ارزشی سلامت معنوی توحیدی برای ایجاد تعادل بین نقش‌های درون خانوادگی و برون خانوادگی استفاده می‌شود. در این تئوری، نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زنان در اساس با یکدیگر در تعارض نیستند و تنها زمانی دچار تعارض می‌شوند که نظام ارزشی آن‌ها دچار اختلال شود. نظام ارزشی سلامت معنوی توحیدی، مبتنی بر سه اصل، تعیین درست مراتب ارزش‌ها (اصالت با ارزش‌های معنوی)، مشخص کردن اولویت تقدم ارزش‌ها (بر اساس نزدیکی به هدف غایی) و انتخاب صحیح ارزش در شرایط تراحم ارزشی است. در شرایط تراحم ارزشی برای زنان، در ابتدا باید اولویت‌های نقشی آنان تعیین شود؛ سپس با توجه به ضرورت‌هایی که این اولویت‌ها را تعیین می‌کنند، مانند نیاز جامعه، ضرورت‌های فردی و ویژگی‌های درونی زنان، ارزش‌ها انتخاب شوند.

واژه‌های کلیدی: سلامت معنوی، نقش‌های خانوادگی زنان، نقش‌های اجتماعی زنان، تعارض نقش‌ها، تعادل نقش‌ها.

مقدمه

زنان، همواره محور خانواده و نقطه‌ی کانونی آن محسوب می‌شوند. پیش از این در جامعه ما زنان اغلب در خانه می‌ماندند و به صورت اختصاصی و انحصاری به وظیفه مادری و همسری می‌پرداختند و کار و اشتغال آنان، به طور معمول در درون خانه و در کنار همسر و فرزندان انجام می‌شد، اما امروز زنان جامعه‌ی ما علاوه بر نقش‌های همسری و مادری، نقش‌های دیگری را به عنوان یک فرد شاغل، بیرون از خانه و خانواده ایفا می‌کنند. هریک از این نقش‌های متفاوت، اقتضائات، شرایط و الزامات خاص خود را دارد که گاه با یکدیگر قابل جمع نیستند؛ در این شرایط، پدیده‌ی تعارض نقشی پدید می‌آید. تعارض نقشی باعث ایجاد اختلال بین ایفای نقش‌های درون‌خانوادگی زنان (همسری، مادری و عاطفه‌ورزی) و نقش‌های اجتماعی آنان می‌شود. این پدیده گاه در سطح زندگی خانوادگی باعث بروز افسردگی، اضطراب، بدخلقی و بدرفتاری با همسر و فرزندان، انجام ضعیف‌تر وظایف نقش والدینی و همسری، کاهش رضایت از زندگی و عدم بهداشت روانی می‌شود. (Duxbury ۱۹۹۱, p۶۰) همچنین در سطح زندگی اجتماعی، گاه زنان را دچار تنش‌های روانی و اختلال و ناتوانی در برقراری ارتباط اجتماعی می‌کند؛ در نتیجه احتمال دارد که فرد در کار، دچار ناخشنودی شغلی، رخوت روانی و احساس از خودبیگانگی شود. (Adam & Lynda, ۱۹۹۱, p۴۱۱) ظاهر این اختلال در حیطه شغل‌های برون‌خانوادگی به صورت افزایش تأخیر و غیبت از کار، افزایش تمایل برای تغییر شغل و عدم تعهد شغلی و سازمانی نمایان است که روی هم رفته به کاهش بهره‌وری می‌انجامد. (Duxbury, ۱۹۹۱, p۶۰) در این مرحله هم خانواده و هم محیط کار فرد دچار نوعی کارکرد نابسامانی و کژکارکرد می‌شوند که از فشار روانی و اجتماعی ناشی می‌شود. مصداق عمده این وضع در خانواده، تعارض خانوادگی، ناسازگاری ازدواج و کاهش کیفیت زندگی خانوادگی است. (Duxbury, ۱۹۹۱, p۴۱۱) در سطح کلان، این تعارض دوگانه‌ی نقشی بین نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زنان باعث

اتلاف انرژی جامعه، بلا تکلیفی و اضطراب می‌شود و در چنین شرایطی، افراد نمی‌توانند به وظایف خود عمل کنند و تعارض نقشی منجر به نفی عملکرد نقش می‌شود (روش بلاو و همکاران، ۱۳۷۲، ص ۳۷۹). مقاله حاضر با شیوه تحلیلی- اسنادی و با هدف تحلیل نقش‌های درون خانوادگی و اجتماعی زنان از دو منظر اسلام (با تکیه بر گفتمان انقلاب اسلامی) و غرب و بررسی انواع رویکردهای نظری تقابل بین نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زنان و ایجاد تعادل بین این نقش‌ها، درصدد پاسخگویی به این سوال است که آیا سلامت معنوی بر مبنای دیدگاه توحیدی می‌تواند به کامل‌ترین صورت، باعث ایجاد تعادل بین نقش‌های خانوادگی و اجتماعی در زنان شود؟

۱. مفهوم‌شناسی

در ابتدای بحث لازم است به بررسی واژگان سلامت معنوی، نقش و تعارض نقش بپردازیم.

۱-۱. سلامت معنوی

سلامت معنوی در دو دیدگاه توحیدی و اومانیستی قابل تعریف است که در ادامه به تفصیل خواهیم پرداخت، اما در پژوهش حاضر، منظور از سلامت معنوی در نظام توحیدی اسلام است. سلامت معنوی، وضعیتی دارای مراتب گوناگون است که در آن، متناسب با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فرد، بینش‌ها، گرایش‌ها و توانایی‌های لازم برای تعالی روح که همان تقرب به خدای متعال است، فراهم می‌شود؛ به گونه‌ای که همه امکانات درونی به طور هماهنگ و متعادل در جهت هدف کلی مزبور، بکار گرفته می‌شوند و رفتارهای اختیاری درونی و بیرونی متناسب با آن‌ها، نسبت به خدا، فرد، جامعه و طبیعت ظهور می‌یابند (مصباح، ۱۳۹۲، ص ۸۶). سلامت معنوی در اسلام، دارای ابعاد انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناسی است که در این پژوهش از بُعد ارزشی‌شناسی آن استفاده شده است.

۱-۲. نقش

نقش به وظایف و انتظاراتی گفته می‌شود که به هر فرد، متناسب با پایگاه اجتماعی او اسناد داده می‌شود. پایگاه، موقعیت هر شخص را در رابطه با کل جامعه نشان می‌دهد (عضدانلو، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷). نقش‌هایی که هر فرد از ابتدای عمر تا زمان مرگ ایفا می‌کند، شخصیت او را شکل می‌دهد (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۵، ص ۲۹۸). عمل به نقش با خشنودی روانی همراه است، در حالی که عدم ایفای درست آن می‌تواند باعث تعارضات و بی‌تعادلی در زندگی فردی و اجتماعی شود.

۱-۳. تعارض نقشی

تعارض نقشی به معنای انجام دادن یا چند نقش است که مستلزم رفتارهای متناقض و متنافی باشد.

در جوامع صنعتی جدید که عضویت در گروه‌های متعدد از ویژگی‌های آن است، از بیش‌تر افراد جامعه انتظار می‌رود که به الزامات بیش‌تر از یک نقش پاسخ دهند و بسیار پیش می‌آید که برای انجام دادن چنین نقش‌های متعارضی، فرد دچار اختلال فکری و بی‌نظمی شود (کونن، ۱۳۸۷، ص ۸۷-۸۸) به این پدیده، تعارض نقشی گفته می‌شود.

۲. انواع نقش‌های زنان

نقش‌های زنان به دو دسته‌ی نقش‌های درون‌خانوادگی و بیرون‌خانوادگی تقسیم می‌شوند.

۱-۲. نقش‌های درون‌خانوادگی زنان

زنان به عنوان رکن اساسی خانواده، نقشی بنیادین در پیشرفت و تعالی اعضای خانواده دارند. مهم‌ترین نقش زنان در خانواده، مادری، همسری و آرامش‌بخشی به اعضای خانواده است که به توضیح آن می‌پردازیم.

۱-۱-۲. نقش مادری

مادری به طور معمول، توجه و مراقبت از کودکان، ارضای نیازهای مادی، عاطفی، روانی و احساس مسئولیت در قالب آن‌ها و همچنین برقراری مناسباتی است که نیازهای آن‌ها را برآورده می‌کند. (Adams, ۱۹۹۰, p۳۱) دیدگاه تعیینی بیولوژیکی، مادر بودن را سرنوشت طبیعی و بیولوژیکی زنان می‌داند. در چنین رویکردی، کارکرد غریزی بیولوژیکی است که ریشه در بیولوژی انسانی دارد. (Chodorow, ۱۹۷۸, p۵۰) البته برخی از جریان‌های فمینیستی حاکم بر جهان غرب به انکار بیولوژی زنانگی و گزینه مادری می‌پردازند و آن را نتیجه‌ی تربیت سنت‌های مردسالارانه می‌دانند. (DeBeavoir, ۱۹۷۸, p۵۱۱-۵۱۳) فمینیست لیبرال، نقش مادری را ساختگی و عاملی مهم برای پیدایش مشکلات مربوط به این نقش برای زنان می‌داند. (علاسوند، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۱۳) فمینیست رادیکال، تندترین موضع را درباره مادری نشان داده است؛ زیرا معتقد است که فرودستی و استعمار زنان از بچه‌دار شدن آنان نشأت می‌گیرد. در این تفکر بیان می‌شود که واقعیت مادری، مردان را قادر ساخته است تا زنان را فرودست سازند و از رهگذر آن، زنان تحت حمایت مردان قرار گرفته‌اند. آزادسازی زنان در این جریان مستلزم یک انقلاب زیست‌شناختی است؛ از این‌رو، آنچه این انقلاب زیست‌شناختی را برای زنان امکان‌پذیر می‌کند، استفاده از فناوری‌های موجود برای مهار باروری است. (تانک، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳) آنان معتقدند که نقش مادری، منبع اصلی استرس برای زنان است. (Milke & peltola, ۱۹۹, p۴۷۹)

در آموزه‌های دینی، مادری یک ارزش به حساب می‌آید که به دلیل ویژگی‌های زیستی و روانی بر دوش زنان است. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ص ۵۵۲) مادری از لحاظ انسان‌سازی و انسان‌پروری به قرآن تشبیه شده و نقش مادر در تزکیه و تربیت فرزندان به انبیا شباهت داده شده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۴،

ج ۱۵، ص ۴۹۱) و مهم‌ترین وظیفه زن است. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۵۸/۱۲/۲۰) از لحاظ فقهی نگهداری از فرزندان به عهده مادران نیست، ولی مادران در نگهداری آنان از دیگران سزاوارترند. زنان طی مراحل مادر شدن علاوه بر دستیابی به ثواب سرشار، به کمالات روحی و معنوی نیز می‌رسند و صفات اخلاقی در آن‌ها رشد می‌کند؛ از این‌رو اسلام با دسته‌ای از قوانین، این نقش را تقویت می‌کند. (علاسوند، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۹۷) در نگاه اسلام، مراقبت مادرانه، زمینه‌های تکوینی دارد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۸۳) در اولویت این نقش همین بس که هیچ جایگزینی ندارد و بهشت زیر پای مادران است. (ر.ک. محمدی ری‌شهری، ح ۲۲۶۹۱) ارزشمندی کنش‌های مادرانه در نگاه اسلام را از راه آموزه‌هایی همچون توصیه مؤمنان بر نیکی بیش‌تر به مادران می‌توان مشاهده کرد. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶۲)

۲-۱-۲. نقش همسری

زن در خانه، سازنده و به وجود آموزنده‌ی شخصیت، توانایی و کارآیی مفید مرد است. آرامش و سکونی را که زن به مرد می‌بخشد، با هیچ شیوه و ابزاری نمی‌توان پدید آورد. زن بی‌آن‌که نیاز به تفکر داشته باشد، می‌داند که اصلاحات سالم فقط از خانه بر می‌خیزد و از آن‌جا می‌تواند مرد سرگردان خیالی را به مرد فداکار و پایبند به خانواده و کودکان خود تبدیل کند، عامل حفظ و بقای نوع بشر است. (دورانت، ۱۳۸۸، ص ۱۴۳) این اعتقاد ویل دورانت از قرون وسطی تا قبل از سال ۱۹۲۰ به عنوان شاخص اهمیت همسری در جهان غرب در نظر گرفته می‌شد. بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ شاهد تغییر بسیار کندی در اهمیت و اولویت نقش‌های زنان بودیم، در این سال‌ها زنان در مقیاس بسیار کمی به شغل‌های پاره‌وقت خارج از خانه اقبال نشان دادند، اما همچنان همسری و نقش‌های درون‌خانگی برای زنان دارای اولویت بود. تا سال ۱۹۳۰ در غرب، همسری در کنار مادری یکی از تنها راه‌های رسیدن زنان به کمال محسوب می‌شد. (Chafe, 1978, p105-106) رسانه‌ها، دولت‌مردان، افکار عمومی، نهادهای مدنی و غیر مدنی در غرب حامی حضور زنان در نقش خانه‌داری و همسری بودند. جو ایگل^۱ عضو کنگره آمریکا اعلام کرد که «کار زن باید آن باشد که برای یک مرد همسر خوبی باشد» (Ibid, 62). پس از جنگ جهانی دوم، نیاز بازار کار به نیروی کار بیش‌تر باعث شد که رسانه‌ها، زنان را به اشتغال کامل خارج از خانه و کمک به اقتصاد جنگی تشویق کنند. (Ibid, 57-60) از سوی دیگر، رشد موج دوم فمینیست، ظهور فمینیست لیبرال، مارکسیست و سوسیال فمینیسم که نقش همسری را عامل عقب‌ماندگی زنان از مسیر موفقیت و پیشرفت می‌دانستند، نقش همسری را به نقش درجه دو و ثانویه برای زنان تبدیل کرد و از اهمیت آن کاست، اما فمینیست پست‌مدرن، به ویژه ژولیا کریستوا، هلن سیکسو و لوس ایریگاری از احیای اهمیت نقش‌های درون‌خانوادگی به خصوص در عرصه خانواده، سخن گفتند.

1. Joe Eagle

قرآن کریم در خصوص نقش آفرینی زنان در قالب همسری می‌فرماید: «و من آیاته أن خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیهما و جعل بینکم موده و رحمہ إن فی ذلک لآیات لقمون یتفکرون» (روم: ۲۱)؛ و از نشانه‌های او این‌که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند. ارزش و اولویت نقش همسری در اسلام تا به آن جا است که جهاد زنان را همسر داری و تحمل سختی‌های آن عنوان می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۱۴). پیامبر اکرم ﷺ نشانه بهترین زنان را در قالب نقش همسری تعریف می‌کند (کلینی، ۱۴۵۶، ج ۵، ص ۳۲۴). امام باقر ﷺ می‌فرماید: «مهم‌ترین شفیع زنان در روز قیامت، همسران آن‌ها هستند» (صدوق، ۱۴۰۳، ج ۲،

ص ۵۸۸). بالاترین پادشاه‌های اخروی به این نقش اختصاص دارد. پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: «هیچ زنی نیست که به شوهرش جرعه‌ای آب بنوشاند، مگر آن‌که برای او بهتر باشد از یک سال عبادتی که روزها را روزه بگیرد و شب‌ها تهجد و عبادت و قیام کند؛ خداوند در ازای هر جرعه که به شوهرش نوشانده است، شهری در بهشت برای او بنا می‌کند و شصت گناه او را می‌آمرزد». (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۲۰، ص ۱۷۲)

حضرت آیت الله خامنه‌ای نقش اهمیت و اولویت نقش همسری را به‌سان مادری می‌دانند و می‌فرماید: «برای یک مرد بزرگ همسر نقش مادر را در خانه دارد، طبیعت مرد، طبیعت خام‌تری نسبت به زن است و در میدان خاصی، شکننده‌تر و مرهم زخم او، فقط و فقط نوازش همسر است حتی نه نوازش مادر» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۴).

۲-۱-۳. آرامش بخشی

در هر دو دیدگاه اسلام و غرب، زن در آرامش دهی و لطافت بخشی فضای خانواده نقش ویژه‌ای دارد. از دیدگاه اسلام، زن در خانواده ملزم به پرستاری از روح مرد است که این امر به واسطه‌ی فنون عشق‌ورزی و محبت امکان‌پذیر است. قرآن به صراحت در این باره می‌فرماید: «او خدایی است که شما را از نفس واحدی آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیسایید» (اعراف: ۱۸). نصوص روایی نیز زنان را مایه‌ی آرامش همسران معرفی می‌کند؛ برای نمونه امام سجاد ﷺ در رساله حقوق می‌فرماید: «حق همسرت بر تو این است که بدانی خداوند او را مایه‌ی انس و آرامش قرار داده است. بدان که این نعمتی برای تو از سوی خداوند است، پس بکوش که او را اکرام کنی و با وی مهربان باشی» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۲). مرد برای یافتن آرامش در محیط خانواده به زن نیاز دارد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۷/۷/۳۰).

۲-۲. نقش‌های برون خانوادگی زنان

نقش‌های برون خانوادگی شامل تمامی نقش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که زنان در خارج

از منزل به آن اشتغال دارند؛ خواه این نقش‌ها با پاداش‌های مالی چون پول و مزایا همراه باشد، خواه بدون دریافت وجه و به صورت داوطلبانه انجام شوند. در فرهنگ دینی، شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد، اسلام زنان را علاوه بر عرصه زندگی خانوادگی برای حضور در انواع فعالیت‌های خارج از منزل تشویق می‌کند. زنان در عصر نبوی و پس از آن، در صحنه‌های اجتماع حضور فعال داشتند و رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار ﷺ نه تنها آنان را از انجام این کارها نهی نمی‌کردند، بلکه به تشویق آنان نیز می‌پرداختند. نمونه‌های فراوانی از مشارکت زنان در انواع فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در تاریخ اسلام ثبت شده است؛ بیعت (ممتحنه: ۱۲)، هجرت (نساء: ۹۷ و ۹۸)، امر به معروف و نهی از منکر (توبه: ۷۱)، شرکت در مباحثه (آل عمران: ۶۱) نمونه‌هایی از حضور اجتماعی زنان در قرآن است. حضور زنان در حوزه‌های مختلف از جمله تشویق به مبارزه (کحاله، ۱۹۸۲، ج ۲، ص ۳۴۲)، حراست و نگهداری (واقعی، ج ۱، ص ۲۲۰-۲۲۱)، پشتیبانی و تدارک جنگ، تداوی مجروحان (عزالدین، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۵۸-۵۵۹) و مبارزه‌ی رو در رو با دشمن (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۲۵) در منابع اسلامی وجود دارد. همچنین درباره‌ی حضور زنان در حج و عمره (نیشابوری، ج ۴، ص ۷۹)، حضور در مساجد (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۲۴۱) و شرکت در نمازهای عید فطر و قربان (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، باب ۲۸، ص ۴۷۲) نیز به صراحت صحبت شده است.

۳. رویکردهای نظری مختلف برای تقابل بین نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی و ایجاد تعادل بین آن‌ها در تقابل نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی زنان ۴ رویکرد وجود دارد که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۳-۱. اصالت‌بخشی به نقش‌های خانوادگی زنان

طرفداران این رویکرد که تابع نظریات «تقسیم کار جنسیتی»، «کارکردگرایی» و «سلطه طبیعی» هستند، خواستار ایفای نقش‌های همسری و مادری و حفظ کانون خانواده توسط زنان هستند. برحسب این ایدئولوژی، نقش طبیعی زن، همسری، مادری و مهرورزی است و ریشه در نظریات پیش از سرمایه‌داری دارد. (بستان، ۱۳۸۸) نظریه‌پردازان کارکردگرایی، تعدد نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی زنان را بزرگترین عامل ایجاد تنش می‌دانند؛ بر اساس این رهیافت که به آن «کمیابی نقش» گفته می‌شود، ترکیب نقش‌های شغلی و خانوادگی، تأثیرات منفی بر هم دارند (Dautzenberg & etal, ۲۰۰۰, p۱۶۶) و در کل، جمع بین نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی برای زنان محال است. این دیدگاه متمایل به نوعی از تقسیم کار جنسیتی است، البته منظور از تقسیم کار جنسیتی، تقسیم کار جنسی بر مبنای طبیعی است. طرفداران این دیدگاه بر این باورند که در اصل زنان به صورت طبیعی برای نقش‌های خانوادگی خلق شده‌اند و همچنین حضور زنان در عرصه‌های خانوادگی و اجتماعی به صورت همزمان ممکن نیست و باعث از هم پاشیدگی کانون خانواده می‌شود. از دیدگاه کارکردگرایی تقسیم کار جنسی در خانواده گریزناپذیر است

(گرت، ۱۳۸۰).

این گروه در مرزبندی بین مشاغل خانوادگی و اجتماعی، تابع کلیشه‌های جنسیتی هستند. کلیشه‌های جنسیتی مجموعه‌ای سازمان‌یافته از باورها درباره زنان و مردان است که شامل اطلاعاتی درباره ظاهر جسمانی، نگرش‌ها، علایق، صفات روانی، روابط اجتماعی و نوع شغل زنان و مردان می‌شود. (گولومبوگ و فی وش، ۱۳۸۴، ص ۲۸) محتوای کلیشه‌های جنسیتی در توانایی‌های مختلف از جمله توانایی در زبان‌آموزی، یادگیری اجتماعی، ریاضی، کامپیوتر و ... موجب می‌شود که حتی در تقسیم کار اجتماعی و خانگی نیز نوعی نابرابری جنسی مشاهده شود. در واقع کلیشه‌های جنسیتی، رفتارها و تفکراتی هستند که به صورت مکرر انتظار می‌رود یک جنس آن‌ها را انجام دهد، یا آن‌چنان ببیندیشد. (شهشانی، ۱۳۸۰) در این دیدگاه، زنانگی و مردانگی نوعی برساخته اجتماعی-فرهنگی نیستند، بلکه منشأ رفتارها، افعال و افکار افراد و دارای مبدأ طبیعی هستند. کارکردگرایی چون پارسونز، تقسیم کار بر اساس جنس را با عباراتی چون «شایستگی ذاتی زنان برای مادری کردن و مراقبت از دیگران» بیان می‌کنند. پارسونز، خانواده هسته‌ای آمریکایی را متشکل از زن و مرد و فرزندان به عنوان خانواده با سنخ معمول معرفی می‌کند که از لحاظ زندگی، نومکان هستند و پایگاه اقتصادی آن‌ها از طریق شوهر مشخص می‌شود. اشکال دیگر خانواده به اعتقاد پارسونز از سنخ «منحرف» شناخته می‌شود. (پارسونز، ۱۳۶۳، ص ۷۲۵-۷۲۷) به اعتقاد پارسونز شرایط دستیابی به حداکثر کارکردهای خانواده، تنها از طریق تقسیم نقش‌ها در نهاد خانواده با عنوان نقش‌های ابزاری یا مردانه و نقش بیانگر یا زنانه انجام می‌شود و تنها از طریق تقسیم نقش‌ها در نهاد خانواده با عنوان که امکان بقای خانواده وجود دارد؛ چراکه تشخیص حدود رعایت هریک از والدین باعث ایجاد رقابت و اغتشاش در خانواده می‌شود که برای مثال می‌تواند ناشی از دخالت زنان در فعالیت‌های شغلی باشد که در نهایت باعث از هم پاشیدگی خانواده می‌شود. (اعزازی، ۱۳۷۶، ص ۷۱)

هلموت شلسکی^۱، کارایی منحصر خانواده را تربیت فرزندان در محیطی سرشار از اعتماد و مراقبت می‌دانست که با اشتغال زن و فردیت‌خواهی او به مخاطره می‌افتد. (همان، ص ۳۳) در این دیدگاه جمع بین مشاغل خانوادگی و اجتماعی برای زنان محال است و آنان را دچار تعارض کرده و باعث فروپاشی خانواده می‌شود؛ در نتیجه زنان برای حفظ کیان خانواده باید تنها در عرصه خانوادگی و در قالب‌های همسری، مادری و مهرورزی فعال باشند. تقسیم کار در این دیدگاه براساس رویکرد جنسیتی و تابع کلیشه‌های جنسیتی است.

۳-۲. اصالت بخشی به نقش‌های برون خانوادگی (اجتماعی) زنان

به طور کلی طرفداران این دیدگاه، نظریه پردازان فمینیست موج دوم، مانند سیمون دوبوآ، تافلر آن اکلای و ... هستند که تقابل نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زنان را عامل استرس و «فشار نقش» می‌دانند. این

1. Shelsky

نظریه پردازان زمانی که به بررسی پدیده تعدد نقش‌های درون خانوادگی و برون خانوادگی می‌پردازند، بر روی عوامل بیرونی بیش‌تر تأکید می‌کنند. (دوبوآر، ۱۹۹۵، ص ۱۸۲) در این رویکرد نقش‌های درون خانوادگی زنان، مانند مادری، همسری و آرامش‌بخشی در مرتبه ثانویه قرار دارد و نقش‌هایی که زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی ایفا می‌کنند، اولویت دارد. اینان معتقدند زنانی که بر نقش‌های مادری و همسری تأکید بیش‌تری دارند، تعهد شغلی کمتری را از خود نشان می‌دهند. (خسروی، ۱۳۷۸) نقش مادری، منبع اصلی استرس زنان است. (Milkie & Peltol, ۱۹۹۹, p۴۷۷) در این دیدگاه زنان در عمل نمی‌توانند نقش‌های درون خانوادگی و برون خانوادگی را به صورت همزمان انجام دهند و این دو نقش کاملاً با یکدیگر در تضاد هستند، اما تفاوت این گروه با گروه اول در این است که برخلاف گروه اول که نقش‌های خانوادگی را انتخاب می‌کنند، این گروه به نقش‌های اجتماعی اصالت می‌بخشند. پیش‌فرض اصلی این دیدگاه، نظریه‌ی «جریان منبع» است که در آن انتقال منابع فردی مثل زمان، توجه و انرژی از یک حوزه به حوزه دیگر محدود است. مفهوم منابع محدود برای اشاره به رابطه منفی بین حوزه‌های کار و خانواده است. (۲۰۱۲، Liberman, p۱۷) در این بین چون نقش‌های خانوادگی (همسری و مادری) انرژی زیادی از زن می‌گیرند و اصالت با نقش‌های اجتماعی است (دوبوآر، ۱۹۹۵، ص ۱۸۲). فعالیت‌های خانوادگی به عنوان سد راه موفقیت زنان معرفی می‌شوند. در این دیدگاه جنسیت یک برساخته اجتماعی - فرهنگی است و تقسیم کار بر اساس کلیشه‌های جنسیتی که زنان را برای کار خانه و مردان را برای کار بیرون فرض کرده و تربیت می‌کند، صورت نمی‌گیرد (مشیرزاده، ۱۳۹۳، ص ۹۴). در این تئوری کسی زن به دنیا نمی‌آید، بلکه زن می‌شود. تقسیم کار جنسی، ساخته و پرداخته اجتماع است و ربطی به تفاوت‌های بین دو جنس ندارد؛ یعنی شغل‌ها مهر زنانه و مردانه نمی‌خورند. (آبوت و والاس، ۱۳۸۰) حتی تقسیم کار جنسیتی در خانه که نماد آشکار آن پدیده مادری و اسطوره پدرسالاری است توسط نهادهای فرهنگی جامعه، پیدایش و تقویت شده‌اند. (بستان، ۱۳۸۸)

از مهم‌ترین نقدهای وارد بر این دیدگاه، موضوع تقسیم کار است. حقوق کاملاً برابر برای زنان و مردان و نفی هرگونه تبعیض از جامعه زنان از طریق برابری در آموزش، تربیت و روند جامعه‌پذیری یکسان از ویژگی‌های اصلی این دیدگاه است. به طور کلی در این دیدگاه نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زنان در تعارض با یکدیگر است و راه حل برون رفت از این تعارض، انتخاب نقش‌های اجتماعی است؛ چراکه در این نظریه، نقش‌های اجتماعی اصالت بیش‌تری دارند.

۳-۳. تعادل بین نقش‌های درون خانوادگی و برون خانوادگی زنان (از طریق نظریه تعادل) گروه سوم، نقش‌های درون خانوادگی و برون خانوادگی را در تعارض با یکدیگر نمی‌بینند. طرفداران این نظریه بر این باور هستند که زنان می‌توانند همزمان، هم در عرصه درون منزل و هم در عرصه‌های خارج از منزل، فعال باشند. در این نظریه با پدیده «انباشتگی نقش» روبه‌رو هستیم، اما این انباشتگی باعث ایجاد احساس از

خود بیگانگی نمی‌شود. (Siber, ۱۹۷۵, p1) بر این اساس، فرض اصلی طرفداران انباشتگی نقش، این است که افراد می‌توانند مجموعه‌ی نقش‌های خود را بسط دهند، بدون آن که به موازات آن دچار فشارهای روانی و پریشانی شوند. (Area, ۱۹۹۶, p۴۶۵)

یکی از سازوکارهایی که به افراد کمک می‌کند تا بتوانند نقش‌های متعدد را بدون بروز تنش و مشکل انجام دهند، نظریه «تعادل نقش»^۱ است. در این نظریه که متعلق به استفن مارکز^۲ است، هیچ نقشی بر دیگر نقش‌ها برتری ندارد. (Marks, ۱۹۹۷, p۹۵) نظریه تعادل نقش، یک رویکرد شناختی، مبتنی بر نظریه کنش متقابل نمادین است که به طور عمده به معانی و مفاهیم نقش برای کنش‌گرانی چون زنان توجه می‌کند و موجبات تعارض یا تعادل نقش را فراهم می‌آورد. (Marks & etal, ۱۹۹۶, p۴۱۷)

کلارک نظریه تعادل نقش را رضایت و عملکرد مناسب در محل کار و خانه میبندد که حداقل تعارض نقش را به همراه داشته باشد. او توازن بین نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی را سازهای چند بعدی می‌داند و پنج جنبه برای آن در نظر می‌گیرد: رضایت از خانه، انجام دادن وظایف کاری، انجام دادن وظایف خانوادگی و تعارض نقش (Carlson & etal, ۲۰۰۹, p۳۴۸-۳۶۵) مشابه کلارک، فرون نیز توازن بین نقش‌های درون‌خانوادگی و اجتماعی را وضعیتی می‌داند که در زندگی کاری و خانوادگی افراد، تعارض اندک و تسهیل زیادی وجود داشته باشد. (Carlson, Grzywacz, ۲۰۰۹, p۱۴۸۶-۱۴۵۹) گرینهوس و همکارانش بر اساس تعاریف کلارک و مارکز تعریف دیگری را ارائه دادند: «حدی که افراد به طور مساوی به نقش‌های کاری و خانوادگی خود پرداخته و از آن به صورت مساوی کسب رضایت کنند». آن‌ها یادآور شدند که تعاریف قبلی، تنها شامل توازن نقش مثبت است، ولی این تعریف، توازن نقش منفی را نیز در بر می‌گیرد. گرینهوس و همکارانش تعریف خود را شامل عناصری از درگیری روانی و زمانی دانسته و سه بعد برای آن بیان کرده‌اند: توازن زمانی (اختصاص مقدار یکسان زمان برای نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی)، توازن درگیری (سطح یکسانی از درگیری روانی در نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی) و توازن یا تعادل رضایت (سطح یکسانی از رضایت حاصل از نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی). به نظر آن‌ها بسته به این که هر یک از این ابعاد سه گانه در سطحی برابر، پایین یا بالا قرار گرفته باشد، توازن نقش‌های خانوادگی و اجتماعی ممکن است طیفی از توازن مثبت و منفی را در بر بگیرند (Greenhaus & etal, ۲۰۰۳, p۵۱۰-۵۳۱). این مفهوم‌سازی توازن را به مفهوم برابری و تعادل به کار می‌گیرد. باید توجه داشت که با تعهد متعادل زنان به نقش‌های خانوادگی و اجتماعی، انرژی، تعهد و زمان اختصاص یافته به نقش مادری و همسری اختصاص نیافته و زنان با تعریف این نقش‌ها، به طور ذهنی بین نقش‌های خانوادگی و شغلی خود تعادل برقرار می‌کنند و در این مرحله هرگز مجاز نیستند که هیچ‌یک از

1. Role balance
2. Stephen marks

نقش‌های خود را (مانند همسری یا مادری) تعریف آرمانی کنند. در نظریه تعادل، برقراری تعادل از راه‌های ۱- حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی (حمایت احساسی؛ عاطفی و همدلی ...، حمایت ابزاری؛ پول، انرژی و ...، حمایت سنجشی؛ تأمین اطلاعات لازم برای خودسنجی، حمایت اطلاعاتی؛ نصیحت و پیشنهاد، حمایت اجتماعی؛ حمایت سرپرست، همسر و ...)، ۲- انعطاف‌پذیری کاری (ابتکار عمل در کاهش بار کاری و کارکردن کمتر از زمان کامل، استفاده از مرخصی‌ها، کار پاره‌وقت، کاهش ساعات کاری، تسهیم کار، انواع مرخصی و ساعات کاری مختلف)، ۳- منابع فردی (سازگار فرد با محیط، خوش‌بینی، خودکارآمدی، ظرفیت عاطفی، انعطاف‌پذیری) قابل تحقق است (سید جوادین و همکاران، ۱۳۹۳).

نظریه تعادل، علیرغم داشتن طرفداران بسیار، برای حل معضل تعارض نقش‌های درون‌خانوادگی (همسری، مادری، مهرورزی) و برون‌خانوادگی زنان (مشاغل سیاسی، اجتماعی و ...)، منتقدان زیادی را دارد که به شرح زیر است:

۱. اولویت‌ها و برتری‌های ذاتی نقش‌ها که بر خواسته از فرهنگ، بوم، منطقه و هر کشور است، لحاظ نشده است؟

۲. گرژویا و کارلینوس اظهار کرده‌اند که اگرچه این مفاهیم مفید هستند، ولی تنها شواهد اندکی وجود دارد که نشان می‌دهد افراد در زندگی به دنبال برابری نقش‌های خانوادگی و اجتماعی و یا حتی تقریباً برابری باشند. (Greenhaus & etal ۲۰۰۸, Carlson & etal, ۲۰۰۹, Carlson, , Grzywacz, ۲۰۰۹).

۳. آیا فعالیت‌های مرتبط با نقش‌های درون‌خانوادگی زنان با فعالیت‌های نقش‌های برون‌خانوادگی زنان برابر است؟

۴. تفاوت سنی، نسلی و اجتماعی در این نظریه رعایت نشده است؛ برای مثال، دو زن شاغل که یکی دارای فرزند بسیار کوچک و نیازمند مراقبت است با زن دیگری که فرزندان او ازدواج کرده‌اند و نیاز به توجه مادرانه ندارد، در این نظریه یکسان در نظر گرفته شده‌اند.

۵. در این نظریه همواره از کم‌ترین سطح تعارض سخن گفته شده است و این به معنی رفع کامل تعارض بین نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی زنان نیست.

۳-۴. برقراری تعادل بین نقش‌های خانوادگی و برون‌خانوادگی از طریق سلامت معنوی

در طول دهه‌ها، سلامتی براساس ابعاد خاصی (سلامت جسمی، سلامت روانی و سلامت اجتماعی) تحلیل شده بود. حدود یک ربع قرن پیش، سازمان بهداشت جهانی^۱ با این بحث مواجه شد که آیا بعد «معنوی»^۲ علاوه بر سلامت جسمی، روانی و اجتماعی گنجانده شود؟ (Anonymous, ۱۹۷۹, p۲۹-۳۰). یک دهه پیش دولت‌های

1. Word Health
2. Spiritual demension

اروپایی، بیانیه کپنهاک را در مورد رشد اجتماعی امضا کردند که آن‌ها را متعهد می‌کرد که به نیازهای معنوی مردمشان (افراد، خانواده و جوامع) بپردازند. به تازگی نیز، بعد معنوی سلامت در منشور بانگوک در مورد ارتقای سلامت، تأکید شد (The Bangkok Charter for Health Promotion in a Globalized World, ۲۰۰۵). سلامت معنوی اصطلاحی است که در دانش جدید پزشکی در بازه زمانی سال ۱۹۷۹ میلادی توسط سازمان بهداشت جهانی به عنوان رکن چهارم سلامت، مطرح شد (فرهنگستان علوم پزشکی، ۱۳۸۹، ص ۱۱). در تفسیر واژه سلامت معنوی دو رویکرد متفاوت و متضاد وجود دارد: یکی از این رویکردها، نگاه توحیدی (به صورت خاص نگاه اسلام)، به مسأله سلامت معنوی است و رویکرد دیگر، نگاه اومانیستی است.

۴. دو نگرش متفاوت به سلامت معنوی

واژه سلامت معنوی دارای دو رویکرد متفاوت است. یکی از این رویکردها، نگاه توحیدی (به صورت خاص نگاه اسلام)، به مسأله سلامت معنوی است و دیگری، نگاه اومانیستی به این مسأله است.

۴-۱. نگرش اومانیستی (نگاه غرب) به سلامت معنوی

به طور کلی سلامتی در نگرش مادی، بیش‌تر شامل ابعاد جسمی است. در نگاه اومانیستی، انسان، موجودی تک‌ساحتی است که از ماده تشکیل شده و تمامی احساسات و عواطف و حتی مسائل روانی و معنوی در جسم و عصب او نهفته است (ده زیره و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۱۴). در این تفکر، سلامت معنوی بدون حضور خدا تعریف می‌شود. هانگمان و همکارانش در یک مطالعه کیفی ویژگی‌های سلامت معنوی را به عنوان «حسی از متصل بودن؛ هماهنگی بین خود، دیگران، طبیعت و وجود متعالی که از طریق یک فرایند رشد پویا و منسجم دست‌یافتنی است و به یک شناخت هدف نهایی و معنای زندگی منجر می‌شود»، تعریف کرده‌اند (هانگمان و دیگران، ۱۹۸۵، ص ۱۴۵-۱۴۷). در این تعریف، مفهوم سلامت معنوی از طریق ادراک حسی انتزاع می‌شود و برای انتقال ادراک و اطلاعات به کار می‌رود.

از دیدگاه هاکز و همکارانش، سلامت معنوی حسی از ارتباط داشتن با دیگران، داشتن معنا و هدف در زندگی و داشتن اعتقاد و ارتباط با یک قدرت متعالی تعریف می‌شود. (هاکز و همکاران، ۱۹۹۵، ص ۳۷۱-۸) وودز چهار بعد اساسی مشترک در همه انواع معنویت را بدین شرح بیان می‌کند: الف- احساس اطمینان از معنادار بودن زندگی؛ ب- متصل بودن متقابل؛ ج- تعالی زندگی؛ د- باور به قداست زندگی. (وودز، ۱۹۹۴، ص ۳۵-۴۳) گومز و فیشر سلامت معنوی را حالتی از بودن احساسات مثبت، شناخت ارتباط فرد با دیگران و یک نیروی ماورایی و نیز فطرت تعریف می‌کنند که در صورت دارا بودن آن (سلامت معنوی)، فرد، احساس هویت، کمال، رضایتمندی، لذت، خرسندی، زیبایی، عشق، احترام، نگرش مثبت، آرامش، توازن دورنی می‌کند و دارای جهت و هدف در زندگی می‌شود. (گومز و فیشر، ۲۰۰۳)

در تعاریف ذکر شده، سه نکته اساسی وجود دارد:

۱. معنویتی که در دیدگاه اومانیستی از آن صحبت می‌شود از طریق ادراکات حسی انتزاع می‌شود. (تعریف هانگمان و همکاران)

۲. صرفاً ریشه سلامت معنوی، دین و ارتباط با ماوراء نیست (تعریف وودرز)، بلکه یوگا، مدیتیشن یا هر ابزاری که منجر به بالا رفتن کیفیت زندگی انسانی شود، کافی است.

۳. در مواردی چون تعریف گومز و فیشر که از یک نیروی ماورایی سخن به میان آمده است، این معنویت تنها برای خدمت به زندگی مادی و حیات زمینی انسانی کاربرد دارد. (تعریف گومز و فیشر)

۲-۴. نگرش توحیدی (مبتنی بر اسلام) به سلامت معنوی

سلامت معنوی شامل حفظ و شکوفایی فطرت توحیدی از طریق برقراری روابط مستحکم با خدا، ایجاد نظام ارزشی شخصی قدرتمند، داشتن زندگی هدفمند و روابط سالم و سازنده با خود و دیگران است. سلامت معنوی در روایات به «سلامت در دین» یا «سلامت دینی» تعبیر شده است. امام سجاد علیه السلام نیز تعبیر سلامت دینی را گاه برای سلامت عاطفی و گاه برای سلامت جسمی به کار برده است. در برخی از روایات نیز تعبیر «سلامت دینی» به طور مطلق به کار رفته و گاهی برای توضیح و تفسیر آن از طاعت، عبادت و مفاهیمی از این قبیل استفاده شده است. (مصباح، ۱۳۹۳، ص ۳۲-۳۳) جهت پرداختن به مبانی سلامت معنوی در اسلام باید توجه کرد که از دیدگاه اسلام، انسان‌ها علاوه بر امور مادی و محسوس، قادر به شناسایی امور ماورایی نیز هستند؛ به عبارت دیگر راه‌های شناخت، منحصر به حس و تجربه نیست، بلکه شهود باطنی، علم حضوری، شناخت عقلانی و به طور کلی معرفت شناختی نیز دارای ارزش هستند. (عزیزی، ۱۳۹۳، ص ۲۵-۲۶)

تاریخچه سلامت معنوی در اسلام در درجه اول با ارتباط الهی با جهان غیب آغاز می‌شود. بررسی و تحلیل آیات قرآن نشان می‌دهد که آموزه‌های وحیانی، جدای از سلامت جسم، روان و اجتماع به سلامت معنوی نیز توجه دارد. در آموزه‌های قرآنی، جهان، انسان و حیات، دارای دو بعد هستند: طبیعت و ماوراءالطبیعه، جسم و روح، حیات مادی و معنوی؛ انسان نیز نه حیوان ناطق، بلکه «حی متألّه» است و حیات و سلامت او با توحید، آمیختگی دارد. (حسینی، ۱۳۹۶، ص ۵۰) انسانی که دارای سلامت معنوی است از آن‌جا که تمامی افعال، ارزش‌ها و تمیلات و توانایی‌هایش بر مبنای توحید است، دارای حیات طیبه است (نصری، ۱۳۸۲، ص ۲۲۱-۲۲۵) و کیفیت زندگی دنیوی و اخروی او در سایه این سلامت معنوی، افزایش می‌یابد.

سلامت معنوی دارای ابعاد معرفت‌شناختی (امکان شناخت امور نامحسوس، تقسیم علم به حضوری و حصولی، خطاناپذیر بودن علم حضوری و مراتب)، مبانی هستی‌شناختی (مراتب داشتن موجودات، تقسیم

موجودات به مادی و غیرمادی، تدریجی بودن عالم ماده و موجودات متعلق به ماده، وجود تراحم در عالم ماده، مبانی الهیاتی (وجود خداوند کامل مطلق، توحید ذاتی، توحید در خالقیت، توحید در مالکیت، توحید در ربوبیت تکوینی، توحید در ربوبیت تشریحی، توحید در اولو‌هیت، توحید افعالی، قضا و قدر الهی، وحدت نظام هستی، وحدت غایت و هدف و...)، مبانی انسان‌شناختی (ترکیب انسان از روح و بدن، غیرمادی بودن روح، مختار بودن انسان، وابستگی کمال حقیقی به افعال اختیاری، وابستگی افعال اختیاری به بینش، توانایی و نگرش و...)، مبانی ارزش‌شناسی (واقعی و اثبات‌پذیر بودن ارزش‌ها در دانش‌های علمی، وابستگی همه ارزش‌ها به ارزش هدف نهایی که قرب خداوند است، مراتب داشتن ارزش‌های دیگر، انتخاب معقول در تراحم ارزش‌ها، حد نصاب ارزش‌ها، راه تشخیص ارزش‌ها و...) است. (مصباح، ۱۳۹۳)

جهان‌بینی توحیدی سلامت معنوی شامل ابعاد جسمی و معنوی است، اما نه معنویتی که برگرفته از ادیان و مسلک‌های زمینی باشد یا به وسیله مدیتیشن، یوگا و... کسب شده باشد، بلکه سلامت معنوی در اسلام، برگرفته از ارتباط با خداوند تعریف می‌شود و مسیر رسیدن به سعادت و کمال را هموار می‌کند. از بین پنچ مؤلفه‌ی سلامت معنوی از بعد ارزش آن در پژوهش حاضر استفاده شده است.

۵. استفاده از بعد نظام ارزشی سلامت معنوی (توحیدی) برای ایجاد تعادل بین نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی زنان

در دیدگاه سلامت معنوی مبتنی بر نظام توحیدی اسلام، نقش‌های خانوادگی و اجتماعی در همه شرایط و برای همه زنان و فیذاته در تعارض با هم نیستند و تنها زمانی نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی زنان به مرحله تعارض می‌رسند که مرحله پنجم سلامت معنوی «نظام ارزش‌شناسی» به درستی در مورد آنان رعایت نشود. نظام ارزش‌شناسی سلامت معنوی، منوط به تشخیص درست مراتب ارزش‌ها، مشخص کردن اولویت تقدم ارزش‌ها و انتخاب معقول ارزش‌ها در شرایط تراحم ارزشی است که به شرح زیر است:

۱. کدام ارزش‌ها مقدم هستند؟ اصل در زندگی انسان، توجه به خداوند و رعایت معنویات است؛ زیرا آدمی در سایه معنویات به کمال حقیقی می‌رسد (البته منظور از معنویت، معنویت توحیدی است، نه معنویت اومانیستی) و به هدف آفرینش نزدیک می‌شود. بر این اساس، اگر کسب منفعت مادی با رعایت امری معنوی در تراحم باشد و به طور همزمان، جمع بین آن‌ها ممکن نباشد و انسان به گزینش یکی از آن دو مجبور باشد، حق تقدم با معنویات است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۴۳) با توجه به اصل تقدم معنویات بر مادیات در کنار اهمیتی که اسلام برای خانه و خانواده و... در نظر گرفته است، قطعاً مسئولیت‌های درون‌خانوادگی زنان مهم‌تر خواهد بود و در موارد تراحم با فعالیت‌های بیرون‌خانه، ترجیح خواهد داشت. تراحمی که در اینجا رخ می‌دهد، تراحم بین هدف و وسیله است؛ به یقین وسیله هرگز فدای هدف نمی‌شود. (طاهرینیا، ۱۳۸۹، ص ۳۵-۳۶)

۲. در شرایط انتخاب معقول در تراحم ارزش‌ها باید کدام ارزش‌ها را انتخاب کرد؟ بررسی این بحث با این سؤال آغاز می‌شود که برای یک زن متأهل از بین نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی، کدام یک در اولویت است؟ در این گونه موارد براساس قاعده تراحم، ارزش برتر، ملاک انتخاب معقول است. ارزش کارهای اختیاری، وابسته به تأثیرشان در قرب به خداوند است. از سوی دیگر با توجه به تراحم در عالم ماده، ممکن است میان کارهای اختیاری تراحم رخ دهد؛ یعنی چنین نیست که بتوان تمام کارهای ارزشمند را با هم انجام داد (اگرچه همگی ارزشمند باشند). در این شرایط، مبنای انتخاب ما فاصله‌ای است که این ارزش اختیاری با ارزش برتر دارد؛ به عبارت دیگر در تراحم ارزش‌ها، همواره چیزی را انتخاب می‌کنیم که ارزش بیش‌تری دارد و این یعنی گزینش خوب‌تر از میان خوب‌ها. با این قاعده در صورت تساوی دو کار متراحم از نظر ارزش، انتخاب هریک از آن‌ها معقول است. (مصباح، ۱۳۹۳، ص ۲۰۵-۲۰۶) در این مرحله ملاک تعیین نزدیکی اولویت و دوری به هدف نهایی تعریف می‌شود، اما در این جا دو سؤال اساسی مطرح می‌شود:

۱. منظور از اولویت نقش برای زنان در دستگاه سلامت معنوی توحیدی کدام است؟ مسئولیت نداشتن زن در خانواده، مسئولیت نداشتن زن در تأمین معاش خانواده و همسویی نقش مادری و همسری و عاطفه‌ورزی با طبیعت زنانه از جمله مهم‌ترین دلایل اولویت حضور زنان در خانواده در مقایسه با اشتغال غیر ضروری است. از دیدگاه اسلام، اولویت نخست برای زن متأهل، اشتغال به وظایف و مسئولیت‌های درون‌خانوادگی است. (موسوی خمینی، ج ۸، ص ۹۰) مادری، همسری و تربیت فرزندان شایسته، کاری است که هم اولویت بیش‌تری دارد و هم با طبیعت زنان سازگار است. نرم‌خویی، مهربانی و شادی‌آفرینی و صبر صفاتی است که در متون دینی زنان با آن ستایش شده‌اند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۳۰-۳۱). لازمه‌ی نقش‌های درون‌خانوادگی زنان (مادری، همسری) مهرورزی است، این مطلبی که غرب هم در قالب نظریات بازگشت به خانواده آن را مطرح می‌کند (گاردنر، ۱۳۸۶، ص ۲۲۰).

۲. چه ضرورت‌هایی این اولویت‌ها را تعیین می‌کند؟ بدیهی است که اولویت کارهای خانگی و مسئولیت‌های خانوادگی زنان مشروط به این است که ضرورتی برای مسئولیت‌های اجتماعی زنان وجود نداشته باشد. در مواردی که حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه اسلامی ضروری باشد، همین ضرورت تعیین‌کننده اولویت خواهد بود؛ در نتیجه برای آن دسته از زنان که متأهل نیستند یا وظایف مادری را ندارند و در عین حال واجد شرایط انجام امور هستند، اولویت می‌یابد. همچنین برای زنانی که در صورت فوت، طلاق، معلولیت یا کمبود درآمد همسر، مشکلات مالی دارند نیز فعالیت‌های برون‌خانوادگی در اولویت است. (محمدری شهری، ۱۳۸۲، ص ۱۸۲-۱۸۹) مدل پیشنهادی سلامت معنوی برای اشتغال، ایجاد تعادل بین نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی است که دارای ویژگی‌های

زیر است:

۱. شرایط زن را در مقام مادری و همسری مرجح بدانند؛
۲. مشاغل مناسب زنان باشد؛
۳. اعمال تغییراتی در شرایط مشاغل کنونی؛
۴. زمان کاری منعطف (کارهای پاره وقت)؛
۵. مکان کاری منعطف (دورکاری)؛
۶. مشارکت شغلی (چند نفر هم زمان یک کار را ارائه می دهند)؛
۷. کاهش تعارضات از طریق افزایش توانمندی (بعد دانشی، بعد مهارتی، بعد اجتماعی و افزایش سیاست‌گذاری‌های کلان از سوی دولت اسلامی به نفع زن و خانواده)؛
۸. اصلاح سبک زندگی.

به طور کلی، سلامت معنوی دارای دو دیدگاه توحیدی و اومانیستی است. در معنویت اومانیستی، معنویت از طریق حواس مادی حاصل می‌شود و تنها در خدمت حیات مادی است، اما در معنویت توحیدی، معنویت از طریق ارتباط با عالم ماوراء حاصل می‌شود و هدف آن بهبود حیات مادی و معنوی، دنیوی و اخروی و در نهایت، تقرب الهی است. راهکار سلامت معنوی برای ایجاد تعادل بین نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی زنان، بهره‌گیری از بعد «نظام ارزشی» به عنوان یکی از ابعاد پنجگانه سلامت معنوی است. در نظام توحیدی نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زنان فی‌ذاته با یکدیگر در تعارض نیستند. این نقش‌های دوگانه تنها زمانی دچار تعارض می‌شوند که نظام ارزش‌شناسی آن‌ها دچار اختلال و تعارض شود. نظام ارزش‌شناسی سلامت معنوی مبتنی بر سه اصل، تعیین درست مراتب ارزش‌ها (اصالت با ارزش‌های معنوی)، مشخص کردن اولویت تقدم ارزش‌ها (براساس نزدیکی به هدف غایی) و انتخاب صحیح ارزش در شرایط تراحم ارزشی است. در شرایط تراحم ارزش‌ها برای زنان در ابتدا باید اولویت نقشی آنان تعیین شود و بعد ضرورت‌هایی که این اولویت‌ها را تعیین می‌کنند مانند نیاز جامعه و ویژگی‌های درونی زنان است.

مهم‌ترین مصداق در ایجاد تعادل بین نقش‌های خانوادگی و اجتماعی در سایه بعد «نظام ارزشی» سلامت معنوی، «پدیده انقلاب اسلامی» است. از یکسو زنان در پیروزی انقلاب اسلامی نقشی مؤثر داشتند و انقلاب حتی بیش از مردان مدیون آنان است (موسوی خمینی، ص ۱۶۸-۱۶۹) و از سوی دیگر زنان در سال‌های بعد از انقلاب با توجه به اولویت‌ها و نظام ارزشی که از آن سخن به میان آمد، در هر دو عرصه‌ی نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی، فعال هستند و با توجه به نیاز جامعه و خانواده حضورشان را در هر دو عرصه تنظیم می‌کنند (البته این امر در سال‌های اخیر به دلیل تغییر اولویت‌ها و نظام

ارزشی زنان ایرانی که متأثر از فرهنگ غرب است دچار اختلال شده است).

یافته‌های پژوهش

- دیدگاه «اصالت نقش‌های درون‌خانوادگی»، برای رفع تعارض و برقراری تعادل بین نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی، حذف حضور اجتماعی زن به بهانه اضمحلال کانون خانواده را پیشنهاد می‌کند.

- دیدگاه «اصالت نقش‌های برون‌خانوادگی»، برای حل تعارض و برقراری تعادل بین نقش‌های درون‌خانوادگی، حذف نقش‌های درون‌خانوادگی (مادری، همسری و ...) را پیشنهاد می‌کند.

- «نظریه تعادل» برای حل تعارض و ایجاد تعادل بین نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی، سطح یکسانی از درگیری زمانی و مکانی را پیشنهاد می‌کند (این نظریه به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است).

- پژوهش حاضر برای ایجاد تعادل بین نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زنان از پنج‌مین بعد دیدگاه سلامت معنوی، با عنوان «بعد نظام ارزشی» استفاده کرده است.

- در دیدگاه نظام ارزشی مبتنی بر سلامت معنوی، هیچ تزاخم، انباشتگی و تعارضی، بین نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی زنان وجود ندارد و هر دو نقش می‌توانند با رعایت دو اصل «اولویت‌نقشی» و «ضرورت» بر خواسته از نیاز خانواده و جامعه در شرایط زمانی و مکانی مختلف ایفا شوند.

نتیجه‌گیری

در شرایط کنونی، زنان زیادی به صورت همزمان، نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی را به عهده دارند که این امر به خودی خود، موجب بروز تنش‌های متعددی شده است. منظور از نقش‌های درون‌خانوادگی زنان، نقش‌های همسری، مادری و آرامش‌بخشی است و منظور از نقش‌های برون‌خانوادگی زنان، فعالیت در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. نقش مادری در دیدگاه تعیینی، بیش‌تر شامل جنبه‌های مادی و غریزی است، ولی مادری از دیدگاه اسلام، نقشی انسان‌ساز و انسان‌پرور است که باعث رشد مادر هم شده و مهم‌ترین وظیفه یک زن تلقی می‌شود. نقش همسری در غرب تا قبل از سال ۱۹۲۰ بسیار پررنگ بود، ولی بعد از سال ۱۹۲۰ و بروز عواملی چون رشد جنبش‌های فمینیستی، جنگ جهانی دوم و نیاز به ورود زنان برای جبران کمبود نیروی کار به نقش ثانویه و درجه دو تبدیل شد و عامل عقب‌افتادگی زنان محسوب شد. در اسلام، همسر بودن، بزرگترین جهاد زنان و همسر، بهترین شفیق یک زن در روز قیامت است و بالاترین درجات پاداش اخروی به این نقش اختصاص دارد. نقش آرامش‌بخشی به عنوان آخرین نقش درون‌خانوادگی یک زن در اسلام و غرب و فلسفه ازدواج و تشکیل خانواده در نظر گرفته می‌شود.

نقش‌های برون‌خانوادگی زنان، شامل تمامی فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زنان در خارج از منزل است، حتی اگر در مقابل آن دستمزدی دریافت نشود. حضور زنان در عصر نبوی در عرصه‌های جهاد، بیعت، امر به معروف و نهی از منکر، هجرت، جهاد و... نمونه‌هایی از مشروعیت‌بخشی اسلام به حضور زنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مختلف است. چهار رویکرد نظری مختلف در تقابل نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی و ایجاد تعادل بین این دو گروه از نقش وجود دارد؛

۱. در رویکرد اول که تابع نظریات کارکردگرایی است، تقسیم کار بر اساس کلیشه‌های جنسی صورت می‌گیرد. نقش‌های درون‌خانوادگی زنان با نقش‌های برون‌خانوادگی آنان در تعارض است و در نهایت براساس تقسیم کار بر پایه‌ی کلیشه‌های جنسیتی، زنان مجبور هستند که برای بقای خانواده نقش‌های خانوادگی را انتخاب کنند.

۲. در رویکرد دوم که به طور کلی مربوط به نظریه‌پردازان موج دوم فمینیسم است، جنسیت یک برساخته اجتماعی- فرهنگی است. در این رویکرد نیز نقش‌های درون‌خانوادگی زنان در تضاد با نقش‌های برون‌خانوادگی آنان است. به دلیل اهمیت بیش‌تر این دیدگاه به محیط‌های خارج از خانواده، نسبت به محیط خانه، زنان از بین نقش‌های درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی، نقش‌های برون‌خانوادگی را انتخاب می‌کنند.

در این تئوری، ایفای نقش‌های درون‌خانوادگی به علت فشار نقش‌هایی است که جامعه و پدرسالاری بر زنان تحمیل می‌کند و در نهایت باعث عقب‌ماندگی زنان از جریان رشد اجتماعی می‌شود.

۳. در رویکرد سوم برای برقراری تعادل بین نقش‌های درون‌خانوادگی و بیرون‌خانوادگی زنان از نظریه تعادل نقش استفاده شده است. این نظریه کمک می‌کند که افراد به صورت مساوی در دو حد زمانی و مکانی به نقش‌های درون‌خانوادگی و بیرون‌خانوادگی بپردازند. اگرچه در ظاهر، این نظریه برای حل تعارض نقش‌های دوگانه‌ی زنان مفید است، ولی همواره به دلیل نقص‌هایی که داشته مورد انتقادات زیادی قرار گرفته است.

۴. در نهایت به عنوان یک راهکار قطعی برای ایجاد تعادل بین نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زنان از ابعاد پنجگانه سلامت معنوی مبنی بر توحید استفاده شده است. سلامت معنوی دارای دو دیدگاه توحیدی و اومانستی است. در معنویت اومانستی، معنویت از طریق حواس مادی، حاصل می‌شود و تنها در خدمت حیات مادی است. در معنویت توحیدی، معنویت از طریق ارتباط با عالم ماوراء حاصل می‌شود و هدف آن بهبود حیات مادی و معنوی، دنیوی و اخروی و در نهایت تقرب الهی است.

راهکار سلامت معنوی برای ایجاد تعادل بین نقش‌های درون‌خانوادگی و بیرون‌خانوادگی زنان، بهره‌گیری از بعد «نظام ارزشی» به عنوان یکی از ابعاد پنجگانه سلامت معنوی است. در نظام توحیدی، نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زنان، فیداته با یکدیگر در تعارض نیستند و این نقش‌های دوگانه تنها زمانی دچار تعارض می‌شود که نظام ارزش‌شناسی آن‌ها دچار اختلال و تعارض شود. نظام ارزش‌شناسی سلامت معنوی مبتنی بر سه اصل، تعیین درست مراتب ارزش‌ها (اصالت با ارزش‌های معنوی)، مشخص کردن اولویت تقدم ارزش‌ها (بر اساس نزدیکی به هدف غایی) و انتخاب صحیح ارزش در شرایط تزامن ارزشی است. در شرایط تزامن ارزش‌ها برای زنان در ابتدا باید اولویت نقشی آنان تعیین شود و بعد ضرورت‌هایی که این اولویت‌ها را تعیین می‌کنند، مانند نیاز جامعه و ویژگی‌های درونی زنان.

در اسلام، نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زنان با توجه به نیاز جامعه، شرایط فردی و خانوادگی مادر و اولویت‌بندی فردی هر شخص تعریف می‌شود و نسخه‌ی واحدی برای همه وجود ندارد. همان‌گونه که گفته شد در این دیدگاه، هیچ نسخه ثابتی برای تمامی زنان جامعه وجود ندارد و راه حل ایجاد تعادل بین نقش‌های خانوادگی و اجتماعی برای هر فرد با رعایت دو اصل اولویت نقشی و ضرورت بر خواسته از شرایط فردی، اجتماعی در شرایط زمانی و مکانی مختلف، متفاوت است.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، چاپ سیزدهم، قم: مشهور، ۱۳۸۰ ش.
- ابن بابویه، محمد، من لایحضره الفقیه، ترجمه سید حسن موسوی خراسانی و محمد آخوندی، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴.
- اعزازی، شهلا. جامعه‌شناسی خانواده، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
- آبوت، پاملا، والاس، کلر، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
- بیانات حضرت آیت الله العظمی حسینی خامنه‌ای در دیدار اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۴.
- بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در سومین نشست اندیشه‌های جامعه‌شناسی راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.
- بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۵۸/۱۲/۲۰.
- بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در دیدار اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۴.
- بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، ۱۳۶۷/۷/۳۰.
- پارسونز، تالکوت. ساختار اجتماعی خانواده، در مبانی و رشد جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران: چاپ جهانبخش، ۱۳۶۳.
- تانک، رزماری. نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی، ترجمه منیژه نجم عراقی، چاپ دوم، تهران: نشر نی، ۱۳۹۱.
- حاتمی، روح الله، کار خانگی زنان پس از عصر روشنگری، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۹.
- حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، بیروت، موسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ ق.
- حسینی، طاهره، سلامت معنوی، تهران، انتشارات علیم نور، ۱۳۹۶.
- خسروی، زهره، نقش تاهل و اشتغال بر خود پنداره زنان ایرانی، تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء، ۱۳۷۸.
- دورانت، ویل. لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب خویی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.
- رجبیان ده زیره، مریم، درتاج، فریبا. سلامت معنوی، تهران، انتشارات رشد فرهنگ، ۱۳۹۶.
- رستگار خالد، امیر. «بررسی تعارض نقش‌های شغلی - خانوادگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، دو ماهنامه علمی پژوهشی شاهد، (۴)، ۱۱، ۱۳۸۴.

- رستگار خالد، امیر، خانواده، کار، جنسیت، تهران، انتشارات شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۴.
- سید جوادین، رضا، روشن‌نژاد، مژگان، «بررسی عوامل مؤثر بر توازن کار-خانواده در نهادهای آموزشی (مطالعه موردی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران)»، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۲، شماره ۱، ۱۳۹۳، ص ۳۹-۵۶.
- شهشهانی، سهیلا، چهارچوب مفهومی جنسیت، نگرشی بر تحلیل جنسی در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۰.
- صدوق، محمد، امالی، قم، مؤسسه البعثه، ۱۴۰۷ق.
- طاهرینیا، احمد، حضور زن در عرصه‌های اجتماعی-اقتصادی از نگاه آیات و روایات، قم، موسسه آموزشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
- عزیزی، فریدون، سلامت معنوی، چیستی و چرایی و چگونگی، تهران، انتشارات حقوقی، ۱۳۹۳.
- عضدانلو، حمید، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴.
- علاسوند، فریبا. زن در اسلام، قم: نشر هاجر، ۱۳۹۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- کوزر، لوئیس، روزنبرگ، برنارد، نظریه‌های بنیادین جامعه‌شناسی، ترجمه فرهنگ و ارشاد، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
- کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران: نشر سمت، ۱۳۸۷.
- گاردنر، ویلیام، جنگ علیه خانواده، ترجمه معصومه محمدی، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۶.
- گرت، استفانی، جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه کتابیون بقایی، تهران: نشر دیگر، ۱۳۸۲.
- گولومبوگ، سوزان، فیوی، رابین، رشد جنسیت، ترجمه مهرناز موققیان، چاپ سوم، تهران نشر نی، ۱۳۸۴.
- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوارالجامعه لدرر أخبار الأئمه الاطهار^{علیهم‌السلام}، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۵.
- مشیرزاده، حمیرا، مقدمه‌ای بر مطالعات زنان، تهران: وزارت علوم تحقیقات، ۱۳۸۳.
- مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش محمد حسین اسکندی، قم: مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی^{رحمته‌الله}، ۱۳۷۶.

- مصباح، مجتبی، سلامت معنوی از دیدگاه اسلام، تهران: انتشارات حقوقی، ۱۳۹۳.
- موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، تهران: انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد، ۱۳۸۴.
- موسوی خمینی، سید روح الله، نرم افزار صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سید روح الله، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، چاپ چهارم، تهران: موسسه چاپ و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶.
- نصری، عبدالله، فلسفه آفرینش، قم: انتشارات معارف، ۱۳۸۲.
- Area, S. & Vivienne, L. (1996). "Balancing tow major part of adult life experience: Work and family identity among dault – earner couples". Human Relations.
- Adams, parveen, 1990, **Mathering**, Cambridge, cambridge, MIT press
- Anonymous. Spiritual health is important, say our readear. WHO Chron 1979; 33: 30-29
- Chodorow, Nancy, 1987, **The Reproduction of Mothering**, berekely, University of California Press.
- Beauregard, T. A., & Henry, L. C. (2009). **Making the link between work-life balance practices and organizational performance**. Human Resource Management Review, 19, 22-9.
- Chafe, W , 1972, **The American Woman 1970-1920** . New York : Oxford University Press.
- Clark, S. C. (2001). **Work cultures and work/family balance**. Journal of life. Journal of Vocational Behavior, 63, 531-510
- Carlson, D. S., Grzywacz, J. G., & Zivnuska, S. (2009). **Is work-family balance Vocational Behavior**, 58, 365-348.- more than conflict and enrichment? Human Relations, 62, (10), 1486-1459
- Carlson, D. S., & Grzywacz, J. G. (2008). **Reflections and future directions on measurement in work-family research**, In K. Korabik, D. S. Lero and D. L. Whitehead (Eds.), Handbook of work-family integration: Research, theory and best practices (pp.73-57). San Diego, USA: Academic Press, Elsevier.
- DeBeavori Simon, 1978, **The secend sex**.(New York: Knopf), pp 513-511
- The Bangkok Charter for Health Promotion in a Globalized Word, 2005. Available at: htt
- Greenhaus, J. H., Collins, K. M., & Shawc, J. D. (2003). The relation between work-family balance and quality of life. Journal of Vocational Behavior, 63, -510 531.

- Vocational Behavior, 58, 365-348.
- Grzywacz, J. G. & Carlson, D. s . (2007). **Conceptualizing Work--Family Balance: Implications for Practice and Research**, Advances in Developing Human Resources, 9, 4, 471-455
- Liberman, Benjamín, E. (2012) **The mediating role of family-work conflict on the relationship, between family and work domain variables and employment trade-offs**, Submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy under the Executive Committee of the Graduate School of Arts and Sciences, Columbia University.
- Marks, S. R. (1997). “ **Multiple roles and role and strain some note on Homan energe, Time and commitment**”, American sociological Review, vol 24.
- Marks, S. R .& MacDermid, S. M. (1996). **Multiple roles and the Self: A Theory of Role Balance**” .*Journal of Marriage and the Family*, vol-58:417 432.
- Milke , A. M. & peltola, P. (1999). “ **Gender and the Work- Family Balancing Act**”, *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 2)61): 490-474
- Siber ,S. D. (1974) . “ **Toward a theory of role accumulation**”.*American Sociological Review*, 4)39) , 578-567
- Hawks SR, Hull ML, Thalman RL, Richins PM. 1995 **Review of Spiritual health: definition , role, and intervention strategies in health promotion**. *American Journal of Health Promotion* 378-9:371
- Hungelman J, Kenkel- Rossi E, Lessen L, Stollenwerk L M.(1985) . **spiritual Well – being in order adult : harmonious interconnectedness** . *Journal of Relegion Health Promotion* 5)9) :8-371
- Woods D W .(1994) Towar developing a theory of spirituality, *Visions* 43-2:35



شاخصه‌های اجتماعی معلّم انقلابی از دیدگاه آیات و روایات^۱

معصومه شریفی^۲

محسن رفیعی^۳

صدیقه حجّتی نجف‌آبادی^۴

چکیده

ویژگی‌های معلّم عموماً و معلّم انقلابی خصوصاً از مسائلی است که از دیرباز، مورد توجه اندیشمندان بوده است. هدف از نگارش این پژوهش، بررسی شاخصه‌های اجتماعی معلّم انقلابی از دیدگاه آیات و روایات است. گردآوری اطلاعات در این نوشتار به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و با ابزار فیش بوده که پردازش داده‌ها با روش توصیفی-تحلیلی به سامان رسیده است. از برجسته‌ترین یافته‌های پژوهش، این است که مؤلفه‌های اجتماعی مریبان انقلابی در قرآن کریم و روایات معصومین^{علیهم‌السلام} امر به معروف و نهی از منکر، روحیه جهادی، اهل مشورت بودن، عدالت محوری، هدایتگری، وحدت‌طلبی، نصیحت‌پذیری و نصیحت‌گری، عدم درخواست اجر و مزد از غیر خدا، بهره‌گیری بجا و قوی از استدلال، بینش و بصیرت است. جایگاه معلّم در تربیت نسل انقلابی آینده، منوط به تصدی معلّم با ویژگی‌های مناسب از جمله ویژگی انقلابی‌گری است. راه‌های دستیابی به هر یک از مؤلفه‌های یادشده، پژوهشی مستقل می‌طلبد.

واژه‌های کلیدی: معلّم انقلابی، شاخصه‌های اجتماعی، قرآن کریم، روایت.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۸.

۲. استادیار گروه آموزشی معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، پردیس حضرت معصومه^{علیها‌السلام}، قم، ایران. (نویسنده مسئول).
dr_sharifi_masoomeh@yahoo.com

۳. استادیار گروه آموزشی معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، پردیس آیتالله طالقانی(ره)، قم، ایران.
dr_mohsen_rafiei@yahoo.com

۴. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فرهنگیان قم، پردیس آیت الله طالقانی^{علیه‌السلام}.
hojati1421@gmail.com

مقدمه

معلم، جایگاهی ویژه در هر جامعه و به ویژه جامعه اسلامی دارد. این جایگاه، زمانی برجسته‌تر می‌گردد که همراه با ویژگی‌هایی همچون انقلابیون باشد. انقلابی بودن و انقلابی‌گری بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و به خصوص در سال‌های اخیر بر اساس فرمایشات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی علیه‌السلام از معنای ابتدایی خود - که شورشیون و جهادگر بودن است خارج شده و به هر نوع تلاش به کار رفته است که بر پایه اعتقادات و برای به اجرا درآوردن عقاید و آمل یک فرد یا ملت باشد. این مسأله در مورد معلمان که نقش مهمی در تربیت و پرورش نسل‌های جدید انقلاب دارند نیز کاربرد دارد. البته باید بدانیم براساس آیات قرآن کریم، انقلابی بودن فقط در مورد مؤمنین نیست و اتفاقاً می‌توان گفت شیطان خود یک انقلابی پرتلاش و بزرگ است؛ چرا که به خاطر اعتقاد خود حاضر شد تمام موقعیت‌هایی را که قبلاً با عبادت خدا به دست آورده بود از دست بدهد و با سر باز زدن از سجده بر آدم، از بهشت رانده شود؛ به همین جهت بود که سوگند یاد کرد که همه انسان‌ها را اغوا و گمراه کند (اعراف: ۱۶؛ حجر: ۳۹) به جز بندگان مخلص خداوند (ص: ۷۳-۷۸). از همان زمان تاکنون شیطان هیچ تلاشی را برای گمراهی انسان‌هایی که از او پیروی کنند (حجر: ۴۲) فروگذار نکرده است. کم نبوده‌اند مشرکین و کفاری که در راه اعتقادات غلط و منحرفانه خویش، استوار و ثابت قدم بوده و برای پیاده کردن عقاید خود در جامعه بسیار تلاش نموده‌اند. هم‌چنان‌که در آیه ۸۹ سوره نساء، قرآن کریم به این تلاش مشرکان اذعان می‌کند: «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً...»؛ آنان دوست دارند که شما هم مانند آن‌ها کافر شوید و مساوی یکدیگر گردید». بنابراین آن‌ها از کافران عادی نیز بدترند؛ زیرا کفار معمولی، دزد و غارتگر عقاید دیگران نیستند، اما این‌ها هستند و فعالیت‌های پیگیری برای تخریب عقاید دیگران دارند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۵۱)

همچنین در آیه ۱۰۹ سوره بقره به تلاش بسیاری از اهل کتاب اشاره شده است: «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُ عَنْهُمْ...»؛ بسیاری از اهل کتاب از روی حسد که در وجود آن‌ها ریشه دوانده، دوست می‌داشتند شما را بعد از اسلام و ایمان به حال کفر بازگردانند، با این‌که حق برای آن‌ها کاملاً روشن شده است، شما آن‌ها را عفو کنید و گذشت نمایید.

بسیاری از اهل کتاب مخصوصاً یهود تنها به این قناعت نمی‌کردند که خود آئین اسلام را نپذیرند؛ بلکه اصرار داشتند که مؤمنان نیز از ایمانشان باز گردند و انگیزه آنان در این امر چیزی جز حسد نبود. در اینجا قرآن کریم به مسلمانان دستور می‌دهد که در برابر این تلاش‌های انحرافی و ویرانگر «شما آن‌ها را عفو کنید و گذشت نمایید». (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۹۹ و ۳۸۸). همچنین در قسمتی از آیه ۲۱۷ سوره بقره، درباره فتنه‌گران می‌فرماید: «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا»؛ و ایجاد فتنه، (و محیط نامساعد، که مردم را به کفر، تشویق و از ایمان باز می‌دارد) حتی از قتل بالاتر است و مشرکان، پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند. ایجاد فتنه (و منحرف ساختن مردم از دین خدا) از قتل هم بالاتر است؛ چرا که آن، جنایتی است بر جسم انسان و این جنایتی است بر جان و روح و ایمان انسان و بعد چنین ادامه می‌دهد که مسلمانان نباید تحت تأثیر تبلیغات انحرافی مشرکان قرار گیرند، زیرا آن‌ها دائماً با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان باز گردانند (و در واقع به کم‌تر از این قانع نیستند) (مکارم شیرازی و همکاران ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۰۹).

بنابراین لازم و ضروری به نظر می‌رسد که اهل ایمان در مسیر حق خویش تلاش فراوان کنند و این، برای معلمان و مربیان که سکان‌داران تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان هستند، بسیار مهم‌تر و قطعاً با ارزش‌تر می‌نماید و انتظار می‌رود معلمان و مربیان تحت فرمان رهبری معظم انقلاب علیه‌السلام و با عنایت به رهنمودهای مستمر معظمله، وظایف و تکالیف خود را در این امر خطیر شناخته و گام‌های مؤثرتر و استوارتری بردارند تا این نظام و انقلاب بتواند به اهداف عالی خود برسد و پرچم انقلاب را به دست آخرین ذخیره الهی حضرت مهدی موعود علیه‌السلام برسانند.

از آن‌جا که کلمه‌ی انقلابی بودن نخستین بار از سوی مقام معظم رهبری مطرح شده است و می‌توان آن را از ابتکارات شخصی معظمله دانست و تاکنون پژوهشی با موضوع شاخصه‌های اجتماعی انقلابی بودن معلم به اندازه‌ای که در خور اهمیت این بحث است، انجام نشده است و آثار مشابهی مانند کتاب «نقش معلم در تربیت دینی»، اثر محمد داودی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد «نقش معلم در تربیت از دیدگاه قرآن و نهج-البلاغه»، نوشته فاطمه دهقان رجبی، مقاله «شاخص‌های انقلابی‌گری از منظر امام خمینی علیه‌السلام و مقام معظم رهبری علیه‌السلام»، نگارش حسین شاهبازپور، به موضوع «شاخصه‌های اجتماعی معلم انقلابی از دیدگاه آیات و

روایات» به نحو مستقل نپرداخته‌اند، در پژوهش حاضر، به مطالعه و تحقیق درباره این موضوع پرداخته شده است و با بررسی آیات و روایات، تحلیل و تبیین شاخصه‌های اجتماعی معلم انقلابی آمده است. گردآوری اطلاعات در این نوشتار به شیوه کتابخانه‌ای و با ابزار فیش بوده که پردازش داده‌ها با روش توصیفی-تحلیلی به سامان رسیده است.

۲. مفهوم شناسی

قبل از بررسی «شاخصه‌های اجتماعی معلم انقلابی از منظر قرآن و روایات»، مناسب است در این قسمت معنای لغات و واژگان اصلی این پژوهش مورد مذاقّه قرار گیرد.

۲-۱. معلم

معلم، اسم کسی است که تعلیم می‌دهد؛ به ویژه کسی که کارش درس دادن است. برابر پارسی این واژه آموزگار، آموزنده است. مترادف «معلم» نیز آموزنده، آموزگار، اتابک، استاد، پرورش دهنده، پروراند، دبیر، لله، مدرس، مربی، هادی است و در مقابل آن تعبیر دانش‌آموز و شاگرد آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه؛ فرهنگ معین، ۱۳۸۶، ذیل واژه).

معلم، [م.ع.ل.ل.] آموزاننده، مدرس، تعلیم‌کننده، آموزگار، شیخ، دانشمند و فیلسوفی که جامع علوم عصر خود و واضع بخشی از دانش‌ها باشد. تعلیم‌دهنده، آموزنده: اعم از آموزگار دبیر و استاد (به معانی خاص) است. (اسم) آموزاننده تعلیم‌کننده، (صفت) آموزگار آموزنده. (همان)

در این پژوهش منظور از معلم، کلیه افرادی که به هر نحوی در مراکز دولتی یا غیر دولتی، به تربیت و آموزش کودکان و نوجوانان همت گماشته‌اند، می‌باشد.

۲-۲. انقلابی

انقلابی، مترادف چریک، مبارز، اخلاص‌گر، شورش‌گر، شورشی است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه)

انقلابی (صفت) [ا.ق.] (ص نسبی) ۱- منسوب یا مربوط به انقلاب (کشور انقلابی، سخنان انقلابی). شورشی. ۲. /ها-؛ -ان- /ون/ هوادار انقلاب (دولت انقلابی)، کسی که طرفدار انقلاب است. جمع آن انقلابیون است. (همان)

امروز معنای انقلابی دچار تحول شده و به معنی کسی است که در راه آرمان‌ها و اعتقادات و افکار خود تلاش و مبارزه فرهنگی می‌کند تا بتواند آن عقاید را در سطح جامعه پیاده کرده و به ظهور برساند که البته گاهی این مبارزات در مقابل دشمن حالت مبارزه مسلحانه به خود می‌گیرد و چه بسا افرادی در راه این آرمان‌ها جان خود را نیز از دست بدهند، اما معنی عمده‌ای که امروز بکار می‌رود: حرکت مردمی توأم با خشونت در جهت تغییر سریع و بنیادین در ارزش‌ها و باورهای مسلط نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، روش‌ها و

فعالیت‌های یک جامعه است. (رکابیان، ۱۳۹۸)

در این پژوهش بنابر فرمایشات مقام رهبری، انقلابی بودن به معنای تلاش و پیگیری مجدانه برای نیل به اهداف و آرمان‌های الهی جامعه است و معلم انقلابی به هر آموزنده‌ای که به دنبال جریان‌سازی فکری و فرهنگی باشد، اطلاق می‌شود. معلم انقلابی در راه ارزش‌ها و آرمان‌ها و افکار و عقاید خود تلاش و مبارزه می‌کند تا بتواند با پیگیری مجدانه و جهاد گونه آن عقاید را به متریان و دانش‌آموزان خود منتقل کند و از این طریق یک جریان فرهنگی و فکری در جامعه و نسل‌های جدید ایجاد کند.

۳. شاخصه‌های اجتماعی معلم انقلابی

در نظام تعلیم و تربیت اسلام، معلم مسئول تمام مقدراتی است که برای یک کشور یا جامعه پیش می‌آید و مسئول تمام انسان‌هایی است که زیر دست او باید تربیت بشوند. معلم اگر خودسازی کند و تهذیب نفس نماید و حاکم بر خود باشد افراد یک جامعه صالح خواهند بود و اگر خدای ناخواسته معلم تربیت دینی نداشته باشد، سبب انحراف نسل‌ها و عصرها می‌شود و جامعه‌ای را به خرابی می‌کشاند و همه سعادت‌ها و همه شقاوت‌ها از مدرسه‌هاست و کلیدش به دست معلم است و این موضوع حکایت‌گر جایگاه خطیر و بسیار مهم معلم و مربی است.

پیغمبر خدا ﷺ با معجزه قرآن برای آموزش و پرورش آمده است، یعنی بعثت. هدف قرآن یکی تهذیب نفس (تربیت) و دیگری بالا بردن سطح معلومات (تعلیم) انسان است. در لسان قرآن، به جای آموزش و پرورش، پرورش و آموزش آمده است. از این تکرار آیه در قرآن، نقش معلم در جامعه معلوم می‌شود. قرآن کریم می‌گوید کار معلم، کار خداست، نقش او، نقش انبیا و نقش همه‌ی کتاب‌های آسمانی است. نباید معلم درجه‌ی والا و مقام رفیع خود را با مادیات دنیوی معاوضه نماید. (مظاهری: ۱۳۷۰) از نظر پروردگار عالم، کار معلم، کار خداست و نقش او در جامعه نقش پیغمبر اکرم ﷺ است، نقش همه‌ی انبیا و اوصیاء و بالأخره نقش روحانیت است. اولین سوره‌های که بر پیغمبر اکرم ﷺ نازل شده است، سوره‌ی علق است، باری تعالی می‌فرماید: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ. خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ. اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق: ۵-۱). جامعه انقلابی ما معلم متعهد با تخصص می‌خواهد و معلم در حالیکه متعهد، متخصص و متدین است، باید متعادل و با تفاوت باشد، باید با حوصله، با تلطف و مهربان باشد. (مظاهری، ۱۳۷۰) «و اِذَا قَالَ لِقَمَانِ لَابْنَهُ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بَنِي لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان: ۱۳). این فرمولی است که قرآن به معلم می‌آموزد. لقمان با تلطف و زبان خوش، با پند و اندرز و با استدلال پسر خود را تربیت می‌کرد و معلم باید مانند لقمان، کلاسی را تربیت کند. خلاصه آن‌که، معلمان بدانند. کار حساس و خوبی دارند و مسئولیتی سنگین، اما اگر بهشت را می‌خواهند، باید متعهد، متخصص و با تفاوت باشند (مظاهری: ۱۳۷۰) و انقلابی عمل کنند. انقلابی‌گری را از بزرگانی همچون زینب

کبری علیها السلام می‌آموزیم؛ چون ایمانی اصیل داشتند و با هدف قرار دادن همان اهداف پیامبر صلی الله علیه و آله، عزّت، بصیرت، صبر و تقوا را معنا کرده و پیروز میدان تبلیغات نابرابر شدند (رفیعی و شریفی، ۱۳۹۵).

معلم انقلابی که نقش تربیت کننده نسل‌های جوان کشور را بر عهده دارد، باید شاخصه‌هایی اجتماعی داشته باشد که با بررسی آیات و روایات این شاخصه‌ها را می‌توان به دست آورد. جنبه اجتماعی شاخصه‌های معلم انقلابی برای اداره جامعه یا برای انجام مسئولیت‌های اجتماعی لازم و ضروری است و امکان دست‌یابی به اهداف الهی را فراهم می‌نماید. معلمان انقلابی و مؤمن برای ایفای نقش معلمی و تربیتی خود هم باید این شاخصه‌ها را در خود پرورانده و هم در متریان خود این خصایص شایسته را ایجاد کنند. برخی شاخصه‌های اجتماعی معلم انقلابی، به شرح ذیل است.

۳-۱. امر به معروف و نهی از منکر

یکی از وظایف اجتماعی معلمان، این است که نسبت به سایر افراد و رفتارهای آن‌ها بی‌تفاوت نبوده و به صورت نظارت همگانی - مراقب شکل‌گیری جریان‌های ناهنجار یا رفتارهای فساد برانگیز در جامعه خود باشند که در صورت بروز چنین مسائلی با تذکر پی‌درپی جلو انتشار آن را بگیرند. معلم انقلابی در این راستا وظیفه‌ی مهمی دارد. باید در محل کار، میان همکاران، و مهم‌تر از آن دانش‌آموزان، این واجب الهی و وظیفه‌ی اجتماعی را عملی سازد و در عین حال روش‌های صحیح امر به معروف و نهی از منکر به دیگران نیز آموزش داده شود، اما باید مراقب بود امر به معروف و نهی از منکر به دور از افراط و تفریط‌ها، قضاوت‌های عجولانه، رفتارهای غلط به عنوان امر و نهی و اهانت و بی‌احترامی به افراد باشد. حفظ حرمت و شئون افراد و با محبت و دلسوزانه رفتارکردن و در نظر گرفتن شرایط خاصی، باعث تأثیر سخن امر به معروف و ناهی از منکر در او می‌شود و احتمال تکرار آن را کاهش می‌دهد. با این که این دستور شرعی بر عهده تک‌تک افراد جامعه است، اما ابتدا باید «معروف» و «منکر» شناخته شود. سپس روش صحیح مقابله با هر منکر و امر و نهی آن آموزش داده شود. باید توجه داشت که قرآن حکیم اولویت را به «امر» به «معروف» داده است پس از آن، سخن از نهی از منکر کرده است و این ترتیب و اولویت‌بندی بسیار مهم است. بیش‌تر مشکلات اجتماعی که در جامعه مشاهده می‌شود به دلیل ترک امر به معروف و نهی از منکر است که در قرآن و روایات هم اثرات آن تذکر داده شده است. باید بدانیم: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمًا حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» (انفال: ۵۳)؛ این به خاطر آن است که خداوند هیچ نعمتی را که به گروهی داده تغییر نمی‌دهد جز آن‌که آن‌ها خودشان را تغییر دهند و خداوند شنوا و داناست. همچنین می‌فرماید:

«لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِّنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ آلٍ» (رعد: ۱۱)

برای انسان مأمورانی است که پی‌درپی از پیش‌رو و از پشت سرش او را از حوادث (غیر حتمی) حفظ می‌کند، (اما) خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملّتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آن‌که خود آن‌ها تغییر دهند و هنگامی که خدا اراده سویی به قومی (به خاطر اعمالشان) کند هیچ چیز مانع آن نخواهد شد و جز خدا سرپرستی نخواهند داشت؛

یکی از ویژگی‌های مربی انقلابی در شریعت حضرت نوح علیه السلام از نظر قرآن کریم امر به معروف و نهی از منکر معرفی شده است:

«فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا تَرَاكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِآدَائِهِ الرَّأْيِ وَمَا تَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَنْظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ» (هود: ۲۷)؛ اشراف کافر قومش (در پاسخ) گفتند ما تو را جز بشری همچون خودمان نمی‌بینیم، و کسانی را که از تو پیروی کرده‌اند جز گروهی اراذل ساده لوح نمی‌یابیم، و فضیلتی برای شما نسبت به خود مشاهده نمی‌کنیم، بلکه شما را دروغگو تصور می‌کنیم.

البته این مسأله نکات بسیاری دارد که در این نوشتار هدف ما پرداختن مفصل به این بحث نیست، اما این از اهمیت مطلب نمی‌کاهد و معلم انقلابی باید مجدانه به آن اهتمام ورزد.

۳-۲. روحیه جهادی

یکی دیگر از وظایف پیامبران و معلمان انقلابی، در انقلاب علیه کفر و شرک در آیات و روایات جهاد در معانی مختلف آن است. جهاد به معنای اخص آن «جهاد اکبر» و «جهاد اصغر» نامیده شده است که جهاد اکبر همان مبارزه با نفس است و جهاد اصغر، جنگیدن و حضور در جبهه مبارزه با دشمنان و کفار است و به معنای اعم آن هر نوع تلاشی را جهاد می‌نامند. از جمله جهاد برای کسب علم، جهاد برای کسب روزی حلال و... است: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْرِئًا مُتَقَاتِلِينَ» (سبأ: ۴۶)؛ بگو تنها شمارا به سخن یگانه‌ای اندرز می‌دهم و آن این‌که دوتن دوتن و تک‌تک برای خدا قیام کنید». در توضیح آیه فوق امام علی علیه السلام فرمودند: «إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَهُوَ لِيَأْسُ التَّقْوَى وَدِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةِ وَجُنَّتُهُ الْوَثِيقَةُ؛ براستی که جهاد یکی از درهای بهشت است که خداوند آن را برای اولیای خاص خود گشوده است. جهاد جامه تقوا و زره استوار خداوند و سپر محکم اوست» در حدیث دیگری از امام علی علیه السلام آمده است: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الْجِهَادَ وَعَظَّمَهُ وَجَعَلَهُ نَصْرَهُ وَوَاللَّهِ مَا صَلَحَتْ دُنْيَا وَ لَا دِينٌ إِلَّا بِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷) (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۸)؛ در حقیقت خداوند جهاد را واجب گردانید و آن را بزرگداشت و مایه پیروزی و یاور خود قرار داد. به خدا سوگند کار دنیا و دین جز با جهاد درست نمی‌شود».

امام علی علیه السلام در خبری دیگر فرموده‌اند: «جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَيْدِيكُمْ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَجَاهِدُوا

بِأَلْسِنَتِكُمْ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَجَاهِدُوا بِقُلُوبِكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۴۹)؛ در راه خدا با دست‌های خود جهاد کنید، اگر نتوانستید با زبان‌های خود و اگر باز هم نتوانستید با قلب خود جهاد کنید. همچنین از ایشان نقل شده است: «جَاهِدْ شَهْوَتَكَ وَ غَالِبْ غَضَبَكَ وَ خَالَفْ سَوْءَ عَادَتِكَ، تَرُكْ نَفْسَكَ، وَ يَكْمُلْ عَقْلُكَ وَ تَسْتَكْمِلُ ثَوَابَ رَبِّكَ» (آمدی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۱۳)؛ با هوا و هوس خود جهاد کن، بر خشم مسلط شو و با عادت‌های بد خود مخالفت کن تا نفست پاکیزه شود، عقلت به کمال برسد و از پاداش پروردگارت بهره کامل ببری».

بنابراین معلمان باید با مدیریت حکیمانه و روحیه جهادی در زمینه‌های مختلف از جمله اقتصاد و فرهنگ، در راستای شکوفاسازی استعداد‌های دانش‌آموزان تلاش کنند. معلمان انقلابی باید تلاش کنند علم را در کنار ایمان و عمل و حرکت‌های جهادی تعلیم دهند؛ زیرا علم به تنهایی نمی‌تواند، اسباب رشد را برای انسان فراهم کند. دست‌توانای معلم انقلابی است که چشم‌انداز فردای کشور را ترسیم می‌کند، تربیت انسان‌های خلاق و مسئولیت‌پذیر و مهارت‌های اجتماعی همه دست‌آورد معلمان هنرمند است و معلمان انقلابی باید با مدیریت حکیمانه و روحیه جهادی در شکوفاسازی استعداد‌های دانش‌آموزان تلاش بیش‌تری کنند.

۳-۳. اهل مشورت

واژه «مشورت» از ماده «شور» به معنای استخراج رأی و نظر صحیح است. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ذیل واژه شور) به این بیان که انسان در مواقعی که خود درباره کاری به رأی و نظر صحیح نرسیده، به دیگری مراجعه کند و از او نظر صحیح را بخواهد. کلمه «شورا» به معنای آن پیشنهاد و کاری است که درباره‌اش مشاوره می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۶۳). «مشورت» در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. قرآن کریم در آیاتی به این اهمیت می‌پردازد. آن‌جا که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ...» (شوری: ۳۸)؛ و آنان که دعوت پروردگارشان را پاسخ می‌گویند و نماز می‌گزارند و کارشان بر پایه مشورت با یکدیگر است». با توجه به معنای مشورت، معنای این آیه چنین می‌شود؛ مؤمنان کسانی هستند که برای هر کاری که می‌خواهند انجام دهند، درباره آن مشورت می‌کنند؛ برای به دست آوردن و استخراج رأی صحیح، دقت به عمل می‌آورند و به این منظور به صاحبان عقل مراجعه می‌کنند. بر اساس نظر برخی از مفسران کلمه «شورا» مصدر است و معنای آیه چنین می‌شود؛ کار مؤمنان شورا در میان خودشان است. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۲۸) این نکته قابل توجه است که طبق این معنا، مشورت یک برنامه مستمر در میان مؤمنان به حساب می‌آید، نه کاری زودگذر و موقت. قرآن می‌گوید همه کارهای آن‌ها در میانشان با مشورت است. جالب این‌که خود پیامبر اسلام ﷺ با این‌که عقل کل بوده و با مبداء وحی ارتباط داشت، در مسائل مختلف اجتماعی و اجرایی؛ در جنگ و صلح و امور مهم جامعه، به مشورت با یاران می‌نشست تا برای مردم الگو باشد؛ چرا که برکات مشورت از زیان‌های احتمالی آن به مراتب بیش‌تر

است. حضرتشان به ویژه برای رأی افراد تأثیرگذار ارزش خاصی قائل بود، تا آن‌جا که گاهی از رأی خود برای احترام آن‌ها، صرف‌نظر می‌کرد، چنان‌که نمونه آن در جنگ «احد» آمده است. بنابراین می‌توان گفت: یکی از عوامل موفقیت معلم انقلابی و آسوه حسنه، پیامبر خدا ﷺ، در پیشبرد اهداف اسلامی همین موضوع بوده است. قرآن کریم در آیه دیگر خطاب به پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید در کارهای مربوط به جامعه اسلامی با مردم مشورت کن، حتی کسانی که اشتباهاتی در گذشته داشتند آن‌ها را مورد عفو قرار ده، برایشان درخواست بخشش کن و آن‌ها را در کارها مورد مشورت خویش قرار ده: «فِيمَا رَحِمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَالِيظَ الْقَلْبِ لَانْقَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شاورهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹).

اصولاً معلمان انقلابی و انسان‌هایی که کارهای مهم خود را با مشورت و صلاح اندیشی یکدیگر انجام می‌دهند و صاحب‌نظران آن‌ها به مشورت می‌نشینند، کم‌تر گرفتار لغزش می‌شوند. بر عکس افرادی که گرفتار استبداد رأی هستند و خود را بی‌نیاز از افکار دیگران می‌دانند - هر چند از نظر فکری فوق‌العاده باشند - بیش‌تر گرفتار اشتباهات بزرگی می‌شوند. از این گذشته استبداد رأی، شخصیت مخاطب را از بین برده، افکار را متوقف می‌سازد و استعدادهای آماده دانش‌آموزان را نابود می‌کند و به این ترتیب بزرگترین سرمایه‌های انسانی یک ملت از دست می‌رود. به علاوه معلمی که در انجام کارهای خود با دیگران مشورت می‌کند، اگر مواجه با پیروزی شود کمتر مورد حسد واقع می‌شود؛ زیرا دیگران پیروزی وی را از خودشان می‌دانند و معمولاً انسان نسبت به کاری که خودش انجام داده حسد نمی‌ورزد و اگر احیاناً مواجه با شکست شود، زبان اعتراض و ملامت و شماتت دیگران بر او بسته است؛ زیرا کسی به نتیجه کار خودش اعتراض نمی‌کند، نه تنها اعتراض نخواهد کرد، بلکه دلسوزی و غم‌خواری نیز می‌کند. یکی دیگر از فواید اهل مشورت بودن معلمان انقلابی این است که انسان ارزش شخصیت افراد و میزان دوستی و دشمنی آن‌ها را با خود درک خواهد کرد و این شناسایی راه را برای پیروزی او هموار می‌کند و شاید مشورت‌های پیامبر ﷺ با آن قدرت فکری و فوق‌العاده‌ای که در حضرتش وجود داشت، به دلیل مجموع این جهات بوده است. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۱۶-۱۱۴)

۳-۴. عدالت محوری

در قرآن مجید و همچنین در روایات، توجه ویژه‌ای به عدالت و مساوات شده و یکی از اهداف معلمان بزرگ انقلابی و انبیا ﷺ برقراری عدالت اجتماعی بیان شده است. از جمله در آیات مربوط به داستان حضرت نوح ﷺ از جمله ویژگی‌های مهم شریعت نوح ﷺ عدالت نامیده شده است. مساوات، عدالت، دوری از فواحش و منکرات، راستگویی و وفای به عهد را یادآور شده است (انعام: ۲-۱۵۱).

ارزش و بزرگی عدالت در سطح اجتماع از منظر قرآن به حدی است که به عنوان اصلی بنیادین و بدل‌ناپذیر مطرح و خداوند به طور قاطع به آن فرمان می‌دهد و آن را واجب می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»

خدا به عدل و احسان فرمان می‌دهد» (نحل: ۹۰). خداوند به جامعه اسلامی متذکر می‌شود که مبادا رفتار دشمنان شما را از مسیر عدل منحرف گرداند، حتی با دشمنانتان با عدالت رفتار کنید: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ ۤأَلَّا تَعْدِلُوا ۖ اَعْدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی» (مائده: ۸). در همین راستا یکی از اهداف عمده مریبان بزرگ تاریخ بشریت، پیامبران الهی را اقامه عدل و قسط می‌شمارند. خداوند می‌فرماید: «لَقَدْ اَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنٰتِ وَاَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتٰبَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُوْمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)؛ به راستی پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن‌ها کتاب ترازو فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند. خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید که من پیامبران خود را همراه ترازو فرستادم تا مردم را به عدالت در مبادلات خود عادت دهیم تا دچار ضرر و زیان نشوند و اختلال در وزن پیش نیاید. از طرفی به کسانی که در مبادلات خود عدالت را رعایت نمی‌کنند، هشدار می‌دهد: «وَوَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِيْنَ * الَّذِيْنَ اِذَا اَكْتَالُوْا عَلٰی النَّاسِ يَسْتَوْفُوْنَ * وَاِذَا كَالُوْهُمْ اَوْ وَزَنُوْهُمْ يَخْسِرُوْنَ» (مطففین: ۱-۳)؛ وای بر کم‌فروشان، آنان که چون از مردم پیمانہ ستانند تمام ستانند و چون برای آنان پیمانہ یا وزن کنند به ایشان کم دهند.

موازین قرآنی عدالت از ملاحظات نژاد، دین، رنگ و عقیده پیشی می‌گیرد و به مسلمانان فرمان داده شده تا نسبت به دوستان و دشمنان خود و در همه مراحل عادل باشند. قرآن در این باره می‌فرماید: «ای مومنان، عدالت را برای خاطر خدا حفظ کنید و به حق گواهی دهید، اگر چه به ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد و از فقیر یا توانگر طرفداری ننمایید.» (نساء: ۱۳۵).

از دیگر کارکردهای عدالت، آن است که نظام مبتنی بر عدالت را - همان نظامی که پیامبران و جانشینان آن‌ان در پی استقرار آن هستند - کارآمد می‌سازد. کارایی نظام به کارایی همه بخش‌های آن است، زیرا هیچ قسمتی و هیچ شغلی از قسمت‌ها و شغل‌های دیگر جدا نیست. به عبارتی کارایی نظام به تعدیل و کارایی همه‌ی بخش‌های آن است و نه بعضی از آن بخش‌ها. از این‌رو معلم انقلابی باید از روحیه عدالت‌طلبی و عدالت‌محوری برخوردار باشد تا بتواند نقش خود را در کارایی نظام انقلابی ایفا کند.

۳-۵. هدایت‌گری

مهم‌ترین هدف خداوند از ارسال رسل و یکی از مهم‌ترین وظایف همه پیامبران، هدایت انسان‌ها به راه درست زندگی و بندگی است تا در سایه آن به رشد و کمال مطلوب دست یابند. تردیدی نیست که بر اساس این سخن خداوند متعال: «وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هَدَىٰ اِلَى صِرٰطٍ مُّسْتَقِيْمٍ» (آل‌عمران: ۱۰۱)، تنها با اعتصام و اتصال به خداوند متعال است که می‌توان به صراط مستقیم، هدایت شد.

معلمان انقلابی نیز با توجه به نقش خود در جامعه، این وظیفه خطیر را به عهده دارند. کلمات رب، ربنا، ربکم، ربک، ربه، ربها، ربهم، ربی، ربهما، ربکما که در قرآن کریم آمده است بیانگر ربوبیت ذات مقدس احدیت است و اصل «رب» تربیت است و آن عبارت از ایجاد شیء، است تا به تدریج او را به مقصد کمال

و تمام رهنمون سازد. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ذیل واژه) با توجه به همین جایگاه تعلیم و تربیت است که هدف از بعثت پیامبران، تعلیم کتاب و حکمت و پرورش و تصفیه روح از ناخالصی‌ها معرفی شده است. نام معلم چنان با عظمت است که در جای جای متون اسلامی از او تجلیل به عمل آمده تا به آن حد که خداوند علیم خود را معلم خوانده است: «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق: ۴ و ۵)؛ «عَلَّمَ الْقُرْآنَ» (الرحمن: ۲). همچنین در اهمیت این رسالت و شاخصه اجتماعی معلمان انقلابی پیامبر خدا ﷺ فرموده‌اند: «هر که به (راه) هدایتی دعوت نماید، پاداشی همانند پاداش کسانی را داراست که از آن پیروی نموده و چیزی از پاداش آنان نمی‌کاهد و هر که به (راه) ضلالتی دعوت کند، گناه او همانند گناهان کسانی است که از آن پیروی نموده و چیزی از گناهان آنان نمی‌کاهد» (پاینده، ۱۳۸۳، ص ۱۳۰).

در کلمات رسول خدا ﷺ آمده است: «بِالتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۰۶)، «بُعِثْتُ مُعَلِّمًا» (صدرالدین، بی تا، ج ۲، ص ۹۵)، «بُعِثْتُ لِأَنْتَمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۳۸۲) که این جملات بیانگر آن است که اسلام در زمینه تعلیم و تربیت دارای مکتبی ممتاز، مستقل با مبانی و اصولی مشخص و الهی است از جمله مبانی مطرح در مکتب تعلیم و تربیت اسلام اصل خدا محوری یا اخلاص، اصل تقدم اصلاح خود بر اصلاح دیگران، اصل توکل و اعتماد به نفس، اصل آیت بودن و نشانه شدن به سوی کمال مطلق، اصل مدارا و دوری از سخت‌گیری و تکلف، اصل عقلانی بودن نظام تعلیم و تربیت و اصل حاکمیت دادن به تعلیم و تربیت الهی است. اسلام معلم را به عنوان پدر روحانی معرفی می‌کند و می‌گوید: «أَبُ يُعَلِّمُكَ»؛ یعنی یکی از پدران ثلاثه تو، معلمی است که به تو دانش می‌آموزد و بنابراین تمام حقوقی که درباره پدر و مادر رعایت می‌شود، باید در حق معلم به صورت کامل تری رعایت شود.

۳-۶. وحدت طلبی

قرآن کریم در آیه ۱۳ سوره شوری می‌فرماید: «از امور دین آن چه را به نوح سفارش کرده بودیم و آن چه را به تو وحی کرده‌ایم و آن چه را به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کرده بودیم، برای شما مقرر کرد که این دین را بپا دارید و در آن تفرقه نیفتید!...». در اینجا این پرسش مطرح است که آیا معرفی اهل بیت ﷺ و مواضع و تاریخ ایشان اگر به طور صحیح، علمی و تحقیقی بیان شود، با وحدت مخالفت دارد؛ یا بر عکس، آن چه اساساً عامل وحدت امت اسلامی است مسئله امامت و ولایت است؟

معنای حقیقی وحدت، بدیهی است و جای ابهامی ندارد؛ اما برای جامع بودن بحث احتمالاتی را مطرح می‌کنیم. اگر منظور از ایجاد وحدت این باشد که انسان‌ها کاملاً یکی شوند، یعنی هیچ کثرت نظر و تعددی میانشان نباشد، همه می‌دانند چنین چیزی امکان ندارد. دو انسان، دو موجودند و هیچ وقت یکی نمی‌شوند. امکان ندارد که بین همه افراد جامعه وحدت حقیقی به وجود آید. مسأله‌ای را علمای علم الاجتماع مطرح کرده‌اند و آن این است که آیا مجموعه انسان‌هایی که یک جامعه را تشکیل می‌دهند، می‌توانند یک وحدت حقیقی

داشته باشند؛ یعنی یک هویت جدیدی غیر از هویت افراد به وجود آید. این هم بحثی است که در فلسفه اجتماعی باید طرح کرد. این مسائل محل بحث این نوشتار نیست. وحدتی که محل بحث است این است که ما انسان‌های کثیری که در یک جامعه هستیم و هر کدام یک وجود مستقلی داریم، با این اختلافاتی که داریم تا چه اندازه باید سعی کنیم که گرایش به وحدت پیدا کنیم و رسالت معلم انقلابی و مؤمن چیست؟ روشن است که معنای این ایجاد وحدت، وحدت حقیقی فلسفی نیست؛ بلکه منظور این است که ملاک‌های مشترکی شناسایی کنیم و آن ملاک‌های مشترک را تقویت و چیزهایی که باعث پراکندگی و دشمنی می‌شود را کم و ضعیف کنیم. منظور از ایجاد وحدت وحدتی است که به اصطلاح، اعتباری است. منظور این نیست که کثرت‌ها و اختلافات به کلی حذف شود. شبیه آن‌چه که در وحدت حوزه و دانشگاه، وحدت شیعه و سنی؛ و وحدت همه طوایفی که در کشور زندگی می‌کنند دنبال آن هستیم، یعنی ملاک‌های مشترکی را شناسایی کنیم و سعی کنیم آن ملاک‌ها بیش‌تر مورد توجه قرار گیرد و تقویت شود و در سایه تقویت آن ملاک‌ها، چیزهایی که موجب اختلاف می‌شود کم‌رنگ شود. در مباحث عقلی، وحدت در مقابل کثرت مطرح می‌شود، اما در این جا وحدت در مقابل اختلاف مطرح می‌شود. وحدت در این جا یعنی نبود اختلاف. وقتی دعوت به وحدت می‌کنیم، یعنی می‌خواهیم که اختلافات کنار گذاشته شود؛ پس در واقع باید مفهوم وحدت و مفهوم اختلاف را با همدیگر بسنجیم. حال که در این بحث، وحدت در مقابل اختلاف به کار می‌رود اول معنای اختلاف را بررسی می‌کنیم: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتْلُوكُمْ فِيهَا آتَاكُمْ (انعام: ۱۶۵)؛ خداوند شما را از لحاظ مواهب تکوینی با هم مختلف قرار داد، بعضی‌ها را بالاتر از بعضی؛ دیگر قرار داد برای این که زمینه‌هایی برای امتحان شما فراهم شود.»

قرآن کریم می‌فرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ» (بقره: ۲۱۳). مردم امت واحدی بودند و از لحاظ فطری اقتضانات واحدی داشتند؛ اما بین آن‌ها اختلاف ایجاد شد. این اختلافات کم‌کم باعث می‌شود که صرف نظر از مسائل اعتقادی، مسائل ارزشی هم مطرح شود؛ زیرا عده‌ای در اثر انگیزه‌ها و اغراض شخصی می‌خواهند منافع بیش‌تری کسب کنند و به دیگران تجاوز کنند. در این جا مسأله عدل، ظلم، قانون و ... مطرح می‌شود. حال کسانی که می‌خواهند قانون وضع کنند خودشان از انگیزه‌های اختلاف خالی نیستند. این انگیزه‌ها در قانون‌هایشان منعکس می‌شود. کسی می‌تواند قانون واقعی وضع کند که خودش از انگیزه‌های اختلاف خالی باشد و نیاز به این‌ها نداشته باشد: «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ ...» (بقره: ۲۱۳)؛ خدا پیامبران را مبعوث کرد. خداست که پیامبران را مبعوث می‌کند تا این اختلافات را رفع کنند. از آن‌جا که آدمیزاد موجود عجیبی است، در همین عواملی که رفع‌کننده اختلاف است، اختلاف ایجاد می‌کند. خدا پیغمبرانی را فرستاد و کتاب آسمانی نازل کرد برای این که اختلاف

مردم را رفع کند؛ یعنی این کار را کرد تا همه تن به قانون دهند؛ حق را اعمال کنند و به همدیگر ظلم نکنند تا زندگی سعادت‌مندان‌ای داشته باشند؛ اما این انسان ناسپاس، در خود دین اختلاف ایجاد کرد: «وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ» (بقره: ۲۱۳).

حال با توجه به این اختلافات، معلمان انقلابی چه رسالتی دارند؟ یک راه اساسی که قرآن در برابر ما قرار می‌دهد، وحدت بر اساس حق است. قرآن کسانی را که درصدد اصلاح جامعه‌اند و دلشان هم برای خودشان و هم برای دیگران، هم برای دنیایشان و هم برای آخرتشان می‌سوزد و از ناهنجاری‌ها رنج می‌برند و می‌خواهند با آن مقابله کنند، به وحدت براساس حق دعوت می‌کند. آیات زیادی در قرآن هست که می‌فرماید: همه انبیایی را که فرستادیم سرلوحه؛ دینشان این بود: «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (شوری: ۱۱۳). دین را به پا دارید و در دین اختلاف به وجود نیاورید. دین را با مضامین واحد و شفاف و قواعد مسلم غیرقابل تشکیک عرضه کنید تا این دیگر منشأ اختلاف مردم نشود.

وحدت، آن وقتی مطلوب است که بر اساس حق باشد. معلمان انقلابی باید تلاش کنند حق را تبیین کنند و در اختیار متریان بگذارند و رگه‌های باطل را معرفی کنند تا کسی به آن‌ها مبتلا نشود. این یک ایده کلی و اساسی است که باید در مرحله نخست، خود انبیاء به عنوان مربیان بزرگ تاریخ بشریت در صدد عمل به آن باشند: «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (شوری: ۱۱۳)؛ و سپس پیروان انبیا در صدد الگوگیری از انبیا باشند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳) و «رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِيَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ» (نساء: ۱۶۵).

راه صحیح و منطقی در اختلافات این است که معلمان مؤمن و انقلابی سعی کنند با دلیل و منطق و با شیوه‌ای که تعصبات طرف را تحریک نکند، حقیقت را به طرف مقابل بشناسانند. آن‌ها هم آدمیزاد هستند. اگر کسی با زبان منطقی و ملایم با خود ما صحبت کند اشتباهاتمان را قبول می‌کنیم؛ اما اگر از اول با تندی و پرخاش و احیاناً با توهین با ما حرف بزند ما هم در مقابلش موضع می‌گیریم. اگر با مردم با بیانی منطقی و روشی صحیح حرف بزنیم بسیاری از اختلافات برداشته می‌شود.

پرسش دیگری که در اینجا مطرح است آن است که معلمان انقلابی در برابر معاندین و یا کسانی که آن‌چنان تحت تأثیر تبلیغات اینان قرار گرفته‌اند که یقین کرده‌اند که مذهبشان حق و مذهب شیعه باطل است، چه وظیفه‌ای دارند؟ اگر ما در بیان حق و اثبات بطلان مذاهب باطل، کوتاهی کنیم به خدا، به پیامبر ﷺ، به انسانیت، به شهدا، به گذشتگان و به آیندگان خیانت کرده‌ایم. در این صورت ما هم در عمل جزو شیاطینی شده‌ایم که راه حق را مسدود می‌کنند: «وَرِئْتُمْ لَيْسُذُوهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهُتَدُونَ» (زخرف: ۳۷). وقتی حقیقت را بیان نکنیم آن‌ها سوءاستفاده می‌کنند و می‌گویند: «اگر مطلبی داشتند می‌گفتند و از خودشان دفاع می‌کردند.»؛ پس وظیفه معلم انقلابی برابر این افراد چیست؟ در اینجا

اصل مسأله حفظ وحدت است. اگر معلمان با این‌ها برخورد پرخاشگرانه و تند و متعصبانه داشته باشند، چه نتیجه‌ای خواهد داشت؟ نتیجه‌اش این است که بر عناد آن‌هایی که معاند هستند افزوده می‌شود و برای آن‌هایی که در اثر جهل به باطل مبتلا شده‌اند، بهانه‌ای پیدا می‌شود که از ما رو برگردانند و بگویند: «اگر حق بودند چرا باید درستی کنند و فحش بدهند؟! مطلب حقشان را با دلیل بیان می‌کردند»؛ چنین روشی باعث می‌شود ما را باطل محسوب کنند. پس برخورد متعصبانه، یعنی اظهار مطلبی بدون دلیل و توأم با پرخاش اگر نتیجه معکوس ندهد، نتیجه مطلوب هم نخواهد داشت. حرف منطقی است که نتیجه دارد. جلوی حرف منطقی نباید گرفته شود. هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که جلوی حرف منطقی گرفته شود؛ اما رفتار پرخاشگرانه، متعصبانه، خصومت‌برانگیز و کینه‌توزانه نه دلیل عقلی دارد و نه دلیل شرعی: «يَقْعَلْ ذَلِكَ فُلَيْسٌ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً» (آل عمران: ۲۸)؛ خدا اجازه نمی‌دهد که با کفار روابط دوستانه داشته باشید، مگر این‌که از آن‌ها بپرهیزید. «تُقَاةً؛ به معنای تقیه است. تقوا، تقیه و تقاه هر سه لغت اسم مصدر از فعل «اتَّقَى» هستند و یک معنا دارند. این نیز عنوانی ثانوی است و حکمی ثانوی دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ذیل واژه).

بنابراین معلمان مؤمن و انقلابی دو وظیفه دارند: وظیفه اول (وظیفه علمی، که باید در فضای علمی و تحقیقی مبانی تشیع را اثبات کنیم؛ چون معتقدیم اسلام حقیقی تشیع است و آن‌چه که اهل بیت علیهم‌السلام پذیرفته و عمل کرده‌اند همان چیزی است که پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند. دوست داریم که دیگران هم از این خوان کرم الهی بهره‌مند شوند و گمراه و محروم نشوند. وظیفه دوم) رفتار مناسب داشتن است. پرخاشگری، بی‌ادبی، بی‌احترامی کردن کار صحیحی نیست. (مصباح یزدی، ۱۳۸۹)

۳-۷. نصیحت‌پذیری و نصیحت‌گری

یک معلم انقلابی، پیش از آن‌که نصیحت‌گر و نقاد باشد؛ باید نصیحت‌پذیر و نقدپذیر باشد تا بتواند به یک الگوی مناسب تبدیل شود. در این‌جا مناسب است به گزیده‌ای از فرمایشات رهبر معظم انقلاب در ترسیم معلم انقلابی خطاب به معلمان و مربیان عزیز کشور - که در اردیبهشت ماه سال ۹۸ در دیدار با فرهنگیان و معلمان ایراد فرمودند - اشاره شود:

«شهید عزیز ما، مرحوم آقای مطهری رضوان‌الله‌علیه به معنای واقعی کلمه یک معلم دلسوز بود، خوب فکر می‌کرد، خوب بیان می‌کرد، خوب دنبال می‌کرد؛ صرف این‌که حرفی بزنی و تکلیفی اداء کنیم نبود. حُب ببینید، آن وضع مطلوبی که ما می‌خواهیم این است: آموزش و پرورش باید بتواند انسان‌هایی تربیت کند که دانا باشند، توانا باشند، خردورز باشند، پارسا باشند، پرهیزکار باشند، پاکدامن باشند، کارآمد باشند، مبتکر باشند، شجاع باشند، اهل اقدام باشند، از دشمن ترسند، از تهدید ترسند، خواب‌رفتگی و غفلت پیدا نکنند؛ انسان‌های این جوری تربیت کند... برای تحوّل آموزش و پرورش

روحیه‌ی انقلابی لازم است. روحیه‌ی انقلابی یعنی ترس نداشته باشید، ملاحظه‌کاری نداشته باشید، محافظه‌کاری نداشته باشید؛ وقتی تشخیص دادید، عمل کنید، اقدام کنید؛ پیش بروید، به توقف راضی نشوید؛ کارها را تزیینی انجام ندهید. گاهی انسان یک کاری انجام می‌دهد، حالت تزیینی و تشریفاتی دارد؛ اینها سم است؛ نخیر، کار را جدی انجام بدهید؛ این‌ها تحوّل را عملی می‌کند، ممکن می‌کند، تحقّق پیدا می‌کند. البته معنای اینکه من می‌گویم توقف نکنید، بروید، حرکت کنید، اقدام کنید، این نیست که اگر نقد عالمان‌های به شما شد، گوش نکنید؛ نخیر؛ یکی از حرکت‌های انقلابی هم همین است؛ نقد عالمانه را به گوش بگیرید، قدر بدانید، از ناقد و نقاد استقبال کنید».

روش تربیتی موعظه و نصیحت از روش‌های مهم و مؤثر در حوزه‌ی تعلیم و تربیت به حساب می‌آیند که معلمان انقلابی باید از این روش در تربیت متربیان بهره‌جویند. این روش در قرآن کریم بارها تکرار شده است و مورد استفاده قرار گرفته است، به طوری که خداوند منان خود را موعظه‌کننده و قرآن کریم را کتاب موعظه معرفی کرده و به پیامبر اسلام ﷺ دستور موعظه به دیگران داده است. بنابراین روش‌های موعظه و نصیحت دارای روش‌ها، انواع و کاربردهای مختلفی هستند که باید همراه با رعایت نکات و شرایط آن‌ها مورد توجه قرار گیرند.

موعظه و نصیحت از روش‌های مهم و مؤثر در تعلیم و تربیت است. این دو روش از دیرباز مورد توجه اولیا، مربیان و مبلغان بوده است. در حقیقت موعظه و نصیحت، فطرت آدمی را بیدار می‌کند، به همین دلیل است که خدای منان فطرت موعظه‌پذیری را در دل و جان انسان به ودیعه نهاده و او را برای قبول تربیت آماده کرده است. بنابراین موعظه‌پذیری و نصیحت‌پذیری نیاز ذاتی انسان می‌باشد و کسی از آن بی‌نیاز نیست. ممکن است بسیاری از افراد صالح و پاک در شرایط و موقعیت‌های خاصی نیازمند به موعظه و نصیحت باشند و معلمان باید از این شاخصه انقلابی برخوردار باشند.

امام علیؑ نقش تربیتی موعظه را به گونه‌ای تعریف و توصیف می‌کند که به نظر می‌رسد بر سایر شیوه‌های تربیتی برتری دارد و آن را به نوری تشبیه می‌نماید که هنگام تابیدن بر نفس انسان به آن نورانیت و روشنایی می‌بخشد: «المواعظ صقال النفوس، و جلاء القلوب؛ موعظه نفس انسان‌ها را صاف و نورانی می‌کند». (آمدی، ۱۴۲۹، ج ۳۷۳)

قرآن کریم از شیوه‌ی تربیتی موعظه و نصیحت بیش‌ترین استفاده را برده است و به عنوان نمونه در سوره لقمان، به داستان تربیتی پدر مهربان و شایسته‌ای اشاره می‌کند که به موعظه دل سوزانه‌ی پسر خویش می‌پردازد. هدف قرآن کریم از نقل چنین داستانی ارائه و نشان دادن الگوی تربیتی به دیگران است که خدای منان در مورد پیامبر اسلام ﷺ به این مسأله اشاره کرده است: «لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة...» (احزاب: ۲۱)؛ به یقین برای شما در زندگی پیامبر خدا ﷺ سرمشق نیکویی بود... بنابراین

موعظه و نصیحت نقش اساسی در تربیت انسان دارد و در حکم دارویی است که بر جسم و جان آدمی تاثیر می‌گذارد و موجب هدایت و رشد انسان می‌شود.

برای موعظه و نصیحت شرایطی وجود دارند که در منابع تربیتی به آن اشاره شده است. به دلیل وجود شرایط موعظه و نصیحت در منابع دینی، باید معلمان مؤمن و انقلابی به شرایط آن توجه نموده و مردم را با موعظه‌ی نیکو و تاثیرگذار دعوت نمایند: «ادع الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة» (نحل: ۱۲۵). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الموعظة النافع ما رده» (آمدی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۳۱۹)؛ موعظه‌ی سودمند آن است که باز دارنده باشد». بنابراین موعظه با قلب آدمی سر و کار دارد و به آن نرمی و رقت می‌بخشد و عواطف انسانی را تحریک کرده و از کجی‌ها و پلیدی‌ها باز می‌دارد و به سوی خوبی‌ها و راستی‌ها سوق می‌دهد. چنین امری سبب می‌شود که روحیه‌ی رذالت و پلیدی در انسان بشکند و روحیه‌ی حق و حقیقت طلبی، در وی ریشه دوانده و به بارنشته و رشد کند.

۳-۸. عدم درخواست اجر و مُرد

خداوند متعال در آیه ۲۳ سوره مبارکه شوری خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ». پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز از مردم درخواست مزد مادی نداشت، ولی چندین مرتبه از طرف خداوند با کلمه «قل» مأمور شد تا مزد معنوی را که به نفع خود مردم است، از مردم تقاضا کند: «قل ما سألتکم من أجر فهو لکم» (سبأ: ۴۷). این مزد معنوی نیز در دو تعبیر آمده است؛ یک بار می‌فرماید: من هیچ مزدی نمی‌خواهم جز آن‌که هر که خواست راه خدا را انتخاب کند، «الّا من شاء ان یتخذ الی ربّه سبیلاً» (فرقان: ۵۷)؛ و یک بار در آیه مورد بحث که می‌فرماید: «لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی» (شوری: ۲۳) بنابراین مزد رسالت بزرگترین مربی بشریت دو چیز است: یکی انتخاب راه خدا و دیگری مودت قریبی. دیگر مربی انقلابی حضرت نوح علیه السلام نیز می‌فرمودند: «ای قوم من برای این کار از شما اجر و مزدی نمی‌خواهم» (نوح: ۱۰۹). استدلال ایشان که در ردّ تهمت کافران در مورد طمع مال و برتری مالی بود که نشان می‌دهد هیچ‌گونه اجری از طرف رسول در مقابل رسالتش خواسته نمی‌شود و از این رو حق ندارند چنین تهمتی بزنند.

حضرت هود علیه السلام نیز درخواست اجر و مزد نکردند و فرمودند: «ای قوم! من از شما برای این کار مزدی نمی‌خواهم، مزد من بر آن کسی است که مرا آفریده است، پس چرا تعقل نمی‌کنید؟» (شعرا: ۱۲۷). همچنین دیگر مربی انقلابی حضرت شعیب رضی الله عنه به نداشتن کم‌ترین چشم‌داشت مادی از مردم، در برابر ادای رسالت خویش تصریح کرده است:

«اذ قال لهم شعيب الا تتقون (شعرا: ۱۷۷)؛ هنگامی که شعیب به آن‌ها گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟» ؛ «و ما اسئلكم علیه من اجر ان اجری الا علی رب العلمین» (شعرا: ۱۸۰) «من در برابر این دعوت،

پاداشی از شما نمی طلبم اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است»؛

نخستین نشانه صدق پیامبران و معلمان مؤمن و انقلابی این است که هیچ منفعت مادی در دعوتشان ندارند، نه مالی میخواهند و نه جاه و مقام و نه حتی تشکر و سپاسگزاری و نه هیچ اجر و پاداش دیگر. این همان چیزی است که بارها در آیات قرآن در مورد انبیای بزرگ به عنوان نشانه‌ای از اخلاص و بینظری و صفای قلب پیامبران روی آن تکیه شده و تنها در سوره شعرا پنج بار این جمله (و ما اسئلكم علیه من اجر) تکرار گردیده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۴۹). امام صادق علیه السلام می فرماید: «المعلم لا يعلم بالاجر و يقبل الهدیه اذا اهدی الیه» (حرعاملی، ۱۳۹۱، ج ۱۷، ص ۱۵۶)؛ معلم به خاطر مزد درس نمی دهد، [بلکه برای خدا و با خلوص نیت آموزش می دهد] و هرگاه هدیه ای به او دادند، آن را می پذیرد».

۳-۹. بهره‌گیری بجا و قوی از استدلال

در فرایند تبلیغ و تعلیم و تربیت، مسأله استدلال قوی و منطقی جهت اقناع مخاطب، بسیار کارساز است. معلم بزرگ تاریخ بشریت، پیامبر گرامی خدا صلی الله علیه و آله از روز نخست با برهان و منطق، مردم را به آیین خود دعوت می کرد و معجزه‌ی جاودان او که قرآن است، هنوز هم به بی‌مانندی خود باقی مانده و احدی نتوانسته است خدشه‌ای بر آن وارد کند، در دومین سوره از قرآن کریم چنین آمده است:

«و این کتیم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسورة من مثله و ادعوا شهدائکم من دون الله إن کنتم صادقین» (بقره: ۲۳)؛ بگو اگر در آن چه بر بنده خود فرو فرستادیم شک و تردیدی دارید (در این که از جانب خداست) یک سوره همانند سوره‌های آن را بیاورید و شاهدان خود را دعوت کنید، اگر در این ادعا راستگو هستید».

اصولاً همه انبیا در دعوت خود از طریق دلیل و برهان وارد می شدند و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز از همین شیوه بهره گرفته است. یک نگاه گذرا به ماده (عقل) و (تفکر) و (علم) در قرآن به روشنی می‌رساند که آورنده‌ی این آیین مردم را به تفکر و تعقل دعوت می‌کند. کافی است بدانید که: الف: ماده‌ی عقل در قرآن ۴۹ بار؛ ب: ماده‌ی تفکر ۲۲ بار؛ ج: ماده علم ۷۷۹ بار، به صورت‌های مختلف وارد شده‌اند و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از طرف خدا مأمور شده بود که با مردم از سه طریق سخن بگوید: الف: منطق و استدلال با متفکران؛ ب: پند و اندرز درباره متوسطان؛ ج: گفتگو و محاوره با مخالفان: «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی أحسن...» (نحل: ۱۲۵)؛ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آن‌ها به روشی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن...».

یکی از مهارت‌هایی که باید در هر نظام آموزشی از سوی معلمان انقلابی به دانش آموزان آموخته شود، مهارت اندیشیدن است. برای عملی شدن این مهم، معلم باید در افزایش مهارت‌های تفکر و استدلال شاگردان خود بکوشد و آن‌ها را از مرحله یادگیری طوطی‌وار مطالب، به مرحله تفکر سوق دهد و آن‌ها

را در یافتن راه حل مناسب که اساس یادگیری توأم با تفکر است، آموزش دهد؛ به طوری که دانش آموزان بتوانند مهارت‌های کسب شده را در دروس گوناگون و موقعیت‌های مختلف زندگی استفاده کنند، زیرا زندگی دانش آموزان محدود به مدرسه نبوده و باید یادگیری مهارت‌های تفکر به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل آموزش و پرورش باشد؛ به عبارتی دیگر، محور فعالیت‌های مراکز آموزشی باید آموختن و اندیشیدن باشد، نه آموزش اندیشه‌ها. در چنین وضعیتی است که ادامه‌ی جریان تفکر در مدرسه امکان‌پذیر می‌شود. در این راستا و در تحقق هدف اصلی نظام آموزش و پرورش که همان پرورش شیوه تفکر در دانش آموزان است، معلم مؤمن و انقلابی باید به رشد و گسترش فرایند تفکر و انتقاد در دانش آموزان کمک کند؛ به ویژه که این روش به روشنی در آیات و روایات اسلامی نیز آمده است.

۳-۱۰. بینش و بصیرت

داشتن بینش صحیح و بصیرت برآمده از آموزه‌های دینی، نقش بسزایی در تصحیح افعال معلمان انقلابی دارد و بخشی از مفهوم اصلی نیت و حسن فاعلی در همین عنصر نهفته است؛ بصیرت، قوه‌ای است نفسانی که به مدد نور الهی پدید آمده و موجب می‌شود تا صاحب آن قوه، حقیقت و باطن امور را - چنان که هست - دریابد. معلم با بصیرت، می‌تواند حق و حقیقت را از باطل تشخیص دهد، صحیح بشنود و بیاندیشد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (حج: ۴۶)؛ آیا آنان در زمین سیر نکردند تا دل‌هایی داشته باشند که با آن حقیقت را درک کنند، یا گوش‌هایی که با آن حقیقت را بشنوند؟ البته چشم‌های آنان کور نیست، لکن دل‌هایی که در سینه دارند، نابینا است».

بصیرت واژه شریفی است؛ چرا که بصیر از اسماء الهی است و معلم انقلابی - که پای در مسیر تعالی و کسب سعادت آخری می‌گذارد - باید این ویژگی را به خوبی دارا باشد تا از مسیر حق و حقیقت منحرف نشود و عاقبت امر خویش را ختم به خیر گرداند. بصیرت را خداوند متعال به وسیله ولی خودش که واسطه بین حق و خلق است، به فرد یا امت عطا می‌کند، این عطا زمانی است که شخص، قابلیت عطا را داشته باشد و این قابلیت فقط با پیوند با ولایت شکل می‌گیرد و لاغیر. بنابراین بهترین راه برای فهم چستی بصیرت رجوع به مظهر اتم آن، یعنی معصومین علیهم‌السلام است. از این رو با رجوع به روایات نورانی معصومین علیهم‌السلام، به این شاخصه اجتماعی معلمان انقلابی می‌پردازیم.

امیر مؤمنان علی علیه‌السلام با رفتار و گفتار خویش بزرگ‌ترین آموزگار بصیرت در تمام دوران‌ها بودند و اصحاب خویش را نیز به داشتن این نعمت الهی فرا می‌خواند. در نگاه ایشان بینش و بصیرت، عطایی الهی و منشأ هدایت است؛ چنان‌چه می‌فرماید: «فَأَبَدْنَا بَعْدَ الصَّلَاةِ بِالْهُدَى وَ أَعْطَانَا الْبَصِيرَةَ بَعْدَ الْعَمَى»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷) [خداوند] پس از گمراهی ما را هدایت کرد و به جای کوری، بصیرت به ما عطا کرد».

انسان و معلم بصیر از منظر آن حضرت کسی است که:

۱. به درستی بشنود و در شنیده‌ها تفکر کند نه این‌که هرگونه حرف و شایعه‌ایی را بدون تفکر و بررسی باور کند؛ چنان‌که فرمودند: «فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ»؛ (نهج البلاغه: خطبه ۱۵۳) همانا [انسان] بصیر کسی است که شنید و اندیشه کرد.

۲. به درستی بنگرد؛ نگاهی که در پی آن، آگاهی و بینش حاصل شود؛ به عبارت دیگر معلم انقلابی و بصیر به دنبال نگاهش به عالم، علم و آگاهی است. در اندیشه امیرمؤمنان علیه السلام، بصیر کسی است که دیده‌ها و شنیده‌هایش هدف‌دار هستند، نه سخن لغو می‌شنود و نه نگاه هرز می‌اندازد، بلکه از هر شنیده و دیده، عبرتی و از هر عبرتی، پندی می‌گیرد؛ چنان‌که می‌فرماید: «وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ، وَ انْتَفَعَ بِالْعِبَرِ، ثُمَّ سَلَكَ جَدَدًا وَ اضْحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي، وَ الضَّلَالَ فِي الْمَعَاوِي» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳)؛ پس به درستی نگریست و آگاه شد، و از عبرت‌ها پند گرفت، سپس راه روشنی را پیمود و از افتادن در پرتگاه‌ها، و گم شدن در کوره راه‌ها، دوری کرد.

نتیجه‌گیری

جایگاه معلم در تربیت نسل انقلابی آینده، منوط به تصدی معلم با ویژگی‌های مناسب از جمله ویژگی انقلابی‌گری بر این جایگاه است. از برجسته‌ترین یافته‌های پژوهش این است که مؤلفه‌های اجتماعی مریبان انقلابی در قرآن و روایات معصومین^{علیهم‌السلام} از این قرار است: امر به معروف و نهی از منکر، روحیه جهادی، اهل مشورت، عدالت‌محوری، هدایت‌گری، وحدت‌طلبی، نصیحت‌پذیری و نصیحت‌گری، عدم درخواست اجر و مزد از غیرخدا، بهره‌گیری بجای قوی از استدلال، بینش و بصیرت.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: الهادی، ۱۳۷۹ ش.
- آمدی، ابوالفتح، غرر الحکم و درر الکلم، تهران: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۹ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالصادر، ۱۴۱۴ ق.
- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، کلمات قصار پیامبر اکرم (ص) همراه با ترجمه فارسی و نمایه موضوعی؛ به اهتمام غلامحسین مجیدی خوانساری، قم: انصاریان، ۱۳۸۳ ش.
- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۱.
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
- دهقان رجبی، فاطمه، نقش معلم در تربیت از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، شهریور ۱۳۹۲
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۹ ه. ش.
- رفیعی، محسن؛ معصومه، شریفی، درسنامه روش‌های تفسیری قرآن کریم، قم، مقاومت، ۱۳۹۵ ش.
- رکابیان، رشید، محمودعلی پورگرگی، «مؤلفه‌های انقلابی‌گری و انقلابی بودن و انقلابی ماندن در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری»، نشریه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۶ تابستان ۹۸ شماره ۵۷. صص ۹۵-۱۱۰.
- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح اصول کافی، تصحیح محمد خواجوی، بیجا: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، بی تا.
- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ه. ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیه، ۱۳۶۹ ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار^{علیهم السلام}، چاپ سوم، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- مظاهری، حسین، ویژگی‌های معلّم خوب، سلسله مباحث استاد آیت الله حسین مظاهری پیرامون

- نقش، جایگاه و وظایف معلمان، قم: مرکز تربیت معلم شهید آیت الله مدنی رحمته، ۱۳۷۰ ش.
- معین، محمد، فرهنگ معین، چاپسوم، تهران: زرین، ۱۳۸۶ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ه. ش.
- موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام رحمته، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، ۱۳۷۹.



طراحی و تبیین رابطه انسان در تمدن‌سازی نوین اسلامی از منظر قرآن کریم^۱

یاسین توکلی^۲

روحالله توکلی^۳

عبدالله توکلی^۴

چکیده

هدف این پژوهش طراحی و تبیین روابط انسان در تمدن‌سازی نوین اسلامی از منظر آموزه‌های قرآن کریم است. بر اساس آموزه‌های دینی، تمدن‌سازی، نظام‌سازی، نهادسازی و جامعه‌سازی از خودسازی انسان شروع می‌شود و انسان هسته‌ی اصلی تغییر و تعالی تمدن نوین اسلامی است. با وجود پژوهش‌های بسیاری که در مورد تمدن اسلامی و روابط انسان صورت گرفته، پژوهشی با متدولوژی علمی برای بررسی و تبیین روابط انسان در تمدن‌سازی نوین اسلامی بر پایه قرآن کریم انجام نشده است. به همین منظور این جستار، با رویکرد کیفی و به روش تحلیل مضمون و شبکه مضامین، این مسئله را کاویده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد روابط انسان بر اساس آموزه‌های قرآن در پنج مضمون فراگیر؛ رابطه انسان با خودش، رابطه انسان با انسان‌های دیگر، رابطه انسان با طبیعت، رابطه انسان با، آخرت و رابطه انسان با خدا، قابل تبیین و تحلیل است. رابطه انسان با خودش، به دو مضمون سازمان دهنده؛ خودشناسی و خودسازی تحلیل شده است. رابطه انسان با انسان‌های دیگر به دو مضمون سازمان دهنده؛ عدل و احسان تحلیل یافته است. رابطه انسان با طبیعت به چهار مضمون سازمان دهنده؛ تسخیر، تسلط، تخریب و تهدید تحلیل شده

۱۶. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۹

۱۷. دکترای فلسفه تعلیم و تربی، دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرا[ؑ]، تبریز. (نویسنده مسئول).

y.tavakkoli@cfu.ac.ir

۱۸. دانشجوی کارشناسی مشاوره‌ی دانشگاه فرهنگیان اردبیل. rohollah.tavakoli.76@gmail.com

۱۹. دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان تبریز. yassin.tavakoli@gmail.com

است. رابطه انسان با آخرت به دو مضمون سازمان دهنده؛ مسئولیت و پاداش سازماندهی شده است. رابطه انسان با خدا - که محور همه روابط انسان است - به مضمون سازمان دهنده عبودیت و بندگی تحلیل شده است. هر یک از این مضامین از چندین مضمون پایه تشکیل یافته است. مجموع مضامین اصلی و یا پایه که در این پژوهش از متن قرآن استخراج شده ۴۶ مضمون است. همه مضامین در یک شبکه مضامین درهم تنیده که الگویی برای تمدن‌سازی نوین اسلامی است، طراحی شده است.

واژه‌های کلیدی: روابط انسان، تمدن‌سازی نوین اسلامی، آموزه‌های قرآن کریم.

مقدمه

قرآن کریم منشا و خاستگاه تحول و تعالی هر تمدنی را تغییر و تحول در انسان تعریف می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)؛ خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن‌که آنان آن‌چه را در خودشان است، تغییر دهند. این آیه، کلیدی برای تمدن‌سازی و پیشرفت جامعه‌ی اسلامی است؛ چرا که به روشنی بیان می‌کند که پیشرفت و تحول اجتماعی، مبتنی بر تحول درونی و روانی افراد است و افراد، عناصر سازنده‌ی جامعه و تمدن هستند. همه‌ی مراحل تمدن‌سازی، نظام‌سازی، نهادسازی و جامعه‌سازی از خودسازی انسان شروع می‌شود و انسان هسته‌ی اصلی تغییر و تعالی تمدن نوین اسلامی است.

قرآن کریم نقطه‌ی آغازین تمدن اسلام را خودسازی پیامبر اکرم ﷺ و روابط انسانی ایشان در سایه‌ی لطف و رحمت الهی معرفی می‌کند و می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ، وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُتِنُوا مِنْ حَوْلِكَ، فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ، فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران: ۱۵۹)؛ به مرحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی مردم از گرد تو متفرق می‌شدند، پس از (بدی) آنان درگذر و برای آن‌ها طلب آموزش کن و (برای دلجویی آن‌ها) در کار (جنگ) با آن‌ها مشورت نما، لیکن آن‌چه تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند، دوست دارد.

این آیه‌ی شریفه را می‌توان نقشه راه تمدن‌سازی نوین اسلامی قلمداد کرد که کلیدواژه‌ی اصلی آن، نوع روابط پیامبر اکرم ﷺ با خدا و خلق خدا است که سبب ایجاد بزرگ‌ترین تمدن روی زمین شده است و با گذشت یک و نیم قرن از ایجاد آن، بر قلب بیش از دو میلیارد مسلمان جهان حکومت می‌کند.

ارتباطات انسانی و نقش آن در پیشرفت و تعالی فردی و اجتماعی او، بر کسی پوشیده نیست. این مسئله از نیازهای فطری انسان به زندگی اجتماعی و نقطه‌ی آغاز تمدن‌سازی انسان است. به دلیل اهمیت

و نقش حیاتی موضوع روابط انسان در سرنوشت فردی و اجتماعی او، حوزه‌های مختلف دانش بشری به این موضوع پرداخته‌اند. روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های مختلف علمی به تبیین و تحلیل روابط انسان پرداخته‌اند. برخی دیدگاه ارتباطی را دیدگاهی روان‌شناختی از شخصیت انسان دانسته‌اند که بر اساس آن، شناخت شخصیت از راه شناخت نوع ارتباط‌هایی که فرد با خود، خداوند، دیگران و طبیعت برقرار می‌کند، میسر می‌شود. این دیدگاه با یک رویکرد تحولی، نوع ارتباط‌های چهارگانه فوق را در مراحل مختلف رشد، تشریح و جهت‌گیری‌های فرد را معین می‌کند (معتمدی، ۱۲۶، ۱۳۹۲). کیلانی در تبیین روابط انسان آن را به پنج دسته تقسیم کرده است:

- رابطه میان انسان با آفریدگار؛ یعنی رابطه عبودیت؛
- رابطه میان انسان با طبیعت؛ یعنی رابطه تسخیر؛
- رابطه انسان با انسان؛ یعنی رابطه عدل و احسان؛
- رابطه میان انسان و زندگی؛ یعنی رابطه ابتلا.

- رابطه میان انسان با آخرت؛ یعنی رابطه مسئولیت و پاداش. (کیلانی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۸) ایشان معتقد است محور همه روابط انسان را رابطه‌ی عبودیت تشکیل می‌دهد؛ در صورتی که به نظر می‌رسد ایشان از ارتباط مهم و حیاتی انسان با خود، غفلت کرده است. رابطه‌ی انسان با خود در معارف اسلامی از اهمیت محوری برخوردار است و همه‌ی روابط انسان از نوع رابطه‌ی انسان با خود، سرچشمه می‌گیرد. معتمدی در پژوهشی با عنوان سبک زندگی مطلوب بر اساس دیدگاه ارتباطی (ارتباط با خود، خدا، دیگران و طبیعت)، معتقد است که سبک زندگی وقتی مطلوب است که فرد به تمام روابط چهارگانه خود توجه داشته باشد و اهمیت هر یک از این تعاملات را در چهارچوبی که دستورات اسلامی مشخص کرده‌اند، مد نظر داشته و نسبت به آن‌ها غفلت نرزد. (معتمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۶)

تحقیق دیگر به بررسی فرهنگ اسلامی تعامل انسان با محیط زیست و طبیعت در قرآن پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که قرآن چهار نوع رابطه را میان انسان و طبیعت مطرح می‌کند که از میان آن‌ها، رابطه‌ی تسخیر، رابطه‌ی مناسب و مورد تاکید آموزه‌های قرآنی است. همچنین در این تحلیل تعداد سی مضمون کلیدی برای تبیین ابعاد، چرایی، چیستی و چگونگی رابطه انسان با طبیعت از منظر قرآن کریم شناسایی و تحلیل شده است. بر اساس مطالب یاد شده، می‌توان الگوی جامعی برای تعامل سازنده انسان با طبیعت ارائه کرد. در این الگو، خاستگاه و فلسفه تعامل انسان با طبیعت را می‌توان در مضمون عبودیت، بقا و تعالی نوع بشر جستجو کرد. هدف و فلسفه خلقت انسان، بندگی خداوند و معرفت اوست (توکلی، ۱۳۹۴).

علاوه بر پژوهش‌های صورت گرفته در موضوع رابطه انسان، تحقیقات گسترده‌ای نیز در بحث تمدن‌سازی اسلامی صورت گرفته است که در مجالی کوتاه به بخشی از پژوهش‌های انجام یافته در مورد

تمدن اسلامی و ملاک و معیارهای پیشرفت آن، اشاره می‌شود. یکی از پژوهش‌ها به بررسی مبانی و معیارهای پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که دینداری، علم و معرفت، آزادگی و کرامت و تأمین معیشت چهار معیار در شاخص پیشرفت انسانی مورد نظر اسلام هستند؛ بر این اساس، شاخص پیشرفت انسانی علاوه بر در نظر گرفتن معیارهای شاخص توسعه انسانی متعارف از جمله علم، سلامت و رفاه نسبی، مقوله‌های دیگری چون دینداری، معرفت، و کرامت و آزادگی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. معیارهای معرفی شده برای پیشرفت انسانی مبتنی بر مبانی فکری اسلام از جمله نگاه متعالی اسلام به انسان و تکامل قرار دارد (خلیلیان و همکاران، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۷۷).

گروه دیگری از محققین در بررسی و تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری به عوامل باطنی و ظاهری پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که تمدن نوین اسلامی برای ایجاد و بقا، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی دارد که برخی همانند توجه به علم، تساهل و تسامح، تلاش و پشتکار در تمدن‌های دیگر نیز یافت می‌شود و برخی از آن‌ها همانند مبنای بودن دین و اخلاق، توجه به عقلانیت معرفتی و ارزشی، تنها به تمدن نوین اسلامی اختصاص دارد. همچنین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نخستین عامل ایجاد تمدن نوین اسلامی، عامل باطنی است که با ایمان، مکتب، شرایط، مقتضیات و رهبری قابل دستیابی است و عامل دیگر، عامل ظاهری است. از مهم‌ترین پایه‌های تمدن اسلامی، عدالت و دادگری است که در آیات مختلف قرآن کریم با دو تعبیر قسط و عدل از آن سخن به میان آمده است (فرزانه و همکاران، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۱۷۷).

در پژوهش پیشران‌های تمدن‌ساز و آینده تمدنی انقلاب اسلامی بیان شده که انقلاب اسلامی دارای دو چالش مهم است: ایجاد تمدن اسلامی و تقابل تمدنی با جهان غرب. در این تحقیق، نظام مردم‌سالاری دینی جمهوری اسلامی، رابطه سالم بین دین و سیاست و حفظ سرمایه اجتماعی سه پیشران اصلی برای ساخت آینده کشور، معرفی شده است (عیوضی و فلاح حسینی، ۱۳۹۵).

در تحقیقی با عنوان گرایش اجتماعی در تفاسیر قرآن پیشران مؤثر در شکل‌گیری و شکوفایی تمدن نوین اسلامی، به نقش حیاتی آموزه‌های وحیانی در شکل‌گیری و هویت‌بخشی به تمدن نوین اسلامی پرداخته شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که رویکرد اجتماعی به قرآن، گرچه به هر دو بعد تمدن (مادی و معنوی) نظر دارد، اما به طور عمده درصدد اصلاح بعد معنوی تمدن است. آن‌چه در این بُعد اهمیت دارد، سبک زندگی مردم و فرهنگ حاکم بر تعاملات آنان با همدیگر و با دیگر ادیان و مذاهب است که از کلیدی‌ترین مسائل در تفاسیر اجتماعی است. همچنین رویکرد اجتماعی به قرآن، از جهات گوناگونی بر شکل‌گیری و شکوفایی تمدن نوین اسلامی تأثیر دارد. برخی از مهم‌ترین این موارد عبارتند از هویت‌بخشی به جامعه اسلامی، عینی کردن ارزش‌ها و به‌صحنه آوردن تعالیم قرآن، تطابق آموزه‌ها با ظرفیت اجتماعی در قلمرو حیات انسان‌ها، وحدت بخشیدن به امت اسلامی برای مقابله با دشمنان، تبیین سنت‌های الهی درباره

حیات و زوال تمدن‌ها، معرفی نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اخلاقی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و توجه به تعلیم و تربیت نسلی نو مبتنی بر آموزه‌های قرآنی برای ساختن تمدنی نوین، مطابق با معارف حقیقی اسلام (مولوی، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۱۵۷). در تحقیق حاضر به نقش مهم رویکرد اجتماعی به قرآن در هویت‌بخشی به تمدن اسلامی و اصلاح روابط انسانی و شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی تأکید و اشاره شده است.

بی‌تردید نقش رهبر در شکل‌گیری و شکوفایی تمدن نوین اسلامی، نقشی اساسی و غیر قابل انکار است. مقام معظم رهبری، رسیدن به تمدن نوین اسلامی را در پنج مرحله ترسیم کرده‌اند؛ مرحله اول آن انقلاب است که در ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید. مرحله دوم تشکیل یک نظام اسلامی است که ملت ایران در ۱۳ فروردین سال ۱۳۵۸ به نظام جمهوری اسلامی آری گفتند. مرحله سوم دولت اسلامی است که ایشان معتقدند ما اکنون در این مرحله به سر می‌بریم. مرحله چهارم و پنجم عبارت است از جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی (فرزانه و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۷۷-۲۰۵). مقام معظم رهبری درباره‌ی معنا و چیستی تمدن نوین اسلامی نیز می‌فرمایند:

«تمدن نوین اسلامی به معنای پیشرفت همه جانبه می‌باشد، اگر ما به دنبال یک مصداق عینی و خارجی برای درک معنای تمدن نوین اسلامی باشیم می‌توانیم بگوییم هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی می‌باشد» (بیانات رهبری در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

ایشان در خصوص بالندگی و حرکت رو به جلو انقلاب برای تمدن‌سازی نیز می‌فرمایند:

«انقلاب اسلامی همچون پدیده‌های زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمد الله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند» (حسینی خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

بررسی پیشینه و ادبیات تحقیق نشان می‌دهد با وجود پژوهش‌های بسیاری که در مورد تمدن اسلامی و روابط انسان انجام شده، تحقیق و پژوهشی با روش تحلیل علمی برای بررسی و تبیین روابط انسان در تمدن‌سازی نوین اسلامی بر پایه قرآن صورت نگرفته است. با توجه به اهمیت موضوع تمدن‌سازی نوین اسلامی که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز به آن تأکید و بر پژوهش و تحقیق نیز اشاره شده، بنابراین تبیین روابط انسان در تمدن‌سازی نوین اسلامی از منظر قرآن و در شرایط موجود جامعه از یک سو و اسلام-

ستیزی غرب از سوی دیگر، اهمیتش را صد چندان می‌کند.

هدف نهایی نظام جمهوری اسلامی، ایجاد تمدن نوین اسلامی بر اساس مبانی و آموزه‌های تمدن‌ساز اسلام است. نقش برجسته و اساسی انسان تربیت یافته در طراز تمدن اسلامی و روابط او با خدا، خود و جهان پیرامون در تکوین و تعالی تمدن نوین اسلامی بر کسی پوشیده نیست. این تحقیق تلاش دارد نقش و جایگاه برجسته‌ی روابط انسان در تمدن‌سازی نوین اسلامی را از منظر آموزه‌های قرآن مورد بررسی قرار دهد و الگویی از روابط انسان در قرآن، ارائه کند. سؤال اساسی این تحقیق به این شرح است: قرآن کریم روابط انسان را در تمدن‌سازی نوین اسلامی چگونه ترسیم کرده است؟

این تحقیق از نوع پژوهش کیفی است و برای پاسخ دادن به سوال پژوهش، از روش (تحلیل مضمون Thematic Analysis) و شبکه مضامین (Thematic Network) استفاده کرده است. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. (براون و کلارک، ۲۰۰۶، ص ۷۷-۱۰۱؛ عابدی‌جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳) به طور کلی تحلیل مضمون روشی است برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ و تبدیل داده‌های کیفی به کمی. (Boyatzis, 1998, P, 4) بنابراین در تحلیل مضمون، همه منابع داده‌ها، بررسی و مضامین کل داده‌ها، تحلیل و تفسیر می‌شود.

شبکه مضامین نیز روش مناسبی در تحلیل مضمون است که آتراید-استیرلینگ (Attride-Stirling) آن را توسعه داده است. آن‌چه شبکه مضامین عرضه می‌کند، نقشه‌ای شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است. (عابدی‌جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۰) شبکه مضامین بر اساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل) را نظام‌مند می‌کند؛ سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هریک از این سه سطح، همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود (عابدی‌جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۰). با توجه به روش‌های متنوع در تحلیل مضمونی، می‌توان از انواع مختلف مضامین استفاده کرد. در این تحقیق از مضامین اصلی، سازمان‌دهنده و فراگیر استفاده شده است. روش جمع‌آوری و کدگذاری مضامین در سطوح مختلف چنین است که ابتدا بر اساس سؤالات و پیشینه نظری تحقیق و علاقه تحلیل‌گر، مضامین فراگیر مشخص و به همین ترتیب برای مضامین سازمان‌دهنده و نیز مضامین کلیدی کدهایی اختصاص می‌یابد و با روش استقرایی و مطالعه دقیق متن، مضامین استخراج و طبقه‌بندی می‌شوند.

جامعه آماری این تحقیق همان نمونه آماری یعنی قرآن است. گزاره‌های قرآنی به صورت هدفمند و در راستای اهداف و سئوالات تحقیق استفاده شده است. واحد تحلیل در این تحقیق، آیه است. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دوروش تحلیل مضمون و شبکه مضامین استفاده می‌شود. برای آن‌که مضامین انتخاب شده، مضامین مرتبط به اهداف و سؤال‌های تحقیق باشد، برای سنجش اعتبار و روایی تحقیق از نظرات صاحب‌نظران، اساتید و خبرگان موضوع استفاده شده است و نیز دقت شده تا مضامین مختلف در راستای پاسخ به سؤال‌ها و براساس مبانی نظری و پیشینه انتخاب شود.

یافته‌های این تحقیق در پنج سطح برای تبیین روابط پنج گانه انسان در قرآن تدوین شده است. هرچند ممکن است که انسان غیر از این پنج نوع رابطه، ارتباطات دیگری هم داشته باشد، اما بر اساس یافته‌های پیشینه و ادبیات تحقیق برای انسان پنج نوع رابطه متصور است؛ رابطه انسان با خود، رابطه انسان با انسان‌های دیگر، رابطه انسان با طبیعت، رابطه انسان با آخرت و رابطه انسان با خدا. بنابراین، پیش‌فرض این پژوهش، بر مبنای پنج نوع رابطه برای انسان، تعیین شده است.

۱. تحلیل روابط انسان در آموزه‌های قرآن کریم

در آموزه‌های قرآن کریم، پنج رابطه برای انسان تعریف شده است: رابطه انسان با خود، رابطه انسان با انسان‌های دیگر، رابطه انسان با طبیعت، رابطه انسان با آخرت و رابطه انسان با خدا. بررسی و تحلیلی این روابط به شرح ذیل است:

۱-۱. تبیین رابطه انسان با خود

از آموزه‌های قرآن، دوازده مضمون اصلی از بررسی رابطه انسان با خود استخراج شده است. این مضامین در دو مضمون سازمان دهنده‌ی خودشناسی و خودسازی طبقه‌بندی می‌شود. خودسازی مقدمه جامعه‌سازی است و خودسازی محقق نمی‌شود مگر این‌که انسان از ظرفیت‌های درونی و بیرونی خود، جهت شناخت خویش استفاده کند. بر اساس آموزه‌های قرآن، ارتباط انسان با خود بر دو ستون استوار است؛ خودشناسی و خودسازی؛ از این‌رو در قرآن بر خودشناسی و استفاده انسان از ظرفیت‌های خدادادی جهت شناخت خویش و خودسازی تأکید شده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُم مِّن بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (نحل: ۷۸)؛ و خداست که شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که چیزی نمی‌دانستید، و برای شما گوش و چشم و دل قرار داد تا حقایق را درک کنید و باشد که سپاس بگذارید. خودشناسی در معارف دینی، انواع و مراتبی دارد. شهید مطهری آن را در هشت عنوان توضیح می‌دهد: خودآگاهی فطری، فلسفی، جهانی، طبقاتی، ملی، انسانی، عرفانی و پیامبرانه، معرفی می‌کند (مطهری، ۱۳۷۹). همچنین امام خمینی رحمته خودشناسی را عامل جهان‌شناسی و می‌فرماید: «فَالإِنْسَانُ الْكَامِلُ كَمَا أَنَّهُ مَرآةٌ شَاهِدُ

الحق ذاته ... مرآة شهوده الأشياء كلها» (خمینی، ۱۴۰۶ق، ص ۵۹)؛ شناخت جهان از راه معرفت نفس به شناخت جایگاه انسان در جهان و نسبت انسان با جهان کمک می‌کند و این می‌تواند در سلوک و خودسازی مؤثر باشد. شناخت جهان نیز به شناخت انسان کمک می‌کند. جدول شماره (۱)، رابطه انسان با خود از منظر آموزه‌های قرآن را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱) مضامین رابطه انسان با خود از منظر آموزه‌های قرآن کریم

شماره	آیات	ترجمه	مضمون اصلی
۱	بَلِ الْإِنْسَانِ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ (قیامه: ۱۴). "فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ، خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ" (طارق: ۵).	بلکه انسان خود بر (نیک و بد) خویش به خوبی بیناست. انسان برای این که رستاخیز را باور کند باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است. او از آبی جهنده آفریده شده است.	بصیرت
۲	"وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَبْرِ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا" (اسراء: ۷۰).	به راستی ما فرزندان آدم را به موهبت عقل و خرد گرامی داشته و آنان را در دریا بر کشتی‌ها و در خشکی بر مرکب‌ها سوار نموده و از خوراکی-های مطبوع به آنان روزی داده و آنان را بر بسیاری از کسانی که آفریده‌ایم، چنان‌که باید برتری بخشیدهایم.	کرامت
۳	فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَرِيمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (روم: ۳۰).	حال که روشن شد آفرینش و تدبیر در اختیار خداوند است و او هیچ‌گونه شریکی ندارد و کسانی که از وی روی گردانده‌اند در قیامت راه نجاتی ندارند، پس روی خود را به سوی این دین [تسلیم خدا بودن] بگردان و بی آن که به راست یا چپ گرایش یابی، تنها به آن چشم بدوز. بر این دین پایدار باش؛ دینی که فطرت خدادادیت تو را به آن گرایش می‌دهد؛ همان فطرتی که خداوند همه انسان‌ها را بر آن آفریده است. آفرینش خدا دگرگونی ندارد و با اختلاف افراد و اختلاف زمان‌ها و مکان-ها، تغییر و تبدیل نمی‌پذیرد. این است دین استوار ولی بیش‌تر مردم نمی‌دانند.	فطرت
۴	ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (مومنون: ۱۴).	سپس آن نطفه را لخته خونی ساختیم، آنگاه آن لخته خون را به صورت پاره گوشتی [که گویی جویده شده] درآوردیم؛ پس آن قطعه گوشت را استخوان-هایی چند ساختیم، آنگاه استخوانها را با گوشت پوشاندیم، سپس آن را آفریده‌های دیگر ساختیم (به او حقیقت انسانی بخشیدیم). پس خداوند که بهترین آفرینندگان است پرخیز و برکت است.	خلقت

روح	پس از آن، نسل او را از راه ولادت، از چکیدهای که ابی پست و بی مقدار بود آفرید. پس چون آن را درست کردم و در آن از روح خود (روح مبارک و شایسته منسوب به خودم) دمیدم، همگی برای (تعظیم) او سجدهکنان به رو در افتید.	۵	ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْاَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (سجده: ۹). فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (ص: ۷۲).
اعتدال	تا خدا به آن‌ها پاداش کامل عطا کند و از فضل و کرم باز بر ثوابشان بیفزاید که او (خطای مؤمنان را) بسیار بیامرزد و به شکرگزاران احسان فراوان کند.	۶	لِيُؤْتِيَهُمْ أَجْرَهُمْ وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ (فاطر: ۳۰).
ذکر	پس ربوبیت بی‌همتای خدا و روز جزا را به مردم تذکر ده که تو فقط تذکر دهنده‌ای.	۷	فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ (غاشیه: ۲۱).
توبه	و هر که عمل زشتی از او سرزند یا به خویشتن ستم کند سپس از خدا طلب آموزش و عفو نماید، خدا را بخشنده و مهربان خواهد یافت.	۸	وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا (نساء: ۱۱۰).
ایمان و عمل صالح	هر کس - از مرد یا زن - کاری شایسته کند و با ایمان باشد، قطعاً او را به حیاتی پاک زنده خواهیم داشت و به چنین کسانی بر پایه بهترین کاری که انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.	۹	مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل: ۹۷).
اندیشه‌ورزی و عمل‌گرایی	چگونه شما مردم را به نیکوکاری دستور می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید و حال آن‌که کتاب خدا را می‌خوانید، چرا اندیشه نمی‌کنید؟	۱۰	أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ بَتُّونَ الْكِتَابِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (بقره: ۴۴).
هدایت	ای کسانی که ایمان آورده اید، مراقب خویشتن باشید، مبدا پس از آن که راه یافته‌اید، کسانی که گمراه شده‌اند به شما زبانی برسند و گمراهتان کنند. بازگشت شما و آنان همگی به سوی خداست، آنگاه شما و آنان را از حقیقت فرجام آن چه می‌کردید، آگاه خواهد ساخت.	۱۱	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (مائده: ۱۰۵).
پرهیزگاری و کسب تشخیص	ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا کنید، برای شما نیرویی قرار می‌دهد که به وسیله آن حق را از باطل تشخیص دهید، و بدی‌هایتان را از شما می‌زداید و گناهانتان را می‌آمرزد و خدا دارای فضلی بزرگ است.	۱۲	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَ يُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (انفال: ۲۹).

۱-۲. تبیین رابطه انسان با انسان‌های دیگر

ارتباط انسان با انسان‌های دیگر از فطرت و طبیعت اجتماعی انسان سرچشمه می‌گیرد. در آموزه‌های قرآن کریم این ارتباط نقش حیاتی در تمدن‌سازی نوین اسلامی دارد. بهترین شکل ارتباط انسان با انسان‌های دیگر در آموزه‌های قرآن رعایت حق و حقوق دیگران و احترام و احسان معرفی شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِيْتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَ يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل: ۹۰): خداوند به شما فرمان می‌دهد تا برای پدید آمدن جامعه‌ای صالح، با مردم به عدل و

داد رفتار کنید و به آنان نیکی کنید و حق خویشاوند را به او بپردازید، و شما را از کار زشت و ناپسند و از ظلم و سرکشی باز می‌دارد. خدا به شما پند می‌دهد، باشد که دریابید نیکبختی شما در به کار بستن این اندرزهاست. شهید مطهری رحمته در تبیین رابطه عدل بین انسان‌ها می‌فرماید: «ما افراد بشر فردی از نوع خود را که نسبت به دیگران قصد سوئی ندارد، به حقوق آن‌ها تجاوز نمی‌کند، هیچ‌گونه تبعیضی میان افراد قایل نمی‌گردد، در آنچه مربوط به حوزه حکومت و اداره اوست، با نهایت بیطرفی، به همه به یک چشم نگاه می‌کند، در مناقشات و اختلافات افراد دیگر، طرفدار مظلوم و دشمن ظالم است؛ چنین کسی را دارای نوعی از کمال (عدالت) می‌دانیم و روش او را قابل تحسین می‌شماریم و خود او را عادل می‌دانیم (مطهری، ۱۳۵۲، ص ۴۵).

بنابراین یکی از مهم‌ترین مولفه‌هایی که انسان باید در روابط خود با انسان‌های دیگر رعایت کند عدالت و مساوات است. این مولفه همچنین در شکل‌گیری تمدن اسلامی نیز به عنوان مولفه‌ای مهم و تاثیرگذار است. چون بدون وجود عدالت هیچ تمدنی دوام و بقا نمی‌یابد. عدالت و مبارزه با فساد؛ این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت‌های الهی است. (حسینی خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) قرآن کریم در کنار امر به عدالت و احسان و دوری از ظلم و تعدی، انسان‌ها را به برادری؛ «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات: ۱۰) و مهربانی و ترحم به یکدیگر؛ «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹) و الفت و دوستی؛ «وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال: ۶۳) تعاون و همکاری؛ «وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى» (مانده: ۲) توصیه می‌کند. جدول شماره (۲) مضامین اصلی ارتباط انسان با انسان‌های دیگر را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۲) مضامین ارتباط انسان با انسان‌های دیگر از منظر قرآن کریم

شماره	آیات	ترجمه	مضمون
۱	يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ (حجرات: ۱۳).	ای مردم! شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را باز شناسید.	زندگی اجتماعی
۲	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا سَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آتِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَقُومٍ أَنْ صَدَقْتُمْ عَنْ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا (مانده: ۲).	ای اهل ایمان، حرمت شعایر خدا و ماه حرام را نگه دارید و متعرض هدی و قلابد نشوید و تعرض زایران خانه محترم کعبه را که در طلب فضل خدا و خشنودی او آمده اند حلال نشمارید و چون از احرام بیرون شدید، صید کنید و عداوت گروهی که از مسجدالحرام منع‌تان کردند شما را بر ظلم و بی‌عدالتی وادار نکند.	عدالت

<p>عدل و احسان</p>	<p>خداوند به شما فرمان می‌دهد تا برای پدید آمدن جامعه‌ای صالح، با مردم به عدل و داد رفتار کنید و به آنان نیکی کنید و حق خویشاوند را به او بپردازید و شما را از کار زشت و ناپسند و از ظلم و سرکشی باز می‌دارد. خدا به شما پند می‌دهد، باشد که دریابید نیک‌بختی شما در به کار بستن این اندرزهاست.</p>	<p>۳ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (نحل: ۹۰).</p>	<p>۳</p>
<p>تعاون و همکاری</p>	<p>شما مؤمنان یکدیگر را در نیکوکاری و تقوای پیشگی یاری دهید و در گناه و تجاوز به یکدیگر کمک نکنید و از خدا پروا کنید که خداوند سخت کیفر است.</p>	<p>۲. وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (مائده: ۲).</p>	<p></p>
<p>صداقت</p>	<p>این عمل که سخن بگویند و خلاف آن کنید بسیار سخت خدا را به خشم و غضب می‌آورد.</p>	<p>۳. كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (صف: ۳).</p>	<p>۴</p>
<p>برادری</p>	<p>به حقیقت مومنان همه برادر یکدیگرند پس همیشه بین برادران ایمانی خود صلح دهید و خدا ترس و پرهیزکار باشید، باشد که مورد لطف و رحمت الهی گردید. امید است که خدا دوستی میان شما و دشمنانتان برقرار گرداند و خدا قادر و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.</p>	<p>۵. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (حجرات: ۱۰). عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (ممتحنه: ۷).</p>	<p>۵</p>
<p>اتفاق</p>	<p>و آنان که در مال و دارایی خود حقی معین و معلوم گردانند. کیست که خدا را قرض الحسنه دهد تا خدا بر او به چندین برابر بيفزاید و خداست که می‌گیرد و می‌دهد و همه به سوی او بازگردانده می‌شود.</p>	<p>۶. وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ (معارج: ۲۴). مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (بقره: ۲۴۵).</p>	<p>۶</p>
<p>برابری</p>	<p>آن کسی که شما را از یک نفس آفریده است.</p>	<p>۷. وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ (انعام: ۹۸).</p>	<p>۷</p>
<p>دوری از بدبینی‌های بیجا</p>	<p>ای اهل ایمان از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها معصیت است و نیز هرگز تجسس نکنید و غیبت یکدیگر را روا مدارید، هیچ‌یک از شما آیا دوست می‌دارد که گوشت برادر مرده خود را خورد. البته کراهت و نفرت از آن دارید و از خدا پروا کنید که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.</p>	<p>۸. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ (حجرات: ۱۲).</p>	<p>۸</p>

<p>وحدت</p>	<p>و همگی به ریسمان الهی (قرآن و پیامبر) که شما را به خدا پیوند می‌دهد، چنگ زنید و از اختلاف و پراکندگی بپرهیزید و نعمت خدا را بر خود باد کنید، آنگاه که دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما الفت انداخت و در پرتو نعمت او با یکدیگر برادر شدید و آنگاه که بر پرتگاه گودالی از آتش بودید پس شما را از آن رهایی بخشید. بدین‌سان خدا آیات خود را برای شما بیان می‌کند، باشد که شما راه یابید.</p>	<p>وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آل‌عمران: ۱۰۲).</p>
<p>دوستی و الفت</p>	<p>محمد ﷺ فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار قوی‌دل و سخت و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربانند.</p>	<p>مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ (فتح: ۲۹).</p>

۳-۱. تبیین رابطه انسان با خدا

در آموزه‌های قرآن، بهترین مضمونی که می‌تواند رابطه انسان با خدا را نشان دهد، مضمون بندگی است. قرآن کریم در ترسیم رابطه بندگی انسان می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶)؛ من جنیان و آدمیان را جز برای این که مرا بپرستند، نیافریدم. خداوند در آیه‌ای دیگر، بندگی انسان‌ها را به همه‌ی امت‌های جهان تسری داده و آن را رسالت بزرگ انبیای الهی معرفی می‌کند:

«وَلَقَدْ يَمَنَّا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ» (نحل: ۳۶)؛

و قطعاً، در میان هر امتی پیامبری برانگیختیم با این پیام که خدا را بپرستید و از هر معبودی جز او دوری گزینید. پس از میان هر امتی کسانی بودند که خدا آنان را هدایت کرد و از میان آنان کسانی نیز بودند که گمراهی بر ایشان ثابت گشت. پس ای مشرکان، در زمین گردش کنید و بنگرید فرجام کسانی که پیامبران را دروغگو شمردند، چگونه بوده است؟

بر اساس آموزه‌های قرآن، رابطه انسان با خداوند، یک رابطه‌ی یک طرفه نیست که فقط انسان‌ها خداوند را عبادت کنند، بلکه یک رابطه‌ی دوطرفه است و خداوند به انسان‌ها از خودشان نزدیک‌تر و مهربان‌تر است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره: ۱۸۶)؛ و هرگاه بندگان من از تو درباره من بپرسند، بدانند که من به آنان نزدیکم، دعای دعاکننده را - آن‌گاه که مرا بخواند - اجابت می‌کنم، پس باید دعوت مرا بپذیرند و به درگاه من دعا کنند و به من ایمان بیاورند که دعایشان را اجابت می‌کنم، امید آن که در دعایشان به درگاه خدا راهیاب شوند. در آیه‌ای دیگر آمده است: «وَلِيُنصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج: ۴۰)؛ و قطعاً خدا کسانی را که او را یاری می‌دهند یاری خواهد کرد، چرا که خدا نیرومند و شکست‌ناپذیر است.

در معارف دینی یکی از نمودهای بارز بندگی خداوند، عبادت است. عبادت بهترین شکل ابراز بندگی و عشق خالصانه به درگاه الهی است. هر چند خود عبادت نیز مصادیق و نمودهای مختلف آئینی، اجتماعی، آفاقی و انفسی دارد. جدول شماره (۳) مضامین رابطه انسان با خداوند را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۳) مضامین رابطه انسان با خداوند در قرآن کریم

شماره	آیات	ترجمه	مضمون
۱	وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات: ۵۶). وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ (انبیاء: ۲۵).	من جنیان و آدمیان را جز برای این که مرا بپرستند، نیافریدم. و ما پیش از تو هیچ پیامبری را به رسالت نفرستادیم مگر این که به او وحی می‌کردیم که معبودی شایسته پرستش جز من نیست، پس شما و امتهایتان مرا بپرستید.	بندگی
۲	يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (فاطر: ۱۵). يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (رحمن: ۲۹).	ای مردم، شما باید که به خدا نیاز مندید و خداست که بی‌نیاز است و کارهایش همه پسندیده و زیباست. هر آن چه در آسمان‌ها و زمین است از او می‌خواهند و او نیز هر روز در کار جدیدی است.	نیازمندی به خدا
۳	الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد: ۲۸).	آنان که ایمان آوردند و کشتی دلشان با یاد خدا آرامش پیدا می‌کند، اما این را بدانید تنها با همین یک چیز است که دلها آرامش پیدا می‌کند.	آرامش قلوب
۴	يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي (فجر: ۲۷-۳۰).	ای نفس مطمئن به سوی پروردگار خود برگرد در حالی که تو از او راضی و او از تو راضی است. پس در جمع بندگانم و در بهشتم داخل شو.	رضایت دوطرفه

۱-۴. تبیین رابطه انسان با محیط زیست

رابطه انسان با محیط زیست و طبیعت از جمله مسائلی است که تمدن بشری را به چالش کشیده و سبب بروز بحرانهای عظیم زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی شده است؛ از این رو یکی از مسائل جدی و مهم تمدن‌ها در هزاره سوم، مسائل زیست محیطی و جلوگیری از تخریب بیرویه طبیعت است و تمدن‌سازی نوین اسلامی نیز از این چالش عظیم جهانی، منطقه‌ای و کشوری مستثنی نیست. بر اساس آموزه‌های قرآن، فساد در زمین، پیامد اعمال نادرست انسان است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم: ۴۱)؛ بر اثر شرک ورزیدن مردم و گناهایی که مرتکب می‌شوند، فساد و تباهی، خشکی و دریا را فراگرفت. تا خداوند وزر و وبال برخی از رفتارها و باورهای نادرست مردم را به آنان بچشانند، باشد که از شرک و گناه بازگردند و به توحید و فرمانبرداری از او گردن نهند. قرآن مجید، انسان را به اصلاح تمدن خویش، دعوت می‌کند و می‌فرماید: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...» (اعراف: ۵۶)؛ زمین را بعد از اصلاح، فاسد نکنید.

خداوند طبیعت را برای بهره‌مندی صحیح انسان از آن، مقرر فرموده است: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ» (اعراف: ۱۰)؛ و همه طبیعت را مسخر انسان قرار داده: «سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ» (حج: ۶۵)، اما انسان را مسئول، مکلف و امانتدار می‌کند تا به حقوق طبیعت احترام بگذارد و امانتدار لایقی برای آبادانی و اصلاح آن باشد؛ «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱). اصلاح و بهبود تعامل سازنده انسان با طبیعت در تمدن‌سازی نوین اسلامی از جمله اهداف و آرمان‌های جمهوری اسلامی است. در آموزه‌های اسلامی به خصوص در قرآن کریم، طبیعت، ذخایر و منابع خود را بیمنت در اختیار انسان قرار داده تا انسان با زندگی شرافتمندانه و عزتمندانه راه عبودیت و تعالی را طی کند.

جدول شماره (۴) مضامین رابطه انسان با محیط زیست در قرآن کریم

شماره	آیات	ترجمه	مضمون
۱	أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ (حج: ۶۵). وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (جاثیه: ۱۳).	آیا ندیدی که هر چه در زمین است خدا مسخر شما گردانید و کشتی به فرمان او در دریا سیر می‌کند. و آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است تمام را مسخر شما گردانید و اینها همه از سوی اوست. در این کار نیز برای مردم با فکرت آیاتی کاملا پدیدار است.	تسخیر عام
۲	وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ (ابراهیم: ۳۲ و ۳۳). وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَلِيَبْتَلُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (نحل: ۱۴).	و کشتی‌ها را مسخر شما کرد تا به امر او به روی آب دریا روان شود و نهرها را به اختیار شما جاری گردانید و خورشید و ماه گردنده و شب و روز را برای شما مسخر کرد. و هم او خدایی است که دریا را برای شما مسخر کرد تا از گوشت تر و تازه آن تغذیه کنید و از زیورهای آن استخراج کرده و تن را بیارابید و کشتی‌ها را در آن روان بینی که سینه آب را میشکافند و تا از فضل خدا روزی طلبید و باشد که شکر خدا را به جای آرید.	تسخیر خاص
۳	وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ (اعراف: ۱۵۶). رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا (غافر: ۷).	و رحمت من همه موجودات را فراگرفته است. ای پروردگاری که علم و رحمت بی‌منتهای همه اهل عالم را فرا گرفته است.	رحمت گسترده

۴	هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ (ملک: ۱۵).	او آن خدایی است که زمین را برای شما نرم و هموار گردانید، پس شما در پست و بلندی‌های آن حرکت کنید و از روزی او خورید و بازگشت همه خلاق به سوی اوست.	بهره‌مندی
۵	هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوا لَهُمْ تَتُوبُوا إِلَىٰ إِلَهِهِ (هود: ۶۱).	او خدایی است که شما را از زمین آفرید و برای عمارت و آباد ساختن آن برگماشت، پس شما از خدای خود آمرزش طلبید و به درگاه او توبه کنید.	آبادانی
۶	وَأَنتُمْ مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ (ابراهیم: ۳۴).	و از انواع نعمت‌هایی که از او درخواست کردید به شما عطا فرمود و اگر نعمت‌های خدا را بخواهید به شماره آورید، هرگز حساب آن نتوانید کرد، باز انسان سخت ستمگر و کفرکیش و ناسپاس است.	ظلم و ناسپاسی
۷	كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ وَلَا تَطْعَمُوا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَن يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ (طه: ۸۱).	از این رزق حلال و پاکیزه که نصیبتان کردیم تناول کنید و در آن طغیان و سرکشی نکنید و گرنه مستحق غضب و خشم من می شوید و هرکس که مستوجب خشم من گردید، همانا خوار و هلاک خواهد شد.	تعدی
۸	وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (مانده: ۸۶).	و آنان که کافر شدند و تکذیب آیات ما نمودند ایشان اهل جهنمانند.	تضییع
۹	فَكَفَّرَتِ بِنِعْمِ اللَّهِ فَادَّأفَهَا اللَّهُ لِيَأْسَ الْجُوعِ وَ الْمَخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (نحل: ۱۱۲).	نعمتهای خدا را کفران کردند خدا هم به موجب آن کفران و معصیت طمع گرسنگی و بیمناکی را به آن‌ها چشاند و چون لباس سراپای وجودشان را پوشاند.	خوف
۱۰	وَلَمَن كَفَرْتُمْ إِن عَذَابِي لَشَدِيدٌ (ابراهیم: ۷).	و اگر کفران کنید عذاب من بسیار سخت است.	کفران نعمت
۱۱	وَ كَلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (اعراف: ۳۱).	و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد.	اسراف
۱۲	ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (روم: ۴۱).	فساد و پریشانی به کرده بد خود مردم در همه بر و بحر زمین پدید آمد تا خدا هم کیفر بعضی اعمالشان را به آن‌ها بچشاند باشد که باز گردند.	فساد ناشی از اعمال بد

۱- ۵. تبیین رابطه انسان با جهان آخرت

بر اساس آموزه‌های کلام الله مجید، انسان موجودی مسئول و پاسخگو است و این امور در سرنوشت او در این جهان و جهان آخرت، تاثیرگذار است. در درجه اول انسان در مقابل خداوند مسئول و پاسخگو است. این نظارت و مسئولیت درونی می‌تواند در انجام کارها و وظایف فردی و اجتماعی او منشا خیر و

برکت باشد و در پیشبرد اهداف جامعه و تمدن‌سازی نوین اسلامی بسیار مؤثر باشد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسرا: ۳۶)؛ و از باورها، رفتارها و گفتارهایی که بدانها علم نداری پیروی مکن، زیرا گوش و چشم و دل، از همه این‌ها سؤال می‌شود که آیا آن‌چه را دریافته بودند علم بود یا شک و تردیدی به همراه داشت. هیچ عمل و رفتاری از انسان بدون سؤال و جواب نخواهد بود به طوری که حتی اعضا و جوارح انسان به عنوان شاهد اعمال انسان گواهی خواهد داد. خداوند در برابر این مسئولیت بزرگ، جزا و پاداش ابدی خواهد داد؛ «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (رحمن: ۶۰)؛ این است احسان خدا به کسانی که از مقام او می‌ترسند؛ مگر سزای نیکی جز نیکی است؟

چنین به نظر می‌رسد که در آموزه‌های دینی، جاده مسئولیت، یک طرفه است. انسان مسئول هرگز انتظار برآورده شدن حق و حقوق خود را ندارد، بلکه تلاش می‌کند مسئولیت خود را در قبال دیگران و جامعه به نحو شایسته به انجام برساند؛ از این‌رو، این رابطه نقش حیاتی در تمدن‌سازی نوین اسلامی دارد. امروز از چالش‌های مهم جامعه‌ی ما، عدم مسئولیت‌پذیری سلسله مراتب جامعه است. مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در همه‌ی مراحل خودسازی، نظام‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی نوین اسلامی نقش برجسته و اساسی دارد. جدول شماره (۵) مضامین رابطه انسان با جهان آخرت را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۵) مضامین مربوط به رابطه انسان با جهان آخرت از منظر قرآن کریم

شماره	آیات	ترجمه	مضمون
۱	يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (مانده: ۱۰۹). وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ سَوْفَ تُسْئَلُونَ (زخرف: ۴۴).	روزی که خداوند همه پیامبران را گرد می‌آورد و به آنان می‌گوید: از سوی مردمی که به سویشان فرستاده شدید چه پاسخی به شما داده شد؟ می‌گویند: ما چنان که باید آگاهی نداریم، تو هستی که همه نهان‌ها را می‌دانی. و همانا این قرآن برای تو و امتت وسیله یادآوری خداست و دیری نخواهد گذشت که درباره آن از شما سؤال خواهد شد.	مسئولیت پیامبران و رهبران جامعه
۲	فَاسْتَحَفَّتْ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (زخرف: ۵۴). قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا آذَرُكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أَخْرَاهُمِ لِأَوْلَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَصَلَبْنَا فَاتَّهَمُوا عَدَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَ لَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ (اعراف: ۳۸).	پس فرعون با این سخن قومش را سبک مغز ساخت، در نتیجه آنان هم از او فرمان بردند، چرا که مردمی فاسق بودند. و خدا به آنان می‌گوید: در میان امت‌هایی از جنّ و انس که پیش از شما درگذشتند به آتش دوزخ درآید. هرگاه گروهی به آن‌جا وارد شوند، ...	مسئولیت امت‌ها و پیروان آنان

<p>مسئول در مقابل نعمت‌های الهی</p>	<p>سپس آن روز که دوزخ را بنگرید، درباره هر نعمتی که به شما ارزانی شده است از شما سؤال خواهد شد.</p>	<p>ثُمَّ لَنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (تکواثر: ۸).</p>
<p>مسئولیت انسان نسبت به خود و دیگران</p>	<p>ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌هایتان را از آتشی که هیزمش مردم و سنگها خواهند بود، نگه دارید. و به مال یتیم جز به بهترین وجهی که برای او سودآورتر است نزدیک نشوید تا به توانایی خود برسد و به پیمان‌ها وفا کنید که قطعاً پیمانها مورد سؤال قرار خواهند گرفت.</p>	<p>يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ (تحریم: ۶). وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (اسرا: ۳۴).</p>
<p>مسئولیت در قبال خود</p>	<p>و از باورها، رفتارها و گفتارهایی که بدان‌ها علم نداری پیروی مکن، زیرا گوش و چشم و دل، از همه این‌ها سؤال می‌شود که آیا آن‌چه را دریافته بودند علم بود یا شک و تردیدی به همراه داشت. نماز را به پا دارید و زکات بدهید و بدانید که آن‌چه برای خود پیش می‌فرستید در نزد خدا خواهید یافت، همانا خداوند به اعمال شما آگاه است.</p>	<p>وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عِنْدَهُ مَسْئُولًا (الاسرا: ۳۶). وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (بقره: ۱۱۰).</p>
<p>ضمانت اعمال</p>	<p>هرکسی نزد خدا در گرو دستاورد خویش است.</p>	<p>كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ (مدثر: ۳۸).</p>
<p>عمل و عکس‌العمل</p>	<p>هرکس در کار خیری وساطت کند، از فرجام نیک آن بهره‌ای خواهد داشت و هرکس در کار شری میانجی‌گری کند، از فرجام سوء آن نصیبی خواهد برد و خدا بر انجام هرکاری تواناست و آن را بر پا می‌دارد.</p>	<p>مَنْ يُشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يُشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَ كَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقِيتًا (نساء: ۸۵).</p>
<p>حیات طیبه</p>	<p>هرکساز مرد یا زن کاری شایسته کند و با ایمان باشد، قطعاً او را به حیاتی پاک زنده خواهیم داشت و به چنین کسانی بر پایه بهترین کاری که انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد.</p>	<p>مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَاهِي وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل: ۹۷).</p>

۲. شبکه مضامین روابط پنجگانه انسان در تمدن‌سازی نوین اسلامی از منظر قرآن کریم

جدول شماره (۶) مضامین اصلی، سازمان دهنده و فراگیر روابط انسان را در تمدن‌سازی نوین اسلامی از منظر قرآن نشان می‌دهد. این جدول همبستگی و همپوشانی روابط پنجگانه انسان را در مسیر رسیدن به کمال و ایجاد تمدن نوین اسلامی ترسیم می‌کند.

جدول شماره (۶) مضامین اصلی، سازمان دهنده و فراگیر رابطه انسان
از منظر قرآن کریم

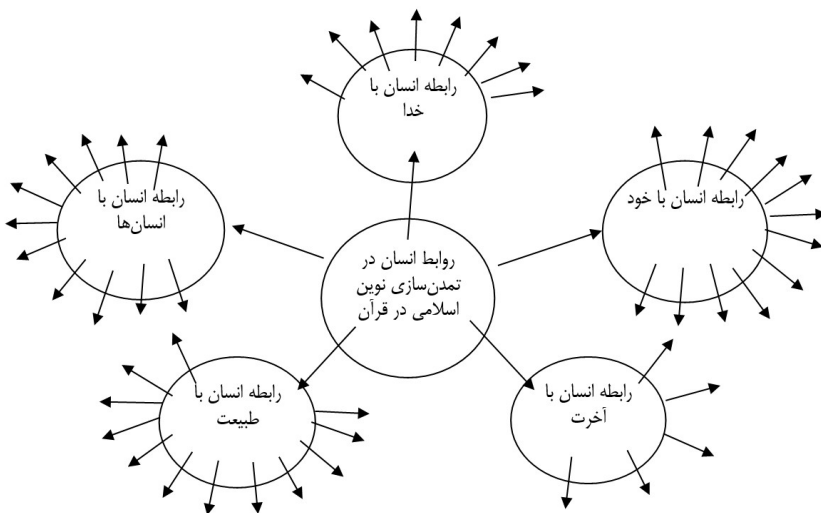
مضامین اصلی	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	
رابطه با خود	خودشناسی	بصیرت	
		کرامت	
		فطرت	
		روح	
		خلقت	
	خودسازی	اعتدال	
		تذکر	
		توبه	
		ایمان و عمل صالح	
		اندیشیدن	
		هدایت	
		پرهیزگاری و قدرت تشخیص	
	رابطه با انسان‌های دیگر	عدل	زندگی اجتماعی
			عدالت
برابری			
صداقت			
برادری			
احسان		انفاق	
		احسان	
		دوری از بدبینی‌های بیجا	
		تعاون و همکاری	
		وحدت	
		دوستی و الفت	

رابطه انسان با خدا	عبودیت	بندگی
		نیازمندی به خدا
		آرامش قلوب
		رضایت دوطرفه
رابطه انسان با طبیعت	تسخیر	تسخیر عام
		تسخیر خاص
		رحمت گسترده
	تسلط	پهره‌مندی
		آبادانی
	تخریب	ظلم
		فساد
		اسراف
	تهدید	تعدی
		تضییع
		خوف
		کفران نعمت
رابطه انسان با آخرت	مسئولیت	پیامبران و رهبران جامعه
		امت‌ها و پیروان آنان
		نعمت‌های الهی
		دیگران
		خود
	جزا و پاداش	ضمانت اعمال
		عمل و عکسالعمل
		حیات طیبه

شبکه مضامین، شبکه‌ای از روابط بین مضامین است. شبکه مضامین، روابط بین مضامین فراگیر با مضامین سازمان دهنده و نیز مضامین اصلی را در یک شبکه درهم تنیده، نشان می‌دهد. شکل شماره (۱)، شبکه مضامین روابط پنجگانه انسان در تمدن‌سازی نوین اسلامی را از منظر قرآن نشان می‌دهد. در تمدن‌سازی نوین اسلامی، شبکه‌ای منسجم از روابط انسان وجود دارد که بایستی در راستای تحقق

هدف اصلی یعنی تمدن‌سازی نوین اسلامی و به عبارتی حیات طیبه، ساماندهی و هدایت شود. همچنین این شبکه نشان می‌دهد که برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، توجه به تمامی ابعاد روابط انسانی به صورت یکپارچه نیاز است. البته نمی‌توان به توسعه‌ی روابط انسانی بدون توجه به ارتباط انسان به طبیعت و محیط زیست توجه کرد.

شکل شماره (۱) شبکه مضامین رابطه انسان در تمدن‌سازی نوین اسلامی از منظر قرآن



یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در تمدن‌سازی نوین اسلامی، روابط انسان به عنوان عنصر سازنده‌ی تمدن، نقش اساسی و مهمی در تکوین و تعالی آن دارد؛ از این‌رو مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم به خودسازی، نظام‌سازی و تمدن‌سازی نوین اسلامی تأکید و بر نقش جوانان و تلاش‌های علمی و تحقیقاتی توصیه فرموده‌اند. بر اساس پیشینه و ادبیات تحقیق و نیز آموزه‌های قرآن، روابط انسان در پنج مضمون فراگیر رابطه انسان با خودش، رابطه انسان با انسان‌های دیگر، رابطه انسان با طبیعت، رابطه انسان با آخرت و رابطه انسان با خدا مقوله‌بندی شده است. رابطه انسان با خودش بر اساس آموزه‌های قرآن به دو مضمون سازمان دهنده‌ی خودشناسی و خودسازی تحلیل شده است. رابطه انسان با انسان‌های دیگر بر اساس آموزه‌های قرآن به دو مضمون سازمان دهنده‌ی عدل و احسان تقسیم شده است. رابطه انسان با طبیعت بر اساس آموزه‌های قرآن به چهار مضمون سازمان‌دهنده‌ی تسخیر، تسلط، تخریب و تهدید تحلیل شده است. رابطه انسان با آخرت بر اساس آموزه‌های قرآن کریم به دو مضمون سازمان دهنده‌ی مسئولیت و پاداش تحلیل یافته است. رابطه انسان با خدا که محور همه روابط انسان است به مضمون سازمان دهنده‌ی عبودیت و بندگی تحلیل شده است. لازم به ذکر است تمام این امور اگر با قصد قربت و خلوص انجام شود، جهاد محسوب شده و اجر الهی خواهند داشت. هریک از این مضامین از چندین مضمون پایه تشکیل یافته است. مجموع مضامین اصلی و یا پایه که در این پژوهش از متن قرآن استخراج شده ۴۶ مضمون است.

با وجود فقر منابع پژوهشی در موضوع تحقیق، به خصوص در رابطه انسان با خود که پایه‌ی روابط دیگر انسان را تشکیل می‌دهد، یافته‌های این تحقیق با نتایج برخی تحقیقات ارائه شده در پیشینه، هماهنگی و هم‌پوشانی دارد. از طرفی هریک از این روابط با توجه به گستردگی و ابعاد پیچیده‌ی روابط انسان به پژوهش‌های مستقل و بین رشته‌ای نیاز دارد.

بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که هریک از مضامین استخراج شده از قرآن کریم، عنصر اصلی و سازنده‌ی تمدن نوین اسلامی را تشکیل می‌دهند. بر اساس آموزه‌های قرآن، قدم اول تمدن‌سازی نوین اسلامی، خودسازی انسان است. در بحث خودسازی، شناخت خود، استعدادها و قوت‌ها در کنار ضعف‌ها و نقص‌ها، مقدمه‌ی خودسازی و شکوفایی انسان است. خداوند در بسیاری از آیات، انسان را به خودشناسی و خودسازی دعوت کرده است. در نتیجه‌ی خودسازی و خودشکوفایی انسان، روابط جدیدی شکل می‌گیرد که در تمدن‌سازی نوین اسلامی نقش حیاتی دارد. از آن جایی که رابطه انسان با خود، اساس روابط دیگر را شکل می‌دهد و به عبارت دیگر، وقتی هویت و شخصیت فرد بر اساس مبانی قرآنی شکل گرفت، روابط او با انسان‌های دیگر نیز بر مبنای معیار قرآن شکل خواهد گرفت. قرآن کریم رابطه انسان با انسان‌های دیگر را بر میزان عدالت و احسان تعریف می‌کند. حضرت علی علیه السلام در شرافت عدل و احسان،

عدالت را شریف‌تر و تأثیرات آن را عمومی‌تر از احسان قلمداد می‌کند. جامعه‌ای که روابط انسان‌های آن بر معیار عدل و احسان شکل گرفته باشد، در ارتباط با طبیعت، به جای تهدید و تخریب آن، به درک و فهم قوانین حاکم بر طبیعت بر می‌آید و ایمان دارد که هیچ رفتار و عملی از ایشان بدون پاسخ و جزا و پاداش نخواهد بود و خود را مسئول و پاسخگوی اعمال و رفتار خود می‌داند، این چنین انسان‌هایی بنده‌ی واقعی خداوند هستند که می‌توانند حیات طیبه و تمدن نوینی را پایه‌ریزی کنند. چنانچه خداوند می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷).

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- توکلی، یاسین، «فرهنگ اسلامی تعامل انسان با طبیعت و محیط زیست از منظر قرآن کریم»، نهمین همایش بین‌المللی پژوهش‌های قرآنی، تهران: سالن اجلاس سران کنفرانس اسلامی، ۱۳۹۴.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی، بیانه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷.
- خلیلیان، محمدجمال، جوشقانی نایینی، سیدحمید، عسکری، قاسم و بیدار، محمد، «مبانی و معیارهای پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام»، مجله معرفت اقتصاد اسلامی، سال چهارم، شماره دوم، ۱۳۹۲، ص ۷۷-۱۰۲.
- خمینی، روح‌الله، تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس، قم، انتشارات مؤسسه پاسدار اسلام، ۱۴۰۶ق.
- دارایی، محمد، فرمehنی فراهانی، محسن و رهنما، اکبر، «تبیین نقش اصل تربیتی تولی و تبری در تحقق تمدن نوین اسلامی با تاکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری»، مجموعه مقالات دومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران: دانشگاه شاهد، ۱۳۹۵.
- عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمد سعید، فقیهی، ابوالحسن و شیخزاده، محمد، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره ۲، ۱۳۹۰.
- عیوضی، محمدرحیم و فلاح حسینی، مهسا، «پیشران‌های تمدن‌ساز و آینده تمدنی انقلاب اسلامی»، مجموعه مقالات دومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران: دانشگاه شاهد، ۱۳۹۵.
- فرزانه، محمدباقر، خیاط، علی و صفرپور، هادی، «تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، دوره ۲۴، شماره ۱۱۸، ۱۳۹۷، ص ۱۷۷-۲۰۵.
- کیلانی، ماجد عرسان، فلسفه تربیت اسلامی، ترجمه بهروز رفیعی، تهران: انتشارات سمت، ۱۹۳۷م.
- مطهری، مرتضی، انسان در قرآن، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵.
- -----، عدل الهی، تهران، انتشارات صدرا. ۱۳۵۲.

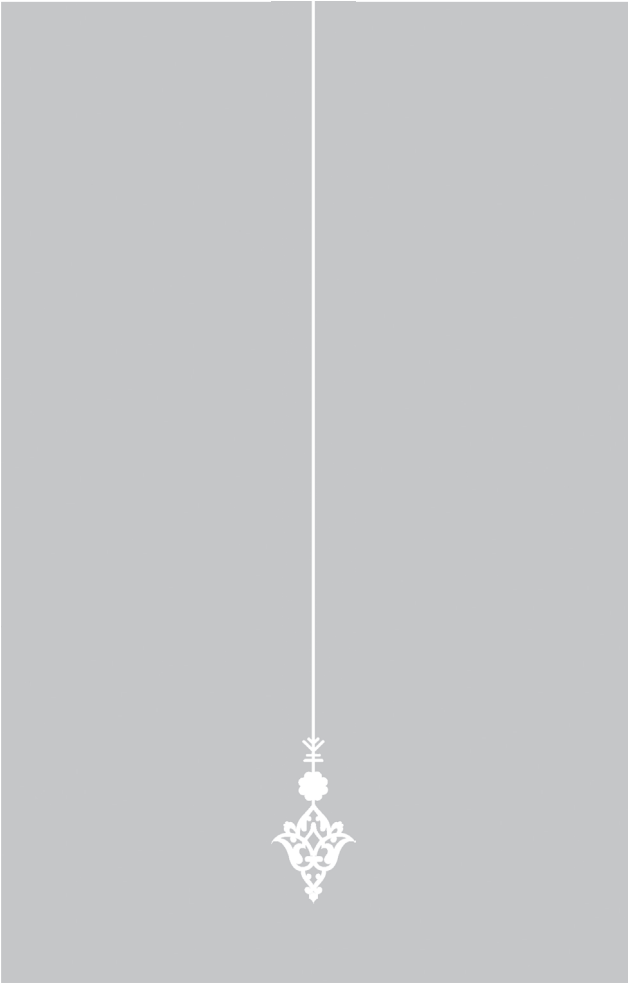
- معتمدی، عبدالله. «سبک زندگی مطلوب بر اساس دیدگاه ارتباطی (ارتباط انسان با خود، خداوند، دیگران و طبیعت)»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی (ویژه نامه سبک زندگی)، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۳۹۲، ص ۱۲۵-۱۴۲.

- مولوی، محمد. «گرایش اجتماعی در تفاسیر قرآن پیشران مؤثر در شکلگیری و شکوفایی تمدن نوین اسلامی»، دو فصلنامه آینده پژوهی ایران، سال دوم، شماره سوم، ۱۳۹۷، ص ۱۴۱-۱۶۰.

- Boyatzis, R. E. (۱۹۹۸), Transforming qualitative information: thematic analysis and code development, Sage.

- Braun, V. & Clerke, V. (۲۰۰۶), "Using thematic analysis in psychology", Qualitative Research in Psychology, Vol. ۳, No. ۲, Pp. ۱۰۱-۷۷.

- Holloway, I. & Todres, L. (۲۰۰۳), "The Status of Method: Flexibility, Consistency and Coherence", Qualitative Research, Vol. ۳, No. ۳, Pp. ۳۵۷-۳۴۵.





کارکرد مهدویت و انتظار در تحکیم روابط اعضای خانواده در دوران کرونا

محمود ملکی‌راد^۲

چکیده

خانواده بستر فعلیت یافتن توانایی‌های انسان‌ها است و نقش مهمی در پرورش استعدادهاى مادى و معنوى فرزندان دارد. گاه بروز برخى حوادث و بلايا ممکن است در تضعيف روحيهى اعضاى خانواده و فروپاشى آن مؤثر باشد. اندیشه‌ى مهدويت و انتظار داراى ظرفيتى است که مى‌تواند در تحکيم روابط اعضاى خانواده در بروز بلايا و حوادثى چون بيمارى کرونا نقش بسيارى داشته باشد؛ بدین منظور در این مقاله از نقش مهدويت و انتظار در این‌باره بحث شده است. از مهم‌ترین یافته‌ها و نوآوری‌های این تحقیق، تبیین کارکردهای باور به مهدویت و انتظار در نهاد خانواده در سه ساحت باورها و ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری خانواده است.

در بُعد باورها با تأکید بر تقویت ایمان و تحکیم شناخت امامت، در بُعد ارزش‌ها با تأکید بر ویژگی‌های اخلاقی منتظران و در بُعد هنجاری به رفتارهای خانوادۀ جهت و به آن رنگ مهدوی می‌دهد. در پژوهش حاضر برای تبیین کارکرد مهدویت در ابعاد یاد شده از دلایل عقلی و نقلی و توصیف و تحلیل آیات و روایات بهره گرفته شده است.

واژه‌های کلیدی: انتظار، مهدویت، آرامش خانوادۀ، کرونا.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۲

۲. محمود ملکی‌راد، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مقدمه

آموزه‌ی مهدویت دارای مؤلفه‌ها و عناصری است که می‌توان برای رشد و تعالی خانواده از آن‌ها کمک گرفت. عنصر انتظار و اعتقاد به ظهور دارای آثار گران‌قدری در مسائل فردی و اجتماعی است و موجب تعالی روحی و معنوی خانواده و تحکیم روابط اعضای آن در ابعاد مختلف می‌شود؛ یعنی با انتظار حالتی در خانواده منتظر، ایجاد می‌شود که به وضع موجود خود، رضایت ندهد و خود را در راستای اهداف بلند ظهور به حرکت و تلاش وا دارد. در چنین خانواده‌ای، همه مؤلفه‌های انتظار چه در بعد بینشی و معرفتی، چه در بعد ارزشی و اخلاقی و چه از نظر رفتاری و کنشی، بالفعل موجود خواهد بود و انتظار از حالت قلبی و قولی صرف، به عمل تبدیل می‌شود. این امر می‌تواند کارکردهایی از ابعاد کارآمدی انتظار برای تعالی خانواده را به نمایش گذارد که در مقابله با بلاهایی چون بیماری کرونا و ... علاوه بر ایجاد صبر و تحمل در مقابل آن‌ها، روابط اعضای آن را نیز تقویت کند.

در این پژوهش که با روش تحقیق کتابخانه‌ای سامان یافته است، مواردی از کارکردهای مهدویت و انتظار که در تحکیم روابط اعضای خانواده نقش دارند و موجب ایجاد آرامش در خانواده در مقابله با بلاهایی چون بیماری کرونا می‌شوند، در نخستین اثر مستقل فارسی، خواهد آمد. این کارکردها به شرح ذیل است.

۱. کارکرد در ساحت باورهای خانواده

اندیشه مهدویت منبعث از باورها، اصول و اعتقاداتی است که ریشه در دین اسلام دارد و از تعالیم اسلام نشأت گرفته است. مهم‌ترین باورهای حاصل از اندیشه مهدویت که در کارایی نهاد خانواده می‌توانند نقش داشته باشند، عبارت هستند از:

۱-۱. تقویت و پرورش روح ایمان در خانواده

تقویت روح ایمان در شریان خانواده یکی از آثار باور به امامت و مهدویت است. باور به امامت و

مهدویت ریشه در نگرش و باور انسان نسبت به خداوند و نبوت دارد و در نتیجه اطاعت از امام، اطاعت از نبی و خدا را به دنبال خواهد داشت. بر این اساس خانواده معتقد به امام زمان علیه السلام لزوماً باید افرادی باشند که از درجه ایمان بالایی برخوردارند؛ زیرا پایبندی به مهدویت و انتظار، بدون معرفت کافی و بیش و ایمان لازم، غیر ممکن خواهد بود.

وعده خداوند بر استخلاف مؤمنان در زمین از حیث بینشی در پرتو ایمان و از جهت رفتاری بر انجام عمل صالح، مبتنی شده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (نور: ۵۵)؛ خداوند بر کسانی از شما که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، وعده داده که آنان را در زمین جانشین خواهد ساخت. در روایات بسیاری این آیه بر ظهور امام مهدی علیه السلام تطبیق داده شده است. (ر.ک. طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۷۷) در این آیه حضرت مهدی علیه السلام و یارانش به‌عنوان «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»، یعنی آن‌ها که ایمان و عمل صالح دارند، معرفی شده‌اند. منتظر بودن، هرگز بدون ایمان و معرفت مستحکم که هرگونه ضعف و سستی را از فرد منتظر دور کند، امکان‌پذیر نخواهد بود، آن‌ها که در انتظار هستند، از یکسو باید سطح آگاهی و ایمان خود را بالا ببرند و از سوی دیگر در اصلاح اعمال خویش بکوشند. تنها چنین کسانی هستند که می‌توانند نوید شرکت فعالانه در ظهور امام علیه السلام را به خود دهند، نه آن‌ها که از نظر بینش متزلزلند و از ایمان و عمل صالح بیگانه‌اند. از کارکردهای انتظار آن تقویت روحیه مقابله با حوادث نظیر بیماری‌ها و ... خواهد بود. انتظار با ایجاد رابطه روحی میان خدا و انسان، روابط میان اعضای خانواده را تقویت می‌کند و آنان را به صورت اجتماعی واحد در می‌آورد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «مؤمن نسبت به مؤمن چون ساختمان و بناست که قسمتی از آن قسمت دیگر را محکم کند». (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۷۷۹) رابطه یک مؤمن نسبت به مؤمن دیگر، مانند رابطه اجزای ساختمانی است که یکدیگر را استوار و پابرجا می‌سازند. بر این اساس مؤمنان نسبت به همدیگر خیرخواهی می‌کنند و در بروز حوادث و بلاها به کمک و یاری همدیگر می‌شتابند و با یکدیگر مواسات می‌کنند.

بنابراین استحکام بینش و تحکیم ایمان در افراد منتظر یکی از کارکردهای مهم انتظار به شمار می‌رود که می‌تواند به تحکیم نظام خانواده و تقویت روحیه اعضای آن به خصوص در برابر حوادث سخت، نامالیامات و بیماری‌ها کمک کند.

۱-۲. ایجاد و تحکیم بینش نسبت به امامت

شناخت صحیح مقام امام علیه السلام، می‌تواند به خانواده کمک کند تا نسبت به امامت باور درست پیدا کند. به باور شیعه در مباحث امامت با دلایل قطعی بر ضرورت وجود امام تأکید شده است. به حکم عقل، شناخت و معرفت امام دوازدهم، لازم و ضروری است؛ زیرا امام مهدی علیه السلام، امامی است که اطاعت و پیروی از او

واجب است و هرکس که اطاعتش واجب باشد باید صفات و ویژگی‌هایش را شناخت تا با شخص دیگری اشتباه نشود. (موسوی اصفهانی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۱۶۶) بر همه معتقدان به امامت به خصوص خانواده لازم است تا شناخت درستی از امام مهدی علیه السلام پیدا کنند تا با اطاعت از وی، زمینه‌های سازندگی روحی و معنوی خود و دیگران را فراهم آورند. در واقع امامت و ولایت آن حضرت راهی است که مردم از آن طریق می‌توانند به عبودیت و بندگی خداوند بپردازند و ایمان خود را به کمال برسانند. به تعبیر امام صادق علیه السلام «اطاعت امام، اطاعت خداوند و اطاعت رسول خدا است». (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۴) آنچنان که اطاعت از خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم واجب است، پس اطاعت از امام نیز واجب است.

شناخت امام مهدی علیه السلام، اعتقاد به حضور ایشان را در همه عرصه‌ها به دنبال خواهد داشت. خانواده‌ی معتقد به امامت، قطعاً حضور امام علیه السلام را در همه عرصه‌ها و لحظه‌های زندگی احساس می‌کند و زندگی برای اعضای آن، معنا و مفهومی قدسی پیدا می‌کند. خانواده‌ای که از چنین بینشی برخوردار باشد، مسائل مختلف فکری، فرهنگی و اجتماعی خود را با اطاعت از راه امام علیه السلام تنظیم می‌کند، در برابر حوادث و سختی‌ها امیدوار می‌ماند و با صبر و استقامت بر مشکلات پیروز می‌شود.

اعتقاد به امامت و مهدویت از آن جهت که بینش درست و صحیحی به مردم می‌دهد، می‌تواند عامل مهمی برای در امان ماندن خانواده از انحراف و فتنه باشد. انتظار، منتظران را از افتادن در دام انحراف و فتنه حفظ می‌کند و خط مشی درست زندگی را برای آنان مشخص می‌کند. شخص منتظر، بصیرت و آگاهی کافی بدست می‌آورد و در مقابله با سختی‌ها و بلاها به درستی تحلیل می‌کند و خود را از افتادن در ورطه انحرافات حفظ می‌کند.

۲. کارکرد در ساحت ارزش‌های خانواده

به باور جامعه‌شناسان، دین در ایجاد ارزش‌ها نقش مهمی دارد. «ارزش‌های دینی، والاترین اهداف هستی هستند که در روابط بین انسان و خداوند شکل می‌گیرند» (بیرو، ۱۳۷۵، ص ۴۴۵). اگر ارزش‌های دینی در خانواده مورد توجه قرار داشته باشند و خانواده خود را ملزم به پایبندی آن‌ها بدانند، می‌تواند کارکرد مطلوب و آثار درخشانی در تعالی روحی و روانی اعضا داشته باشد و آنان را در برابر سختی‌ها واکسینه کند. بر این اساس، بررسی گونه‌های مختلف ارزش‌های حاصل از اندیشه مهدویت که می‌توانند در نهاد خانواده تأثیرگذار باشند، مهم و با ارزش تلقی می‌شود. این ارزش‌ها را می‌توان در حوزه‌های ذیل مطرح کرد:

۲-۱. ارزش‌گذاری از راه التزام به ویژگی‌های منتظران

روایات بسیاری بر ارزش‌گذاری از راه التزام به ویژگی‌های منتظران دلالت دارند. این روایات را می‌توان

بر چند دسته تقسیم کرد:

الف) دسته‌ای از روایات بر آمادگی همه جانبه‌ی منتظران برای ظهور دلالت دارند. قطعاً یکی از پیش-زمینه‌های آمادگی برای ظهور، توجه به ارزش‌های اخلاقی و تربیتی و خودسازی فردی و اجتماعی و انجام واجبات و ترک محرمات است. از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «هریک از شما باید خود را برای خروج قائم آماده کند». (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۳۲۰) از دلالت التزامی این روایت که بر آمادگی همه جانبه دلالت می‌کند، می‌توان بر آمادگی از جهت کسب فضایل اخلاقی و ارزش دانستن آن استدلال کرد؛ زیرا عدم توجه به آن هرگز فرد را در شمار منتظران قرار نخواهد داد. بنابراین یکی از شرایط عمومی منتظران را باید به دست آوردن فضایل اخلاقی دانست و بر ارزش آن در نهاد خانواده تأکید داشت.

ب) دسته‌ای از روایات بیانگر معرفت بسیار بالای منتظران نسبت به خداوند هستند که شخص منتظر در سایه آن از استقامت بیش‌تری برخوردار می‌شود. از امام صادق علیه السلام در این زمینه نقل شده است: «یاران امام علیه السلام و منتظران آن حضرت دارای قلوب مستحکم و همانند آهن شکست ناپذیرند و شک و شبهه‌ای نسبت به خداوند در قلوبشان راه ندارد». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۳۰۸)

به طور حتم چنین معرفتی موجب می‌شود تا خانواده‌ی منتظر نسبت به انجام دستورات الهی احساس مسئولیت کند و بر خود فرض بداند تا برای کسب فضایل اخلاقی به تهذیب نفس بپردازد. چنین خانواده‌ای آستانه‌ی تحمل بالایی در برابر سختی‌ها دارد و در مقابل بلاها و سختی‌ها مقاومت بیش‌تری خواهند کرد. این امر موجب خواهد شد تا اعضای خانواده همدیگر را بیش‌تر تحمل کنند و در نتیجه روابط عاطفی در خانواده تحکیم شود.

ج) دسته‌ای از روایات بر ارتقای سطح عقلانیت، خردورزی و اخلاص منتظران دلالت دارند که به جهت بالا بودن معرفت‌شان نسبت به امامت، غیبت امام زمان علیه السلام برای آنان، مانعی از هدایت ایجاد نمی‌کند؛ گویی در زمان حضور امام علیه السلام به سر می‌برند. از امام سجاد علیه السلام در این زمینه نقل شده است که به ابو‌خالد فرمود:

«ای ابا خالد! مردم زمان غیبت آن امام که معتقد به امامت و منتظر ظهور او هستند از مردم هر زمانی برترند، زیرا خدای تعالی عقل و فهم و معرفتی به آن‌ها عطا فرموده است که غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است، و آنان را در آن زمان به مانند مجاهدان پیش روی رسول خدا (ص) که با شمشیر به جهاد برخاسته‌اند قرار داده است، آنان مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما و داعیان به دین خدای تعالی در نهان و آشکارند». (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۳۲۰)

منتظران که از چنین ویژگی‌هایی برخوردار باشند، بی‌شک افرادی هستند که از سطح تربیت بالا برخوردارند و فضایل اخلاقی برای آنان دارای ارزش و اهمیت بالایی است. این مطلب برای خانواده‌ی معتقد به امام زمان علیه السلام، درس مهمی است که والدین هم خودشان مزین به فضایل اخلاقی باشند و هم فرزندان‌شان

را به فضایل اخلاقی و انجام وظایف دینی تشویق کنند.

د) مضمون دسته‌ای از روایات این است که منتظران مبلغ دین الهی هستند و بسته به شرایط به صورت علنی و پنهانی مردم را به دین الهی دعوت می‌کنند. امام سجاد^{علیه السلام} در این باره می‌فرماید: «مردم زمان غیبت آن امام، معتقد به امامت و منتظر ظهور او هستند ... و داعیان به دین خدای تعالی در نمانند و آشکارند». (همان، ج ۱، ص ۳۲۰)

روشن است وقتی منتظران مبلغ دین الهی باشند و حلال و حرام الهی و فضایل و رذایل اخلاقی را برای دیگران بیان کنند حتما در رتبهی اول، خودشان عارف و عامل به آن‌ها باید باشند و تربیت اخلاقی برای آنان دارای ارزش و اهمیت باشد. خانواده‌هایی که این افراد در آن‌ها تربیت می‌شوند، حتما خود به این ارزش‌ها پایبندند و از این جهت باور به اندیشه مهدویت موجب می‌شود تا تربیت اخلاقی برای خانواده دارای اهمیت و ارزش باشد.

۲-۲. ارزش‌گذاری از راه التزام به ویژگی‌های یاران امام مهدی^{علیه السلام}

التزام به ویژگی‌های یاران امام مهدی^{علیه السلام} یکی دیگر از ارزش‌هایی است که می‌توان آن را از اندیشه مهدویت برگرفت. خصوصیات چون شناخت عمیق نسبت به خداوند، شجاعت، اخلاص و... و همچنین ارزش دانستن این خصوصیات در خانواده دارای کارکرد و آثار مهمی است و موجب تعالی افراد خواهد شد. با بررسی روایات موجود در مباحث مهدویت، این ویژگی‌ها را می‌توان بر چند دسته تقسیم کرد:

الف) شناخت عمیق یاران امام زمان^{علیه السلام} از خداوند: از امام صادق^{علیه السلام} در این زمینه نقل شده است: «در قلوب آنان (یاران مهدی^{علیه السلام}) نسبت به ذات خداوند شکی نیست و آنان به وحدانیت خداوند آن چنان که حقّ وحدانیت اوست، اعتقاد دارند». (یزدی حایری، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۶۵) التزام خانواده به این ارزش، می‌تواند در تعالی روحی و معنوی آن تأثیرگذار باشد.

ب) شجاعت کم نظیر یاران امام زمان^{علیه السلام}: از رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} در وصف یاران امام مهدی^{علیه السلام} نقل شده است: «پرچم‌های سیاه از طرف مشرق ظاهر می‌شوند و آنچنان با اهل فتنه می‌جنگند و مبارزه می‌کنند و آن‌ها را می‌کشند که تا آن موقع هیچ گروهی بدان سان ننجنگیده باشد و هیچ قومی را بدان سان نکشته باشند». (اربلی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۷۲)

ج) صبر و پایداری در راه حق و حق‌یابری: امام صادق^{علیه السلام} درباره حقیابری یاران امام زمان^{علیه السلام}، می‌فرماید: «خداوند به وسیله آن‌ها، امام حق را یاری می‌کند». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۰۸)

د) همدلی: امام علی^{علیه السلام} در وصف یاران امام زمان^{علیه السلام} می‌فرماید: «آنان یکدل و هماهنگ هستند». (همان، ج ۵۲، ص ۲۲۴)

ه) عبادت و معنویت: از امام صادق^{علیه السلام} درباره یاران امام مهدی^{علیه السلام} نقل شده است: «در دل شب، از

خشیت خداوند، ناله‌هایی دارند، مانند ناله مادران پسر مرده و شب‌ها را با عبادت به صبح می‌رسانند و روزها را با روزه به پایان می‌برند». (همان، ج ۵۲، ص ۲۲۴) ایشان در سخن دیگری فرمودند: «گویا قائم و اصحاب او را در نجف و کوفه می‌بینم که سجده‌ها به پیشانی‌های آن‌ها اثر گذاشته است؛ شیران در روز و راهبان در شب‌اند ...» (همان، ج ۵۲، ص ۳۸۶). همچنین در سخن دیگری از ایشان آمده است: «یاران مهدی علیه السلام کسانی هستند که شب بیدارند و در نماز خود، نغمه‌ای مانند صدای زنبور دارند؛ شب را بیدارند و به عبادت می‌پردازند و روز مانند شیرند؛ ... همانند چراغ نورانی هستند؛ گویا قلب‌های آن‌ها چراغ‌هایی است و از خوف خدا بیمناکند». (همان، ج ۵۲، ص ۳۳۳)

و اقتدار و صلابت در راه حق: امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند: «وقتی امر ما فرا رسد و مهدی ما قیام کند هر یک از یاران او قوی‌تر از شیر و بژنده‌تر از نیزه‌اند؛ دشمن را زیر قدم‌هایشان می‌گذارند و با دست‌های خود از پا در می‌آورند». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۷۲) از امیرالمؤمنین علیه السلام در این زمینه نقل شده است: «اصحاب مهدی علیه السلام مانند شیرهایی هستند که از جنگل بیرون آمده‌اند، قلب‌های آن‌ها تکه‌های آهن است، اگر بخواهند کوهی را از جا در آورند از جا در خواهند آورد، روش و لباس یکسانی دارند، مثل این که همه از یک پدر هستند». (کورانی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۹۴)

از ویژگی‌های یاد شده یاران امام مهدی علیه السلام می‌توان نتیجه گرفت که لازم است جامعه دینی در عصر انتظار از نظر تربیت دینی به حدی از کمال رسیده باشد که ظرفیت و استعداد پرورش یارانی با این ویژگیها را در خود به وجود آورده باشد. با توجه به این که ظهور امام عصر علیه السلام، امر غیبی و به تعبیر روایات اسلامی، ناگهانی خواهد بود، پس لازم است جامعه دینی همواره آمادگی خود را در این زمینه حفظ کند. بیش‌ترین بار این مسئولیت و تکلیف بر عهده خانواده مسلمان معتقد به امام زمان علیه السلام است. خانواده برای اینکه بتواند رسالت خویش را در پرورش زمینسازان ظهور به خوبی انجام دهد، در وهله اول لازم است ارزش‌های یاد شده‌ای که از خصوصیات یاران امام مهدی علیه السلام به دست می‌آید در خانواده حاکم کند و والدین خود را به آن ارزش‌ها و صفات بیاریند و سپس در انتقال آن به فرزندان و نوآموزان اقدام کنند.

۲-۳. ارزش‌گذاری از راه التزام به نظارت دائمی امام عصر علیه السلام بر اعمال

پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام بر این باورند که اعمال مردم هر از چندگاهی بر پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام عرضه می‌شود و آنان از اعمال همه امت آگاهند؛ یعنی خداوند از طرق خاصی، آگاهی بر اعمال امت را به آنان تعلیم داده است. در روایات بسیاری به این مطلب تصریح و تأکید شده است. از امام صادق علیه السلام در اینبار نقل شده است: «تمام اعمال مردم، هر روز صبح به پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه می‌شود، اعمال نیکان و بدان، بنابراین مراقب باشید و این مفهوم گفتار خداوند است که می‌فرماید: خدا و پیامبرش و مؤمنان، عمل شما را می‌بینند (سوره توبه: ۱۰۵). امام علیه السلام به این آیه اشاره نمود و سکوت کرد». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱۹)

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «اعمال شما بر پیامبرتان ... عرضه می‌شود، بنابراین باید از این‌که عمل زشتی از شما بر پیامبر علیه السلام عرضه شود، شرم کنید». (صفا، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۲۶) در روایت دیگری از امام رضا علیه السلام نقل شده که شخصی به ایشان گفت: برای من و خانواده‌ام دعا کنید، آن حضرت در پاسخ فرمودند: مگر من دعا نمی‌کنم؟ به خدا سوگند، اعمال شما هر شب و روز بر من عرضه می‌شود. آن شخص می‌گوید که این سخن بر من گران آمد، امام متوجه شد و به من فرمودند: آیا کتاب خداوند عز و جل را نخوانده‌ای که می‌گوید: عمل کنید، خدا و پیامبرش و مؤمنان، عمل شما را می‌بینند به‌خدا سوگند منظور از مؤمنان علی بن ابی طالب (و امامان دیگر از فرزندان او) می‌باشد». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱۹) بنابراین پذیرش عرضه اعمال بر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یکی از عوامل مهم تهذیب نفس و خودسازی به شمار می‌رود. اگر این نگاه در خانواده حاکم باشد و به عنوان یک ارزش تلقی شود، آن‌گاه آثار مهمی را از خود بر جای می‌گذارد و در تحول اخلاقی خانواده، بسیار مؤثر خواهد بود. چنین خانوادگی در مقابل سختی‌ها و بلاهایی نظیر دوران بیماری کرونا آستانه صبر و تحمل بالایی دارند و همواره به خداوند توکل می‌کنند. این امر یکی از عوامل مهم برای ایجاد آرامش در خانواده به حساب می‌آید و موجب امیدواری به آینده و تلاش برای رسیدن به تعالی و کمال می‌شود.

۲-۴. ارزش‌گذاری از راه توسل و ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام

توسل و ارتباط معنوی با امام زمان علیه السلام یکی از عوامل مهم برای تهذیب نفس است؛ هرچه بر میزان خودسازی و تهذیب نفس افزوده شود، به همان میزان وجود مشکلات، سختی‌ها و بلاها، توجیه‌پذیری بیش‌تری پیدا خواهند کرد و آرامش بر زندگی حکم‌فرما خواهد شد.

۳. کارکرد در ساحت هنجارها و رفتارهای خانواده

باورهای دینی نقش پررنگی در تولید هنجارهای رفتاری دارند. از دیدگاه اسلام باور بدون رفتار و عمل، مورد قبول نیست. بدین جهت در تعریف ایمان، علاوه بر شناخت قلبی و اقرار و اعتراف زبانی، هنجارهای رفتاری یکی از ارکان آن برشمرده شده است (صدوق، ۱۳۷۶، ۲۶۸).

بنابراین خانواده اگر بخواهد به تعالی برسد؛ لازم است علاوه بر شاخص‌های باوری و ارزشی به شاخص هنجاری و رفتاری نیز توجه ویژه داشته باشد و در حقیقت بدون آن تعالی لازم به وجود نخواهد آمد. شاخص‌های هنجاری منتظران بر خواسته از باورها و ارزش‌های منبعث از دین اسلام و به‌ویژه از اندیشه مهدویت و انتظار است که رفتارهای متناسب با آن را در زندگی به‌وجود می‌آورد. این رفتارها در نظام خانواده دارای آثار مختلفی است و به تعالی خانواده و تعامل اعضای آن با همدیگر کمک بسیاری می‌کند. مهم‌ترین هنجارها و رفتارهای برآمده از اندیشه مهدویت که در خانواده می‌توانند کارکرد داشته باشند؛ عبارتند از:

۳-۱. تعهد و مسئولیت‌پذیری

یکی از آثار مهم اجتماعی انتظار، ایجاد تعهد و مسئولیت در افراد است. منتظران راستین، وظیفه دارند که علاوه بر اصلاح خویش، در اصلاح دیگران نیز بکوشند؛ زیرا برنامه عظیم و سنگینی که انتظارش را می‌کشند، تمامی عناصر تحوّل باید در آن شرکت جویند و کار به صورت دسته‌جمعی و همگانی باشد. «منتظران واقعی علاوه بر این که به اصلاح خویش می‌کوشند، وظیفه خود می‌دانند که دیگران را نیز اصلاح کنند». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳) بنابراین هیچ‌یک از اعضای خانواده نباید از دیگری غافل باشد، بلکه هرکس موظف است هر نقطه ضعفی را در هر فرد دیگری ببیند، آن را اصلاح کند و اعضای خانواده باید بر تحکیم روابط خود بکوشند. رفتار متناسب با این هنجار موجب می‌شود که هر یک از اعضای خانواده در مقابل فروپاشی نظام خانواده خود را مسئول بدانند و به تحکیم پایه‌های آن کمک کنند.

۳-۲. بصیرت و آگاهی‌بخشی

بصیرت و آگاهی عامل مؤثر در تفسیر و توجیه بلایا و مصائب به شمار می‌رود. هنجار شدن آگاهی‌بخشی و رفتار متناسب با آن در میان اعضای خانواده می‌تواند به تداوم و استحکام نظام خانواده کمک کند و در مقابله با بلاهایی چون بیماری کرونا و ... به آنان قدرت دهد. این ویژگی را می‌توان از روایاتی که درباره یاران امام مهدی عج و منتظران آن حضرت آمده است، استخراج کرد. امام صادق ع با تأکید بر این نکته، یاران امام مهدی عج را به چراغ و قندیل تشبیه کرده که موجب روشنی محیط پیرامون می‌شوند و می‌فرمایند: «گویی دل‌های آنان مشعل نورانی است». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۳۰۸) از امام امیرالمؤمنین ع در این باره نقل شده است: «پس گروهی در آن فتنه‌ها صیقلی می‌شوند، مانند صیقل دادن شمشیر توسط آهن‌گر، دیده‌های آنان به نور قرآن جلا داده و تفسیر در گوش‌هایشان جا گرفته است. در شب جام حکمت را به آن‌ها می‌نوشانند، بعد از این که در بامداد هم نوشیده باشند». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۳۳۴) امام صادق ع نیز در این باره فرمود: «آن‌ها انسان‌هایی نجیب و فقیه و قضات و حکام دین هستند که دست امام، قلب آن‌ها را نوازش داده و هیچ حکمی برای آن‌ها مشتبه نخواهد شد». (طبری، ۱۴۱۳، ص ۵۶۲)

یاران امام زمان عج و منتظران ایشان از چنان بصیرتی برخوردارند که با پرتوافشانی خود، مایه‌ی بصیرت و آگاهی دیگران نیز می‌شوند. بر طبق این روایات، خانواده منتظر باید از چنان ظرفیتی برخوردار باشند که بتوانند چنین افرادی را پرورش دهند و آنان را در این راه تربیت و برای ظهور آماده کنند.

۳-۳. استقامت و پایداری

یکی دیگر از هنجارهای حاصل از اعتقاد به ظهور امام مهدی عج، ایجاد روح استقامت و پایداری در مردم است. این مطلب را می‌توان از روایاتی که در وصف یاران امام مهدی عج آمده است به دست آورد. امیرالمؤمنین ع در ارتباط با توصیف یاران امام مهدی عج می‌فرمایند: «اصحاب مهدی عج، قلب‌هایشان مانند

تکه‌های آهن است، اگر بخواهند می‌توانند کوهی را از جا در آورند...» (کورانی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۹۴) امام صادق علیه السلام نیز با تأکید بر این مطلب می‌فرماید: «وقتی مهدی ما قیام کند، هر یک از یاران او قوی‌تر از شیر و برنده‌تر از نیزه‌اند». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۷۲)

خانواده‌ای که در انتظار به سر می‌برد، لازم است فرزندان را به گونه‌ای تربیت کند که با یاران خاص امام زمان علیه السلام شباهت داشته باشند تا بتوانند در هنگام ظهور در صف یاران آن حضرت قرار گیرند. این ویژگی از انتظار موجب می‌شود تا جامعه شاهد تحول، بالندگی و نشاط باشد؛ چرا که افرادی که در چنین خانواده‌هایی پرورش می‌یابند و از چنین تربیتی برخوردار هستند، جامعه‌ای مقتدر و سر بلند و پویا را تشکیل خواهند داد. بنابراین خانواده‌ای که با این معیار تربیت شوند، قهرا صبر و استقامت و اقتدار را در دستور کار خود قرار خواهند داد و با اقتدا به دستورات دینی و اولیای الهی از اقتدار برخوردار می‌شوند.

۳-۴. محبت و عشق‌ورزی

شناخت و معرفت حقیقی نسبت به امام علیه السلام، موجب محبت و عشق به او در دل‌های مومنان می‌شود. وقتی امام علیه السلام به درستی شناخته شود و به نقش او و جایگاه وی در هدایت باطنی پی برده شود، خود به خود عشق و محبت او ایجاد می‌شود؛ زیرا محبت به امام علیه السلام، محبت خداوند را به دنبال دارد و امام کسی است که خودش غرق در محبت خداوند است. در زیارت جامعه کبیره خطاب به امام علیه السلام می‌خوانیم: «وَ التَّامِّينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ». (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۰)؛ سلام بر شما که در محبت خداوند کامل شده‌اید. امام در محبت خداوند کامل شده است، کسی که در محبت خداوند کامل شده باشد، مورد محبت مردم است. همچنین بیان شده است: «هر که شما را دوست بدارد، خدا را دوست داشته و هر که با شما کینه ورزد با خدا کینه ورزیده است». (همان، ج ۲، ص ۶۱۷)

علاوه بر آن که شناخت امام علیه السلام، دوستی و محبت او را به دنبال دارد، محبت و دوستی نسبت به دوستان او را نیز در پی خواهد داشت. در روایات به این مطلب اشاره شده است. در فرازی از زیارت جامعه کبیره، خطاب به ائمه علیهم السلام می‌خوانیم: «مُوَالٍ لَكُمْ وَ لِأَوْلِيَائِكُمْ...». (همان، ج ۲، ص ۶۱۴)؛ با شما و دوستان شما، دوستم. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «دوستی اولیای خدا واجب است، ولایت آن‌ها لازم است و بیزاری از دشمنان آن‌ها واجب است». (همان، ج ۲۷، ص ۵۲) همچنین فرمودند: «دروغ می‌گوید کسی که مدعی است ما را دوست می‌دارد، ولی از دشمنان ما بیزاری نمی‌جوید». (همان، ج ۲۷، ص ۵۸)

هنگامی که اعضای خانواده با این معیار تربیت شوند، به طور حتم عشق و محبت در خانواده به صورت هنجار ظهور خواهد کرد و به دنبال آن، آرامش لازم بر اعضای خانواده حاکم می‌شود و هم‌دردی و همدلی بیش‌تر در مقابل بلاها و سختی‌ها به‌وجود می‌آید؛ زیرا با عنایت به معیار یاد شده، همان‌طور که دوستی و ولایت با خود امام علیه السلام، لازم و ضروری است، ولایت و دوستی با دوستان و محبین امام علیه السلام نیز ضروری و لازم است.

۳-۵ برانگیختن عواطف و احساسات از راه ادعیه و مجالس و اماکن منسوب به امام زمان علیه السلام عواطف و احساسات، نقش مهمی در تحکیم نظام خانواده و ایجاد فضای آرامش بخش برای اعضای خانواده دارند. عوامل مؤثر از انتظار و مهدویت که در برانگیختن عواطف نقش دارند عبارت هستند از:

الف) توجه به ادعیه منسوب به امام زمان علیه السلام و حضور اعضای خانواده در مجالسی است که به یاد آن حضرت برگزار می‌شود، یکی از عناصر مهم در برانگیختن عواطف و احساسات به شمار می‌رود. فرد با خواندن دعا تقارن روحی با امام زمان علیه السلام پیدا می‌کند و خود را در محضر آن حضرت حاضر می‌بیند؛ در نتیجه با تقویت روحیهی خود در مقابل بلایایی چون بیماری‌ها و ... از صبر و استقامت بیش‌تری برخوردار خواهد شد.

ب) برپایی مجالس جشن و سرور در ایام ولادت امام عصر علیه السلام نیز در برانگیختن عواطف نقش مهمی می‌تواند داشته باشد؛ زیرا حضور اعضای خانواده در چنین مجالسی علاوه بر جامعه‌پذیری مهدویت در میان اعضای خانواده، موجب همدلی و انسجام آنان می‌شود و در نتیجه در مقابله با بلایا و کاهش آثار آن‌ها، مؤثر خواهد بود.

ج) حضور در اماکن منسوب به امام زمان علیه السلام نیز در تقویت عواطف و رشد احساسات مفید است؛ زیرا این اماکن به جهت انتساب به امام زمان علیه السلام از قداست برخوردار هستند. بنابراین حضور اعضای خانواده به ویژه فرزندان در این اماکن موجب می‌شود تا آنان خود را در محضر امام زمان علیه السلام ببینند و حضور وی را بیش‌تر احساس کنند. این امر می‌تواند در ارتباط قلبی و معنوی افراد با امام مهدی علیه السلام مؤثر باشد و موجب تحکیم رابطه‌شان با امام (ع) شود و به ارتقای معنویت در خانواده کمک کند.

۳-۶. تقوا و پرهیزکاری

التزام به تقوا و ایجاد ملکه تقوا در همسران و فرزندان یکی از الگوهای ارزشمند انتظار به شمار می‌رود. در روایات اسلامی به این امر، تأکید زیادی شده است. امام صادق علیه السلام از جمله اوصاف یاران امام مهدی علیه السلام را پرهیزگاری و تقوای الهی دانسته و خُلق نیکو را سفارش کرده است. (نعمانی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۰۰) بر طبق روایتی، امام صادق علیه السلام، وظیفه مردم را در زمان غیبت امام زمان علیه السلام، حفظ تقوا و دین‌داری معرفی می‌کند، یکی از اصحاب نقل می‌کند که خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودیم که به ما فرمودند: «برای صاحب الامر غیبتی است، هرکسی باید از خدا پروا کند و تقوا پیشه کند و به دین خود بچسبد و آن را حفظ کند». (همان، ص ۱۶۹) از این منظر تلاش برای نهادینه‌سازی این ویژگی، وظیفه‌ای دینی و الهی است که باید در خانواده‌ی منتظر، مورد توجه قرار گیرد و لازم است که خانواده از طریق تبیین فلسفه تربیتی انتظار، کودکان و فرزندان را هدایت کرده و تقوا را در آنان به صورت ملکه درآورد.

۷-۳. امیدواری

از دیدگاه پیروان مدرسه اهل بیت علیهم السلام انتظار و مهدویت، تحقق وعده‌ای است که خداوند به صالحان و متقیان داده است و هدف تمام انبیای الهی توسط آن حضرت به وقوع می‌پیوندد. از این رو مهدویت مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عناصر و مکانیسم‌های ایجاد روح امید را در خود دارد؛ چرا که وعده پیروزی حق بر باطل، بر چیده شدن بساط ظلم و ستم و گسترش صلح و عدل موجب می‌شود تا مردم برای رسیدن به آینده‌ای بهتر امیدوار شوند. شهید مرتضی مطهری رحمته الله در این باره می‌گوید:

«انتظار فرج از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می‌شود و آن اصل حرمت یأس از روح الله است. مردم مؤمن به عنایات الهی، هرگز و در هیچ شرایطی امید خویش را از دست نمی‌دهند و تسلیم یأس و ناامیدی و بیهوده‌گرایی نمی‌شوند. امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی انسانی در زبان روایات اسلامی انتظار فرج خوانده شده است.» (مطهری، بی تا، ج ۲۴، ص ۴۰۶)

از دیدگاه شهید مطهری رحمته الله خوش‌بینی به آینده از مشخصات انتظار است. وی در این باره می‌گوید:

«انسان بالفطره در راه تکامل فکری و اخلاقی و معنوی پیش می‌رود ... آینده‌ای بس روشن و سعادت‌بخش و انسانی که در آن شر و فساد از بیخ و بن برکنده خواهد شد در انتظار بشریت است. این نظریه الهامی است از دین، نوید مقدس قیام و انقلاب مهدی موعود در اسلام در زمینه این الهام است.» (همان، ج ۲۴، ص ۴۳۴)

رجا و امید، انسان‌های منتظر را برای تغییر از وضع موجود به وضعیت مطلوب و حرکت به سوی تحقق ظهور آماده می‌کند تا در مسیر حرکت خود، از برخورد با هیچ یک از دشواری‌ها و نابسامانی‌ها، مأیوس و تسلیم نشوند و در تکاپوی بسترسازی برای ظهور منجی موعود باشند. علاوه بر آن، رجا و امید موجب می‌شود که انسان منتظر در راستای هدف متعالی خود، برنامه‌هایی را ترسیم کند تا یک حیات معنوی سرشار از طراوت برای خود ایجاد کند. در این صورت، حتی اگر فرد منتظر، زمان ظهور منجی را درک نکند، سبک زندگی و رفتارهای خود را مبتنی بر آن، ترسیم می‌کند.

بنابراین رجا و امید را می‌توان یکی دیگر از ویژگی‌های منتظران برشمرد. در واقع، حقیقت انتظار، بدون رجا و امید، معنا ندارد و منتظر چیزی بودن، امیدواری را به دنبال خواهد داشت. در خانواده‌ای که ناامیدی در آن حکم‌فرما باشد، سختی‌ها و بلاها، اعضای خانواده شکننده‌تر و سرخورده می‌کند. برخلاف خانواده‌ای که امیدوار است و برای خودش آینده درخشانی را می‌بیند. اعضای چنین خانواده‌ای از لحظه لحظه زندگی‌شان با امید برای رسیدن آینده‌های روشن، درست استفاده می‌کنند و هرگز دچار یأس و نومیدی نخواهند شد.

نتیجه‌گیر

مهدویت و انتظار دارای کارکردهایی است که می‌تواند برای مقابله با بلاهایی چون بیماری‌ها نقش بسیاری داشته باشد و به ایجاد آرامش در نظام خانواده کمک کند. مهم‌ترین کارکردهای مهدویت و انتظار در این حوزه را می‌توان در سه ساحت باوری، ارزشی و هنجاری ترسیم کرد.

- در ساحت باورریف تقویت روح ایمان، تحکیم شناخت امام عصر^{علیه السلام} و تقویت رابطه معنوی با آن حضرت از مهم‌ترین کارکردهایی است که می‌تواند به ایجاد آرامش در خانواده کمک کند.

- در ساحت ارزشی، ارزش‌هایی چون تهذیب نفس، خودسازی و تخلق به اخلاق الهی را شامل می‌شود که به تحکیم نظام خانواده کمک می‌کند و تحلیل درستی از بلاها را در مقابل اعضای خانواده قرار می‌دهد.

- در ساحت هنجاری نیز ایجاد و تقویت هنجارهایی چون تعهد و مسئولیت‌پذیری، بصیرت‌افزایی و آگاهی، استقامت و پایداری، محبت و عشق‌ورزی و امیدواری، آرامش اعضای خانواده را تثبیت می‌کند.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، قم، نشر شریف رضی، ۱۴۲۱ق.
- بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه بعثت، ۱۴۱۵ق.
- بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ سوم، تهران، نشر کیهان، ۱۳۷۵.
- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲.
- حایری یزدی، علی، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۲۲ق.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۹.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، چاپ دوم، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامة، قم، نشر بعثت، ۱۴۱۳ق.
- طوسی، محمد بن حسن. الغیبه، قم، نشر دارالمعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
- کورانی، علی. معجم الأحادیث الإمام المهدی علیه السلام، چاپ دوم، قم: جمکران، ۱۴۲۸ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیهم السلام، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، بی تا.
- مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام، چاپ پنجم، قم، نشر نسل جوان، ۱۳۸۶.
- -----، حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام، چاپ هفتم، قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۸.
- موسوی اصفهانی، محمد تقی، مکیال المکارم فی فوائد الدعا للقائم، چاپ پنجم، قم، مؤسسه الامام المهدی علیه السلام، ۱۴۲۸ق.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تحقیق فارس حسون کریم، قم، انوارالهدی، ۱۴۲۲ق.



خوانشی بر سیره‌ی رضوی در الگوی خانواده‌ی تراز اسلامی بر اساس مدل تحلیل محتوای کیفی - استقرایی^۱

محسن قمرزاده^۲

خدیدجه احمدی بیغش^۳

چکیده

خانواده، نهاد مقدسی است که بر سلامت روحی و روانی افراد، فرهنگ و عقاید جامعه و انتقال و گسترش تمدن اسلامی، تأثیر شگرف دارد. امروز تلاش نظام‌های سلطه‌جوی جهانی در راستای تقدس‌زدایی از خانواده معطوف شده و مکاتبی چون لیبرالیسم در تعارض با بنیان‌های خانواده، فردگرایی و مسئولیت‌گریزی را رواج می‌دهند. گسترش این موضوع به اندازه‌ای است که نمود آن در جامعه اسلامی به وضوح دیده می‌شود. در این پژوهش تلاش شده است با تحلیل محتوای کیفی - استقرایی روایات معصومین علیهم‌السلام و به ویژه امام رضا علیه‌السلام و نگاهی راهبردی و کلی‌نگر به نهاد خانواده، معضلات آن برطرف شود. به طور کلی روایات استخراج شده در موضوع خانواده‌ی تراز اسلامی را می‌توان به سه بخش دیدگاه‌های نظری امام رضا علیه‌السلام درباره خانواده، راهکارهای عملی تحکیم خانواده و وظایف اعضای خانواده تقسیم کرد. لازم به ذکر است که استفاده از راهکارهای معصومین علیهم‌السلام برای تغییر در نگرش‌ها و سیاستگذاری - ها، گام بزرگی در جهت رشد و تکامل جامعه و ارائه الگوی مطلوب خانواده تراز اسلامی است. **واژه‌های کلیدی:** امام رضا علیه‌السلام، سبک زندگی، خانواده تراز اسلامی، تحلیل محتوای کیفی - استقرایی.

۱ تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۱۷

۲. دکتری علوم قرآن و حدیث، مدیر گروه فقه قرآن و حدیث مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام.

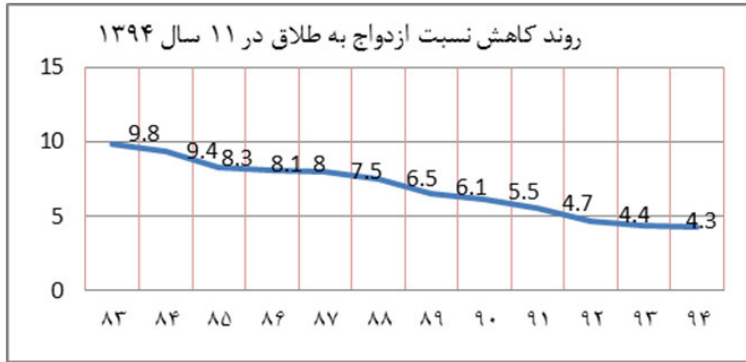
ghamarzadehm@gmail.com.

۳. دانش آموخته سطح ۴ تفسیر تطبیقی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

kh.ahmadi3103@yahoo.com.

مقدمه

تمدن نوین اسلامی، دارای آرمان‌ها و اهداف مستقل از سایر تمدن‌های بشری است. نظام اسلام توجه ویژه‌ای به نهاد مقدس خانواده دارد؛ چرا که خانواده را اصلی‌ترین رکن جامعه و زمینه‌ساز سعادت و شقاوت انسان‌ها و امت‌ها می‌داند. هدف ملت ایران بعد از انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است که بخشی از آن مربوط به سبک زندگی در خانواده، ازدواج، رفتار متقابل فرزندان، والدین و همسران با یکدیگر و اخلاق اجتماعی است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱) باید توجه داشت که استقلال فرهنگ‌ها و حفظ اصول تمدن و فرهنگ به وسیله خانواده انجام می‌گیرد؛ به گونه‌ای که اگر نظام خانواده مستحکم نباشد، راه سلطه فرهنگی بیگانگان و در پی آن سلطه سیاسی و اقتصادی باز خواهد شد. از این‌رو امروز، بیش‌ترین تلاش نظام‌های سلطه‌گر جهانی در راستای تقدس‌زدایی از کانون خانواده و به رسمیت شناختن خانواده‌های همجنس یا زوج‌های هم‌خانه، معطوف شده است؛ برای مثال، مکتب لیبرالیسم به عنوان مهم‌ترین مکتب در برابر تمدن اسلامی، ترویج دهنده‌ی فردگرایی و مسئولیت‌گریزی است که هر دوی این صفات با تشکیل و تحکیم خانواده در تعارض است. (ریترز، ۱۳۸۰، ۴۷۵-۴۷۶) امروز مشاهده می‌شود که لیبرالیسم در سیر حرکت به سمت جهانی شدن، قوت بیش‌تری گرفته است و متأسفانه نمود آن در جامعه‌ی ما نیز آشکار است. طبق آمارها هر روز به تعداد افرادی که به زندگی فردی می‌گرایند، اضافه می‌شود و نگاهی گذرا به شاخص نسبت ازدواج به طلاق در کشور ما نیز مؤید این مطلب است. میزان این شاخص در سال ۸۳ از سوی سازمان ثبت احوال ۹/۸ اعلام شده است، در حالی که همین شاخص طی ۱۱ سال در ۹ ماهه نخست سال ۹۴ با کاهش ۴۴ درصدی به میزان ۳/۴ رسیده است. (سازمان ثبت احوال، ۱۳۹۴)



در این نمودار از طریق رسم خط فرضی، روند محاسبه رگرسیون، میزان شاخص ازدواج به طلاق در سال ۱۴۰۰ را پیشبینی کرده است؛ بدین صورت که اگر روند ۱۱ سال گذشته ادامه یابد، شاخص مذکور در ۶ سال آینده به عدد ۱ خواهد رسید و کشور ما در سال ۱۴۰۰، شاهد برابری نرخ طلاق و ازدواج است؛ یعنی با فرض ادامه روند کنونی در سال ۱۴۰۰ در برابر هر یک ازدواج، یک طلاق رخ می‌دهد. این امر حاکی از لزوم سیاستگذاری صحیح فرهنگی برای جلوگیری از ادامه این روند است.

این پژوهش بر مبنای روش تحلیل محتوای کیفی است. در این روش با رویکرد استقرایی و قیاسی به جای آن که محقق اقدام به شمارش متغیرهای از پیش تعیین شده در چارچوب نظری کند، در ابتدا با رویکرد جزء به کل مفاهیم مرتبط با هدف پژوهش را شناسایی و استخراج کرده و پس از آن به طبقه‌بندی این مفاهیم در دل زیر مقولات می‌پردازد. (Myring, 2000) توانایی این روش برای تفسیر معانی پنهان، موجب شده است که محققان، تحلیل محتوای کیفی را به منزله روشی انعطاف‌پذیر به ویژه برای داده‌های متنی در نظر گیرند. (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ص ۱۵-۴۴) این پژوهش روایات موجود در حوزه خانواده را به عنوان جامعه مورد بررسی، انتخاب کرده و در سه محور اصلی؛ خانواده مطلوب از دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه امام رضا علیه‌السلام، راهکارهای عملی تحکیم خانواده و عوامل تزلزل خانواده طبقه‌بندی شده است. این فرآیند منجر به استخراج مضامین اصلی پیرامون ویژگی‌های خانواده تراز اسلامی و طراحی الگوی آن از منظر روایات خواهد شد.

تاکنون پژوهش‌های متعددی در زمینه نگاه اسلام به خانواده و ویژگی‌های خانواده اسلامی انجام شده است. علاوه بر این کتب زیادی در مورد نگاه اسلام به خانواده نگاشته شده است؛ از جمله مهم‌ترین مقالات در این زمینه عبارتند از:

- «کشف رویکردهای اصلی اسلام به خانواده»، نوشته اسماعیل چراغی کوتیانی. این مقاله تعیین جایگاه افراد و توزیع نقش‌ها در خانواده از سوی اسلام برای رسیدن اعضا به خوشبختی و سعادت را بررسی

کرده است.

- «ناسایی ملازمه تکالیف زوجین و اخلاق‌مداری در خانواده در منابع اسلامی»، نوشته دل‌آرا نعمتی پیر علی‌نیا که در آن به سرپرستی خانواده با مرد و واگذاری مدیریت داخلی منزل به زن از دیدگاه اسلام و بیان قرآن کریم و سیره اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته شده است.

- «شناسایی اصول موثر در روابط صمیمانه همسران با الگوبرداری از اسوه‌های قرآنی و همسرانی بهشتی»، نوشته سوسن آل رسول که در آن برنامه کلی حاکم بر زندگی مشترک با توجه به حضور خداوند و کسب رضایت وی مورد بررسی قرار گرفته است.

- «شناسایی وظایف مشترک و اختصاصی زوجین در سیره و سخنان امام رضا (ع)»، نوشته مراد شه‌گلی به بررسی برخی از وظایف زوجین، همچون حسن معاشرت، عقلانیت، احترام متقابل، مدارا، گذشت، صبر و ... پرداخته است.

- «کشف معیار کفالت در نکاح»، نوشته علی‌اکبر ایزدی‌فر. این مقاله معیارهای اصلی نکاح شامل اسلام، ایمان، پاکدامنی، اخلاق نیکو، اصالت و شرافت خانوادگی، عقل و بلوغ فکری و ... را نام برده و مورد بررسی قرار داده است.

- «شناسایی ارکان اخلاقی سبک زندگی همسران بر اساس هستی‌شناسی اسلامی»، نوشته محبوبه موسایی‌پور که ارکان مطلوب زندگی همسران بر مبنای هستی‌شناسی اسلامی همچون خدامحوری، تکامل هستی، تکامل پدیده‌ها و ... را نام برده است.

چنان‌که مشاهده می‌شود درباره موضوع نگاه اسلام به خانواده و ویژگی‌های خانواده اسلامی پژوهش‌های بسیاری انجام گرفته است، اما تحقیقی که به طور مستقل به خانواده تراز اسلامی از منظر امام رضا علیه‌السلام بپردازد، یافت نمی‌شود. خانواده اصلی‌ترین رکن اجتماع و عامل حرکت آن به سوی پیشرفت یا سقوط است. هر نظامی باید در زمینه‌ی اصلاح نهاد خانواده سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی صحیحی را در پیش بگیرد. طبیعی است که عدم سیاست‌گذاری صحیح و یا برنامه‌ریزی ناقص و مخدوش در این حوزه می‌تواند تأثیرات منفی زیادی بر کل جامعه بگذارد؛ بنابراین برای رسیدن به زندگی تراز اسلامی به الگوگیری از زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام و آموزه‌های آنان که بر اساس تعالیم خالق حکیم است، نیازمندیم. این پژوهش پس از بیان جایگاه خانواده در اسلام و غرب با برقراری پیوند میان سه عنصر راهبردی خانواده، سبک زندگی اسلامی و منظومه فکری ائمه اطهار علیهم‌السلام به ویژه امام رضا علیه‌السلام در تلاش است تا به خوانشی بر سیره‌ی رضوی در الگوی خانواده‌ی تراز اسلامی بر اساس مدل تحلیل محتوای کیفی - استقرایی دست یابد.

۱. مفهوم‌شناسی خانواده

خانواده به گروهی از افراد گفته می‌شود که روابط آنان با یکدیگر بر اساس هم‌نوعی شکل می‌گیرد و

نسبت به هم خویشاوند محسوب می‌شوند؛ به عبارت دیگر خانواده گروهی متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش با یکدیگر به عنوان زن، مرد، مادر، پدر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل اند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند. (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۱۰) خانواده واحدی اجتماعی قلمداد می‌شود که از پیوند مشروع بین مرد و زن به وجود می‌آید، پس از آن، فرزندان پدید آمده و این پیوند را تکمیل می‌کنند و همه‌ی آنان با هدف وصول به منافع مشترکی، زندگی می‌کنند. اگرچه که برخی واژه خانواده را به قدری باز تعریف کرده‌اند تا هر جمعی که با هم زندگی می‌کنند را در برگیرد. (Edwards & Demo, p107, 1991)

اسلام، خانواده را گروهی متشکل از دو رکن اصلی زن و مرد می‌داند که در سایه ضوابط مشروع و الهی کنار یکدیگر قرار گرفته و بر اثر آن پیوند، دارای شخصیت اجتماعی، حقوقی، معنوی و مدنی و ویژه‌ای شده‌اند. در اسلام مجوز رابطه‌ی زن و مرد، نکاح است. نکاح، عقد یا پیمانی است که به موجب آن رابطه زوجین مشروع می‌شود (قائمی، ۱۳۹۱، ص ۲۸). نکاح سنتی الهی است که در قرآن کریم نیز از آن یاد می‌شود: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ» (نور: ۳۲)؛ مردان و زنان بی‌همسر خود را، همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را. همین سنت عامل تکثیر نسل و بقای آن است که در آیات ذکر شده است: «خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا» (نساء: ۱)؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد، و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. همچنین خداوند همسران به عنوان لباس یکدیگر معرفی می‌کند: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۷)؛ آن‌ها لباس شما هستند و شما لباس آن‌ها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید). روایات اسلامی نیز خانواده را محبوب‌ترین بنا نزد خداوند، بالاترین نعمت پس از اسلام و گشاینده درهای رحمت الهی معرفی می‌کنند (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲). اسلام، احکام و قوانین مربوط به خانواده را تحت نفوذ اخلاق می‌داند؛ به همین منظور، محیط خانواده با حاکمیت حقوق و تکالیف متقابل، و امداد اخلاق و اجرای قوانین متأثر از اخلاق در این کانون مقدس است. به بیان دیگر در الگوی خانواده اسلامی، حقوق و تکالیف زوجین و فرزندان نسبت به یکدیگر و سایر خویشاوندان در سایه اصول اخلاقی مورد تأکید قرار گرفته است (زارعی، ۱۳۹۰، ص ۶۹-۹۶؛ بوجاری و پرچم، ۱۳۹۲، ص ۳۹).

وسیع‌ترین گروه خانواده که شخص به آن تعلق دارد، «شبکه خانواده خویشاوندی» است و شامل افرادی است که از طریق خون یا ازدواج به هم وابسته‌اند. (اسپنسر، ۱۳۸۳، ص ۸۰-۸۲ و ص ۹۴؛ Mover, 1927, p. 3) توصیف جامعه‌شناسان از سیر تطور خانواده در غرب از حالت سستی به مدرن و پس از آن پست مدرن به شرح زیر است:

۱. امروز از دیدگاه کشورهای غربی و کشورهای دیگر جهان به تاثیر از جوامع غربی، خانواده، مجموعه-

ای از پیوندها است که بیش‌تر بر اساس ارتباط -به خصوص ارتباط عاطفی- شکل می‌گیرد، حال آن‌که در گذشته، خانواده پیش از هر چیز یک واحد اقتصادی بود. در عصر کنونی خانواده را باید به عنوان یک پیکره دانست که ترکیبی از عناصر متعدد، نقش‌های دوستی و خویشاوندی و روابط رسمی و غیر رسمی در شکل‌گیری آن موثر است. از آن‌جا که جهان با شتاب روزافزون به سوی یکپارچه شدن پیش می‌رود، خانواده نیز در این مجموعه، تحولاتی گسترده را تجربه خواهد کرد، به گونه‌ای که در دنیای امروز با مقوله‌ی خانواده-هایی فراملیتی روبه‌رو هستیم. (گیدنز، ۱۳۸۲، ص ۴۴)

۲. خانواده از مرحله سنتی به دوران مدرنیته و پسامدرنیته رسیده است. این تحولات به طور یکسان در تمامی جوامع رخ نداده است و تا کنون در بخش‌هایی از جهان شاهد حضور قدرتمند خانواده‌های سنتی، در بخش‌های دیگر خانواده‌های مدرن و در نهایت در بخش‌هایی شاهد شکل‌گیری خانواده‌هایی هستیم که باید آن‌ها را خانواده‌های تفریدی و دوران پسامدرنیته نامید. (احمدی، ۱۳۷۷، ص ۱۰؛ زیگمن، ۱۳۸۰، ص ۲۵) نمودار زیر انواع خانواده‌هایی را که در جهان امروز با آن‌ها روبه‌رو هستیم، ترسیم می‌کند. (لیبی، ۱۳۹۳، ص ۴۳)

خانواده سنتی

۱- خانواده گسترده طولی به خانواده سه نسلی (پدربزرگ، مادربزرگ، مادر، فرزندان)
۲- خانواده گسترده طولی و عرضی (پدربزرگ، مادربزرگ، عمو+ دایی+ عمه+ خاله+ پدر+ مادر+ فرزندان)
۳- خانواده گسترده عرضی (عمو، دایی، عمه، خاله+ پدر، مادر+ فرزندان)
۴- خانواده چندزنی

خانواده پست مدرن

۵- خانواده هسته‌ای کلاسیک (پدر نان‌آور + مادر خانه‌دار + فرزند(ان))	
۶- خانواده هسته‌ای جدید (پدر نان‌آور+ مادر نان‌آور+ فرزند(ان))	
۷- خانواده بی‌والد (مجموعه فرزندان)	۸- خانواده بیفرزند (زن و شوهری)
۹- خانواده تک‌والد پدری	۱۰- خانواده تک‌والد مادری
۱۱- خانواده دو‌والد (با پدر ناتنی)	۱۲- خانواده دو‌والد (با مادر ناتنی)
۱۳- خانواده دو‌والد (با پدر یا (و) مادر ناتنی + خواهر (و) برادر	

۱۴- خانواده هسته‌ای پسامدرن (پدر خانه‌دار+مادر نان‌آور+فرزند(ان))	
۱۵- هم‌خانگی ناقص: زندگی مشترک بدون ازدواج با شریک زندگی در چند روز در هفته یا در هر ماه	
۱۶- هم‌خانگی کامل: زندگی مشترک دائم بدون ازدواج	
۱۷- خانواده چندهمسری (ازدواج دو یا چند زوج با یکدیگر-عشق ضربدری)	
۱۸- خانواده همجنس‌خواه (مردانه)	۱۹- خانواده همجنس‌خواه (زنانه)

۲. سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی، مجموعه عناصری است که کم و بیش به طور نظام‌مند با هم ارتباط داشته و یک کل را پدید می‌آورند و همین اتحاد و نظام‌مندی است که این کل را از کل‌های دیگر متمایز می‌کند. (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۴۶؛ کاویانی، ۱۳۹۱، ص ۳۴) به عبارت دیگر سبک زندگی یعنی الگوی همگرا با مجموعه-ای منظم از رفتارهای درونی و بیرونی و وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌های از تمایلات و سلیقه‌ها و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کنند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۷۸). نظریه‌پردازان، شاخص‌هایی برای سبک زندگی ارائه کرده‌اند که می‌تواند موجب درک بهتر از این مفهوم باشد. الگوهایی در زمینه‌های شیوه تغذیه، پوشاک، نوع مسکن، گذراندن اوقات فراغت، تمرکز بر علاقه‌مندی‌ها، آداب معاشرت و چشم‌اندازهای اخلاق، بهداشت و سلامت از مهم‌ترین این شاخص-هاست. (فاضل قانع، ۱۳۹۲، ص ۱۹-۲۳)

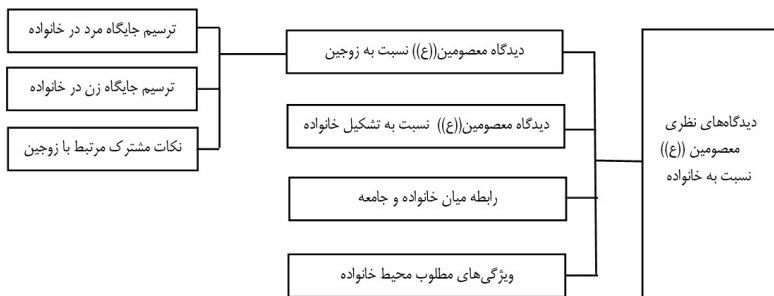
در بررسی رابطه میان دین و سبک زندگی باید گفت در فلسفه و برهان به اثبات رسیده که هیچ عمل آگاهانه و حتی غیرآگاهانه‌ای صورت نمی‌گیرد مگر آن‌که در علل طولی خود به نظام ارزش‌ها و نگرش‌ها متصل باشد. در حکمت نظری و حکمت عملی، پیوند محکمی میان سلسله عقاید، اخلاق، عمل، نگرش-ها، ارزش‌ها و رفتار وجود دارد. (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۱۷) انسان یک امر واحد و یکپارچه است؛ عقاید با مغز سر و کار دارد، اخلاق با قلب و رفتار با جوارح و اعضا. تأثیر در هر یک از این مراتب در دیگری نیز منعکس خواهد شد. (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ص ۳۸۸)

سبک زندگی اسلامی از آن جهت که «سبک» است به رفتار می‌پردازد و با شناخت‌ها و عواطف رابطه مستقیم ندارد، ولی از آن جهت که اسلامی است نمی‌تواند بی‌ارتباط با عواطف و شناخت‌ها باشد. بر این

اساس در سبک زندگی اسلامی، عمق اعتقادات، عواطف و نگرش فرد سنجیده نمی‌شود، بلکه رفتارهای فرد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ لذا هر رفتاری که بخواید مبنای اسلامی داشته باشد باید حداقل‌هایی از شناخت و عواطف اسلامی را پشتوانه خود قرار دهد. (کاوایانی، ۱۳۹۱، ص ۱۸)

۳. مقولات نظری روایات رضوی^{علیه السلام} در خصوص خانواده اسلامی

دیدگاه‌هایی که بیش‌تر جنبه نظری دارند سبب عملی شدن رفتارهای متناظر شده و تأثیر فراوانی بر سبک زندگی عینی مردمان جامعه خواهند داشت. مقولات مرتبط با این مضمون شامل دیدگاه اهل بیت^{علیهم السلام} نسبت به زوجین، نسبت به تشکیل خانواده، رابطه میان خانواده و جامعه و ویژگی‌های مطلوب محیط خانواده است. این تقسیم‌بندی به طور شماتیک در نمودار زیر به تصویر کشیده شده است.



اسلام محبت را زیربنای خانواده دانسته است. معصومین^{علیهم السلام} نیز تدین، محبت و اعتماد زوجین نسبت به یکدیگر را از ویژگی‌های یک زندگی مطلوب معرفی می‌کنند. باید توجه داشت که میان مقوله‌های اعتماد و محبت در خانواده رابطه دوسویه بر قرار است، به گونه‌ای که افزایش یا کاهش یکی تأثیر مستقیمی در دیگری دارد.

۱-۳. تشکیل خانواده

در اسلام ازدواج و نهاد خانواده مقدس است و هدف اصلی از همسرگزینی کسب آرامش معرفی می‌شود. امام رضا^{علیه السلام} شکل‌گیری نهاد خانواده و بهره‌مندی فرد و جامعه از برکات این نهاد مقدس را یکی از مهم‌ترین ثمرات ازدواج معرفی کرده و فرموده‌اند:

«اگر درباره ازدواج دستوری از خداوند و پیامبر^{صلی الله علیه و آله} هم صادر نشده بود، همان فواید اجتماعی که خدا در آن‌ها نهاده بود از قبیل نیکی با خویشان و پیوند با بیگانگان، کافی بود که خردمند صاحب‌دل را بدان ترغیب کند و عاقل و درست‌اندیش به آن بشتابد». (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۴، ص ۷۲؛ محمدی ری شهری، ۱۳۷۲، ص ۴۴۹)

از این رو تأمین نیازهای اخلاقی و معنوی افراد، ارضای غرایز جنسی، نیاز به تولید و بقای نسل، پرورش

ورشدها در ابعاد روحی، رفتاری و عاطفی در کانون خانواده صورت می‌گیرد.

۳-۲. روابط زوجین

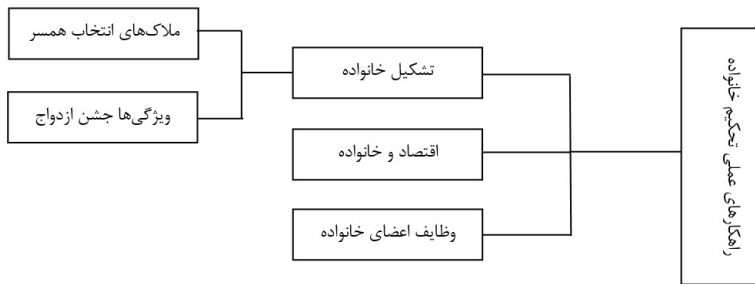
روابط زوجین شامل ترسیم جایگاه مرد و زن در خانواده و مشترکات آنان است. امام رضا^ع مرد را در خانواده مظهر اعتماد و نقطه اتکا در مسائل روحی و معنوی دانسته و زن را عنصر اصلی تشکیل خانواده، مدیر داخلی خانه، مظهر انس و آرامش و آرایش معنوی محیط خانواده معرفی می‌کند. اسلام اگرچه مخالفتی با ایفای نقش‌های بیرون از منزل بانوان ندارد، اما اصل را بر نقش خانوادگی ایشان قرار داده و مسئولیت‌های خانوادگی زن را نسبت به مسئولیت‌های بیرون از منزل او در اولویت می‌داند. از آن‌جا که زنان در قیاس با مردان از نظر ذهنی و عاطفی پیچیدگی‌های بیش‌تری دارند، همواره به داشتن آرامش و تکیه‌گاه نیاز دارند و محیط درون خانواده می‌تواند این نیاز آنان را تامین کند. امام رضا^ع درباره‌ی نقش وجود سرپرست می‌فرماید: «هیچ طائفه و ملتی بدون وجود رئیس و سرپرستی که ضروریات مادی و معنوی آنان از ناحیه او تامین شده باشد، نیست.» (صدوق، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۰۱) همچنین ایشان در مورد مدیریت و تدبیر در زندگی فرموده‌اند: «هیچ بندهای حقیقت ایمانش را کامل نمی‌کند مگر این‌که در او سه خصلت باشد: دین‌شناسی، تدبیر نیکو در زندگی و شکیبایی در مصیبت‌ها و بلاها.» (حرانی، ۱۳۷۶، ص ۳۲۴) اسلام با توجه به وجود تفاوت طبیعی میان زن و مرد در نوع نگرش، توانمندی‌های جسمی روحی، فکری و ... دیدگاه‌هایی را در خصوص وظایف مشترک زوجین مطرح کرده است.

۳-۳. رابطه میان خانواده و جامعه

انامه معصومین^ع، رابطه خانواده و جامعه را به مثابه یک سلول از یک پیکره توصیف می‌کنند. همچنین آن بزرگواران معتقدند که سلامتی و اصلاح خانواده با سلامتی و اصلاح جامعه رابطه مستقیم دارد و آرامش در خانواده بر بهره‌وری در کار تأثیر مستقیم دارد. پیشوایان معصوم^ع تعامل با افراد جامعه را نشانه عقل دانسته و در این زمینه بیان می‌کنند: عقل شخص مسلمان تمام نیست مگر این‌که ده خصلت را دارا باشد؛ از او امید خیر باشد. مردم از بدی او در امان باشند. خیر اندک دیگری را بسیار شمارد. خیر بسیار خود را اندک شمارد. هرچه حاجت از او خواهند دلتنگ نشود. در عمر خود از دانش طلبی خسته نشود. فقر در راه خدایش از توانگری محبوب‌تر باشد. خواری در راه خدایش از عزت با دشمنش محبوب‌تر باشد. گمنامی را از پرنامی خواهان‌تر باشد. سپس از ایشان پرسیده شد: دهمی چیست و چیست دهمی؟ معصوم^ع فرمود: احدی را ننگرد جز این‌که بگوید او از من بهتر و پرهیزکارتر است.» (حرانی، ۱۳۷۶، ص ۴۴۳) بر این اساس رهبر معظم انقلاب اسلامی بر لزوم محترم شمردن خانواده و جامعه اصرار دارد و فراهم کردن زمینه برای ازدواج جوانان را وظیفه دولتها می‌داند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱/۲۲)

۴. راهکارهای عملی تحکیم خانواده

ائمه معصومین^{علیهم السلام} از یک سو به بیان دیدگاه‌های نظری در خصوص خانواده می‌پردازند و از سوی دیگر راهکارهایی عملی برای حفظ و تحکیم این نهاد مقدس را ارائه کرده‌اند. این راهکارها در یک تقسیم‌بندی کلی به موضوعات تشکیل خانواده، اقتصاد خانواده و وظایف اعضای خانواده اختصاص دارند که هر یک شامل چندین زیر مجموعه است. در نمودار زیر با مقولات کلی این راهکارها آشنا می‌شویم:



۴-۱. وظایف اعضای خانواده

وظایف اعضای خانواده، شامل وظایف زوجین و وظایف متقابل والدین و فرزندان می‌شود. وظایف زوجین در خانواده نیز به دو بخش وظایف اختصاصی و وظایف مشترک زوجین، تقسیم می‌شود. وظایف اختصاصی زوجین عبارتند از:

- وظایف مرد در خانواده: روایات موجود در توضیح مسئولیت‌های اختصاصی مرد در خانواده بیان می‌کنند که مرد نباید خود را صاحب اختیار مطلق زن بداند، ساعاتی را به اعضای خانواده و گفتگو و حل مشکلات آنان اختصاص دهد، معاش خانواده را تأمین کند و با همسر و فرزندان تعامل و رفاقت داشته و آنان را ارشاد و راهنمایی کند. امام رضا^{علیه السلام} کار و تلاش مرد را در جهت تأمین مخارج خانواده به عنوان مجاهد در راه خدا و گاهی برتر از آن معرفی کرده و می‌فرماید: «آن‌کس که در پی بدست آوردن مالی بیش‌تر است تا با آن کفاف زندگی خانواده خود را فراهم آورد، اجر او از کسی که در راه خدا جهاد می‌کند، بالاتر است. (مجلسی، بی تا، ج ۷۵، ص ۳۳۹)

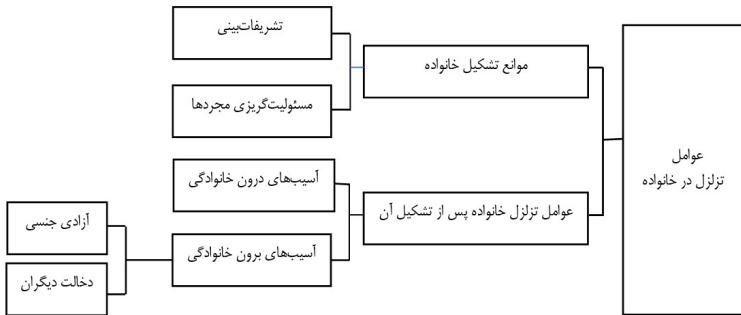
- وظایف زن در خانواده: از دیدگاه روایات، بی‌اعتنایی به ظاهر دنیوی، امیدواری به اجر الهی در قبال حسن التبعّل، دانستن قدر همسر مؤمن، حضور در فعالیت‌های اجتماعی با حفظ اولویت مسئولیت‌های خانوادگی، فراهم کردن آرامش و آسودگی همسر در خانه، دوری از تجمل‌گرایی از این جمله وظایف اختصاصی زنان در خانواده است. امام رضا^{علیه السلام} در این زمینه می‌فرماید: «بهترین زنان آن‌هایی هستند که خوشخو باشند، مدارا کنند و در غیاب همسرشان حافظ آبرو و مال او باشند. چنین زنانی کارگزاران خدایند

و کارگزار خدا مایوس نمی‌شود». (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۵۵)

- وظایف مشترک زوجین: وظایف مشترک شامل نگرش‌های مطلوب و وظایف عملی است. نگرش‌های مطلوب به زوجین برای زندگی مطلوب و ایفای هرچه بهتر نقش‌هایشان انگیزه می‌دهد و زمینه را برای تحکیم خانواده فراهم می‌کند. توجه به بزرگی نعمت ازدواج، داشتن احساس وظیفه در خانواده، شریک دانستن همسر در سرنوشت خویش و احترام قلبی به وی از جمله این نگرش‌هاست. همچنین زوجین باید بدانند که چه وظایفی در قبال خانواده دارند. مهم‌ترین وظیفه همسران، حفظ پیوند خانواده و افزایش تولید مثل است. تأکید بر رعایت اصل همکاری و همیاری، خوش اخلاقی، تواضع و پرهیز از فخرفروشی، از خودگذشتگی، امانت‌داری از اسرار خانواده، رعایت مسئولیت‌های معنوی چون ایمان، تقوا و... از جمله وظایف عملی مشترک زوجین به شمار می‌رود.

۲-۴. عوامل تزلزل خانواده

نهاد خانواده همواره در معرض لغزش‌ها و انحرافات است که در صورت عدم شناخت آن‌ها به تباهی کشانده می‌شود. نمودار زیر بیان کلی عوامل تزلزل خانواده از دیدگاه روایات معصومین علیهم‌السلام است:



این عوامل به دو دسته آسیب‌های درون‌خانوادگی و آسیب‌های برون‌خانوادگی تقسیم می‌شود:

۱. آسیب‌های درون‌خانوادگی: آن‌چه از درون خانواده می‌تواند باعث تزلزل این نهاد حیاتی شود؛ مانند، زورگویی، توقعات و تقلیدات بیجا، بی‌محبتی به همسر و ...
۲. آسیب‌های برون‌خانوادگی: برخی عوامل که از بیرون باعث تضعیف و تزلزل نهاد مقدس خانواده می‌شود؛ مانند، دخالت دیگران در زندگی زوجین، از بین رفتن حجاب در جامعه، آزادی جنسی و ...

نتیجه‌گیری

به طور کلی روایات استخراج شده در موضوع خانواده‌ی تراز اسلامی را می‌توان به سه بخش دیدگاه‌های نظری امام رضا^{علیه السلام} درباره خانواده، راهکارهای عملی تحکیم خانواده و وظایف اعضای خانواده تقسیم کرد که هر یک از این سه مقوله کلی شامل زیر مجموعه‌هایی است. نتایج و یافته‌های پژوهشی تحقیق حاضر عبارتند از:

۱. تحلیل و بررسی روایات امام رضا^{علیه السلام} در موضوع خانواده به شیوه استقرایی و قیاسی نشان می‌دهد که ایشان بیش‌تر به ارائه‌ی راهکارهای عملی تحکیم خانواده پرداخته‌اند.
۲. حضرت رضا^{علیه السلام} از یک سو بر تشکیل خانواده تأکید فراوان داشته و از سوی دیگر برای حفظ و تحکیم بنیان خانواده و رفع مشکلات آن نیز راهکارهایی را ارائه داده‌اند.
۳. بر اساس ارزیابی نگاه سیستمی، امام رضا^{علیه السلام} تشکیل خانواده و ازدواج را امری مقدس و پدیده‌های اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. توصیه به فراهم کردن زمینه ازدواج برای جوانان از سوی دولت‌ها در حکومت‌های اسلامی نیز در همین راستا است. تمرکز روایات بر دو حوزه ایمان و اخلاق در خصوص ملاک‌های لازم برای انتخاب همسر، نشان دهنده اهمیت ویژگی‌های ایمانی و اخلاقی زوجین برای کسب موفقیت در زندگی مشترک به سبک زندگی تراز اسلامی است.
۴. امام رضا^{علیه السلام} دو مقوله خانواده و جامعه را دارای رابطه دو سویه و مستقیم می‌داند؛ به گونه‌ای که هر چقدر خانواده مستحکم‌تر باشد در مقابل با جامعه‌ای سالم‌تر و با استقلال فرهنگی و بهره‌وری اقتصادی بیش‌تری مواجه خواهیم بود و هر چقدر جامعه اسلام‌پسند باشد، خانواده نیز مستحکم‌تر خواهد بود.
۵. از دیدگاه امام رضا^{علیه السلام} خانواده مجموعه‌ای بسته و بدون ارتباط با اجتماع نیست و حتی تعیین وظایف اجتماعی بر اعضای خانواده است. در این دیدگاه، بانوان از طریق انجام وظایف خانوادگی خود، تأثیرات عمیق و فراوانی برای اجتماع دارند.
۶. منظومه فکری امام رضا^{علیه السلام} گویای تعیین وظایف عملی - فکری برای اعضای خانواده است. از منظر ایشان وظایف زوجین در اغلب موارد با خودساختگی دینی و تذهیب نفس در فرد نهادینه می‌شود و کسب مهارت برای موفقیت در زندگی خانوادگی در گرو رعایت احکام و اخلاق اسلامی است.
۷. یکی از نکات بسیار مهم و قابل توجه در سیره امام رضا^{علیه السلام}، تعمیم پیوند دنیا و آخرت به مسائل خانوادگی است؛ با این نگاه تشکیل خانواده و انجام وظایف خانوادگی در راستای هدف خلقت قرار می‌گیرد و کسب لذت مادی از این طریق نه تنها تناقضی با لذت معنوی و اخروی ندارد، بلکه به آن کمک نیز خواهد کرد.

منابع

- قرآن کریم
- احمدی، بابک، مدرنیته و اندیشه انتقادی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷.
- بحرانی، یوسف ابن احمد، الحداثق الناظره فی احکام العتره الطاهره، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۵.
- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، تهران، بی جا، ۱۳۷۶.
- ریتزر، جورج. نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی، ۱۳۸۰.
- زیگمن، با من، مدرنیته و مدرنیسم، ترجمه حسینعلی نوزری، اصفهان، نقش جهان، ۱۳۸۰.
- ساروخانی، باقر، مقدمه ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۰.
- شه گلی، مراد، سبک زندگی روابط همسران با یکدیگر در سیره و سخنان امام رضا علیه السلام، اخلاق، تهران: نباء، ۱۳۹۳.
- طباطبایی، محمدحسین، بررسی‌های اسلامی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
- فاضل قانع، حمید، سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۲.
- قائمی امیری، علی، خانواده در اسلام، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، ۱۳۹۱.
- کاویانی، محمد، سبک زندگی اسلامی و ابزارسنجش آن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
- گیدنز، آنتونی، چشم انداز خانواده، تهران، آفتاب، ۱۳۸۲.
- لیبی، محمد مهدی، خانواده در قرن بیست و یکم از نگاه جامعه‌شناسان ایرانی و غربی، تهران، نشر علم، ۱۳۹۳.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۲.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار الاحیاء للتراث العربی، ۱۳۷۶ق.
- موسوی خمینی، روح الله، چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، ۱۳۹۲.
- مهدوی کنی، محمد سعید، دین و سبک زندگی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۷.
- اسپنسر، متا، «جایگاه خانواده در غرب»، مجله علمی پژوهشی معرفت، ترجمه حسن یوسفزاده، شماره ۸۰، ۱۳۸۳.
- ایزدی‌فر، علیاکبر، «معیار کفالت در نکاح»، مجله علمی پژوهشی مقالات و بررسی‌ها، شماره ۷۴، ۱۳۸۲، ص ۲۸-۹.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا، «تحلیل محتوای کیفی»، پژوهش، دوره ۳، شماره ۲، ۱۳۹۰، ص ۱۵-۴۴.

- آل‌رسول، سوسن و محمدخانی، طیبه، «اصول مؤثر در روابط صمیمانه همسران با الگوبرداری از اسوه‌های قرآنی و همسران بهشتی»، مجله علمی پژوهشی مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۳، شماره ۵۲، ۱۳۹۰، ص ۱۸۳-۱۴۷.
- بوجاری، سهیلا و پرچم، اعظم، «بررسی تطبیقی جایگاه و اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام و یهود»، مجله علمی پژوهشی معرفت ادیان، دوره ۴، شماره ۳، ۱۳۹۲، ص ۳۶-۱۷.
- توجهی، عبدالعلی و حق محمدیفر، زهرا، «فعالیت‌های اجتماعی زن و تزامم آن با حقوق زوج با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی رحمته»، پژوهشنامه علمی پژوهشی متین، شماره ۵۲، ۱۳۹۰، ص ۶۲-۳۹.
- چراغی کوتیانی، اسماعیل، «رویکرد اسلام به چهار کارکرد مهم خانواده»، مجله علمی پژوهشی معرفت، ۱۳۸۸، ص ۵۴-۳۵.
- زارعی، محمدمهدی، «درآمدی بر جایگاه اخلاق در ازدواج و حقوق خانواده»، علمی پژوهشی مطالعات اسلامی: فقه و اصول، دوره ۴۳، شماره ۸۷، ۱۳۹۰، ص ۹۶-۶۹.
- شریفی ساعی، محمدحسین و رباطی، محمد و فاطمی خصال، مجید، «خانواده و تطورات گفتمانی آن در جهان معاصر»، مطالعات سبک زندگی، دوره ۲، شماره ۵، ۱۳۹۲، ص ۳۲-۵.
- موسایی‌پور، محبوبه و هوشنگی، حسین، «ارکان اخلاق سبک زندگی همسران بر اساس هستی‌شناسی اسلامی»، مجله علمی پژوهشی پژوهش‌های اخلاقی، دوره ۴، شماره ۳، ۱۳۹۳.
- نعمتی پیرعلی‌نیا، دل‌آرا و کاردوانی، راحله، وکیلی، مهدی، «ملازمه تکالیف زوجین و اخلاقمداری در خانواده در منابع اسلامی»، مجله علمی پژوهشی مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۴، شماره ۵۴، ۱۳۹۰.
- هوشنگی، حسین، امین ناجی، محمدهادی، جمشیدیراد، محمدصادق، موسایی‌پور، محبوبه، «اهمیت و جایگاه عشق بین همسران در سبک زندگی اسلامی- قرآنی»، مجله علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، دوره ۷، شماره ۲، ۱۳۹۳.
- سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۹۴، دی ۲۸) www.sabteahval.ir
- &Demo, david, (۱۳۹۱). Coming Apart: Radical Departares since ۱۹۶۰. In Mariage and Family (p.۱۰۷). Alleg & Bacon.
- Mayring, Phlipp. (۲۰۰۰). Qualitative Content Analysis. Qualitative Social Research. ۷th.vol ۲.
- Mower, Ernwt. R. (۱۹۲۷). Family Disorganization: An Introduction to Sociological Analysis. Chicago: university of Chicago press.

شاخص‌های اخلاقی و حقوق خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام^۱

محمد مهدی صفورائی پاریزی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف معرفی شاخص‌های اخلاقی و حقوقی خانواده کارآمد، بر اساس معارف دینی به دست آمده از منابع معتبر اسلامی طراحی و اجرا شده است. این شاخص‌ها و ویژگی‌ها به روش توصیفی-تحلیلی از آیات و روایات مربوط به خانواده، استخراج و ارائه شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در منابع دینی برای تمام جنبه‌های زندگی خانوادگی که کانون تربیت و رشد مادی و معنوی فرد و اجتماع است، دستورالعمل‌های اخلاقی معرفی شده که رعایت آن‌ها تضمین‌کننده کارآمدی خانواده و رشد اعضای آن است. راستگویی، مثبت‌اندیشی، محبت کردن، احترام متقابل، مدارای با یکدیگر، سلام کردن، دلسوزی و مهربانی و صبر از مهم‌ترین آموزه‌ها و رفتارهای اخلاقی هستند که بر کارآمدی خانواده تأثیر مستقیم دارند. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که منابع دینی برای هریک از اعضای خانواده شامل زن، شوهر، فرزند، پدر و مادر حقوقی را وضع کرده و در مقابل این حقوق، وظایفی نیز برای طرف مقابل معین کرده است؛ رعایت این حقوق و انجام وظایف در کنار هم، تأمین‌کننده کارآمدی خانواده است. واژه‌های کلیدی: شاخص اخلاقی، شاخص حقوقی، خانواده کارآمد، منابع معتبر اسلامی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۳۱

۲. دانشیار روانشناسی تربیتی جامعه المصطفی^ﷺ العالمیه، قم، ایران. safurayi@gmail.com

مقدمه

خانواده، تنها یک سازمان حقوقی نیست که قانون بتواند نظم را در آن ایجاد کند؛ بلکه نیازمند آمیزه- ای از قواعد حقوقی و اخلاقی است که در آن غلبه با اخلاق است؛ زیرا، نه تنها بیش تر قوانین مربوط به آن ضمانت اجرایی مؤثر ندارد، بلکه آنچه هست از اخلاق مذهبی و اجتماعی ناشی شده و در مقررات و قانون نفوذ کرده است. در تمام جوامع، خانواده، مظهر اخلاق عمومی است. آنچه در خانواده باید به وجود آید، عشق و مهربانی، حسن نیت و اعتماد متقابل است و هیچ نیرویی جز اخلاق و ایمان نمی تواند بر این عواطف، حکومت کند. الزام مرد به تأمین معاش خانواده و تربیت فرزندان و همچنین تکلیف زن و فرزندان نسبت به خوشرویی با مرد و اطاعت از وی، از قواعد اخلاقی خانواده است که حقوق آنها را به عاریت گرفته است. در مواردی که حقوق، دستورهای کلی می دهد و تکالیف عام و مجملی را مقرر می دارد، مصداق های آن نوعی الزام اخلاقی است؛ به عنوان مثال در ماده های ۱۱۰۳ (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۱۱۰۳) و ۱۱۰۴ (همان، ماده ۱۱۰۴) قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، زن و شوهر مکلف به حُسن معاشرت با یکدیگرند و باید در تشییع مبنای خانواده و تربیت اولاد خود همکاری کنند، و بر طبق ماده ۱۱۷۷ (همان، ماده ۱۱۷۷)، فرزند باید مطیع ابویین خود بوده و در هر سنی به آنها احترام بگذارد. ولی آیا تکلیف زن را در پرستاری از شوهر بیمار خود یا الزام مرد را در رساندن فرزندانش به مدرسه، می توان تنها الزام حقوقی دانست؟ بدون شک انجام این کارها لازمه حُسن معاشرت و همکاری زن و شوهر در تربیت اولاد است، اما برای الزام به هر یک از آنها، نمی توان در دادگاه اقامه دعوی کرد و قانون برای تخلف از یکایک امور جزئی، کیفر خاص معین نمی کند. در این گونه امور، جنبه اخلاقی بر آثار حقوقی آنها غلبه دارد. پس در خانواده نمی توان حقوق و اخلاق را از هم جدا کرد و مرز بین قواعد آن دو را به دقت رسم کرد.

(کاتوزیان، ۱۳۹۷)

خانواده به عنوان کهن‌ترین نظام در جوامع بشری، مناسب‌ترین سازمان برای تأمین نیازهای جسمی و روانشناختی اعضا و بهترین بستر برای پرورش نسلی کارآمد و معتقد به ارزش‌های دینی و اجتماعی و همچنین زمینه‌ساز تأمین نیازهای اقتصادی، حقوقی و امنیت و آرامش روانی افراد بشر بوده است. در سال‌های اخیر نظام خانواده به دلیل تحولات فرهنگی، اجتماعی، صنعتی، علمی و ارزشی با مشکلات متعددی روبه‌رو شده است. تزلزل بسیاری از سنت‌ها، اخلاقیات، آداب و رسوم و اعتقاداتی که عامل تقویت، استحکام و تعادل خانواده بوده، به صورت جدی کارآمدی خانواده را تهدید کرده است. این حقیقت تلخ که در گزارش انجمن روانپزشکی آمریکا و طبقه‌بندی تشخیصی (D.S.M.5)¹، مسائل زنشویی و خانوادگی یکی از بالاترین علل رجوع به کلینیک‌ها و مراکز مشاوره ذکر شده، گواه این مدعاست.

عوامل مؤثر بر کارآمدی و ناکارآمدی خانواده به قدری زیاد و پیچیده است که برای مقابله با عوامل آسیب‌زا و حفاظت از هویت ملی و دینی نظام خانواده، معرفی و آموزش شاخص‌های کارآمدی خانواده در سطح ملی و بین‌المللی ضرورت پیدا کرده است. خانواده همچون آینه‌ای عناصر و فرایندهای بهنجار و نابهنجار اجتماعی را منعکس می‌کند. در عین حال، خانواده تأثیر شدیدی بر جامعه دارد و تحقق جامعه سالم و کارآمد در پرتو وجود خانواده‌های سالم و کارآمد امکان‌پذیر است. (ساروخانی، ۱۳۷۰)

مجموعه تعالیم و آموزه‌های اسلامی در مورد خانواده، ما را به نظامی رهنمون می‌کند که شاخص‌های کارآمدی را در بر دارد و پاسخ‌گوی نیازهای مادی و معنوی خانواده است. مقتضای جامعیت و جاودانگی قرآن و جایگاه رفیع ازدواج و خانواده در فرهنگ و حیاتی ثقلین، وجود قوانین محکم، جامع و شفاف در رابطه با خانواده است. (ر.ک. محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ص ۱۱) که می‌تواند پاسخگوی سؤالات مطرح در حوزه خانواده باشد. شناخت ویژگی‌ها و شاخص‌های خانواده مطلوب موجب می‌شود تا ضوابط روشن و متن برای ارزیابی خانواده از نظر میزان کارآمدی و استحکام درونی آن ارائه شود. طبق بررسی‌های انجام شده، تحقیقات متعددی در رابطه با خانواده توسط اندیشمندان مسلمان و روانشناسان در حوزه خانواده و ویژگی‌ها و متغیرهای مرتبط با آن صورت گرفته است، اما تاکنون شاخص‌های اخلاقی و حقوقی خانواده کارآمد به صورت مستقل و کاربردی بررسی و معرفی نشده است. همچنین بررسی مطالعات و پژوهش‌های انجام شده درباره کارآمدی خانواده از سوی روان‌شناسان معاصر، نشان می‌دهد که شاخص‌ها بر اساس تعالیم دین مقدس اسلام معرفی نشده است. از این‌رو با توجه به نیاز جوامع انسانی به داشتن میزان و شاخص‌های کارآمدی خانواده، تلاش برای معرفی شاخص‌ها براساس تعالیم اسلام و متناسب با دستورات الهی که توسط پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام در قالب آیات قرآن و روایات عرضه شده است، ضروری است. متون اسلامی در بردارنده توصیه‌هایی است که عمل به آن می‌تواند سبب رشد و تعالی اعضای خانواده و دستیابی به خانواده‌ای مطلوب، متعادل، کارآمد و متعالی شود.

1. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders.

اولین کاربرد نتایج این پژوهش آشنا ساختن خانواده با دانشی است که سبب ارتقای خانواده و حفظ کارآمدی آن می‌شود. آشنایی والدین و فرزندان با شاخص‌های تثبیت و استحکام خانواده می‌تواند آنان را به سوی عمل بر اساس شاخص‌های کارآمدی سوق دهد و به اعضای آن اعتماد به نفس بیش‌تری بخشد و به آنان فرصتی دهد تا ابتکار عمل زندگی خود را در دست داشته باشند. معرفی شاخص‌های کارآمدی اخلاقی و حقوقی خانواده از نظر اسلام، به مشاوران، درمان‌گران و خانواده‌درمان‌گران کمک می‌کند تا ارزیابی مناسبی از وضعیت موجود خانواده داشته باشند و اعضای آن را به سوی وضعیت مطلوب هدایت کنند. آشنایی با شاخص‌های اخلاقی و حقوقی مبتنی بر منابع دینی و تطبیق آن بر وضعیت خانواده مراجعان یکی از راه‌های مفید و ارزشمندی است که درمان‌گران را در ارزیابی موقعیت و وضعیت مسأله و مشکل و یافتن راه حل مناسب یاری می‌دهد.

۱. مفهوم‌شناسی

این تحقیق بر آن است تا شاخص‌ها و ویژگی‌های اخلاقی و حقوقی خانواده کارآمد را بر اساس تعالیم و معارف اسلام از منابع معتبر اسلامی استخراج و معرفی کند. قبل از معرفی ویژگی‌ها به تعریف عملیاتی شاخص، خانواده کارآمد و تفاوت اخلاق و حقوق اشاره خواهد شد.

۱-۱. شاخص

شاخص به معنای ویژگی‌هایی کلی است که ویژگی‌های جزئی‌تری را در درون خود جای می‌دهد و از برجستگی و اهمیت بیش‌تری برخوردار است. تفسیر، تبیین و طبقه‌بندی ویژگی‌ها تحت عنوان ویژگی‌های کلی‌تر و شاخص، سبب درک آسان‌تر ویژگی‌های جزئی‌تر و زیر مقوله‌ها می‌شود. (گولد^۱ و کولب^۲، ۱۹۹۷)

۱-۲. خانواده کارآمد^۳

خانواده کارآمد، خانواده‌ای است که با پایبندی اعضای آن به اعتقادات دینی و رعایت حقوق و اخلاق اسلامی زمینه کشف و پرورش قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان را در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری فراهم کند (صفورایی‌پاریزی، ۱۳۸۸، ص ۲). اصطلاح کارآمد برای تشخیص فرآیند عملکرد مطلوب و بهنجار به کار می‌رود. این مفهوم به قضاوت درباره سودمندی الگوهای خانواده در کسب هدف‌ها اشاره دارد.

۱-۳. تفاوت اخلاق و حقوق

هرچند اخلاق و حقوق در مواردی هم‌پوشی دارند، اما تفاوت‌های اساسی نیز بین این دو حیطه وجود دارد.

1. Julius Gould.
2. William L. Kolb.
3. Efficient family.

- احکام حقوقی فقط مربوط به رفتار اجتماعی انسان است، در صورتی که احکام اخلاقی شامل رفتارهای فردی و اجتماعی آدمی می‌شود. به عبارت دیگر، اخلاق ارتباط انسان با خدا، خودش و دیگران را مورد نظر قرار می‌دهد، اما حقوق تنها بر ارتباط انسان با دیگران نظارت می‌کند.

- احکام حقوقی ضامن اجرایی بیرونی دارد، اما احکام اخلاقی دارای ضامن درونی است.

- بایدها و نبایدهای اخلاقی، کلی، ثابت و جاودانی‌اند، برخلاف بایدها و نبایدهای حقوقی که کم و بیش دست‌خوش تغییر و دگرگونی می‌شوند. (همان)

۲. شاخص اخلاقی

منابع دینی اسلام به مسائل اخلاقی و رعایت اخلاق در اندیشه و عمل، توجه بسیاری دارد و تهذیب نفس را که نتیجه رعایت اخلاق است، یک مسأله اساسی و زیربنایی می‌داند که بر تمام احکام و قوانین اسلامی سایه افکنده است. تکامل اخلاقی در فرد، خانواده و جامعه، هدفی است که ادیان آسمانی بر آن تکیه می‌کنند و آن را ریشه همه اصلاحات اجتماعی و وسیله مبارزه با مفاسد و پدیده‌های نابهنجار می‌شمرند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۲)

تلاش برای عمل به مقررات و قوانین بدون پشتوانه اخلاق، نه تنها در نظام خانواده، بلکه در هیچ اجتماعی ثمری ندارد. ایمان و اخلاق، بهترین ضامن اجرایی قوانین و مقررات در کانون خانواده است و کارآمدی آن را تضمین می‌کند. خانواده اولین محیط برای تعلیم و تربیت کودک است. فضایل اخلاقی در این محیط رشد می‌کنند و سنگ بنای اخلاق انسان در خانواده نهاده می‌شود. کودک بسیاری از صفات و رفتارهای اخلاقی را از پدر، مادر، خواهر، برادر و کسانی که با آنها در یک خانواده زندگی می‌کند، می‌آموزد. راستگویی، مثبت‌اندیشی، محبت کردن، احترام متقابل، مدارای با یکدیگر، سلام کردن، دلسوزی و مهربانی، صبر و بسیاری از این قبیل رفتارها توسط اعضای خانواده به یکدیگر منتقل می‌شوند. خانواده، نخستین درس‌های فضیلت را به فرزندان خود می‌آموزد و بزرگترها نیز به سبب همنشینی طولانی و مداوم بر شکل‌گیری صفات اخلاقی یکدیگر تأثیر می‌گذارند. پس قبل از هر چیز باید محیط خانواده به فضایل اخلاقی آراسته شود تا بتواند کارآمدی خود را اثبات کرده و زمینه رشد و بالندگی اعضای خود را فراهم سازد. در ادامه به مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی مؤثر بر کارآمدی خانواده اشاره می‌شود.

۲-۱. راست‌گویی

براساس تعالیم قرآنی و روایی، راستی و راستگویی در کارآمدی تمام بخش‌های زندگی انسان مؤثر است؛ خداوند متعال در این‌باره می‌فرماید: «هذا يوم ينفع الصادقين صدقهم لهم جنات تجري من تحتها الانهار خالدین فیها ابدأ رضی الله عنهم و رضوا عنه ذلک الفوز العظیم» (مائده: ۱۹)؛ راستی

و راستگویی مؤمنان سبب یاری آنان در دنیا و نجاتشان در قیامت می‌شود و پاداش آن را بهشت و رضایت خود از راستگوییان می‌داند. از روایات نیز استفاده می‌شود که همه فضیلت‌های انسانی از صداقت و راستی سرچشمه می‌گیرد (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۶۸، ص ۹) و کلید همه خوبی‌ها راستگویی و کلید همه بدی‌ها دروغ و دروغ‌گویی است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ص ۴۳۹).

اساس زندگی انسان را کار گروهی و دسته جمعی تشکیل می‌دهد و بدون همکاری جمعی، کارهای مهم و باارزش انجام نمی‌شود و یا این‌که پیشرفت آن کاهش می‌یابد و یا کند می‌شود. پیشرفت کار گروهی نیز به نوبه خود بدون اعتماد و اطمینان در بین اعضای گروه امکان ندارد و اعتماد و اطمینان در صورتی حاصل می‌شود که صداقت و امانت در میان آنان حاکم باشد. همچنین تفاوتی میان فعالیت‌های علمی، فرهنگی، پرورشی، حقوقی، اقتصادی و... در این موضوع وجود ندارد. یک دانشمند، مربی، مدیر، سیاست‌مدار، فرزند و همسر اگر چندبار به دیگران و کسانی که با آن‌ها در ارتباط است، دروغ بگوید، به سرعت نفوذ و ارزش خود را از دست می‌دهد. کارآمدی اجتماع، به ویژه اجتماع کوچک خانواده در صورت بروز بی-اعتمادی، دچار اختلال و ضعف می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷)

راستگویی تأمین‌کننده سلامت و بهداشت روان است و به انسان شجاعت و شهامت می‌بخشد، درحالی‌که دروغ و دروغ‌گویی، همیشه انسان را در هاله‌ای از ترس فرو می‌برد و پیوسته در این هراس‌نگه می‌دارد که دروغ‌های او آشکار شود. در تحلیل روان‌شناختی، صداقت به گفتار و رفتاری گفته می‌شود که فرد انگیزه و قصدی مغایر با مفاد گفتار و رفتارش نداشته باشد؛ یعنی این‌که فرد با صراحت و وضوح صحبت می‌کند. هنگامی که فرد در ارتباط کلامی یا بدنی صداقت نداشته باشد، ارتباطی متعارض یا دوسطیحی برقرار می‌شود، به گونه‌ای که مفاد سخن شخص، چیزی است و باقی وجود او، چیزی دیگر را بیان می‌کند و یا انگیزه و قصد او از رفتار و گفتارش، امر دیگری است.

در چنین موقعیتی مخاطب به دریافتی که از کلام یا رفتار آن شخص دارد، پاسخ می‌دهد، ولی آنگاه که متوجه شود انگیزه وی، امر دیگری بوده است، در پاسخ به رفتار و گفتارهای بعدی او، سردرگم می‌شود. گاه به کلام و رفتار او توجه می‌کند و از انگیزه و یا انگیزه‌های محرک رفتار غفلت می‌کند و گاهی به دلیل توجه بیش‌تر به انگیزه‌های احتمالی، دچار واکنش نامناسب می‌شود. این‌گونه ارتباط از مشخصه‌های رفتارها و گفتارهای اعضای خانواده ناکارآمد است. (ستیر، ۱۹۸۸، ص ۷۸)

بنابراین برای دستیابی به سلامت روابط در خانواده و بالندگی باید روابط کلامی و بدنی مثل آهنگ صدا، تماس‌های چشمی، نگاه‌ها، وضعیت بدنی افراد نسبت به هم و حرکات بدن به صورت واضح و شفاف باشد و فرد را دچار سردرگمی نکند. باید سخنان فرد نه تنها با حالت صورت، وضع بدن و آهنگ صدا هماهنگ باشد، بلکه روایتگر انگیزه و حالات ناهشیار نیز باشد؛ به عبارت دیگر، همه ابعاد روان‌شناختی فرد اعم از

عاطفی، هیجانی، رفتاری و شناختی یک مطلب را نشان دهد. چنین ارتباط صادقانه و بهنجاری به اعضای خانواده امکان می‌دهد که درستی، تعهد، شایستگی، خلاقیت داشته باشند، به کمال و بالندگی برسند و با غلبه بر مشکلات، بر کارآمدی خانواده بیفزایند.

۲-۲. مثبت‌اندیشی

داشتن دید مثبت نسبت به مسائل زندگی و برداشت‌های خوش‌بینانه از حوادث ناخوشایند در توانایی رویارویی با مشکلات تأثیر بسیاری می‌گذارد. در مقابل، تبیین‌های بدبینانه ممکن است افراد را دچار حالت‌های عاطفی منفی و در نتیجه بازدارنده ایمنی کند؛ در این حالت احتمال بروز بیماری‌های جسمی نیز بیش‌تر می‌شود و بیماری به نوبه خود بر روند پیشرفت زندگی، آثار نامطلوبی برجای می‌گذارد. مثبت‌اندیشی تلفیقی از گرایش و نگرش خوشبینانه و مثبت در مورد خداوند، خود، افراد، رویدادها، اشیا و به طور کلی جهان ماوراءطبیعی و جهان طبیعت است که بر اساس آن، شخص انتظار و نتایج خوب را بر طبق توانایی‌های خود از جهان و رویدادهای آن دارد. خوش‌بینی، فرد را به تلاش برای طراحی نقشه‌هایی برای حل مشکل سوق می‌دهد؛ فرد با عمل به این نقشه‌ها، انتظار دارد، امور غالباً مطابق نظر او پیش روند و همین امر، کوشش او را مضاعف می‌کند. (دیماثو به نقل از موسوی و همکاران، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۵۸۲-۵۸۴) بنابراین می‌توان گفت که دیدگاه مثبت در زندگی نسبت به مشکلات و ناگواری‌هایی که پیش می‌آید بر حالات عاطفی و بهبود روابط اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد و سبب کارآمدی خانواده می‌شود.

اعضای خانواده کارآمد در پرتو خوش‌بینی به خداوند، به یکدیگر نیز خوش‌بین هستند و با رویکردی مثبت و سازنده به دیگر اعضا می‌نگرند و در برخورد با آنان تمایل دارند که به افکار، عملکردها و رفتارها از دریچه خوش‌بینی و مثبت بنگرند. زن و شوهری که به دنبال زندگی شیرین و لذتبخش هستند، جنبه‌های مثبت همسر خود را در نظر می‌گیرند و با چشم‌پوشی از عیوب و نواقص، پیوسته زندگی و رفتارها را زیبا می‌بینند و حتی گاهی برخی معایب را خوبی و نیکی تلقی می‌کنند.

۲-۳. محبت

محبت، بیش‌ترین نقش را در ساماندهی جامعه آرمانی اسلامی و انسانی دارد. جامعه مطلوب اسلامی، جامعه‌ای است که براساس محبت مردم نسبت به یکدیگر شکل گیرد. محبت، مؤثرترین عامل پرورش انسان‌های شایسته و کارآمدترین ابزار پیشبرد اهداف فردی، اجتماعی، مادی و معنوی است. محبت به قدری شیرین و لذتبخش است که با کمک آن می‌توان همه تلیخی‌های زندگی و بسیاری از ضعف‌ها و نابسامانی‌ها و مشکلات کوچک و بزرگ فردی و اجتماعی را جبران کرد. در حدیثی حضرت سلیمان علیه السلام می‌فرمایند: «هیچ چیز مانند محبت شیرین نیست». (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۷، ح ۳۸) رسول گرامی اسلام در این باره با کنایه می‌فرمایند: «هیچ مجلسی برای نشستن دو دوست، تنگ نیست» (همان، ح ۸۶).

عنصر محبت برای تحقق برنامه‌های دینی و هدایت انسان‌ها آنقدر مؤثر دانسته شده که امام باقر علیه السلام دین اسلام را چیزی جز محبت نمی‌داند (همان، ح ۸۶۴). خداوند متعال در سوره روم، مهر و محبت را از آثار قدرت و نعمت‌های بزرگ برشمرده و بر بندگان منت نهاده و می‌فرماید: «یکی از نشانه‌های خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا با آنان انس بگیرید و در میانتان محبت و مهربانی برقرار کرد و هر آینه در این کار برای مردمی که بیندیشند نشانه‌ها و عبرت‌هایی وجود دارد» (روم: ۲۱).

همه انسان‌ها نیازمند دوستی و محبت هستند و دوست دارند که محبوب دیگران باشند. وقتی فرد بدانند محبوب دیگران نیست، خود را تنها و بی‌یار و یاور می‌داند و نمی‌تواند استعداد‌های خود را شکوفا کند و در راه رسیدن به کمال قدم بردارد. این نیاز غریزی در زن و مردی که با هم تشکیل خانواده داده‌اند و از «من» بیرون آمده و به «ما» رسیده‌اند، بیش‌تر احساس می‌شود. پیش از ازدواج هریک از زن و مرد از محبت‌های فراوان پدر و مادر خود برخوردار بوده‌اند و آنگاه که با هم پیمان ازدواج بستند، انتظارات آنان نسبت به دریافت محبت تغییر می‌کند و منتظرند که از طریق رشته دوستی جدید نیز محبت و دوستی دریافت کنند. هریک از زن و مرد انتظار دارند که طرف مقابل او را از صمیم قلب دوست داشته باشد و علاقه‌مندی و محبتی دو طرفه برقرار شود. در این میان زن که موجودی عاطفی و کانون محبت است، بیش‌تر نیاز به محبت همسرش دارد، بلکه زندگی او وابسته به عشق و علاقه است و هرچه محبوب‌تر باشد، شاداب‌تر خواهد بود، اما اگر احساس کند محبوب همسرش واقع نشده، خود را شکست خورده و بی‌اثر می‌پندارد. محبت دوطرفه، زن و مرد را به زندگی دلگرم و کانون خانواده را استوار، مستحکم و کارآمد می‌سازد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «بهترین زنان شما، زن‌هایی هستند که دارای عشق و محبت باشند» (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵) و همچنین در مورد مردها می‌فرماید: «هرکس از دوستان ما باشد، به همسرش بیش‌تر اظهار محبت می‌کند و نیز هرچه ایمان انسان کامل‌تر باشد، محبت به همسرش را بیش‌تر می‌کند» (همان، ج ۱۰۳، ص ۲۲۳ و ۲۲۸).

در خانواده‌ای که مهر و محبت وجود داشته باشد و زوجین با آرامش، آسایش و علاقه‌مندی به یکدیگر زندگی می‌کنند، والدین با توانمندی بیش‌تری می‌توانند به تربیت فرزندان خود بپردازند. وقتی که فرزند در کانون پر از محبت و عاطفه پرورش یابد، روح او نیز آرام است و بهتر رشد می‌کند و با الگوگیری از والدین خود در آینده، همسری مهربان و کارآمد خواهد بود و خانواده‌ای مطلوب نیز تشکیل خواهد داد. این کارآمدی، نسل به نسل منتقل می‌شود و جامعه‌ای پر از شور و نشاط و پیشرفت شکل می‌گیرد.

محبت، نظیر قانون جاذبه زمین در این جهان است؛ همان طوری که این جهان از اتم گرفته تا کهکشان‌ها بر اساس قانون جاذبه پابرجاست، خانه و خانواده نیز بر اساس قانون محبت، استوار است. اگر یک لحظه قانون جاذبه از جهان برداشته شود، نظم آن به هم می‌خورد و به طور کلی جهان طبیعت نابود می‌شود؛ هم‌چنین محبت در خانه که اگر نباشد، آن خانواده نابودشدنی است. در خانواده‌ای که محبت نباشد و

اعضای آن نیاز خود به محبت را ارضا نکنند، هیچ‌یک از اعضا نمی‌توانند وظایف خود را به صورت مطلوب انجام دهند و در نتیجه کارکرد خانواده به ناکارآمدی تبدیل خواهد شد. همان‌گونه که اجزای یک ساختمان بدون ملاط به هم نمی‌چسبند و ساختمان پابرجا نمی‌شود، بنا و نظام خانواده نیز چنین است که ملاط آن محبت و رحمت است. (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۷۱، ص ۱۸۱)

۲-۴. احترام متقابل

شخصیت و حرمت، یکی از جنبه‌های اصیل و اساسی وجود هر فرد است. انسان توقع دارد که دیگران به ویژه همسر و اعضای خانواده، او را محترم بشمارند و اگر کسی به شخصیت او احترام نگذارد، رشته محبت خود را با وی را قطع کرده و میان آنان فاصله ایجاد می‌شود. در حقیقت حفظ حرمت و شخصیت اعضای خانواده در گرو احترامی است که در برخوردها نمایان می‌شود.

رعایت احترام متقابل سبب استحکام روابط و نزدیکی افراد می‌شود. نیاز به احترام در زن و مرد تفاوتی ندارد و هر دو نیاز دارند که دیگری به او احترام بگذارد و هرگز نباید به سبب ارتباط دوستانه، نزدیک و بسیار خصوصی که زوجین با هم برقرار می‌کنند، از احترام به یکدیگر غفلت کنند. همسران و فرزندان برای این که روابط آنان به ارتباطی عادی و سرد تبدیل نشود، موظف به رعایت احترام متقابل و حفظ جایگاه شخصیتی یکدیگر هستند. در منابع دینی زنی که احترام همسر خود را رعایت نکند، مورد لعنت قرار گرفته است. (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۱۰۰، ص ۲۵۳)

در خانواده‌ای که رفتارهای اعضای آن با یکدیگر، احترام‌آمیز و از روی ادب باشد، روابط صمیمانه و نزدیک خواهد بود و این امر مانع بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌ها می‌شود. از سوی دیگر بی‌احترامی به افراد، در آنان احساس حقارت به وجود می‌آورد که زمینه‌ساز ناکارآمدی در خانواده می‌شود و مانعی بزرگ بر سر راه بالندگی و کمال خواهد بود. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «انسانی که حقارت نفس پیدا کرد، دیگر انتظار خیر از او نمی‌رود، کسانی که نفسشان پست و خوار باشد، به خیرشان امید نداشته باش». (همان، ج ۱۰۳، ص ۲۳۷)

۲-۵. مدارا با یکدیگر

مدارا کردن، رفتاری اخلاقی، اجتماعی و اسلامی است که از گسترش مخالفت‌ها، دشمنی‌ها، کینه و حسادت جلوگیری می‌کند؛ با رفق و مدارا، شدت مخالف‌ها کاهش می‌یابد (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۴). امام علی علیه السلام که دست‌پرورده مکتب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پیرو سنت و سیره او بود، مدارا را سرلوحه برنامه‌های عملی و سیره خانوادگی و اجتماعی خویش قرار داده بود و می‌فرمود: «من کان رفیقاً فی امره نال ما یرید من الناس» (کلینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۰)؛ کسی که در امور خویش، سیره مدارا و سبک رفق و ملائمت و نرمی را پیش گیرد به آن چه از دیگران انتظار دارد خواهد رسید. آن حضرت معتقد بود تحقق زندگی شیرین و خانواده‌ای

کارآمد در گرو مدارا با یکدیگر است (حر عاملی، ۱۹۹۱م، ج ۱۱، ص ۲۱۴) و انسان عاقل و با تدبیر کسی است که از این موضوع بهره کامل بگیرد (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۲۸) و با استفاده عاقلانه و مدبرانه از مدارا در روابط خود با همسر و فرزندان، زندگی سالم و منظمی را پی‌ریزی کند.

۲-۶. سلام کردن

در میان همه ملت‌ها و فرهنگ‌ها، مردم به هنگام ملاقات و دیدار با یکدیگر برای ابراز احساسات و عواطف خود و خرسندی و رضایت از دیدار و نیز خوش‌آمدگویی و یا شروع گفتگو با یکدیگر، راه و روش خاصی ابداع کرده‌اند و برای این منظور با واژه‌ها و حرکات به صورت قراردادی این مقصود را می‌رسانند. در سنت اسلامی نیز برای تأمین این مقصود، سلام کردن به یکدیگر، مصافحه (دست‌دادن) و معانقه (یکدیگر را در آغوش کشیدن) در نظر گرفته شده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «... فاذا دخلتم بیوتا فسلموا علی انفسکم تحیه من عندالله مبارکة طیبة کذا لکم اللہ لکم الایات لعلمکم تعقلون» (نور: ۶۱)؛ هر گاه به خانه‌ها وارد شدید به یکدیگر سلام کنید و این تحیت و درودی پاک و مبارک از جانب خداوند است. امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «السلام تحیه لملتنا» (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۶، ص ۴۶)؛ سلام، تحیت و درود ملت ما است. سلام کردن از دستورات الهی قرآن کریم است. سلام با سلامتی هم‌خانواده است و مفهومی است که هیچ‌کس را تهدید نمی‌کند و سلام کننده، متوجه مخاطب او نیست. یکی از نام‌های بهشت که خانه آرامش و آسایش انسان است، دارالسلام است.

بدیهی است خانوادگی که چنین ارتباط و آرامشی و امنیتی دارد، زمینه‌های رشد اعضای خود را فراهم خواهد کرد. کارایی در هر زمینه‌ای نیازمند آرامش و آسایش است و خانواده به عنوان کانون آرامش با احساس امنیتی که در اعضای آن ایجاد می‌کند، می‌تواند به سوی کمال حرکت کرده و کارآمدی خود را تضمین کند.

۲-۷. دلسوزی و مهربانی

رفتار محبت‌آمیز، روح و روان انسان را از هرگونه گرد و غبار و پلیدی، پاک و تطهیر کرده و سلامت آن را تأمین می‌کند. فرد در پرتو این طهارت و سلامت با آسایش و آرامش، همت خویش را برای رشد و شکوفایی استعدادهای خویش بکار می‌بندد و در مقابله با آسیب‌های روانی و اخلاقی چون دژ محکم و استوار می‌ایستد و اجازه ورود بیگانه را به زمینه‌هایش نمی‌دهد.

پیامبر صلی الله علیه و آله به کودکان احترام زیادی می‌گذاشت و به آنان مهربانی می‌کرد. در رابطه با مهربانی پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به کودکان نقل شده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود، حضرت حسن علیه السلام و حضرت حسین علیه السلام وارد شدند، پیامبر صلی الله علیه و آله چون آن‌ها را دید به احترامشان از جا برخاست و به انتظار ایستاد، کودکان در راه رفتن ضعیف بودند، لحظاتی چند طول کشید، نرسیدند، رسول اکرم صلی الله علیه و آله به طرف کودکان رفت و از آنان استقبال کرد، آغوش باز کرد و هر دو را بر دوش خود سوار کرد و به راه افتاد و در همان حال می‌گفت: «فرزندان عزیز، مرکب

شما چه مرکب خوبی است و شما چه سواران خوبی هستید» (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۴۳، ص ۲۸۵ - ۲۸۶). آن‌گاه که عضوی از اعضای خانواده چنین مورد تکریم و احترام و اظهار مهربانی قرار گیرد، از بودن خود با این خانواده احساس رضایت دارد، به اعضای خانواده خود اطمینان و اعتماد پیدا می‌کند و با عمل به راهنمایی‌های تربیتی آنان و با استفاده از توانمندی‌هایی که دارد بر کمالات و رشد همه جانبه خود می‌افزاید. رشد همه جانبه هر یک از اعضای خانواده، همان کارآمدی سیستم خانواده است.

وقتی که مهربانی به کودک این مقدار مورد توجه منابع و دستورات دینی قرار گرفته است و این قدر آثار مطلوب دارد، حتماً مهربانی و دلسوزی نسبت به بزرگسال و همسر که به مرحله رشد انتزاعی رسیده است و رفتارهای دیگران را تجزیه و تحلیل می‌کند، آثار ارزشمندتری به دنبال خواهد داشت. آن‌گاه که همسران نسبت به یکدیگر احساس مهربانی کنند، تلاش آنان برای کارآمد ساختن سیستم خانواده، افزون خواهد شد. پس تنها مهربانی و دلسوزی مختص کودکان نیست، بلکه بزرگ‌ترها نیز به آن نیازمندند، از دریافت آن لذت می‌برند، چنین حسی موجب شادکامی و امید به حال و آینده می‌شود و در نهایت زمینه‌ساز رشد، بالندگی و کمال خواهد بود.

۲-۸. صبر

زندگی انسان در دنیا آمیخته با مشکلات و تعارض‌های فراوانی است و اگر در مقابل آن بایستد و صبر و مقاومت داشته باشد، حتماً پیروز خواهد شد و اگر ناشکیبایی کند و در برابر حوادث ناگوار زانو بزند، هیچ‌گاه به مقصد نخواهد رسید. در منابع دینی، صبر و پیروزی قرین هم شمرده شده‌اند. (آمدی، ۱۳۶۶، ح ۲۱۳) بسیاری از مفسران معتقدند که هیچ‌یک از فضایل انسانی به این اندازه در قرآن کریم مورد تأکید قرار نگرفته است. این امر نشان می‌دهد که قرآن برای این فضیلت اخلاقی و عملی اهمیت فراوانی قائل است و آن را عصاره همه فضیلت‌ها و ابزار رسیدن به هرگونه خوشبختی و سعادت می‌داند. انسان و خانواده، اگر ویژگی اخلاقی صبر را نداشته باشد و به آن عمل نکند، هرگز به خوشبختی و سعادت نخواهد رسید و کارآمد نخواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۴۶) حضرت علی علیه السلام صبر در کارها را به منزله سر در بدن می‌داند و می‌فرماید: «هم‌چنان‌که اگر سر از بدن جدا شود بدن فاسد می‌شود، صبر نیز هرگاه در کارها نباشد، کارها تپاه می‌گردد». (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ح ۱۰۰۶۴)

در خانواده، گاهی اعضا با ناکامی‌هایی روبه‌رو می‌شوند و یا برآورده شدن خواسته‌ها، نیازمند گذشت زمان است. هم‌چنین گاهی آسیب‌های بدنی برای آنان به وجود می‌آید و در بسیاری از موارد اتفاق می‌افتد که روابط بین آنان به هم می‌خورد و زمینه بروز اختلاف و رفتارهای نامناسب در خانواده فراهم می‌شود. در صورتی که اعضای خانواده از مهار خویش ناتوان باشند و بردباری و تحمل در مقابل مشکلات را نداشته باشند، خانواده به شدت دچار آسیب می‌شود و نه تنها نیاز خود فرد برآورده نمی‌شود، بلکه برای دیگران نیز

مشکل ایجاد می‌شود. فشار روانی، اولین محصول بی‌صبری در برابر مشکلات است. فرد صبور می‌تواند با صبر در مقابل حوادث پیش آمده موفقیت و کارآمدی خانواده را حفظ کند، در حالی که واکنش فوری و بدون اندیشه در مقابل رفتارهای نامناسب دیگران سبب پشیمانی می‌شود. صبر به فرد امکان می‌دهد که در زمان مناسب، رفتار و واکنش درست و متناسب با رفتار فرد خطاکار را از خود نشان دهد. اگر هر عضوی از خانواده بخواهد فقط به خواسته‌های خود بیاندیشد و به دنبال رسیدن به آن‌ها و ارضای نیازهای فردی باشد و در مقابل کمبودها بی‌صبری از خود نشان دهد، نمی‌تواند به خوشبختی و اهداف خود برسد.

۳. شاخص حقوقی

یکی از عوامل استحکام، آرامش و کارآمدی خانواده، رعایت حقوق اعضای خانواده توسط یکدیگر است؛ یعنی اگر زن و شوهر از ابتدا نسبت به حقوق یکدیگر و فرزندان خود آشنایی کامل داشته باشند و حدود انتظارات خود را بر مبنای این شناخت قرار دهند، کارآمدی خانواده تأمین خواهد شد. حقوق اعضای خانواده را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: حقوق زن، حقوق شوهر، حقوق فرزندان و حقوق والدین.

۳-۱. حقوق زن

بر اساس منابع دینی برای زن حقوقی وضع شده است که لازم است توسط شوهر رعایت شود تا خانواده در مسیر رسیدن به تعالی حرکت کند. مهم‌ترین موارد این حقوق عبارت هستند از:

۳-۱-۱. گشایش در زندگی

در روایات بیان شده است که مرد وظیفه دارد برای ایجاد شرایط زندگی رضایت‌بخش و تأمین هزینه‌های مطلوب و معقول زندگی تلاش کند و از توسعه در نیازمندی‌های اعضای خانواده استقبال کند. امام سجاد^{علیه السلام} در این باره می‌فرماید: «ان ارضاکم عندالله اسبغکم علی عیاله» (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۷۸، ص ۱۳۶)؛ همانا خرسندترین شما نزد خداوند کسی است که خانواده خود را بیش‌تر در گشایش و رفاه قرار داد. اعضای خانواده‌ای که برای رشد و کمال خود از امکانات لازم برخوردار باشند با آسایش و آرامش بیش‌تر در جهت رشد خود حرکت می‌کنند و برعکس آن‌گاه که با محدودیت‌های ایجاد شده از طرف همسر و پدر مواجه می‌شوند، آرامش آن‌ها به هم می‌ریزد و نسبت به نان‌آور خانه دیدگاه منفی پیدا می‌کنند و این دیدگاه بر پیشرفت خانواده به شدت تأثیر می‌گذارد. در متون دینی آمده است که سزاوار است مردها در زندگی خود به گونه‌ای گشایش و توسعه ایجاد کنند که اعضای خانواده مرگ او را آرزو نکنند. (کلینی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۱)

۳-۱-۲. تأمین نیازمندی‌های زندگی

تأمین مخارج زن بر مرد، واجب است و مقدار آن بر اساس نیاز و شأن زن تعیین می‌شود (خمینی، ۱۳۷۹، ص ۲۹۹). نفقه واجب که از حقوق زن شمرده می‌شود و مرد باید آن‌ها را به صورت الزامی تهیه کند، عبارت

هستند از: ۱. تهیه غذا و خوردنی‌های مورد نیاز؛ ۲. تهیه پوشاک مورد نیاز و متناسب با شأن زن؛ ۳. تأمین هزینه‌های درمانی؛ ۴. فراهم کردن مسکن مناسب؛ ۵. تهیه وسایل زندگی مناسب و متناسب با شأن زن. (همان)

۳-۱-۳. تأمین نیاز جنسی

تصدیق صریح و درک جنبه جنسی همسر از جمله موارد حفظ و استمرار سلامت و آرامش روانی و کارآمدی کانون خانواده است. یکی از انگیزه‌های اصلی تشکیل خانواده تأمین نیاز جنسی زوجین است. برادفورد^۱ در زمینه رضایت زوجین از زندگی تحقیقی روی ۳۵۱ زوج که طول زندگی آنان از پانزده سال بیش‌تر بود، انجام داده و از دلایل ادامه زندگی مشترکشان پرسیده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که یکی از عوامل مؤثر در تداوم زندگی مشترک، رضایت از روابط جنسی بوده است. عدم توجه به این نیاز، زن را دچار ناراحتی‌های جدی می‌کند. (ستیر، ۱۹۸۸) قرآن کریم دوست داشتن روابط جنسی را برای زندگی زینت به حساب آورده است و فرموده است: «زین للناس حب الشهوات...» (آل عمران: ۱۴)؛ در نظر مردم آرایش یافته است، عشق به امیال نفسانی و ...

۳-۱-۴. آراسته و پاکیزه بودن

آراستگی مرد رضایت از زندگی را در زن ایجاد می‌کند، بر عفت و پاکدامنی او می‌افزاید و او را از چشم داشتن به دیگر مردان حفظ می‌کند. همان‌طور که مرد توقع دارد زن او زیبا، پاکیزه، مرتب و منظم باشد، زن نیز این توقع را از مرد خود دارد و جزو حقوق او به حساب می‌آید. یکی از یاران امام کاظم^ع نقل می‌کند که از علت خضاب کردن آن امام سؤال کردم و در جواب فرمودند: «آمادگی و خودآرایی مرد موجب افزایش عفت زنان است. زنانی که عفت را ترک کردند به خاطر این بود که شوهر خود را مرتب و آراسته ندیدند». آن شخص از امام رضا^ع نقل می‌کند که زنان بنی اسرائیل از عفت و پاکی دست کشیدند و این مسأله هیچ علتی نداشت جز این‌که شوهران آنان خود را نمی‌آراستند. سپس فرمود: «زن هم از مرد همان انتظاری را دارد که مرد از او دارد». (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۷۳، ص ۱۰۲)

حفظ عفت و پاکدامنی یکی از عوامل استحکام و کارآمدی خانواده است. از خانواده‌ای که عفت و پاکدامنی در آن وجود ندارد نباید انتظار داشته باشیم که زن و مرد نسبت به یکدیگر وفادار باشند. وفاداری زوجین به یکدیگر عامل انسجام، اتحاد و همبستگی زن و شوهر می‌شود و دل‌بستگی آنان به یکدیگر و پیشرفت خانواده را تأمین می‌کند.

۳-۱-۵. معاشرت نیکو

تکریم و بزرگ‌داشت و دوری از اهانت و تحقیر یکدیگر، وظیفه انسانی هر مرد و زنی است. زن برای مرد، هدیه، نعمت و امانت الهی است (همان، ج ۷۴، ص ۵) و شایسته برخورد و تعاملی شایسته و پسندیده

1. Bradford.

است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «هر مردی برای اداره منزل و خانواده خود به سه خصلت نیاز دارد، اگر «این خصلت‌ها» در طبیعت او نباشد، باید خود را به سختی بیاندازد تا آنها را بدست آورد: خوش‌رفتاری، گشاده‌دستی سنجیده و غیرت برای حفاظت از اهل منزل». (همان، ج ۷۸، ص ۲۳۶)

از موارد مهم معاشرت نیکو، بخشش خطاهای همسر است. آنان که از خطاهای دیگران می‌گذرند و از حق شخصی خویش صرف نظر می‌کنند، محبت دیگران را به خود جلب می‌کنند و آنان را خوش‌بین، وفادار و با محبت نگاه می‌دارند. مرد نباید عیوب همسر خود را بزرگ جلوه دهد، بلکه بر اساس دستورات دینی باید آن را پیموشاند. (حر عاملی، ۱۹۹۱م، ج ۱۵، ص ۱۷۵ و ج ۲، ص ۱۹۶) معاشرت نیکو هم در گفتار و هم در رفتار باید آشکار شود. وقتی مرد با کلماتی مطلوب و چهره‌ای شکفته با زن خود روبرو می‌شود، در واقع کلید محبت و دوستی و برقراری ارتباط صمیمی و کارآمد را به دست او داده است و با گفتار دل‌پذیر و شادی‌بخش روابط را استوار می‌کند. در مقابل چهره‌ای گرفته و آشفته و کلمات آزاردهنده، در پیچه ارتباط و صمیمیت را می‌بندد و به تدریج فاصله‌ی روانی و عاطفی افراد را زیاد می‌کند و در خانواده سبب ناکارآمدی می‌شود.

۲-۳. حقوق شوهر

رعایت حق شوهر از سوی زن سبب استحکام پایه‌های زندگی و کارآمدی خانواده می‌شود. آن‌گاه که زن، حقوق شوهر خود را رعایت کند، مرد نیز انگیزه‌ی لازم و کافی برای انجام وظایف خود را دارد. این رعایت متقابل زمینه‌ساز بروز رفتارهای بهنجار و در نتیجه تحقق کارآمدی خانواده است. مهم‌ترین حقوق شوهر که جزو تکالیف الزامی زن هستند به شرح زیر است:

۱-۲-۳. ارضای نیاز جنسی

زن در غیر ایامی که از نظر شرع محدودیت دارد، واجب است نسبت به ارضای نیاز جنسی همسرش جواب مثبت بدهد. حتی مستحب است در این زمینه پیشقدم شده و آمادگی خود را اعلام کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «بر زن لازم است از بهترین عطر استفاده کند، زیباترین لباس را بپوشد، خود را به نیکوترین وجه آرایش دهد و صبح و شام همچون طاووس خرامان خود را به شوهر عرضه کند». ایشان در ادامه می‌فرمایند: «اگر این مقدار را انجام دهد، تنها حق شوهر خود را ادا کرده است، در حالی که حق شوهرش بیش از این‌ها است». (حرعاملی، ۱۹۹۱م، ج ۱۴، ص ۸)

۲-۲-۳. حق کنترل رفت و آمدها

حکم جواز خارج شدن زن از منزل مشروط به اجازه شوهر، بر اساس روایات قابل خدشه نیست و روایات متعددی در منابع شیعی بر این مطلب دلالت دارند. (حرعاملی، ج ۱۴، ص ۱۱۲-۱۱۳ و ص ۱۲۵ و ص ۱۵۴-۱۵۶ و ج ۱۵، ص ۲۳۰ و ج ۵، ص ۴۱۸) همچنین روایات مشابهی در منابع اهل سنت نیز این موضوع نقل شده است. (هیثمی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۳۱۳) در میان فقها نیز این حکم، مسلم دانسته شده و

کسی در آن تردید روا نداشته است. تنها برخی معتقدند که لزوم کسب اجازه شوهر، اختصاص به مواردی دارد که خارج شدن از منزل با حقوق جنسی شوهر منافات داشته باشد، اما با توجه به اطلاق روایات، تخصیص آن‌ها به موارد تضییع حقوق جنسی شوهر بی‌وجه است. (بستان، ۱۳۸۸)

۳-۲-۳. حق انتخاب محل سکونت

در متون دینی به حق شوهر در تعیین محل سکونت اشاره شده و آن را از حقوق ثابت شده شوهر و از تکالیف الزامی زن معرفی کرده است (حرعاملی، ۱۹۹۱م، ج ۱۴، ص ۴۳۵-۴۹۴). در عین حال زن می‌تواند به هنگام عقد از شرط ضمن عقد استفاده کند و شرط کند که شوهرش او را از شهر و محل سکونت خود خارج نکند و یا در محل خاصی او را سکونت دهد و در صورتی که شوهر این شرط را بپذیرد، باید به آن عمل کند (همان، ج ۱۵، ص ۴۹) و تخلف از آن، خلاف وفای به عهد است. (بستان، ۱۳۸۶) در قانون مدنی جمهوری اسلامی در ماده ۱۱۱۴ نیز به این حق اشاره شده است: «زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند، سکنی نماید مگر آن‌که اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد».

۳-۳. حقوق فرزندان

حضور فرزند در زندگی زناشویی نه تنها عشق و علاقه، پابندی و حس مسئولیت در زندگی مشترک و امیدواری به آینده را در زوجین افزایش می‌دهد، بلکه آنان «خودِ مشترک» را در آینه‌ی وجود فرزند به تماشا می‌نشینند. فرزند، شیرین‌ترین ثمره‌ی زندگی زن و مردی است که با عشق و محبت و با پیوند شرعی و الهی در کنار هم قرار گرفته‌اند. این عضو در خانواده نیز دارای حقوقی به شرح زیر است:

۳-۳-۱. داشتن نام نیکو

در اسلام والدین از نامگذاری با نام‌های پست و زشت نهی شده‌اند. اگر پدر و مادر، نام زشت یا زنده‌ای برای فرزند خود انتخاب کنند، به شخصیت و حیثیت او لطمه وارد ساخته و فرزند خود را از داشتن نام نیکو محروم کرده‌اند. نام‌گذاری نوزاد با نام‌های نیکو، از حقوق فرزند است (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۰۸). امام رضا^{علیه السلام} از نام نیکو به عنوان احسان و نیکی در حق فرزند یاد می‌کند و می‌فرماید: «أَوَّلُ مَا يَبْرُؤُ الرَّجُلُ وَلَدَهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ بِاسْمٍ حَسَنٍ فَلْيَحْسُنْ أَحَدَكُمْ اسْمَ وَلَدِهِ» (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۶)؛ نخستین احسان و نیکی که پدر در حق فرزندش روا می‌دارد، انتخاب نام زیبا برای اوست. پس لازم است هریک از شما نام نیکو برای فرزند خود انتخاب کند.

۳-۳-۲. تغذیه با شیر مادر

بر اساس اوامر الهی و نوامیس طبیعت، کودک باید از شیر مادر تغذیه کند، چون بهترین شیر برای شیرخواران در درجه اول، شیر مادر خودش است. امام صادق^{علیه السلام} می‌فرماید: «مَا مِنْ لَبَنٍ وُضِعَ بِهِ الصَّبِيُّ أَعْظَمَ بَرَكَهَ عَلَيْهِ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ» (حرعاملی، ۱۹۹۱م، ج ۱۵، ص ۱۷۵)؛ هیچ شیری برای تغذیه کودک از شیر

مادرش بابرکت تر نیست. محروم کردن غیر موجه نوزاد از شیر مادر ستم بزرگی در حق کودک است، به همین دلیل اسلام برای مادران شیرده ثواب‌های زیادی مقرر کرده است. پیامبر اسلام ﷺ در این باره می‌فرماید: «... فَإِذَا أَزْصَعَتْ كَان لَهَا بِكُلِّ مَصَّةٍ كِعْدَلِ عِنْتِي مَحْرَرٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ، فَإِذَا فَرَعَتْ مِنْ رِضَاعِهِ صَرَبَ مَلَكٌ كَرِيمٌ عَلَى جَنبِهَا وَ قَالَ: أَسْتَأْنِفِي الْعَمَلَ فَقَدْ عَفَرَ لَكَ» (همان، ج ۱۵، ص ۱۷۵)؛ هنگامی که مادر فرزند خود را شیر می‌دهد، در هر مرتبه‌ای که کودک از پستان او شیر می‌مکد، خدای متعال، ثواب فراوانی به او عطا می‌کند و آنگاه که از شیر دادن فراغت می‌یابد، فرشته‌ای دست بر پهلوی مادر نهاده و می‌گوید زندگی را از نو آغاز کن که خداوند تمام گناهان گذشته‌ات را آمرزید.

۳-۳-۳. سلامت جسم و روان

داشتن سلامت جسم و روان از حقوق فرزندان بر والدین است. یکی از دلایل سفارش اسلام به ازدواج با افراد دارای سلامت جسمی و روحی ناظر به رعایت همین حق فرزند است. پس از انتخاب همسر مناسب و شایسته، زن و شوهر باید از آمادگی خود برای پذیرش مسئولیت فرزندآوری و فرزندپروری اطمینان حاصل کنند و مطمئن باشند که می‌توانند پس از لقاح، حقوق فرزند خود را رعایت کنند. این آمادگی فقط به جنبه جسمی منحصر نمی‌شود، بلکه از نظر روحی نیز باید آمادگی وجود داشته باشد. بخش عمده‌ای از سلامت جسمی و روانی فرزند، تابع رفتارهای والدین و به ویژه مادر است. حضور یک انسان دیگر در کانون خانواده، مسئولیت‌هایی را در زمینه نگهداری و تربیت شایسته به دنبال دارد. از نظر جسمی تغذیه مطلوب و به ویژه از غذاهای حلال و با درآمد حلال از حقوق فرزند است.

۳-۳-۴. اجتماعی شدن

یکی از ابعاد وجودی انسان، اجتماعی بودن اوست که در مقام تربیت باید بدان توجه شود؛ از این رو یکی از وظایف والدین و مربیان در تربیت فرزندان و نسل آینده، توجه به رشد اجتماعی آنان است تا استعدادها و توانایی‌های فرزندان در عرصه‌ی حیات اجتماعی شکوفا شود و بتوانند به صورت فعال و موفق در زندگی جمعی حضور یابند. به تعبیر دیگر، اجتماعی تربیت شدن یکی از حقوق فرزندان است.

۳-۳-۵. ازدواج

بر اساس معارف دینی از جمله حقوق فرزند بر پدر خویش این است که نام نیک برای او انتخاب کند، به او نوشتن پیام‌وزد و آنگاه که به سن بلوغ رسید، زمینه ازدواج او را فراهم کند. (محمدری شهری، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۷۲۰) در دوره جاهلیت، والدین به امر ازدواج فرزندان خود توجه نداشتند، از این رو خداوند متعال مسلمانان را به این کار دستور داد و فراهم آوردن امکان ازدواج فرزندان را بر پدران واجب کرد. (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۳۲، ذیل آیه ۳۲ سوره نور)

۳-۴. حقوق والدین

در منابع دینی نسبت به رعایت حقوق والدین به مصادیق متعدد و مختلفی اشاره شده است. همه این مصادیق را می‌توان در عنوان کلی «احسان» جای داد. خداوند متعال در آیات متعدد به احسان به والدین اشاره فرموده و آن را پس از دستور به خداپرستی قرار داده است؛ یعنی احترام و احسان به پدر و مادر در دومین مرحله از مراحل اساسی دعوت قرآن قرار گرفته است (بقره: ۸۳، نساء: ۲۲ و اسراء: ۲۳). مواردی از قبیل اطاعت از پدر و مادر «ان اشکر لی ولوالدیک الی المصیر و ان جاهداک علی ان تشرک بی ما لیس لک به علم فلا تعطعهما و صاحبهما فی الدنیا معروف و اتبع سبیل من اناب الیّ ثم الی مرجعکم فأنبئکم بما کنتم تعملون» (لقمان: ۱۴-۱۵)، به آرامی و نرمی با آنان سخن گفتن «و لا ترفع صوتک فوق اصواتهما» (حر عاملی، ۱۹۹۱م، ج ۱۵، ص ۲۰۵)، قطع نکردن سخنان آنان، تواضع و فروتنی در برابر آنان «علیک بطاعة الاب و برة و التواضع و الخضوع و الاکرام له و حفص الصوت بحضرتة...» (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۷۱، ص ۷۶)، برآورده کردن نیازهای پدر و مادر، دعا در حق والدین، شرکت در غم و شادی آنان، مهربانی بیش‌تر در حق مادر، قدردانی لفظی و عملی از زحمات‌های آنان «انّ الله امر بالشکر له و لوالدیه فمن لم یشکر والدیه لم یشکر الله» (عطاردی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۶۸)، اجتناب از امر و نهی آنان (حر عاملی، ۱۹۹۱م، ج ۱۵، ص ۲۷۷ - ۲۰۵)، اجتناب از آزردهن آنان حتی به اندازه گفتن کلمه‌ی «ف» (لو علم الله لفظةً اوجز فی ترک عقوق الوالدین من أفّ، لآتی به» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص ۴۰۹)، رسیدگی ویژه به پدر و مادر به هنگام پیری (اسراء: ۲۳-۲۴) و صدا نزدن آنان با نامشان «لا یسمیه باسمه» (حر عاملی، ۱۹۹۱م، ص ۲۲۰) در روایات به عنوان مصادیق احسان ذکر شده است.

نتیجه‌گیری

در منابع دینی آموزه‌ها و دستورالعمل‌های اخلاقی و حقوقی برای رشد و تعالی در جنبه‌های فردی، اجتماعی، مادی و معنوی زندگی خانوادگی بیان شده است. شاخص‌ها و ویژگی‌های اخلاقی و حقوقی خانواده‌ی کارآمد به طور همزمان و هماهنگ در نظر گرفته شده‌اند. توجه نکردن به دستورات اخلاق اسلامی و عدم رعایت حقوق یکدیگر در شکل‌دهی رفتار و تعامل با دیگر اعضای خانواده موجب ناکارآمدی آن می‌شود. بر اساس منابع دینی، عمل به دستورالعمل‌های اخلاق اسلامی بر استحکام سیستم خانواده می‌افزاید و کارآمدی آن را تضمین می‌کند. برخورداری اعضای خانواده از فضایل اخلاقی و عمل به آن‌ها، نه تنها سبب نجات در قیامت است، بلکه زندگی دنیا نیز بدون آن سامان نمی‌یابد و کارآمدی خانواده به عنوان کانون تعلیم و تربیت بدون کسب و رعایت مسائل اخلاقی تأمین نخواهد شد. راستگویی، مثبت‌اندیشی، محبت کردن، احترام متقابل، مدارای با یکدیگر، سلام کردن، دلسوزی و مهربانی و صبر از مهم‌ترین آموزه‌ها و رفتارهای اخلاقی هستند که بر کارآمدی خانواده تأثیر مستقیم دارند.

اخلاق، بهترین ضامن اجرایی قوانین و مقررات و حقوق اعضا در کانون خانواده است و کارآمدی آن را تضمین می‌کند. خانواده بهترین محیط برای آموزش آموزه‌های اخلاق اسلامی و حقوق خانوادگی به فرزندان است. محور اصلی در دستیابی به کارآمدی، رضایت خداوند است. همه اعضای خانواده در پیشرفت خانواده نقش دارند و همه آنان برای دستیابی به تعالی باید تلاش و همکاری کنند. در منابع دینی در جهت دستیابی به کارآمدی خانواده، حقوق همه اعضای خانواده در نظر گرفته شده است. هدایت خانواده بر اساس این شاخص‌ها و ویژگی‌ها سبب رشد اعضای خانواده و دستیابی به خانواده‌ای مطلوب، متعادل، کارآمد و متعالی می‌شود.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران و قم، انتشارات دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۸.
- آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالحکم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- بستان، حسین، اسلام و جامعه شناسی خانواده، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.
- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
- بنی هاشمی، سید محمد حسین، توضیح المسائل مراجع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۱م.
- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، ۱۳۷۹.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی، رشت، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰.
- ساروخانی، باقر، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران، سروش، ۱۳۸۳.
- ستیر، ویرجینا، آدم سازی در روان شناسی خانواده، ترجمه بهروز بیرشک، تهران، انتشارات رشد، ۱۹۸۸م.
- صفورایی پاریزی، محمد مهدی، شاخص های خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام و ساخت پرسشنامه آن، رساله دکتری، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته، ۱۳۸۸.
- طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰.
- عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الرضا ابی الحسن علی بن موسی علیه السلام، تهران: عطارد، ۱۳۹۱.
- فیض کاشانی، محمد، محجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، تهران، مکتبه الصدوق، بی تا.
- کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۷.
- کلینی، محمد یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، نشر فرهنگ اهل بیت، بی تا.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الأطهار علیهم السلام، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۳م.
- محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.
- مصباح، محمد تقی، اخلاق در قرآن، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته، ۱۳۹۴.
- مظاهری، علی اکبر، جوانان و انتخاب همسر، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۳.

- مكارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الامام علی ابن ابیطالب علیه السلام، ۱۳۷۷.
- مینوچین، سالوادور، خانواده و خانواده درمانی، ترجمه باقر ثنایی، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، تهران، نشر جاویدان، ۱۳۸۳.
- نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، انتشارات آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
- هیثمی، علی ابن ابوبکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
- Satir, V. Conjoint Family Therapy, California: Science and Behavior Books, 1998.
- Donnellan, M. Brent. Conger, Rand.D & Bryant, Chalandra, The Big Five and Enduring Marriages. Journal of Research in Personality. Vol 38, 2004.
- Hofferth, Sandra. Handbook of Measurement Issues in Family Research, London Lawrence Erlbaum associates publishers, 2007.
- Pinsof, William. Lebow, Jay. Family Psychology, the Art of the Science. New York, Oxford University Press, 2005.
- Rothpaut, W.J. & Young, S, An Inquiry of Young Adults' Perceived Efficacy and Success of Intimate Relationships: Gender and personality differences, 2007.
- Thomas M. Gehring and others. The Family System Test (FAST) Theory and Application, Brunner Routledge Publishing. Co, 2001.

بررسی تطبیقی انسان دارای شخصیت سالم از منظر روانشناسی غرب و اسلام با تمرکز بر دیدگاه‌های امام سجاد^{علیه السلام} و آپورت^۱

مهناز کبودی^۲

زهرا بهمنی^۳

چکیده

یکی از مهم‌ترین بحث‌های روانشناسی، روان‌شناسی شخصیت است و بررسی رشد و سلامتی انسان نیز بدون پژوهشی اساسی درباره شخصیت بی‌نتیجه خواهد بود. اسلام همان‌گونه که اصل زندگی دنیا را مقدمه‌ای برای زندگی جاودانه جهان آخرت دانسته است، سلامتی شخصیت انسان را نیز مقدمه سلامتی برای آن زندگی برشمرده است. نوشتار حاضر در صدد بررسی دیدگاه‌های روانشناسی و اسلام در رابطه با ویژگی‌های انسان سالم و کامل است. به همین منظور، نگارنده با استفاده از روش کتابخانه‌ای، سعی در شناسایی دیدگاه‌های روانشناسان صاحب‌نظر در حوزه شخصیت داشته و با تمرکز بر ویژگی‌های انسان سالم و کامل، دیدگاه‌های روانشناسانی چون آپورت، راجرز، فروم، یونگ، مازلو، فرانکل، سلیگمن و پرلز و دیدگاه‌های اسلامی در رابطه با ویژگی‌های انسان سالم و کامل را مورد توجه قرار داده است. بی‌شک آیات قرآن کریم و سیره و سخنان معصومین^{علیهم‌السلام}، اصیل‌ترین منابع برای شناخت انسان کامل است و در این میان صحیفه سجادیه در جای جای خود، ویژگی‌های انسان کامل و راه‌های تعالی معنوی انسان و رسیدن او به کمال و سعادت را نشان داده است. این صحیفه گرچه ظاهراً کتاب دعا به شمار می‌آید، اما در واقع یک دایره المعارف علوم است که در قالب دعا، معارف والای توحید، معاد، نبوت، امامت و انسان کامل در آن به چشم می‌خورد. نتایج این پژوهش نشان

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۱۱

Kabodim52@gmail.com

۲. استادیار روانشناسی تربیتی دانشگاه فرهنگیان، کرمانشاه، (نویسنده مسنول).

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات بوشهر.

Zahra.bahmani.24@gmail.com

می‌دهد که در صحیفه سجادیه ویژگی‌های انسان دارای شخصیت سالم در سه مقوله ارتباط با خدا، زندگی فردی و زندگی اجتماعی آمده است. از منظر امام سجاد^{علیه السلام}، یکی از راه‌های رشد انسان از خود گذشته‌گی و خدمت به خلق است و رسیدن به کمال مستلزم زندگی در جامعه سالم، متحد و عشق و محبت به خداست. **واژه‌های کلیدی:** انسان دارای شخصیت سالم، دیدگاه‌های اسلامی، دیدگاه‌های روانشناسی، صحیفه سجادیه.

مقدمه

موضوع انسان کامل و ویژگی‌های آن از جمله مباحثی است که در همه‌ی دوران‌ها و با رویکردهای مختلف به آن پرداخته شده و مورد توجه صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف علوم فلسفه، روانشناسی، اخلاق و رویکردهایی با گرایش‌های معنوی و دینی بوده است و هریک از آن‌ها، عناوین مختلفی از جمله فیلسوف، شخصیت سالم یا کمال‌یافته، پیر، مرشد، ابر انسان، اسطوره و... را بر انسان دارای شخصیت سالم یا انسان مطلوب، اطلاق کرده‌اند.

اهمیت موضوع انسان کامل، ریشه در ماهیت تحولی و تکاملی علم در حوزه‌های مختلف دارد. متخصصین علوم مختلف همواره به دنبال پیشرفت، تحول، توسعه، غنی‌سازی و تکامل بخشی به حوزه تخصصی خود بوده‌اند و هیچ جنبه‌ای از علم در هیچ مرحله‌ای از تاریخ بشر، متوقف نشده است. سخن از انسان کامل از جمله مباحثی است که در علوم انسانی، به خصوص روانشناسی، اخلاق و در دیدگاه‌های بسیاری از ادیان، آیین‌ها و فرهنگ‌ها مورد توجه بوده و هست (رهنما، ۱۳۸۴) و گرایش به کمال در ابعاد مختلف زندگی، ممکن است ریشه در میل درونی انسان به کمال و دوری از نقص داشته باشد. این موضوع در اظهارات آدلر (Adler) به وضوح مشخص است؛ به طوری که وی، یکی از نیازهای اصلی انسان را دوری از احساس کهنتری می‌داند (منصور، ۱۳۹۷) و اریکسون^۱، مراحل تحول روانی اجتماعی انسان را محدود به دوره‌ی خاصی از رشد ندانسته و معتقد است که این تحول در تمام طول دوران زندگی و تا پایان عمر ادامه دارد. (ر.ک. عمرانی‌پور و محمد مرادی، ۱۳۹۰) از طرفی، در دیدگاه‌های دینی و فلسفی به وجود روح الهی در انسان به عنوان بستر و زمینه‌ای جهت تحول روحی، شخصیتی و کمال‌یابی اشاره شده است و این اعتقاد وجود دارد که انسان با قرار گرفتن در مسیر صحیح زندگی و با

1. Erikson

حفظ و پابندی به ارزش‌های انسانی می‌تواند به سوی تعادل، سلامت روان و شخصیت تکامل یافته، گام بردارد و در مسیر کمال‌یابی قرار گیرد؛ بنابراین در دنیای کنونی که انسان روزبه‌روز در ظواهر آن غرق شده و دیدگاه‌های مادی‌گرایانه بر جنبه‌های مختلف وجود و زندگی او، سایه انداخته است، نیاز به تصفیه روحی، حفظ تعادل روان و رشد و تکامل انسانی، بیش از پیش احساس می‌شود. (باقری، ۱۳۷۴)

امروز روانشناسان با رویکردهای مختلف شناختی، رفتاری، اجتماعی و ... به موضوع سلامت و بهداشت روان پرداخته‌اند. البته با توجه به تمرکز این رویکردها بر یکی از جنبه‌های وجود فرد و دیدگاه‌های جزم‌اندیشانه و عنصرگرایانه آن‌ها، می‌توان گفت هر یک از این دیدگاه‌ها با محدودیت‌هایی مواجه هستند؛ از این رو داشتن نگرش چندجانبه نسبت به موضوع سلامت شخصیت فرد، تعبیر صحیح‌تری را درباره‌ی موضوع یادشده، ایجاد می‌کند. برای مثال، تمرکز بر بُعد معنوی و اخلاقی در انسان، به عنوان یکی از ابعاد سازنده وجود فرد، می‌تواند فرصت سلامت، رشد و تکامل را برای او فراهم کند. لازم به ذکر است در روانشناسی امروز نیز، ضرورت توجه به بُعد فرامادی احساس شده و در بسیاری از نظریه‌های شخصیت به ابعاد معنوی وجود انسان، به عنوان یکی از ویژگی‌های مؤثر در سلامت روان و شخصیت او اشاره شده است. (غلامی، ۱۳۹۳)

اهمیت و نقش معنویت در سلامت شخصیت انسان، در نظریه‌های برخی روانشناسان از جمله آلپورت، راجرز، فروم، یونگ، مازلو، ویکتور، سلیگمن و پرلز مورد تاکید قرار گرفته است. گرچه این نظریه‌ها در توصیف و تبیین در قیاس با برخی نظریه‌های دیگر شخصیت که نگاه تک بُعدی به موضوع سلامت شخصیت دارند، دیدگاه جامع‌تری را ارائه می‌دهند.

در دین مبین اسلام به هر دو جنبه‌ی وجودی انسان به طور کامل پرداخته شده است و در قالب‌های متفاوت به انسان ارائه شده که یکی از آن قالب‌ها، دعا است. کتاب صحیفه‌سجادیه یکی از این منابع با ارزش در این زمینه و سرشار از معارف اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و ... است که انسان با شناخت این معارف، می‌تواند نقشه راه خود را پیدا کند. صحیفه‌سجادیه مبدع نوعی انسان‌شناسی است که در آن، انسان لحظه‌ای از دایره فیض و عنایت الهی خارج نمی‌شود (مرزوقی، ۱۳۸۴).

در این مقاله تلاش شده است با وجود نگارش آثاری مانند «انسان کامل از دیدگاه روانشناسی و صدرالمتألهین» نوشته علی زینتی (۱۳۷۹) و «ساخت مقیاس ویژگی‌های شخصیت انسان کامل بر اساس آراء و نظرات علامه محمد تقی جعفری» اثر مریم طهماسبی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی مستقل، ویژگی‌های انسان سالم از نگاه روانشناسی غربی و دین اسلام با تأکید بر دعاها، پر بار صحیفه‌سجادیه بیان شود.

۱. دیدگاه‌های روانشناسی درباره‌ی انسان با شخصیت سالم

ابتدا مناسب است به بررسی دیدگاه‌های روانشناسی غربی و اسلامی درباره‌ی انسان با شخصیت سالم

پرداخته شود. از نظر آلپورت^۱، پدر روانشناسی شخصیت، رسالت روانشناسی تنها پرداختن به مشکلات و بیماری‌های روانی نیست، بلکه روانشناس باید بر موضوع شخصیت سالم نیز متمرکز شود. از نظر این روانشناس آمریکایی، شخصیت سازمانی درونی، پویا و متشکل از نظام‌های روانی- جسمانی است که دلالت بر خصوصیات رفتاری و فکری فرد دارد. او شخصیت سالم را «انسان بالغ یا پخته و رسیده» می‌خواند و برای توصیف او به ویژگی‌هایی چون موارد زیر اشاره می‌کند: گسترش مفهوم خود و ارتباط صمیمانه با خود؛ امنیت عاطفی؛ ادراک واقع‌بینانه؛ مهارت و توانایی انجام وظایف؛ عینیت بخشیدن به خود؛ فلسفه یگانه سازندگی (اسفندیاری، ۱۳۴۸). به اعتقاد وی، این ویژگی‌ها مرتبط به هم هستند و به شکل تعاملی بر تکامل فرد تاثیر می‌گذارند. در ادامه به توضیحاتی پیرامون ویژگی‌های انسان پخته و کامل از دیدگاه آلپورت، می‌پردازیم:

یک. گسترش مفهوم خود^۲

زندگی هر انسانی، متشکل از عوامل درونی و بیرونی است و هر فردی تمایل دارد به منظور مراقبت از خویش، به مسائل و موضوعات مهم خود پردازد تا هم از خود مراقبت کند و هم به رفاه و راحتی برسد؛ بنابراین گسترش مفهوم خود، اشاره به درگیری و مشغولیت فرد در موضوعات مهم خارج از خویشتن خویش دارد که بخشی از نیرو و وقت خود را صرف آن می‌کند و این همان چیزی است که آلپورت آن را «درگیری اصیل و صادقانه» می‌نامد. از نظر آلپورت، یکی از ویژگی‌های انسان بالغ یا پخته، توانایی گسترش مفهوم خود و درگیری اصیل و صادقانه با عوامل بیرونی خارج از وجود خود، جهت دستیابی به بلوغ و پختگی است. (انصاری و همکاران، ۱۳۹۴)

دو. ارتباط صمیمانه خود با دیگران^۳

از نظر آلپورت، یکی دیگر از ویژگی‌های فرد بالغ و پخته، توانایی برقراری ارتباط صمیمانه با دیگران است. این نوع ارتباط هم نزدیکی و هم همدردی را شامل می‌شود که در نزدیکی، فرد صمیمیت و عشق بیقید و شرط را در ارتباط با نزدیکان، خویشاوندان و دوستان صمیمی خود، تجربه می‌کند و همدردی به توانایی درک موقعیت اساسی انسان و احساس قرابت و نزدیکی او با تمام انسان‌ها اشاره دارد؛ بنابراین از نظر آلپورت، انسان بالغ هم در روابط با نزدیکان احساس نزدیکی، عشق و صمیمیت دارد و هم نسبت به همه‌ی انسان‌ها احساس همدردی می‌کند. (الیاسی، ۱۳۸۸)

1. Allport

2. Extension of the self.

3. Warm relating of self to others.

سه. امنیت عاطفی^۱

طبق دیدگاه آلپورت، فرد بالغ از امنیت عاطفی برخوردار و دارای آرامش روانی است. چنین فردی هم عواطف خود را قبول دارد و هم قادر به مدیریت آن‌ها است؛ بدین معنا که او عواطف خود را تجربه، ابراز، هدایت و مدیریت کرده، با خود، درگیری عاطفی ندارد، ضعف‌ها و شکسته‌ایش سبب یأس و توقف او نمی‌شوند و نقاط مثبتش باعث غرورش نمی‌شوند (جان بزرگی، ۱۳۸۶).

چهار. ادراک واقع‌بینانه^۲

به عقیده آلپورت، فرد بالغ، فهم و درک واقع‌بینانه‌ای نسبت به خود و نقاط قوت و ضعفش دارد. این درک واقع‌بینانه نسبت به خود، حاصل ارتباط بین خود واقعی و خود آرمانی او است. چنین فردی به دلیل ارزیابی واقعی از خود و دیگران با دیگران ارتباطات خوبی دارد، در روابطش با دیگران از تعادل و انعطاف برخوردار بوده و طوری رفتار می‌کند که نه خشک و جدی است و نه دیگران را به تمسخر می‌گیرد. از نظر آلپورت چنین فردی از بلوغ و پختگی شخصیت برخوردار است. (میردریگوندی، ۱۳۸۹)

پنج. هوش کارکردی^۳

هوش کارکردی به هوش، استعداد و توانایی فرد در انجام اعمال، وظایف و حل مسائل روزمره زندگی اشاره دارد. به اعتقاد آلپورت، سطح هوش انسان اهمیت چندانی ندارد و آنچه که مهم است چگونگی استفاده و بکارگیری هوش است. طبق دیدگاه آلپورت، هوش فرد، زمانی از کارکرد خوبی برخوردار است که با برخورداری از ذهنی شفاف، روشن و با درک و شناخت درست از موقعیت و واقعیت به حل مسائل زندگی روزمره و انجام وظایفش بپردازد. در این صورت می‌توان گفت که چنین فردی از یکی دیگر از معیارهای پختگی برخوردار است. (حمیدی‌پور و رجیبی‌پور، ۱۳۹۷)

شش. فلسفه یگانه‌سازندگی^۴

از نظر آلپورت، وحدت و یکپارچگی شخصیت در زندگی، آخرین و مهم‌ترین معیار شخصیت انسان پخته و کامل است. او، شخصیت را یک نظام واحد روانی- جسمانی می‌داند که از طریق آن، با دنیای خویش ارتباط برقرار می‌کند. در واقع، این نظام کلی از دوزیر نظام روانشناختی و جسمانی تشکیل شده است که به شیوه‌ای واحد و یکپارچه عمل می‌کنند؛ بنابراین، این زیر نظام‌ها باید در یک نظم یکپارچه و با هماهنگی خاصی کار کنند تا نظام شخصیت، بتواند عملکردی متعادل داشته باشد. فلسفه‌ی یکپارچگی و وحدت، اشاره به نظام

1. Emotional Security.
2. Self- insight
3. Functional Intelligence
4. Unifying Philosophy

ارزشی کلی دارد که به زندگی فرد معنا می‌بخشد. آلپورت این نظام ارزشی کلی را متشکل از شش نظام ارزشی علم و دانش، سیاسی (قدرت و سلطه)، زیبایی‌شناختی (هنر)، اقتصادی (پول و ثروت)، اجتماعی (شهرت و محبوبیت) و دینی می‌داند. به اعتقاد او غیر از این نظام‌های ارزشی کلی و اساسی، نظام ارزش دیگری وجود ندارد و تمام انسان‌های دنیا از این شش نظام استفاده می‌کند. (شولتز و شولتز، ۱۳۹۹)

در نظام ارزشی علم و دانش، فرد به بُعد نظری و نه جنبه‌ی عملی آن، اهمیت می‌دهد و بدون توجه به جنبه‌های کاربردی و عملی علم، تشنه کسب علم و دانش از طریق خواندن است. در نظام ارزشی سیاسی، قدرت و سیاست برای فرد اهمیت پیدا می‌کند و فرد سعی دارد با یادگیری شیوه‌ها و فنون، خود را در یک موقعیت قدرت سیاسی قرار دهد. نظام ارزشی زیباشناختی در انسان، ریشه در تمایل او به زیبایی دارد و رشد توانایی‌های هنری و پرداختن به اعمال و حرکاتی که زیبایی او را در سطح عمومی و خصوصی افزایش می‌دهد از جمله اهدافی است که در همه انسان‌ها به طور مشترک وجود دارد. در نظام ارزشی اقتصادی، موضوعاتی چون پول و ثروت برای فرد مهم می‌شود تا بدان‌جا که ممکن است اهمیتی بیش از سایر جنبه‌های زندگی از جمله خواب، خوراک، خانواده و ... پیدا کند. در نظام ارزشی اجتماعی، فرد به دیگران، ارتباط دلسوزانه و محبت‌آمیز با آن‌ها، کسب رضایت مردم و کسب وجهه و موقعیت اجتماعی، اهمیت می‌دهد. (علمی، ۱۳۸۸) در نظام ارزشی دینی نیز، فرد ارزش‌های دینی را بالاترین، مقدم‌ترین و ضروری‌ترین ارزش‌ها می‌داند و سعی دارد به گونه‌ای زندگی کند که با باورهای دینی او تناسب و سنخیت داشته باشد. به اعتقاد آلپورت، در حالی که سایر نظام‌های ارزشی به صورت مساوی قادر به یکپارچه‌سازی شخصیت نیستند، نظام ارزش دینی به تنهایی، می‌تواند شخصیت را سازمان داده و به طور کامل و مستمر به آن، وحدت و یکپارچگی ببخشد؛ زیرا دین با همه‌ی ابعاد زندگی انسان در ارتباط بوده و برای این ابعاد، راهنمایی‌های یاری‌رسانی دارد. (افشانی و همکاران، ۱۳۹۳)

در واقع، او دین را احساسی بزرگ و عمده می‌داند که از طریق آن می‌توان به ارزیابی سایر ارزش‌ها پرداخت و به همین دلیل، او دین را با عنوان «احساس بزرگ- عقیده عمده» می‌خواند. استدلال دیگری که آلپورت برای کفایت ارزش‌های دینی به عنوان ارزش‌هایی که به تنهایی، قادر به انسجام و وحدت‌بخشی به شخصیت است، دارد، ماهیت فرامادی آن است که آن را از سایر ارزش‌ها که توسط بشر طراحی و خلق شده‌اند و ماهیتی موقتی دارند، متمایز کرده است. به همین دلایل، سایر ارزش‌ها در مسیر زندگی ممکن است از بین رفته و ارزش‌های دیگر جایگزین آن‌ها شوند، در حالی که نظام ارزشی دینی، منشاء فرامادی داشته و قادر به درک نیازها و خواسته‌های همه جانبه و مادام‌العمر انسان هستند. البته منظور آلپورت از ارزش‌های دینی، باورهای دینی (برعکس باورهای دینی ظاهری و سودجویانه) است که به صورتی زنده و پویا به زندگی فرد جهت می‌بخشند و هیچ‌گاه به صورت عادت در نمی‌آیند. (ولیعخانی و همکاران، ۱۳۹۲)

دیدگاه آلپورت در زمینه‌ی اهمیت ارزش‌های دینی در شکل‌گیری شخصیت پخته و کامل توسط روانشناسانی چون یونگ (Jung)، فرانکل (Frankl) و تیلیک (Tillic)، به عنوان بخش مهمی از سلامت مورد تأیید واقع شده است و نتایج حاصل از مطالعات به عمل آمده توسط ویبی (Wiebe)، فلک (Fleck)، بولت (Bolt)، کرندال (Crandall)، رسمیزوم (Rasmussen)، سودرستروم (Soderstrom) و رایت (Wright) نیز دلالت بر این موضوع دارند که انسان‌هایی که در زندگی دارای گرایش و جهت‌گیری مذهبی باطنی هستند، نسبت به انسان‌هایی که جهت‌گیری مذهبی ظاهری دارند یا به باورهای دینی اعتقادی ندارند، از وحدت، انسجام و یکپارچگی شخصیتی بیش‌تری برخوردار هستند. (اسفندیاری، ۱۳۴۸)

دیدگاه راجرز بر ادراک، دیگر روان‌شناس غربی درباره انسان دارای شخصیت کامل، بر احساس، خودشکوفایی، مفهوم خویش‌شن و تغییرات مداوم شخصیت تکیه دارد و او، انسان دارای شخصیت سالم فردی را با عنوان «انسان با کُنش کامل» می‌خواند که دارای ویژگی‌های آمادگی کسب تجربه، اعتماد به ارگانیزم خود، احساس آزادی و خلاقیت است، در حالی که از نظر او اساسی‌ترین جنبه شخصیت سالم را «زندگی هستی‌دار» تشکیل می‌دهد. (سلطان قرآنی و مصر آبادی، ۱۳۸۶)

در الگوی فروم، انسان کامل، با عنوان «انسان بارور» مورد خطاب قرار گرفته و چنین انسانی را دارای ویژگی‌های جهت‌گیری بارور، تفکر بارور، عشق بارور، خوشبختی و وجدان اخلاقی، است. (شاملو، ۱۳۸۲)

مازلو نیز انسان دارای شخصیت سالم را «انسان خواستار تحقق خود» معرفی کرده که قادر است، توانایی‌های خود را به بالاترین حد خودشکوفایی برساند. از نظر او فردی که از چنین توانایی برخوردار است دارای ویژگی‌های ادراک صحیح واقعیت، پذیرش کل طبیعت دیگران و خود، خودانگیزگی، سادگی و طبیعی بودن، توجه به مسائل بیرون از خود، نیاز به خلوت و استقلال، کُنش مستقل، تازگی مداوم تجربه‌هایترین زندگی، تجربه‌های‌ترین عارفانه یا تجربه‌های‌ترین در اوج، نوع دوستی، روابط متقابل با دیگران، ساختار خوی مردم‌گرا، تمایز بین وسیله و هدف، خیر و شر، حس طنز مهربانانه، آفرینندگی و مقاومت در مقابل فرهنگ‌پذیری، است. (کیانی، ۱۳۹۵)

از دیدگاه یونگ که شخصیت سالم را با عنوان «الگوی فردیت یافته» معرفی می‌کند، انسان فردیت‌یافته فردی است که قادر است بین بخش‌های روح خود و قسمت ناهشیار آن که سایه میان ابعاد مبهم و نامشخص شخصیت او است، وحدت ایجاد کند. از نظر او این وحدت در ابعاد فکری، احساسی، شهودی و عاطفی بروز می‌یابد. چنین فردی دارای ویژگی‌هایی چون: خودشناسی، پذیرش خود، یکپارچگی خود، بیان خود، پذیرش و شکیبایی طبیعت انسان، پذیرش ناشناخته و شخصیت مشترک، است. (جرارد و لندسمن، ۱۳۸۷)

ویکتور فرانکل در رابطه با شخصیت سالم از اصطلاحی به نام لوگوتراپی استفاده می‌کند که به معنای نیاز اساسی انسان به معناییابی در زندگی است. از نظر او، انسان موجودی مسئول و آزاد در قبال شکوفایی

و تحقق ارزش‌ها و معنای وجود خودش است و هر انسانی به سوی تحقق ارزش‌های خود با لذت بردن از خوشی‌ها و زیبایی‌های مطلوب زندگی حرکت می‌کند. به اعتقاد او، اگر فرد این ارزش‌ها را در اختیار نداشته باشد، این خود اوست که به زندگیش معنا می‌بخشد. از دیدگاه فرانکل، وقتی معنایی در زندگی برای فرد بی‌اعتبار می‌شود، او باید معنای جدیدی برای زندگی خود پیدا کند. از دیدگاه فرانکل، انسان سالم، از دو توانایی متعالی و روحانی «از خود فاصله گرفتن» و «از خود فرارفتن» برخوردار است و به تناسب سطح فعالیت بخشیدن به این توانایی‌ها، سالم تلقی می‌شود. از دیدگاه او، انسان سالم فردی است که دارای آزادی و اختیار، خودآگاهی و مسئولیت‌پذیری، ارزش‌مداری (خلاقیت، عشق، رنج)، معناجویی، یکتایی و بی‌همتایی و پاسخگویی به ندای وجدان است. (حسنی بافرانی و آذربایجانی، ۱۳۹۰)

از دیدگاه پرلز، انسان سالم فردی است که در زمان و مکان، یعنی در زمان حال زندگی کند و به جای درگیر شدن با خاطرات گذشته و نگرانی از اتفاقات، با آگاهی از احساسات و ادراکات کنونی خود، بر زمان حال متمرکز می‌شود. (جرارد و لندسمن، ۱۳۸۷)

سلیگمن، بنیان‌گذار روانشناسی مثبت‌نگر با طرح دو نظریه «شادکامی» و «بهبیستی»، به روانشناسان پیشنهاد می‌دهد به جای تمرکز بر امور منفی، مانند مشکلات و بیماری‌های روانی، بر امور مثبتی چون هیجان‌ها، صفات، قابلیت‌ها و بهبودی روانی و راهکار پیشگیری کننده، از جمله خوش‌بینی، متمرکز شوند. در نظریه شادکامی سلیگمن، سه عامل مجذوبیت، هیجان مثبت و معنا، به عنوان عوامل ایجاد کننده نشاط، رضایت از زندگی محسوب می‌شوند. بر اساس نظریه شادکامی، انسان سالم، کسی است که توانایی افزایش شادی در زندگی خود و دیگران را دارد. از طرفی، نظریه بهبودی به عنوان نظریه‌ای کامل‌تر از نظریه شادکامی، پنج عامل هیجان مثبت، مجذوبیت، معنا، روابط مثبت و دستاورد را به عنوان عوامل بهبودی و سلامت مطرح می‌کند؛ زیرا هنگامی که فرد قابلیت‌هایش را به کار می‌گیرد، هیجان مثبت را بیش‌تر تجربه می‌کند، زندگی برایش معنای بهتری پیدا می‌کند، دستاوردهای بیش‌تری کسب کرده و روابط بهتری برقرار می‌کند. (مصطفایی و خاکپور، ۱۳۹۶)

هریک از دیدگاه‌های مطرح شده، از منظر خود به توصیف و تبیین انسان با شخصیت سالم پرداخته و با عناوین مختلف به ویژگی‌های چنین فردی اشاره کرده‌اند. البته در هر یک از این دیدگاه‌ها، کاستی‌هایی وجود دارد و در هیچیک از آن‌ها، الگوی کاملی از انسان با شخصیت سالم، با در نظر گرفتن ابعاد همه جانبه‌ی انسان یا حداقل با در نظر گرفتن اغلب ویژگی‌های فردی، اجتماعی، معنوی و... او، نمی‌توان یافت. نقص موجود در دیدگاه‌های جزم‌اندیشانه تا حدی است که حتی با تلفیق این دیدگاه‌ها هم نمی‌توان الگوی کاملی از انسان با شخصیت سالم را طراحی کرد؛ زیرا هر یک از آن‌ها بر اساس رویکرد و بنیاد نظری خاصی به این موضوع پرداخته‌اند و ویژگی رویکردها و نظریه‌ها، عنصرگرایی آنان است؛ به عنوان مثال، برخی از

این نظریه‌ها، فقط بر یک یا چند مورد از جنبه‌های فردی، اجتماعی، عاطفی یا نگرشی وجود انسان تمرکز کرده‌اند، در حالی که در اغلب دیدگاه‌های فوق، بر یکی از اصلیت‌ترین نیازهای وجود انسان، یعنی نیاز به ارتباط با موضوعی فرامادی و نیرویی برتر، متمرکز نشده است. اگرچه در دیدگاه‌های مازلو، فرانکل، آلپورت و... با عناوین مختلف، به این موضوع اشاراتی شده است، اما ارتباط با نیرویی برتر و پرورش بُعد معنوی و فرامادی انسان، چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

۲. دیدگاه اسلام در مورد انسان سالم

در این بخش، دیدگاه اسلام درباره انسان مطلوب، با شرح اختصاری ویژگی‌های برگرفته از آیات قرآن و سخنان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه مورد بررسی قرار خواهند گرفت و در ادامه بحث، به دیدگاه‌های مطرح شده توسط امام سجاد علیه السلام که در قالب ادعیه در کتاب صحیفه سجاده آمده، پرداخته خواهد شد.

۱-۲. دیدگاه قرآن کریم در مورد انسان سالم

از آنجا که قرآن کریم به تمامی ابعاد و شئون وجودی انسان توجه کرده و او را موجودی دو بعدی (روحانی - جسمانی) معرفی می‌کند، این بخش به روان‌شناسی شخصیت سالم با توجه به سه بُعد وجود آدمی یعنی، گرایش و گروهش، بینش و نگرش و روش و منش بر اساس آموزه‌های قرآن کریم می‌پردازد (ر.ک. ابوترابیان و پرچم، ۱۳۹۱). از دیدگاه قرآن، سیمای انسان کامل با ویژگی‌هایی ترسیم شده است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- تواضع و فروتنی (مانده: ۵۴، فرقان: ۶۳، شعراء: ۲۱۵)؛

- حلم و بردباری در برابر جاهلان (فصلت: ۳۴، فرقان: ۶۳، اعراف: ۱۹۹)؛

- میانه‌روی در انفاق (فرقان: ۶۳ و ۶۷)؛

- یکتاپرستی (فاطر: ۱۵، شوری: ۵۳)؛

- احترام به جان انسان‌ها (فرقان: ۶۸، نساء: ۹۳)؛

- عفت و پاکدامنی (بقره: ۲۷۳، نساء: ۶)؛

- عدم حضور در مجالس گناه (نساء: ۱۴۰، انعام: ۸۸)؛

- نیایش در دل شب (مزمّل: ۷-۶)؛

- داشتن جسم سالم (مانده: ۹۶، نحل، ۱۴).

قرآن کریم، مباحث ارزنده‌های درباره علایم و نشانه‌های بندگان خدا دارد و تصویری گویا از ویژگی‌های انسان کامل نشان داده و نیز نشانه‌هایی را برای بندگان خدا بیان کرده است. به عبارت روشن‌تر، انسانی که از مکتب وحی و تعالیم حیات بخش پیامبران دوری جوید، انسانی عنود، لجاج، ستمگر و خودخواه است، ولی پس از این‌که روح او از سرچشمه وحی سیراب شد، تمام این غرایز

تغییر شکل می‌دهند و در مسیر تکامل او قرار می‌گیرند و در این صورت است که انسان می‌تواند خلیفه خدا در روی زمین شود و بر بسیاری از خلائق برتری پیدا کند. (مرادی و عنافجه، ۱۳۹۰)

از جمله سوره‌هایی که در آن سخن از انسان کامل و ویژگی‌های وی در آن به میان آمده، سوره مبارکه فرقان است که در اینجا مناسب است به آن اشاره شود. در این سوره، از آیه ۶۳ سوره فرقان تا به آخر، بحث‌های ارزنده‌ای درباره بندگان شایسته خدا مطرح شده که بیانگر ویژگی‌های يك انسان کامل است:

۱. «و عباده الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً» (فرقان: ۶۳)؛ ۲. «وإذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً» (فرقان: ۶۳)؛ ۳. «والذين يبيتون لربهم سجداً و قياماً» (فرقان: ۶۴)؛ ۴. «والذين يقولون ربنا اصرف عنا عذاب جهنم إن عذابها كان غراماً - إنها ساءت مستقراً و مقاماً» (فرقان: ۶۵ و ۶۶)؛ ۵. «والذين لا يدعون مع الله إلهاً آخر» (فرقان: ۶۸)؛ ۷. «ولا يقتلون النفس التي حرم الله إلا بالحق» (فرقان: ۶۸)؛ ۸. «ولا يزنون و من يفعل ذلك يلق أثاماً» (فرقان: ۶۸)؛ ۹. «و من تاب و من عمل صالحاً فإنه يتوب إلى الله متاباً» (فرقان: ۷۱)؛ ۱۰. «والذين لا يشهدون الزور» (فرقان: ۷۲)؛ ۱۱. «وإذا مروا باللغو مروا كراماً» (فرقان: ۷۲)؛ ۱۲. «والذين إذا ذكروا بآيات ربهم لم يخروا عليها صماً و عمياناً» (فرقان: ۷۳)؛ ۱۳. «والذين يقولون ربنا هب لنا من أزواجنا و ذرياتنا قره أعین» (فرقان: ۷۴). صفات اخلاقی و فضایی که در این آیات برای بندگان خدا بیان شده، در واقع مراحل گوناگون انسان کامل را نشان می‌دهد که مستعد رسیدن به مرتبه خلیفه الله است.

۲-۲. دیدگاه نهج البلاغه در مورد انسان سالم

از دیدگاه نهج البلاغه، کسی انسان کامل به شمار می‌رود که نسبت به همه ارزش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی توجه داشته باشد و سعی و تلاش فراوان در جهت تقویت آن‌ها، به خرج دهد و روز و شب، از یاد خدا و شکرگزاری از نعمت‌های بی‌کرانش غفلت نورد.

امام علی (ع) در نهج البلاغه، انسان مطلوب را با ویژگی‌های فرد پارسا و متقی توصیف می‌کند و او را دارای ویژگی‌های خاصی از جمله، پرهیزگاری، رضا به تقدیر، خلوت‌گرایی، تفکر، انس با طبیعت، سکوت، بخشش و خدمت به خلق، دوری از شعار و خودنمایی و پرهیز از خشونت می‌داند. همچنین فرد پارسا و انسان کامل، اهل مناجات و عبادت است، نسبت به دیگران و جامعه احساس مسئولیت می‌کند و با مخالفان عقیدتی خود مرزبندی مشخص و معینی دارد. (رهنمایی، ۱۳۹۷)

حضرت علی (ع) پرهیزکاران را به عنوان برجسته‌ترین انسان‌های کامل (ر.ک. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳) و با ویژگی‌های دیگری از جمله این موارد معرفی می‌کند: توجه به ارزش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی و سعی در تقویت آن‌ها، یاد خدا و شکرگزاری نعمتهایش، نیرومند، نرم‌خو و دوراندیش در دینداری، مؤمن سرشار از یقین، حریص در کسب دانش، عالم بردبار، توانگر میانه‌رو، عابد فروتن، آراستگی در حین تهی‌دستی،

بُردباری در سختی‌ها، به دنبال کسب حلال، شادمان در راه هدایت، دوری از حرص و آز، انجام اعمال نیکو، ترس از غفلت، شادمان از فضل و رحمت الهی، بصیرت و آگاهی، حرکت در مسیر هدایت، مناجات‌های شبانه، ترس از خدا، پرهیزگار، استفاده از فرصت‌ها، روابط اجتماعی خداپسندانه، خودسازی، یاد خدا و آخرت، حساب‌رسی اعمال، شایستگی در اخلاق فردی، خانوادگی، اجتماعی، دینی، خودشناسی و تقوا. (کریم خانی، ۱۳۸۴)

امیرمؤمنان علی علیه السلام در توضیح ویژگی‌های انسان کامل در قالب شرح حال یکی از برادران دینپیشان می‌فرماید: «در گذشته، برادری دینی داشتم که در چشم من بزرگ مقدار بود؛ چون دنیای حرام در چشم او بی ارزش می‌نمود و از شکم‌بارگی دور بود، پس آنچه را نمی‌یافت، آرزو نمی‌کرد و آنچه را می‌یافت زیاده‌روی نداشت. در پیش تر عمرش ساکت بود؛ اما گاهی که لب به سخن می‌گشود، بر دیگر سخنوران برتری داشت و تشنگی پرسش‌کنندگان را فرو می‌نشاند. به ظاهر، ناتوان و مستضعف می‌نمود؛ اما در برخورد جدی، چونان شیر بیشه می‌خروشد، یا چون مار بیابانی، به حرکت در می‌آمد. آنچه عمل می‌کرد، می‌گفت و بدانچه عمل نمی‌کرد چیزی نمی‌گفت. پس بر شما باد روی آوردن به این‌گونه از ارزش‌های اخلاقی و رقابت با یکدیگر در کسب آن‌ها». (نهج البلاغه، حکمت ۲۸۹)

از دیدگاه نهج البلاغه کسی انسان کامل به شمار می‌رود که نسبت به همه ارزش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی توجه داشته باد و سعی و تلاش فراوان در جهت تقویت آن‌ها، به خرج دهد و روز و شب، از یاد خدا و شکرگزاری از نعمت‌های بیکرانش غفلت نوزد. آن حضرت در خطبه همام نهج البلاغه در توصیف پرهیزکاران که برجسته‌ترین نمونه انسان‌های کامل اند، می‌فرماید:

«از نشانه‌های پرهیزکاران این است که او را این گونه می‌بینی: در دین‌داری نیرومند، نرم خو و دوراندیش است؛ دارای ایمانی سرشار از یقین؛ حریص در کسب دانش؛ با داشتن علم، بردبار؛ در توانگری، میانه رو؛ در عبادت، فروتن؛ در تهی دستی، آراسته؛ در سختی‌ها بردبار؛ در جستجوی کسب حلال؛ در راه هدایت، شادمان و از آزمندی به دور است. اعمال نیکو انجام می‌دهد و ترسان است. روز را به شب می‌رساند، با سپاسگزاری و شب را به روز می‌آورد، با یاد خدا شب می‌خوابد، اما ترسان و برمی‌خیزد شادمان؛ ترس برای اینکه دچار غفلت نشود و شادمانی برای فضل و رحمتی که به او رسیده است». (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)

۳-۲. بررسی تطبیقی دیدگاه آلپورت و امام سجاد علیه السلام در مورد انسان سالم

در تمام دعا‌های مأثوره پیامبران و اولیای الهی، علاوه بر تجلی رابطه عاشقانه بندگان با معبود، نکات آموزنده و معرفتی دیگری نیز وجود دارد که با عبور از لایه نخست این دعاها به آن نکات عالی و عمیق دست می‌یابیم. صحیفه سجادیه و ادعیه امام سجاد علیه السلام، به سبب موقعیت تاریخی و وضعیت خفقان آمیز سیاسی

زمان آن حضرت از نظر چند لایه‌ای بودن منحصر به فرد است؛ زیرا برای آن امام علیه السلام زمینه‌ای مناسب برای تبلیغ معارف اصیل دینی وجود نداشت و مردم از ترس حاکمیت جور نه فقط در پی آموختن، حفظ و انتقال دیدگاه‌های آن بزرگوار نبودند، بلکه از هر گونه ارتباط با آن حضرت پرهیز می‌کردند. به همین دلیل امام سجاد علیه السلام بسیاری از آموزه‌های اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و سایر معارف دینی را با زبان دعا و در مقام راز و نیاز با معبود خویش ابراز می‌نمودند. (ر.ک. خاکسار، ۱۳۷۴) در بخشی از این صحیفه به نام مکارم اخلاقی، با ویژگی‌هایی از انسان مطلوب مواجهه می‌شویم که می‌توان آن را در سه مقوله ارتباط با خدا، زندگی فردی و زندگی اجتماعی مورد بررسی قرار داد.

در فراز سوم دعای مکارم الاخلاق، حضرت سجاد علیه السلام، یکی از راه‌های رشد انسان را از خود فراتر رفتن و خدمت به خلق دانسته شده است. به نظر می‌رسد که نگرش آل‌پیوت در زمینه گسترش نفس، ناظر به این بیان امام سجاد علیه السلام است که می‌فرماید: «أَجْرٌ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِي الْخَيْرِ وَ لَا تَمَحَّهٖ بِالْمَنِّ، وَ هَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ، وَ اعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ؛ کارهای خیر برای مردم را بدست من اجرا کن و کار خیرم را با منت گذاردن ضایع و نابود نکن و مرا به بالاترین زیورها و ارزش‌های اخلاق، آراسته کن و مرا از فخر مصون دار». (علی بن حسین، ۱۳۷۶، ص ۹۳)

توازن و تعادل ظاهری و باطنی که حضرت سجاد علیه السلام از حضرت حق می‌طلبد، عامل سعادت و خیر دنیا و آخرت و موجب رسیدن فیض الهی به انسان است. با این توازن، انسان نسبت به حق پایدار و ثابت می‌ماند و نسبت به خلق، عاشقانه در مقام خدمت و یاری برمی‌آید. همچنین، کرامت و شخصیت انسان همچون گل در گلستان شکوفا می‌شود و هرگونه خیری از دست او برای نجات مردم از مشکلات بروز می‌کند. (انصاریان، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۲۹۰)

یکی از راه‌های به کمال رسیدن، زندگی در جامعه سالم و متحد است. این امام همام در کتاب سرشار از معارف خود به فضیلت برقراری ارتباط با مردم و شیوه‌ی صحیح آن اشاره کرده است و در فراز ۱۱ دعای مکارم الاخلاق می‌فرماید:

حَلْبِي بِحَلِيَّةِ الصَّالِحِينَ، وَ أَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَ كَظْمِ الْغَيْظِ، وَ إِطْفَاءِ النَّارِ، وَ ضَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ، وَ إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَ إِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَ سَتْرِ الْعَائِبَةِ، وَ لِينِ الْعَرِيكَةِ، وَ حَنْضِ الْجَنَاحِ، وَ حُسْنِ السَّيْرِ، وَ سَكُونِ الرِّيحِ، وَ طِيبِ الْمُحَالَقَةِ، وَ السَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَ إِثَارِ التَّفَضُّلِ، وَ تَرْكِ التَّعْيِيرِ، وَ الْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ، وَ الْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَ إِنْ عَزَّ، وَ اسْتِقْلَالِ الْخَيْرِ وَ إِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ اسْتِكْتَارِ الشَّرِّ وَ إِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ أَكْمِلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَ لُرُومِ الْجَمَاعَةِ، وَ رَفُضِ أَهْلِ الْبِدْعِ، وَ مُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ؛ (علی بن حسین، ۱۳۷۶، ص ۹۷-۹۶)؛

مرا به زینت صالحان آراسته فرما و زیور پرهیزکاران را به من ببوشان تا در گستردن عدل و فرو نشانندن

خشم و خاموش کردن آتش کینه و پیوند دل‌های پراکنده و اصلاح و آشتی برقرار کردن میان مردم و فاش کردن نیکی‌ها و پوشاندن زشتی‌ها و عیب‌ها، و نرم‌خویی و تواضع و خوش‌سیرتی و استوار گامی و معاشرت نیک، پیشتازی به سوی نیکی‌ها و برگزیدن احسان و تفضل و ترک سرزنش و ترک همکاری با ناهلان و به حق سخن گفتن هر چند که سخت باشد، کم دانستن نیکی در گفتار و کردار هر چند که بسیار باشد و زیاد شمردن بدی در گفتار و کردار هر چند که کم باشد، شایسته‌ی زیبایی و آراستگی صالحان گردم و همه‌ی این‌ها را که با اطاعت مداوم و همراهی با جماعت و رها کردن بدعت‌گزاران و آنان که رأی و نظر اختراع شده بکار گیرند، کامل بفرما.

همان‌طور که در این فراز دعا مشاهده می‌شود، حضرت با بیان فصیح و شیوا، راه صحیح زندگی کردن را به ما می‌آموزد و شرایط رشد و کمال را برای ما روشن می‌کند. در منابع دیگر دین اسلام نیز به حسن معاشرت و فواید آن اشاره شده است که در ادامه به ذکر چند مورد از آن‌ها بسنده می‌کنیم:

- ارزش معاشرت با همگان:

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِذَى الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجُنُبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَأَيُّبٌ مِّنْ كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا (نساء: ۳۶)؛

و خدا را بپرستید و چیزی را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه‌ی نزدیک و همسایه‌ی دور و همنشینان و همراهان و در راه ماندگان و بردگان نیکی کنید؛ یقیناً خدا کسی را که متکبر و خودستاست، دوست ندارد.

حضرت باقر^ع از امیر المؤمنین^ع، روایت می‌کند که به دسته‌ی یکی از شمشیرهای رسول خدا^ص سه جمله نوشته بود: صله رحم کن با آن‌که با تو قطع رابطه کرده، حق بگو، گرچه به ضرر خودت باشد و نیکی کن به کسی که با تو بدی کرده است. (ر.ک. انصاریان، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۳۷۳)

امام صادق^ع نیز فرموده است: سه چیز است که هرکس با یکی از آن‌ها همراه باشد، خداوند بهشت را بر او واجب می‌گرداند. اتفاق به وقت تنگدستی، گشاده رویی با تمام مردم جهان و از جانب خود به دیگران انصاف دادن. (همان، ص ۳۷۷) همچنین از ایشان نقل شده است: «حسن معاشرت با خلقان در غیر معصیت، از زیادتی توجّه و فضل الهی است بر بنده‌ی خود، و هر که در خفیّه به خدای خود خاضع و خاشع است، البتّه سلوکش با مردم در علانیه نیکو است، و اگر خلق کسی با مردم در علانیه بد است، خوف الهی‌اش در خفیّه کم است». (شهید ثانی، ۱۳۷۷، ص ۲۹۱)

باتوجه به بحث آپورت در مورد ویژگی انسان سالم و مورد دوم آن، یعنی ارتباط صمیمی با افراد و گفته‌های

پر بار صحیفه سجادیه، به نظر می‌رسد که این بُعد از نگرش آلپورت نیز ناظر به بیان امام سجاد (ع) است.

حضرت در فرازهای مختلف دعای مکارم الاخلاق درباره‌ی آرامش هیجانی که آلپورت از آن به عنوان سومین ملاک انسان سالم، نام برد نیز سخن به میان آورده است. در دین اسلام همه چیز برای خداست و انسان زمانی به آرامش می‌رسد که بداند خداوند از او راضی است و حامی اوست. حضرت در فراز دوم دعای مکارم الاخلاق می‌فرماید: «اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِي إِنْ حَزِنْتُ، وَأَنْتَ مُتَّجِعِي إِنْ حُرِمْتُ، وَ بِكَ اسْتِعَاثَتِي إِنْ كُرِهْتُ». (علی بن حسین، ۱۳۷۶، ص ۹۸)؛ پروردگارا، آنگاه که اندوهناک شوم، تو مایه‌ی سامان و خشنودی منی و آنگاه که محروم و نومیدگردم، فریادرس و امیدم تویی و آنگاه که گرفتاری به من رو آورد، فریاد رسم تویی. همچنین در دعای هفتم صحیفه سجادیه می‌فرماید: «يَا مَنْ تُحَلُّ بِهٖ عَقْدُ الْمَكَارِهِ، وَ يَا مَنْ يُفْتَأُ بِهٖ حُدُّ الشَّدَائِدِ، وَ يَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ، ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ، وَ تَسَبَّتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ» (علی بن الحسین، ۱۳۷۶، ص ۵۲ و ۵۴)؛ ای آن‌که گره هر سختی بدست او گشوده شود و ای آن‌که تندی سختی‌ها بدست او می‌شکند، ای آن‌که راه بیرون شدن از تنگی و رفتن به سوی آسایش از او خواسته شود، دشواری‌ها به لطف تو آسان گردد و اسباب هرکاری به لطف تو سبب شوند.

رنج‌ها و سختی‌ها و دردها، پله‌های نردبان ترقی و رشد و تکامل هستند. برخورد انسان، اگر با مصایب، مکاره‌ها، سختی‌ها و دردها، هماهنگ با دستوره‌های حضرت حق باشد، سعادت همه جانبه‌ی انسان در پرتو آن تضمین می‌شود. جهان از خداست، انسان از خداست، پرونده‌ی هر موجودی از خداست، حرکات منظم تمام موجودات از خداست و صحنه‌ی پهناور آفرینش از خداست، این انسان است که باید این واقعیت‌ها را با عمق قلب خود لمس کند تا تحمل مشکلات و سختی‌ها که کلید حلش به دست خداست بر او آسان شود و از آزمایش الهی سربلند بیرون آمده و به مقام قرب و توحید صفاتی و افعالی و ذاتی برسد و به سبب هموار کردن سختی‌ها به مقامات عالی‌ی ملکوتی نایل شود (انصاریان، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۱۶۰). چشیدن حقیقت توحید، آدمی را برای برخورد صحیح با مکاره و مشکلات آماده می‌کند و انسان را از این راه به اوج کمال انسانی می‌رساند (همان، ص ۱۶۱). قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «أَلَمْ تُشْرَحْ لَكَ صَدْرُكَ. وَ وَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ. الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ. وَ رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ. فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا. إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشرح: ۱-۶)؛ آیا سینه‌ات را [به نوری از سوی خود] گشاده نکردیم؟ و بار گرانت را فرو نهادیم؟ همان بار گرانی که پشتت را شکست. و آوازه‌ات را برایت بلند نکردیم؟ پس بی‌تردید با دشواری آسانی است. [آری] بی‌تردید با دشواری آسانی است.

چهارمین و پنجمین موضوعی که آلپورت به آن پرداخته است به بیان حضرت درباره واقع‌گرا بودن انسان و شناخت نفس در انسان سالم اشاره می‌کند؛ این‌که انسان بداند در برابر بزرگی خدا هیچ است و برای رشد و تعالی، بهتر است خود را به خدا بسپارد. حضرت در فرازهای بسیاری به این نکته توجه کرده است که ما

به دلیل مجال کم به چند مورد آن اشاره میکنیم. امام علیه السلام در دعای هشتم در فراز ۱ تا ۵ صحیفه می فرمایند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْحَرِصِ، وَ سَوْرَةِ الْغَضَبِ، وَ غَلْبَةِ الْحَسَدِ، وَ ضَعْفِ الصَّبْرِ، وَ قَلَّةِ الْفَنَاءَةِ، وَ شَكَاةِ الْخُلُقِ، وَ الْإِحْحَابِ الشَّهْوَةِ، وَ مَلَكَةِ الْحَمِيَّةِ وَ...» (علی بن حسین، ۱۳۷۶، ص ۵۶)؛ پروردگارا به تو پناه می برم از هیجان حرص و آز و از شدت خشم و چیرگی حسد و سستی صبر و کمی قناعت و بدی اخلاق و افراط در شهوت و ملکه عصبیت (طرفداری از باطل) و (به تو پناه می برم) از پیروی هوس و مخالفت هدایت و خواب غفلت و انجام کارهای سخت و مقدم داشتن باطل بر حق و اصرار کردن بر گناه و کوچک شمردن معصیت و سنگین دانستن طاعت و بندگی و (به تو پناه می برم) از فخر فروشی ثروتمندان و خوار و کوچک شمردن نیازمندان و بدرفتاری با زیردستانمان و ناسپاسی نسبت به کسی که به ما نیکی کرده است. و (به تو پناه می برم) از این که به ستمگری کمک کنیم یا این که ستمیده ای را خوار گردانیم یا آن چه حق ما نیست، بخواهیم یا درباری علم از روی نادانی سخن بگوئیم. و به تو پناه می بریم از این که قصد غش و خیانت به کسی را در سر پیوروانیم و با اعمالمان به عجب و خودپسندی گرفتار شویم و آرزوهایمان را دراز کنیم.

امام علی علیه السلام نیز در این باره می فرمایند: «من لم يعرف نفسه بعد عن سبيل التَّجَاهِ وَ حِطُّ فِي الضَّلَالِ وَ الْجَهَالَاتِ» آنکس که خود را نشناسد از راه سعادت و نجات دور افتاده و به بیراهه گمراهی و نادانی دچار می گردد. (آمدی، بی تا، ص ۷۰۶) از این رو حضرت علی علیه السلام، خودشناسی را بالاترین شناخت و معرفت برای انسان ها و بزرگترین نادانی را عدم آگاهی در مورد نفس خود می داند؛ زیرا این نادانی منتهی به جهل درباره آفریننده ی جهان و از جمله نفس انسانی می شو. (حقانی، ۱۳۸۵، ص ۱۹)

عُجْب در لغت، به معنای خودپسندی، خود برتر بینی، تکبر و از خود راضی بودن است. (ر.ک. ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ذیل ماده «عُجْب»). همین حالت زشت است که گروهی را در جوامع، عزیز بی جهت کرده و نفاق، دوئیّت، بدبینی، جنگ ها و برتری نژاد را بر جامعه انسانی تحمیل می کند. انسان از خود راضی به چیزی و به کسی رحم نمی کند و میل دارد انسان ها در همه ی شؤون به او تعظیم کرده و برده ی او باشند و اگر تسلیم خواسته های وی نشوند به اشد مجازات محکوم می کند. (انصاریان، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۱۴۲)

آخرین ویژگی انسان سالم از نظر آپورت فلسفه وحدت و یکپارچگی شخصیت است که ایشان آن را مهم ترین معیار انسان کامل دانسته و برای این نظام، شش نظام ارزشی بیان کرده است و از بین آن ها بر ارزش دین، تأکید بیش تری داشت. آپورت، ارزش را فرامادی میدانست، اما به درستی نمی توانست آن را توضیح دهد، اما حضرت سجاده علیه السلام در دعای نخست صحیفه به زیبایی به بیان ویژگی ها و صفات توحیدی خداوند پرداخته است و می فرمایند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ، وَ الْآخِرِ بِلَا آخِرٍ يَكُونُ بَعْدَهُ الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ، وَ عَجَزَتْ عَنْ نَعْيِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ. ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا، وَ اخْتَرَهُمْ عَلَى مَشِيئَتِهِ

اخْتِرَاعاً و ... (علی بن حسین، ۱۳۷۶)؛

ستایش از آن خدای اول است که هیچ اولی قبل از او نیست. و مخصوص خدای آخر است که هیچ آخری بعد از او نیست. خدایی که دیدگان هر بیننده‌ای از دیدنش قاصر و اندیشه‌ی هر توصیف کننده‌ای از وصف او عاجز است. جهان آفرینش را با قدرت کامل و مشیت بالغ خویش بی آن که نمونه و الگویی در کار خلق آن وجود داشته باشد، آفرید و ...

حضرت در این بیان، دلیل توحیدی بودن و این که انسان تمام کارهایش را برای خدا انجام دهد را بیان می‌کند تا انسان با آرامش خاطر راه کمال را طی کند. افزون بر مطالبی که یاد شد، در مجموع می‌توان برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان دارای شخصیت کامل در صحیفه سجاده را اینگونه یاد کرد:

۱. خداخواهی: اگر آدمی از تأثیرات پیرامونی خویش مصون بماند، به طور فطری به سوی خداوند یکتا گرایش دارد و به درگاه معبود یگانه سر می‌ساید. امام سجاد^{علیه السلام} در مواردی چند، خداخواهی و توحیدگرایی انسان کامل را با زبان دعا بیان کرده است. گاهی به عنوان حمد و ثنای پروردگار سوز و گداز انسان را نسبت به خالق هستی نشان می‌دهد و گاهی در مقام خواهش و درخواست، این حقیقت را در لباس زیباترین الفاظ بیان می‌دارد. به عنوان مثال امام^{علیه السلام} در اولین دعای صحیفه، پس از حمد و ستایش خداوندی که اولین اول‌ها و آخرین آخرها است، یادآور می‌شود که این الله کسی است که پدیده‌ها و مخلوقات را با قدرت و مشیت خویش آفرید و سپس آنان را در راه اراده و خواست خویشتن روان گردانید و آنان را در راه محبت به خود بر انگیخت و به بیان دیگر آن‌ها را به گونه‌ای فطری خداجو و خدادوست آفرید.

۱. برترین آفریده خداوند: همان‌گونه که در قرآن کریم نیز از انسان به عنوان خلیفه‌الله (بقره/۲۰) و برترین آفریده‌های کردگار هستی یاد شده است و خداوند با آفرینش او به خود تبریک می‌گوید (مؤمنون/۱۴)، امام سجاد^{علیه السلام} هم در ضمن سپاس و ستایش حضرت حق به برتری انسان کامل بر تمام مخلوقات اشاره نموده است: «و سپاس خدای را که نیکویی‌های آفرینش را برای ما برگزید و روزی‌ای پاکیزه را برای ما روان گردانید و با تسلط و توانایی، ما را بر همه آفریدگان برتری داد».

۲. فراتر از ماده: نیازهایی که امام سجاد^{علیه السلام} در دعاهاى مختلف از ایزد منان طلب می‌کند به روشنی نشان می‌دهد که انسان موجودی فراتر از ماده است و زمانی به کمال مخصوص خویش دست می‌یابد که هر دو بعد جسمانی و روحانی او به کمال برسد. خواسته‌ای معنوی بشر که بیانگر وجود فرامادی اوست، نسبت به خواسته‌ها و نیازهای معنوی او از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. برای مثال، امام^{علیه السلام} در فزای از صحیفه از خداوند می‌خواهد تا دل بستگی به دنیای پستی که او را از آن چه در نزد پروردگار است باز می‌دارد و مانع یافتن دست آویزی است که او را به خالق وصل کند، از دلش برکند (ر.ک. صحیفه سجاده، دعای ۴۷)؛ «بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست و دلم را برای محبت و دوستی خویش خالی ساز و

به یاد خود مشغول گردان و به ترس و بیم از خویشتن بلند مرتبه اش فرما و به رغبت به سوی خود توانایش نما...» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۱)

۳. موجودی دو جهانی: امام زین العابدین علیه السلام با تاسی به قرآن کریم، بشر را موجودی دو جهانی معرفی می‌کند که زندگانش محدود به جهان مادی و حیات دنیوی نیست بلکه، مرگ برای او همچون پلی به جهان جاودان قیامت است. در جای جای صحیفه این حقیقت را به تصویر میکشد و نشان می‌دهد که یک انسان کامل و وارسته علاوه بر دغدغه درست زیستن در دنیا، دارای حیاتی جاودان در عالمی دیگر است که هرگز از آن غافل نمی‌گردد: «[خدایا] در روزی که پرده‌ها کنار می‌رود [قیامت] مرا هلاک مگردان» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷). در عین حال که حضرت این خواسته را عرض می‌کند، بلافاصله رفع نیازهای دنیایی خویش را هم از خداوند طلب می‌کند: «و بی‌نیازی (از خلق) و پاکدامنی (از نارواها) و آسایش (در زندگی) و بی‌گزندی و تندرستی و فراخی (در روزی) و آرامش و آسودگی و نداشتن گرفتاری و بدی را برایم فراهم کن». (همان)

۴. دارای اختیار و اراده: همان‌گونه که قرآن انسان را مختار معرفی می‌کند: «ما راه را به او نشان دادیم و این انسان است که با راه شکرگزاری را پیش می‌گیرد و با راه کفران را» (انسان/۳)، امام (ع) هم بشر را موجودی مختار و دارای اراده نشان می‌دهد که مسئول اعمال خویش است:

«بار خدایا من آن بنده توام که پیش از آفرینش و پس از آن او را نعمت دادی، پس او را از کسانی قرار دادی که به دین خود [اسلام] راهنمایی نمودی و برای انجام حق خویش توفیق دادی و او را به ریسمان خود نگاه داشتی و در حزب و گروه خویشتن در آوردی و به دوستداری دوستانت و دشمنی دشمنانت رهبری فرمودی، سپس او را فرمان دادی پس فرمان نبرد و منع نمودی پس باز نایستاد و از معصیت و نافرمانی نهی فرمودی پس خلاف فرمانت نموده و نهیت را مرتکب گشته است» (همان).

عبارت‌های امام سجاد علیه السلام، در خلال ادعیه، انسان را تا حدی مختار معرفی می‌کند که به رغم هدایت‌ها و امر و نهی‌های خداوند، باز هم می‌تواند سرپیچی کند و راه عصیان را در پیش گیرد.

۶. در گرو کردار خویشتن: امام علیه السلام در دعای پنجاه و سوم ضمن اشاره به آثار زیان بار گناه بر انسان، تصریح می‌فرماید که سرنوشت بشر در گرو اعمال وی است و خود او سازنده سعادت یا شقاوت خویش است. هم چنین آن حضرت در جای دیگر زبان حال انسان گناهکار پشیمانی را دارد که می‌فرماید: «بار خدایا ... من به سبب افراط و تجاوز از حد بر خود (در درگاه تو) ذلیل و خوارم، کردارم مرا هلاک ساخته است» (صحیفه سجادیه، دعای ۵۲).

۷. نوع دوستی: یکی از ویژگی‌های انسان کامل، نوع دوستی است که از فطرت او سرچشمه می‌گیرد

و در بخش‌های مختلف صحیفه سجاده به آن اشاره شده است. برای مثال، دعای سی و نهم صحیفه سجاده، در بردارنده بهترین روش‌های مردم دوستی صادقانه است که با زبان نیایش بیان شده است. هم چنین در فرا رسیدن ماه مبارک رمضان، حضرت از خداوند توفیق خدمت به مردم را طلب می‌کند که ریشه در مردم دوستی دارد: «و ما را در آن ماه توفیق ده که با نیکی فراوان و بخشش، به خویشان خود نیکی کنیم، و با احسان و بخشش از همسایگانمان جو یا شویم، و دارایی‌هایمان را از مظالم و آن چه از راه ظلم و ستم به دست آمده است خالص و آراسته نماییم و آن‌ها را با بیرون کردن زکات پاک کنیم» (صحیفه سجاده، دعای ۴۴). امام زین العابدین علیه السلام در این دعای شریف هم به مراتب مردم دوستی و هم به شیوه‌های گوناگون عمل کردن به آن اشاره فرموده است و این‌گونه ویژگی‌های انسان دارای شخصیت کامل را توصیف نموده است.

نتیجه‌گیری

دیدگاه‌های مطرح شده در روانشناسی غرب از منظر خود به توصیف و تبیین انسان با شخصیت سالم پرداخته و با عناوین مختلف به ویژگی‌های چنین فردی اشاره کرده‌اند. البته در هریک از این دیدگاه‌ها، کاستی‌هایی وجود دارد و در هیچ‌یک از آن‌ها، الگوی کاملی از انسان با شخصیت سالم، با در نظر گرفتن ابعاد همه جانبه‌ی انسان یا حداقل با در نظر گرفتن اغلب ویژگی‌های فردی، اجتماعی، معنوی و ... او، نمی‌توان یافت. آلپورت، شخصیت سالم را «انسان بالغ یا پخته و رسیده» می‌خواند و برای توصیف او به ویژگی‌هایی چون، گسترش مفهوم خود و ارتباط صمیمانه با خود، امنیت عاطفی، ادراک واقع‌بینانه، مهارت و توانایی انجام وظایف، عینیت بخشیدن به خود، فلسفه یگانه سازندگی اشاره می‌کند. در برابر دیدگاه روانشناسان و اندیشمندان غربی، از دیدگاه قرآن کریم، سیمای انسان کامل با ویژگی‌هایی چون تواضع و فروتنی، حلم و بردباری در برابر جاهلان، میانه‌روی در انفاق، یکتاپرستی، احترام به جان انسان‌ها، عفت و پاکدامنی، عدم حضور در مجالس گناه، نیایش در دل شب و داشتن جسم سالم، آمیخته است. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، پرهیزکاران را به عنوان برجسته‌ترین نمونه انسان‌های کامل معرفی می‌کند که دارای فضایل اخلاقی بسیاری هستند. در کتاب صحیفه سجادیه امام سجاد علیه السلام، در بخشی از ادعیه به نام مکارم اخلاقی، ویژگی‌هایی انسان مطلوب در سه مقوله ارتباط با خدا، زندگی فردی و زندگی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. حضرت سجاد علیه السلام، یکی از راه‌های رشد انسان را از خود گذشتگی و خدمت به خلق می‌داند. همچنین بیان می‌کند که رسیدن به کمال مستلزم زندگی در جامعه سالم و متحد است. حضرت در فرازهای مختلف دعای مکارم الاخلاق درباره‌ی آرامش هیجانی که دیدگاه‌های روانشناسان غربی ذکر شده، معتقد است که همه چیز برای خداست و انسان زمانی به آرامش میرسد که بداند خداوند از او راضی است و حامی اوست. آن حضرت درباره‌ی واقع‌گرا بودن انسان و شناخت نفس می‌فرماید، این‌که انسان بداند در برابر بزرگی خدا هیچ است و برای رشد و تعالی، بهتر است خود را به خدا بسپارد. اما آخرین ویژگی انسان سالم، فلسفه وحدت و یکپارچگی شخصیت است که ایشان آن را مهم‌ترین معیار انسان کامل دانسته و به زیبایی به بیان ویژگی‌ها و صفات توحیدی خداوند پرداخته است.

نتیجه بررسی دیدگاه‌های غربی با اسلامی درباره شخصیت انسان سالم و کامل نشان می‌دهد که در دیدگاه‌های روانشناسی غربی، خلایی در ارایه الگویی مناسب از انسان با شخصیت سالم و کامل وجود دارد؛ زیرا در تمام این دیدگاه تنها با تمرکز بر بخشی از ویژگی‌های انسان و بدون در نظر گرفتن ابعاد همه جانبه وجود او به بیان این ویژگی‌ها پرداخته شده است؛ در حالی‌که در دیدگاه‌های اسلامی و صحیفه سجادیه امام سجاد علیه السلام، این محدودیت تا حد زیادی رفع و با نگرشی کل نگر و با در نظر گرفتن بیش‌تر ویژگی‌های فردی- اجتماعی فرد به بیان مشخصات انسان سالم و کامل پرداخته شده است.

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ سیزدهم، قم، مشهور، ۱۳۸۰ ش.
- صحیفه سجادیه، ترجمه اسدالله مبشری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۰.
- ابوترابیان، مستانه، پرچم اعظم، «ویژگی های انسان کامل از دیدگاه قرآن»، ششمین همایش پژوهش های قرآنی، ۱۳۹۱.
- اسفندیاری، حسن. اخلاق محتشمی، چاپ دوم، تهران، انتشارات حسینیه ارشاد، ۱۳۴۸.
- افشانی، سیدعلیرضا؛ ممینی، سجاد؛ خرم پور، یاسین، «بررسی رابطه ی دینداری و خود شکوفایی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه یزد)». فصلنامه ی مطالعات توسعه ی اجتماعی- فرهنگی، ۱۳(۱)، ۵۲-۲۹، ۱۳۹۳.
- الیاسی، محمد حسین، «سنجش ویژگی های شخصیتی مدیران و بررسی رابطه آن با عملکرد شغلی، نشاط و انگیزش آنان»، فصلنامه نظارت و بازرسی، سال سوم، شماره ۱۰، ۸۸-۶۷.
- انصاری، منوچهر، جان علی زاده شوکی، محمد، کرباسیان، مجید، «بررسی میان ویژگی های شخصیتی و احتمال بروز رفتارهای ناکارآمد شغلی با استفاده از مدل پنج عاملی شخصیت»، فرآیند مدیریت توسعه، ۲۸(۳)، ۱۳۹۴.
- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۴.
- حسنی بافرانی، طلعت. «انسان سالم و ویژگی های آن از دیدگاه ویکتور فرانکل»، مجله روانشناسی و دین، شماره ۱۴، ۱۴۴-۱۱۳، ۱۳۹۰.
- جان بزرگی، مسعود. «جهت گیری مذهبی و سلامت روان، پژوهش در پزشکی»، مجله پژوهشی دانشکده پزشکی، دوره ۳۱، شماره ۴، ۳۵۰-۳۴۵، ۱۳۸۶.
- حمیدی پور، رحیم؛ رجبی پور، فاطمه، «پیش بینی احساس امنیت اجتماعی براساس هویت اجتماعی، هوش فرهنگی و معنویت»، پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۷(۱)، ۱۳۹۷.
- خاکسار، منصور، فرهنگ صحیفه سجادیه، کرمانشاه: انتشارات طاق بستان، ۱۳۷۴.
- رهنما، اکبر، «سیمای ویژگی های انسان مطلوب از دیدگاه تربیتی اسلام»، تربیت اسلامی، سال اول (۱)، ۱۰۹-۱۲۴، ۱۳۸۴.
- رهنمایی، حسین. «مقایسه «انسان اخلاقی مطلوب» در اسلام و تائوئیسم با تأکید بر «نهج البلاغه» و «تائو ته چینگ»، معرفت ادیان، سال دهم، شماره ۱، ۱۳۹۷.
- سلطان قرآنی، خلیل؛ مصرآبادی، جواد، «بررسی تطبیقی دیدگاه اسلام و کارل راجرز نسبت به

- ماهیت و کمال انسانی»، تربیت اسلامی، ۲ (۴). ۶۱-۴۱، ۱۳۸۶.
- شاملو، سعید، مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت، چاپ هفتم، تهران: رشد، ۱۳۸۲.
- شولتز، دوآن و شولتز، سیدنی آلن، روان‌شناسی شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، ویرایش، ۱۳۹۹.
- علمی، محمود. «گرایش‌ها و اولویت‌های ارزشی دانشجویان و رابطه‌ی آن با طبقه‌ی اجتماعی»، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۰ (۲)، ۱۳۸۸.
- عمرانی‌پور، علی؛ محمد مرادی، اصغر، «تحلیلی بر ویژگی‌های محیط در نظریه شخصیت اریکسون»، آرمان شهر، ۷، ۵۰-۴۱، ۱۳۹۰.
- غلامی، فریده، «روان‌شناسی دین: معنویت درمانی»، رشد آموزش مشاوره مدرسه، شماره ۳۸، ۴-۷، ۱۳۹۳.
- کریم خانی، حمزه، «در ساحل نهج البلاغه (ویژگی‌های انسان کامل)»، گلبرگ، ۶۸، ۱۳۸۴.
- کیائی، منصوره. «مقایسه ویژگی‌های انسان سالم در روانشناسی مثبت (با تکیه بر دیدگاه سلینگمن)»، پایاننامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۵.
- مرادی، محمدهادی، و عنایفه، مهین، «سیمای انسان کامل از دیدگاه قرآن و عرفان»، فصلنامه آفاق دین، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۰، ۲۹-۴۸.
- مصطفایی، علی و خاکپور، رحیم، «خوشبینی و بدبینی از منظر قرآن و روانشناسی (با تاکید بر نظریه سلینگمن)»، روانشناسی ارزش‌های اخلاق اسلامی، ۱ (۲)، ۱۳۹۶.
- مظاهری‌نژاد فرد، گلناز، «رویکرد صفات در تحول شخصیت: مطالعه مروری»، رویش روان‌شناسی، سال ۸، شماره ۱۱ (۴۴)، ۱۳۹۸.
- منصور، محمود؛ احساس کهرتی، به انضمام بررسی‌های بالینی آدلر - نظرهای بنیادی - تک بررسی‌های بالینی؛ چاپ پنجم، تهران؛ موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۷.
- میردریگوندی، رحیم؛ «رابطه شخصیت با نظام‌های ارزشی از دیدگاه آلپورت»، معرفت، ۶۴، ۱۳۸۹.
- ولی خانی، ماشالله، سعادت‌فر، حسن، رحیمی، عبدالواحد. «شناسایی ارزش‌های کارکنان بر اساس نظریه سیستم ارزشی آلپورت»، مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، ۱۵ (۶). ۱۵۸-۱۵۰، ۱۳۹۲.

research have been gathered by library research from printed sources, computers and scientific software and then organized following an analytical-descriptive method.

Keywords: the effects of caliphate, appointing a caliph, perfect man, Shia and Sunni exegeses.

The effects and blessings of man's caliphate according to the Quran from the viewpoint of Shia and Sunni Exegetes¹

Abdul Mahmoud Jahangiri²

Abstract

The purpose of this study is to define the meaning of man as the vicegerent of God and to find out what its effects and blessings are from the viewpoints of Shia and Sunni exegetes. The most comprehensive Quranic verse touching on this issue is verse 30 in chapter 2. Before mentioning man's creation in this chapter, God refers to man's spiritual status, i.e. his position as the vicegerent of God. This indicates the importance of this issue in man's fate. Man's status distinguishes him from other creatures, determines his position in the universe, and makes other creatures submissive to him. According to the apparent meaning of some other verses, this position is not limited to certain few people, namely Adam and the infallibles among his progeny. Of course, this high status does not belong to those who have fallen from the position of humanity. Therefore, fallible humans, depending on their capacity and provided that the necessary conditions are met and there are no obstacles, are vicegerents of God proportionate to their positions. The highest level of caliphate, however, belongs to perfect humans, the best example of whom are the infallibles. The outcomes of this study shows that being the manifestation of God, being revered by angels, becoming a role model for angels, living a spiritual life, being calm, having light to find the right path in the dark, salvation, getting the way out of darkness, felicity, entering Paradise and attaining eternal bliss are the effects of man's caliphate from the viewpoint of Shia exegetes. Considering that Sunni scholars and commentators confine the effects and blessings of caliphate only to the ruler of the faithful community, therefore, from their point of view, the most important effect of caliphate in the society is securing social justice by implementing Islamic laws, providing social security for the ease and calm of the faithful community, guarding the Islamic borders and preaching and propagating Islam. The data in this

1. Data received: 25/5/2021

Data accepted: 22/7/2021.

2. Associate professor at Quran and Hadith University, Deputy of Education at Bandar Abbas College of Quranic Sciences, Dean at Hormozgan Women's Seminary, memorizer of the Quran, commentator and researcher of the Quran. (When this article was published, the author had passed away on 23/8/2021 due to the Corona disease.) hamraz32@gmail.com.

spiritual health system is utilized to create balance between the woman's family and social roles. According to this perspective, women's family and social roles are not essentially contradictory and become contradictory only if their respective value systems become non-functional. The value laden system of monotheistic-based spiritual health is based on three principles: correct prioritization of values (giving precedence to spiritual values), determining the criterion of prioritizing the values (in the order of their closeness to the ultimate goal), and choosing the right value when there are conflicting values. When conflicting values occur for women, first their primary roles should be determined and then the right value should be chosen based on the necessities defined by these values like society needs, individual needs, and internal characteristics of women.

Keywords: spiritual health, women's family roles, women's social roles, conflict of values, balance of values.

The role of spiritual health in bringing balance for women in their social and family roles¹

Faezeh Sadat A

zim Zadeh Ardebili²

Fatemeh Razavi Rad³

Abstract

In the present world, many women play simultaneous roles in the family (as mother/spouse) and in society (by being socially/politically/culturally active). With the aim of analyzing women's family and social roles from the viewpoints of Islam and the West and evaluating their corresponding theoretical perspectives, and to study the conflicts between women's family and social roles and try to create a balance between them, the current study tries to answer the question that whether or not monotheistic-based spiritual health can, in the most perfect way, create a balance between women's family and social roles. There are four perspectives in studies relevant to women's family and social roles. The first perspective holds that women's family and social roles are essentially contradictive. According to this perspective, family roles are delegated to women based on sexual clichés and have priority over social roles. The second perspective maintains that, though the two roles are contradictive, since sexuality is a socio-cultural construct and emphasis is put on social roles; therefore, social roles take precedence. The third perspective, which is based on balance theory, supports the idea that both roles are equally important. This perspective has received criticism because of its inattention to cultural, social, age, and gender grounds. According to the fourth perspective, a monotheistic-based

1. Data received: 3/5/2021

Data accepted: 19/7/2021.

2. Associate Professor at Imam Sadiq (as) University, Association of Jurisprudence and Law, Tehran University, Women's Branch, Iran (Corresponding author) azimzadeh@isu.ac.ir.

3. M.A. in Women's Studies, Khwarazmi University, researcher at Islamic Revolution Educational and Research Institute.

and social roles. According to this perspective, women's family and social roles are not essentially contradictory and become contradictory only if their respective value systems become non-functional. The value laden system of monotheistic-based spiritual health is based on three principles: correct prioritization of values (giving precedence to spiritual values), determining the criterion of prioritizing the values (in the order of their closeness to the ultimate goal), and choosing the right value when there are conflicting values. When conflicting values occur for women, first their primary roles should be determined and then the right value should be chosen based on the necessities defined by these values like society needs, individual needs, and internal characteristics of women.

Keywords: spiritual health, women's family roles, women's social roles, conflict of values, balance of values

The role of spiritual health in bringing balance for women in their social and family roles¹

Faezeh Sadat Azim Zadeh Ardebili²

Fatemeh Razavi Rad³

Abstract

In the present world, many women play simultaneous roles in the family (as mother/spouse) and in society (by being socially/politically/culturally active). With the aim of analyzing women's family and social roles from the viewpoints of Islam and the West and evaluating their corresponding theoretical perspectives, and to study the conflicts between women's family and social roles and try to create a balance between them, the current study tries to answer the question that whether or not monotheistic-based spiritual health can, in the most perfect way, create a balance between women's family and social roles. There are four perspectives in studies relevant to women's family and social roles. The first perspective holds that women's family and social roles are essentially contradictory. According to this perspective, family roles are delegated to women based on sexual clichés and have priority over social roles. The second perspective maintains that, though the two roles are contradictory, since sexuality is a socio-cultural construct and emphasis is put on social roles; therefore, social roles take precedence. The third perspective, which is based on balance theory, supports the idea that both roles are equally important. This perspective has received criticism because of its inattention to cultural, social, age, and gender grounds. According to the fourth perspective, a monotheistic-based spiritual health system is utilized to create balance between the woman's family.

1. Data received: 3/5/2021

Data accepted: 19/7/2021.

2. Associate Professor at Imam Sadiq (as) University, Association of Jurisprudence and Law, Tehran University, Women's Branch, Iran (Corresponding author) azimzadeh@isu.ac.ir.

3. M.A. in Women's Studies, Khwarazmi University, researcher at Islamic Revolution Educational and Research Institute.

(in the order of their closeness to the ultimate goal), and choosing the right value when there are conflicting values. When conflicting values occur for women, first their primary roles should be determined and then the right value should be chosen based on the necessities defined by these values like society needs, individual needs, and internal characteristics of women.

Keywords: spiritual health, women's family roles, women's social roles, conflict of values, balance of values.

The role of spiritual health in bringing balance for women in their social and family roles¹

Faezeh Sadat Azim Zadeh Ardebili²

Fatemeh Razavi Rad³

Abstract

In the present world, many women play simultaneous roles in the family (as mother/spouse) and in society (by being socially/politically/culturally active). With the aim of analyzing women's family and social roles from the viewpoints of Islam and the West and evaluating their corresponding theoretical perspectives, and to study the conflicts between women's family and social roles and try to create a balance between them, the current study tries to answer the question that whether or not monotheistic-based spiritual health can, in the most perfect way, create a balance between women's family and social roles. There are four perspectives in studies relevant to women's family and social roles. The first perspective holds that women's family and social roles are essentially contradictory. According to this perspective, family roles are delegated to women based on sexual clichés and have priority over social roles. The second perspective maintains that, though the two roles are contradictory, since sexuality is a socio-cultural construct and emphasis is put on social roles; therefore, social roles take precedence. The third perspective, which is based on balance theory, supports the idea that both roles are equally important. This perspective has received criticism because of its inattention to cultural, social, age, and gender grounds. According to the fourth perspective, a monotheistic-based spiritual health system is utilized to create balance between the woman's family and social roles. According to this perspective, women's family and social roles are not essentially contradictory and become contradictory only if their respective value systems become non-functional. The value laden system of monotheistic-based spiritual health is based on three principles: correct prioritization of values (giving precedence to spiritual values), determining the criterion of prioritizing the values

1. Data received: 3/5/2021

Data accepted: 19/7/2021

2. Associate Professor at Imam Sadiq (as) University, Association of Jurisprudence and Law, Tehran University, Women's Branch, Iran (Corresponding author) azimzadeh@isu.ac.ir

3. M.A. in Women's Studies, Khwarazmi University, researcher at Islamic Revolution Educational and Research Institute.

The social characteristics of a revolutionary teacher based on the Quran and the traditions¹

Masoumeh Sharifi²

Mohsen Rafi'i³

Sediqeh Hujjati Najaf Abadi⁴

Abstract

The characteristics of a teacher in general and a revolutionary teacher in particular have since long been the center of attention for scholars. The purpose of this paper is to find out the social characteristics of a revolutionary teacher from the Quran and the traditions. In this research, the data have been gathered by conducting library research, taking notes and then processing the data employing a descriptive-analytical method. According to significant findings of this research, the characteristics of revolutionary educators according to the Quran and the hadith include enjoining good and forbidding evil, having a competitive spirit, being open to counselling, seeking justice, wanting to guide others, pursuing unity, accepting advice, readiness to give advice, not expecting compensation from other than God, timely use of strong arguments, insight, and foresightedness. Raising a revolutionary generation depends on having teachers with necessary characteristics one of which is the teachers themselves being revolutionary. As for how to achieve each of the above, further research is required.

Keywords: revolutionary teachers, social characteristics, the holy Quran, hadith.

1. Data received: 21/4/2021 Data accepted: 19/7/2021.

2. Associate Professor at Farhangian university of Islamic Teachings, Ayatullah Taleqani Branch, Qom, Iran. Email: dr_mohsen_rafi'i@yahoo.com.

3. Associate Professor at Farhangian university of Islamic Teachings, Hazrat Ma'soumeh Branch, Qom, Iran. (Corresponding author) Email: dr_sharifi_masoomah@yahoo.com.

4. M.A. graduate in Quran and Hadith Sciences, Farhangian university, Qom, Ayatullah Taleqani Branch. Email: hojati1421@gmail.com.

Outlining and explaining man's relationships in building new Islamic civilization from the viewpoint of the Quran¹

Yasin Tavakkoli²

Rouhollah Tavakkoli³

Abdullah Tavakkoli⁴

Abstract

The goal of this research is to outline and explain man's relationships in building new Islamic civilization based on the teachings of the Quran. According to religious teachings building a civilization, designing the proper system to achieve this goal, creating the necessary institutions, and finally, establishing the ideal society begin with man's self-construction since man is the basic unit of change that contributes to building of a new Islamic civilization. Though a lot of scholarly work has been carried out about man's relationships as well as about Islamic civilization, there is still need for scientific study and explanation of man's relationships in the new Islamic civilization based on the Quran. The present study aims at conducting an in-depth such study by adopting a qualitative approach and following the method of content and network of contents analysis. The findings of this research show that, according to the Quran, man's relationships can be studied and analyzed from five aspects: man's relationship with himself, his relationship with other people, his relationship with nature, his relationship with the hereafter, and his relationship with God. Man's relationship with himself has been divided into two systematizing contents: knowing oneself and self-construction. Man's relationship with other people has been divided into two systematizing contents: justice and doing good to others. Man's relationship with nature has been divided into four systematizing contents: exploitation, domination, destruction, and putting in danger. Man's relationship with the hereafter has been divided into two systematizing contents:

1. Date received: 29/3/2021 Data accepted: 10/7/2021.

2. Ph.D of Philosophy of Education, Farhangian University, Fatimah al-Zahra (s) Branch, Tabriz. (Corresponding author) Email: y.tavakkoli@cfu.ac.ir.

3. B.A. student of Consulting, Farhangian University, Ardebil. Email: rohollah.tavakoli.76@gmail.com.

4. B.A. student of Elementary Education, Farhangian University, Tabriz. Email: yassin.tavakoli@gmail.com.

taking responsibility and attaining reward. Man's relationship with God – which is the base for all his other relationships – means his servitude to and worship of God. Each of these contents consists of several sub-contents. The basic contents enumerated in this research are 46 contents all of which are derived from the Quran. All these contents have been used to design a network of interrelated contents. This network can be used to create the new Islamic civilization.

Keywords: man's relationship, making a new Islamic civilization, Quranic teachings.

The role of Mahdism and Waiting in strengthening family ties during the Corona pandemic¹

Mahmoud Maleki Rad²

Abstract

Family is the ground for expanding man's capabilities and has an important role in actualizing children's material and spiritual potentials. Sometimes, the occurrence of calamities or crises may destroy the morale of the members of the family and ultimately lead to the family falling apart. The doctrine of Mahdism and Waiting have the capacity to strengthen family ties in the face of such crises like the Corona disease. Therefore, in this paper this subject is put under research. One important feature of this research is expounding on impacts of Mahdism and Waiting on the family in three arenas of beliefs, values, and behaviors. As for beliefs, the doctrine of Mahdism strengthens one's faith and belief in imamate. As for values, it emphasizes the spiritual characteristics of those who are waiting for the Imam (as). As for behavioral norms, it regulates the behaviors of the family members and give their behaviors a trace of the belief in Mahdism. In the present study, rational and textual reasons as well as explaining and analysis of Quranic verses and traditions have been exploited to explain the effects of Mahdism on those arenas.

Keywords: Waiting, Mahdism, family's calmness, Corona.

1. Data received: 3/3/2021

Data accepted: 3/7/2021

2. Faculty member at Islamic Sciences and Culture. Email: m.malekirad@isca.ac.ir

Restudying the Islamic balanced family from the viewpoint of Imam Reza (as) based on a qualitative-inductive content analysis¹

Mohsen Qamar Zadeh²

Khadijeh Ahmadi Bighash³

Abstract

The family is a sacred institution that greatly affects the spiritual health of people, the improvement and strengthening of the culture and beliefs of the society, and the transfer and spread of the Islamic civilization. Today, the imperialist powers of world try to desacralize the institution of family. Certain schools of thought like liberalism propagate individualism and discourage taking responsibility, both of which are counter to the foundations of the family. These beliefs have become so prevalent that their traces can be found even in the Islamic society. By conducting a qualitative-inductive analysis of traditions narrated from the infallibles especially from Imam Reza (as) and having a holistic and strategic outlook at the institution of family, this paper tries to solve the problems the family faces. In a general perspective, the sayings of Imam Reza (as) on the subject of family can be divided into three groups: theoretical views of Imam Reza (as) about the family, practical methods suggested by the Imam (as) for strengthening the institution of family, and the duties of the members of the family outlined by the Imam (as). It has to be noted that seeking help from the methods the infallibles suggested for bringing change to views and policymaking regarding the family is a huge step in guiding the society toward perfection and would provide us with the outlines of an exemplary Islamic balanced family.

Keywords: Imam Reza (as), lifestyle, the Islamic balanced family, qualitative-inductive content analysis.

1. Data received: 13/3/2021 Data accepted: 7/6/2021

2. Ph.D of Quran and Hadith Sciences, Head of Quran and Hadith Association at Jurisprudential Center of the Infallible Imams (as). Email: ghamarzadehm@gmail.com.

3. Graduate in Level 4 Comparative Exegesis, (Corresponding author). Email: kh.ahmadi3103@yahoo.com.

Legal and ethical criteria of a functioning family from the viewpoint of Islam¹

Mohammad Mehdi Safoura'i Parizi²

Abstract

The purpose for which this research was conducted is to introduce the ethical and legal criteria of a functional family based on the Islamic teachings derived from authentic Islamic sources. These criteria and characteristics have been obtained by adopting a descriptive-analytical approach at the traditions and Quranic verses on the subject of family. The outcomes of this research show that religious sources are full of moral instructions covering all aspects of family life – which is the center of material and spiritual improvement of an individual and the society. If observed and implemented properly, these instructions will guarantee the functionality of the family and improvement of its members. Telling the truth, optimism, expressing love, mutual respect, forgiveness, greeting each other, being caring, kind and patient are among the most important teachings and moral behaviors that have direct impact on the functionality of the family. The outcomes of this research also indicate that the religious sources have established rights for each member of the family including the husband, wife, child, father, and mother. Correspondingly, the religious sources have assign each member certain duties. Observing these rights and performing these duties contribute to functionality of the family.

Keywords: moral criteria, legal criteria, the functional family, Islamic authentic sources.

1. Data received: 24/3/2021 Data accepted: 22/7/2021

2. Associate Professor of Educational Psychology at Almustafa International University, Qom, Iran. Email: safurayi@gmail.com

man's improvement is his selflessness and doing good to people. According to Imam Sajjad (as), achieving perfection requires living in a healthy and united society and having love for and devotion to God.

Keywords: man with healthful personality, Islamic views, psychological views, al-Sahifah al-Sajjadiyyah.

A comparative study of a person with healthful personality according to Islamic and Western psychologies with an emphasis on the views of Imam Sajjad (as) and Allport ¹

Mahnaz Kaboudi²

Zahra Bahmani³

Abstract

Personality psychology is an important branch of psychology. Evaluating the improvement and health of the human being would be fruitless without conducting a foundational study of his personality. Since Islam considers life in this world a requisite for eternal life in the hereafter, it considers man's healthy personality a requisite for a healthful life in the hereafter. The present paper aims at studying psychological and Islamic views about the characteristics of a perfect and spiritually healthful man. Having this goal in mind and doing library research, I have studied the views of prominent psychologists specialized in personality. With a focus on the characteristics of a perfect man, I have studied the views of such psychologists as Allport, Rogers, Fromm, Jung, Maslow, Frankl, Seligman, and Perls. I have also studied the Islamic views about the characteristics of a perfect man. Undoubtedly, the Quran and the sayings and conduct of the Infallibles are the main sources of studying the perfect man. In this regard, al-Sahifah al-Sajjadiyyah in many places speaks of the characteristics of an ideal person and how he can attain spiritual transcendence and thus reach perfection and eternal felicity. The Sahifah, though apparently just a book of supplication, is in fact an encyclopedia of science inside which profound teachings regarding monotheism, prophethood, imamate, and the perfect man are presented in the form of supplications. The findings of this research show that Sahifah al-Sajjadiyyah puts forth the characteristics of a person with a healthy personality in three domains: one's relationship with God, one's personal life, and one's social life. From the viewpoint of Imam Sajjad (as) one of the ways of

1. Data received: 6/1/2021

Data accepted: 1/6/2021

2. Associate Professor of Educational Psychology, Farhangian University, Kermanshah, (Corresponding author). Email: Kabodim52@gmail.com.

3. M.A. graduate in Psychology, Azad University, Science and Research Unit, Bushehr. Email: Zahra.bahmani.24@gmail.com.

The role of spiritual health in bringing balance for women in their social and family roles/ Faezeh Sadat Azim Zadeh Ardebili, Fatemeh Razavi Rad

The social characteristics of a revolutionary teacher based on the Quran and the traditions/ Masoumeh Sharifi, Mohsen Rafi'I, Sediqeh Hujjati Najaf Abadi

Outlining and explaining man's relationships in building new Islamic civilization from the viewpoint of the Quran/ Yasin Tavakkoli, Rouhollah Tavakkoli, Abdullah Tavakkoli

The role of Mahdism and Waiting in strengthening family ties during the Corona pandemic/ Mahmoud Maleki Rad

Restudying the Islamic balanced family from the viewpoint of Imam Reza (as) based on a qualitative-inductive content analysis/ Mohsen Qamar Zadeh, Khadijeh Ahmadi Bighash

Legal and ethical criteria of a functioning family from the viewpoint of Islam/ Mohammad Mehdi Safoura'i Parizi

A comparative study of a person with healthful personality according to Islamic and Western psychologies with an emphasis on the views of Imam Sajjad (as) and Allport / Mahnaz Kaboudi, Zahra Bahmani

Culture & Thought)

Mohsen Rafiei, Ph.D.

(Assistant Professor of Quran & Hadith Sciences, Farhangian University, Qom)

Ahmad Rahnamaei, Ph.D.

(Associate Professor, Department of Educational Sciences, Imam Khomeini's Educational & Research Institute)

Mohammad Mahdi Safouraei, Ph.D.

(Associate Professor, Department of Educational Psychology, Al-Mustafa International University)

Masoumeh Sharifi, Ph.D.

(Assistant Professor of Quran & Hadith Sciences, Farhangian University, Qom)

Zeinab Tayebi, Ph.D.

(Assistant Professor of Quran & Hadith Sciences, Farhangian University, Qom)

Reviewers of This Number (in Alphabetical Order):

Fatemeh Alipour(Ph.D.) ,Abdul Mahmoud Jahangiri(Ph.D.), Fatemeh Sadat Hashemian (Ph.D, Nafiseh Faghihi Moghadas (Ph.D.), Hassan Mohammadpour, Mohsen Rafiei (Ph.D.), Zohreh Shariat Naseri (Ph.D.), Masoumeh Sharifi (Ph.D.), Mohammad Hassan tayyebi, Zeinab Tayebi (Ph.D.).

Partners of This Number: Mohammad Sadegh Pourvahab, Zeinab Souri.

Address: The Office of Basij of the sisters of Farhangian University of Qom province, Opposite Banafsheh Boustan, Shahid Karimi Boulevard, Qom, Iran

Site address: <http://qej.cfu.ac.ir/journal/contact.us>

Telephone: 02532704673

Email: quran.etrat.journal@gmail.com qej@cfu.ac.ir

It is permitted to cite the sources referred in this journal.

“Bi-Annual Scientific Journal of Educational & Social Studies of Quran & Etrat” was licensed by the Ministry of Culture & Islamic Guidance, No.80717, Date: 25/12/2017.

Quran and Itrat Journal of Educational and Social Studies

4th Year - spring & summer 1400- volume 7

The effects and blessings of man's caliphate according to the Quran from the viewpoint of Shia and Sunni Exegeses/Abdul Mahmoud Jahangiri

Quran and Itrat

Quran and Itrat Journal of Educational and Social Studies

4th Year - spring & summer 2021- volume 7

Proprietor & Chief Director:	The Head of Basij of the sisters of Farhangian University of Qom province :Masoumeh Sharifi (Ph.D.)
Editor-in-Chief:	Zeinab Tayebi (Ph.D.)
Executive Manager:	Hadi Borhani
Copy Editors:	Zeinab Tayebi (Ph.D.), Zeinab Rabiei
English Editors:	Ghulam Ali Javadi
Page Layout:	Hamideh Sarraf
Language:	Persian
Release Format:	Printed-Electronic
Release Frequency:	Bi-Annual
Circulation:	200 Copies
Editorial Board (in Alphabetical Order):	
Faezeh Azimzadeh Ardabili, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Jurisprudence & Islamic Law, Imam Sadiq University)
Mohammad Faker Meibodi, Ph.D.	(Professor, Department of Quran & Hadith Sciences, Al-Mustafa International University)
Fariba Hajali, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Jurisprudence & Principles of Islamic Law, Al-Zahra University)
Abdollah Motamedi, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Psychology, Allameh Tabataba'i University)
Zahra (Shadi) Nafisi, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Quran & Hadith Sciences, University of Tehran)
Hamid Parsania, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Sociology, Research Institute for Islamic